

۵۵۸۳

دلائل امام عظیم

ابن حنیفہ رحمۃ اللہ علیہ

در عقائد

تالیف

عطاء اللہ الحنیفی دیوبندی
النقشبندی الافغانی

فارسی

سنہ ۱۳۲۹ھ شمس

81448

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی رسوله محمد وآله واصحابه

اجمعین اما بعد -

درین زمانه بسیار مردم چنین اند که خود را حنفی میگویند ولیکن از مذهب

امام خود امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله خبر ندارند بلکه عقاید و اعمال آنها بر

خلاف امام اعظم رحمه الله است - وسیب بی خبری شان این است که ایشان را

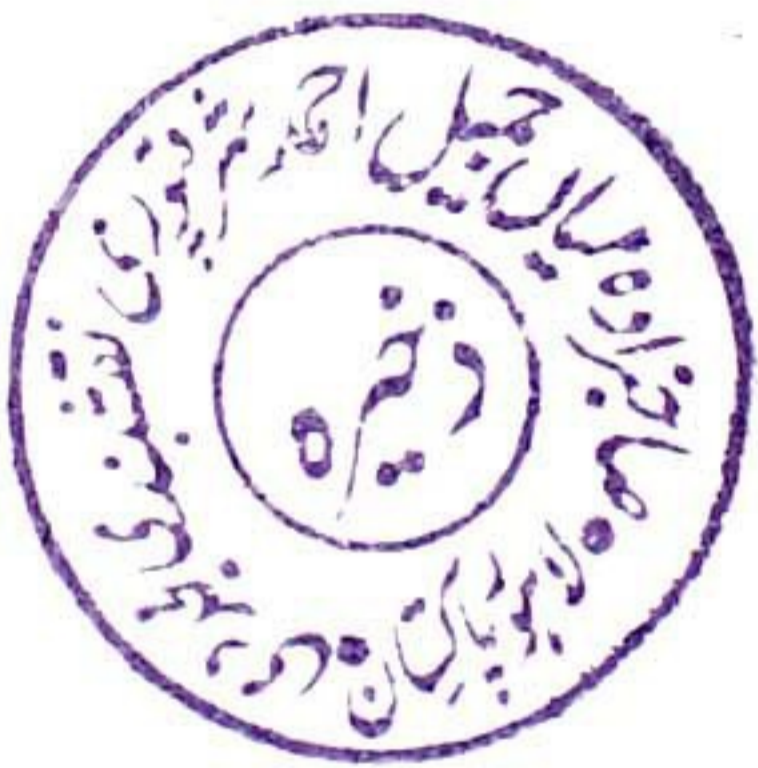
کسی مذهب امام اعظم رحمه الله به طور صحیح نشان نداده است.

پس به این لحاظ بر خود لازم دانستم که در پرتو روشنی علم اصلاح این

سخنان بی بنیاد و بی سند کرده شود، وحق از باطل جدا شود.

باید که حق را قبول و از عقائد باطله و اعمال خرافیه و بی اساس خود داری

و پرهیز کنیم.



باب اول

(اساس ومبدء مذهب امام اعظم رحمه الله)

اساس وبنیاد مذهب امام اعظم رحمه الله این است: که مسائل دین اسلام به دو قسم است، یکی اصول و عقائد، دوم فروع و احکام در اصول و عقائد بدون دلیل قطعی مسئله ثابت نمیشود، مانند آیات محکمت و احادیث متواتره.

مراد از آیات محکمت آن آیت ها است که مراد و مطلب آن هم واضح و روشن باشد و منسوخ هم نباشد.

و احادیث خبر واحد در احکام فرعیه شرعیه قابل عمل است از جهت عمل به احتیاط و تمسک به جزم - النور اللامع ص ۹۹-۱۰۰ الحواشی البهیة ج ۱ ص ۵۹

و ناصری در نور لامع نوشته که احادیث خبر واحد عمل را واجب میسازد و لکن موجب علم نیست و دریک مقام دیگر نوشته که بناء ثبوت عقائد به احادیث خبر واحد نیست چرا که علم یقینی را افاده نمیکند، کذا قال ابو البرکات النسفی فی المنار و حاشیه آن فتح الغفار.

وقال ابن الهمم فی التحریر ص ۳۳۴ و ابن عبد الشکور فی مسلم الثبوت و ملا علی قاری فی شرح نخبه الفکر.

و امام شافعی رح اجماع مسلمین را به حجت بودن خبر واحد در رساله نقل کرده. و در کتاب اصول دین عند ابی حنیفه رح گفته: که این سخن از امام اعظم ابو حنیفه رح هم ثابت نشده که خبر واحد افاده علم نمیکند و نیز در عقائد و اعمال تفرقه نکرده در قبولیت خبر واحد و از روایت ثقات نقل شده: که چون حدیث از آن

حضرت ﷺ ثابت شود ما ضرور به آن عمل میکنیم و به سوی دیگر طرف تجاوز
نمیکنیم، کذا فی مناقب ابی حنیفه للموفق بن احمد مکی ص ۲۱

در کتاب اصول دین عند ابی حنیفه رح نوشته: که بسیار توجه و اعتناء صحابه
رضی الله عنهم در فهمیدن نصوص قرآن کریم و احادیث بوده و به آن عمل میکردند،
و نیز نوشته که امام اعظم ابوحنیفه رح و مالک و شافعی و احمد رحمهم الله برین سخن
متفق اند که تمسک و پیروی قرآن و احادیث واجب است و آنچه مخالف این هر دو باشد
واجب التبرک است، چرا که امام اعظم ابوحنیفه رح فرموده: إذا صحَّ الحديث فهو
مذهبی - کذا فی شامی ج ۱ / ص ۶۷ و رسم المفتی من مجموعة رسائل ابن عابدین
ص ۳ / و ایقاظ الهمم ص ۶۲ و نیز قول امام اعظم رح است که برای کسی حلال
نیست که از کتاب من فتوی بدهد تا آنکه معلوم نکند که من از کجا گفتم - کذا
فی الانتقاء لابن عبد البر ص ۴۵ و المیزان الکبری .

و همین قول امام مالک رح است، کدام نظریه من که سواقت قرآن و حدیث
باشد به آن عمل کنید و کدام قول و نظریه بیکه مخالف آن باشد آن را ترک کنید،
ایقاظ الهمم ص ۷۲

و نیز امام شافعی رحمه الله فرموده: که چون در کتاب من خلاف از حدیث
دیدید عمل به حدیث کنید و به قول هیچ کسی توجه نکنند.

و نیز امام احمد رح فرموده: کسی که حدیث رسول کریم ﷺ را رد کند این
شخص به کنارهء هلاکت رسیده است.

کذا فی اصول الدین عند الامام ابی حنیفه رح ص ۶ الی ص ۷ قاضی محمد

ثناء اللہ الفانی فتی المتوفی ۱۳۲۵ھ

صاحب تفسیر مظهری حنفی در ذیل آیت کریمہ سورہءء نجم تحریر فرمودہ:
قوله تعالى: «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ الظَّنُّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» ای هؤلاء
الكفار الجهال لا يتبعون في عقائدهم أفسادة إلا الظن الحاصل بالتقليد أو بالتوهم
الباطل من غير دليل، وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا، یعنی لا يقوم الظن الحاصل
بالتقليد ونحوه مقام العلم الحاصل بدليل قطعی سمعی او عقلی فلا يجوز للعاقل
اتباع الظن بل يجب طلب اليقين، فإن قيل جاز في الشرع اتباع الظن في العمليات
وغالب مسائل الفقه مستنبطة من الأدلة الظنية وأيضاً ثبت بأحاديث الأحاد ونحو
ذلك كثير من القصص الماضية وتفاصيل نعم الجنة وعذاب جهنم وتفاصيل اخبار يوم
المعاد فلو كان الظن لا يفيد شيئاً من العلم لكان تعليمها عبثاً ولا يجوز القول بها
ولا العمل بالفقه والاعتقاد بها، قلنا معنى هذه الآية أنه لا يجوز اتباع الظن فيما
يعارضه العلم الحاصل بدليل قطعی وأن الظن لا يفيد فائدة العلم اذ لا شك أن
الأضعف لا يصادم الأقوى فمقتضى هذه الآية أن العقائد الحقة الثابتة بالأدلة
القطعية العقلية أو الآيات المحكمات والأخبار المتواترات السمعية لا يجوز تركها
باتباع الظن ويجب ما امکن تحصیل العلم من الأدلة القطعية والعمل بها وفيما لا
يوجد دليل قطعی فالعقل بحکم الجزم والاحتياط يوجب العمل بدليل ظنی - اهـ

تفسیر مظهری ج ۹ ص ۱۱۹

صاحب تفسیر مظهری حنفی در ذیل آیت کریمہ سورہءء یونس چنین نوشته

است:

قوله تعالى: **إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ**»

سوره یونس آیت ۶۸

۱- فيه تنبيه على أنه لا يجوز أن يقول أحد قولاً لا دليل عليه وأن العقائد لا

بد لها من دليل قاطع يوجب العلم ولا يجوز التقليد فيها ج ۵ ص ۴۵ مظهری

و در ذیل آیت کریمه، سوره، کھف چنین نوشته است:

قوله تعالى: **«لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ»** ای ببرهان ظاهر

۲- فإن الدين لا يؤخذ إلا بالبرهان القطعي، فإن الظن والتقليد لا يجوز اتباعه

في العقائد - ج ۶ ص ۱۹ مظهری.

و در ذیل آیت کریمه، سوره، لقمان نوشته است قوه تعالى: **«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ**

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ كُفُوا كَمَا كَفَّ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ

إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ» سوره، لقمان آیت ۲۱

۳- قال: فيه منع التقليد في اصول الدين - قوله إلى عذاب السعير أي

بالبقاء حسن التقليد أو حسن الاشرار في قلوبهم - والاستفهام للانكار ج ۷ ص

۲۶۰ مظهری

۴- و در ذیل آیت سوره، نجم چنین نوشته است: قوله تعالى: **«وَإِنَّ الظَّنَّ لَا**

يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» قال: والمعنى إن الظن لا يغني من العلم شيئاً - ثم قال:

ومقتضى هذه الآية أن العقائد الثابتة بالأدلة العطفية العقلية أو الآيات المحكمات

والأخبار المتواترات السمعية لا يجوز تركها باتباع الظن ج ۹ ص ۱۱۹ مظهری

۵- وبه مثل این در تفسیر روح المعانی در ذیل آیت کریمه، سوره، نجم نوشته

است: « فلا يعتد بالظن في شأن المعارف الحقيقية أعني المطالب الاعتقادية التي يلزم فيها الجزم ولولم يكن عن يقين - ج ٢٧ ص ٩ روح المعاني.

ترجمه و خلاصه، اقوال صاحب مظهری اینکه: در مسائل عقائد بدون دلیل قطعی تقلید کسی جائز نیست و نه به مجرد تقلید کدام مسئله، اعتقادی ثابت میشود، و در قول دوم فرمود: که پیروی سخن غیر قطعی و مجرد تقلید در باب عقائد جائز نیست.

و در قول سوم فرمود: که درین آیت ثبوت ممانعت تقلید است در اصول دین و در قول چهارم فرمود: که به مجرد تخمین و تقلید کورانه، پدر ان عقائد ثابت به دلائل قطعیه را ترك نباید کرد.

و صاحب روح المعانی در آیت نجم فرمود: که در باب عقائد به مجرد تخمین و تقلید کورانه، پدر ان هیچ اعتبار نیست.

اقوال امامان و اقوال مفسر مظهری و تفسیر روح المعانی به این جهت نقل کردم که درین زمانه بسیاری مسلمانها در عقائد خود پیروی تخمین و وهم خود میکنند و نیز بلا دلیل تقلید کورانه، پدران را میکنند نیز بسیار مسلمانها چنین اند که گفته های بی سند مردم را و ابا و اجداد را بر حدیث مقدم میدانند و حدیث را رد میکنند و صاحب منار از علماء حنفیه است فرموده: که اصل مذهب علماء احناف آن است که فرائض و تحریم مسائل دینی ثابت نمیگردد مگر به نص قطعی و بابه تصریح قرآن کریم که قطعی الدلالة باشد، آن عده آیات و احادیثیکه روایتش هم قطعی و دلالتش هم قطعی باشد اختلاف و تفرق مسلمین در آن هرگز جائز نبوده

و نیست.

و آن دلائلیکه دلالت قطعی و ثبوت قطعی نداشته باشد بلکه فقط ظن را فائده میکند پس به آن در باب عقائد دلیل گرفته نمیشود.

اما در دیگر احکام و فروع به دلائل چهارگانه مسئله ثابت شده میتواند.

۱- قرآن کریم

۲- حدیث قولی یا فعلی یا تقریری

۳- اجماع صحابه، رضی الله عنهم

۴- اجتهاد و قیاس ائمه، مجتهدین

در شامی نوشته: که قیاس آن اشخاص قابل قبول و مدار اعتبار است که قبل از سنه (۴۰۰ هـ) زیست داشتند اما بعد از صدها چهارم قیاسی کسی قابل قبول و مدار اعتبار نیست.

مذهب امام اعظم رحمه الله این است که اگر يك مسئله در احکام و فروعاًت به دلیل قرآنی ثابت شده باشد و احادیث نیز آن را تأیید کند بسیار خوب و بهتر است و اگر مخالف با قرآن کریم باشد باز آن هرگز قابل قبول و مدار اعتبار نیست زیرا قرآن کریم از همه اول و مقدم تر است، چنانچه ارشاد خداوندی است: «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ» سوره اعراف آیت ۳ ترجمه: پیروی کنید آن چیزی را که نازل کرده شده به سوی شما از جانب پروردگار شما، و پیروی نکنید به غیر از او دوستان را اندکی پند می پذیرید.

زیرا تنها برای الله تعالی حق حاصل است که برای شما دین را تعیین کند

عبادات را فرض نماید و تنها اوست که بندگان را مکلف سازد به حلال گردانیدن اشیاء مفید و حرام گردانیدن اشیاء مضر، و اگر کدام مسئله و موضوع فرضاً در قرآن کریم موجود نباشد و به واسطه حدیث صحیح آن ثابت گردد باز عمل نمودن به حدیث لازم است و به اجماع و قیاس اعتماد داده نمیشود، و اگر در مورد آن مسئله حدیث صحیح موجود نباشد باز در آن صورت اجماع صحابه کرام رضی الله عنهم دلیل شده میتواند، و اگر به اجماع صحابه هم ثابت نشده باشد باز قیاس ائمه مجتهدین دلیل شمرده میشود.

و این قول تمام مجتهدین است و نیز از امام اعظم رحمه الله هم نقل شده: فرموده: چون حدیث به سند صحیح ثابت شد همان مذهب من است (إذا صح الحدیث فهو مذهبی) کذا فی الشامی والدر المختار.

علامه بیری حنفی و دیگر فقهاء احناف نوشته اند: که هرگاه يك حدیث به سند صحیح ثابت شود اگر چه مخالف از مذهب امام اعظم رحمه الله باشد پس عمل کردن به آن حدیث لازم است چرا که همین مذهب امام اعظم رحمه الله است و در صورت پیروی حدیث کسی از مذهب حنفیه نمیر آید، به جهت اینکه این قول به سند صحیح از امام اعظم رحمه الله ثابت شده است: که چون حدیث به سند صحیح ثابت شد همان مذهب من است، شامی و در مختار

در شرح منار بروایت ابو الیث الفقیه الحنفی السمرقندی از امام اعظم رحمه الله چنین منقول است: «قال حدثنا ابراهیم بن یوسف عن ابي حنیفة رحمه الله قال: لا یحل لأحد أن یأخذ بقولنا ما لم یعلم من این قلناه»

ترجمہ: برای هیچ کسی جائز نیست کہ بہ قول من عمل کند تا وقتیکہ معلوم نکند کہ ما از کجا این موضوع را گفته ایم.

و در کتاب روضة العلماء از امام اعظم رحمہ اللہ روایت نقل کردہ: قيل لا يجرى حنيفة رحمه الله: إذا قلت قولاً وكتاب الله يخالفه؟ قال: اتركوا قولي لكتاب الله فقيل: إذا كان خبر الرسول ﷺ خالفه؟ قال: اتركوا قولي لقول الرسول ﷺ فقيل: إذا كان قول الصحابة يخالفه؟ قال: اتركوا قولي لقول الصحابة. «

ترجمہ: یعنی بہ امام اعظم رحمہ اللہ گفتہ شد: کہ اگر قول شما مخالف با کتاب اللہ تعالیٰ باشد پس چہ باید کنیم؟ او فرمود: کہ قول مرا ترک کنید و بہ کتاب اللہ تعالیٰ عمل کنید، باز کسی پرسید: کہ

اگر قول شما با قول رسول اکرم ﷺ مخالف باشد پس چہ باید کنیم؟ او فرمود: کہ قول مرا ترک کنید و بہ قول رسول اکرم ﷺ عمل کنید، و باز کسی پرسید: کہ اگر قول شما با قول صحابہء کرام مخالف باشد پس چہ باید کنیم؟ او فرمود: کہ قول مرا ترک کنید و بہ قول صحابہء کرام عمل کنید. شرح منارج ۲

ص ۸۲-۸۳ و ص ۵۲۶-۵۲۷ ج ۴/

باب دوم در بیان ایمان

امام اعظم رحمه الله فرموده: که ایمان فرض عین است به دلیل این قول الله تعالی: « وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا » سوره فتح ع ۲ آیه ۱۳

ترجمه: کسیکه به الله ورسولش ایمان نه آرد پس بلا شبهه ما برای کافران آتش سوزان را تیار کرده ایم.

دوم: به دلیل این قول الله تعالی: « قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا، الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ » سوره اعراف ع ۲۰ آیت ۱۵۸

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ): که ای مردمان به تحقیق که من فرستاده الله تعالی هستم به سوی همه شما، فرستاده آن ذات هستم که تنها برای او پادشاهی و ملکیت آسمانها و زمین است، و به غیر از او هیچ کسی لائق عبادت و بندگی نیست و هیچ جای توجه و تضرع در همه حاجات و مشکلات به غیر از او نیست پس ایمان آرید به الله و به رسولش - (یعنی ایمان آرید به یگانگی وی در الوهیت و ایمان آرید به حقیقت، سالت رسولش.)

سوم: به دلیل این قول الله تعالی: « آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ » سوره حدید ع ۱ آیت ۷

ترجمه: ایمان آرید به الله تعالی و به رسولش و خرج کنید از آن مالیکه شما را در آن

خلیفه ساخته، پس آن کسانی که ایمان آورده از جمله شما و خرچ کرده (مالهای خود را در راه الله) برای شان اجر بزرگ است.

چهارم به دلیل این قول الله تعالی: « وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ » سورهء حدید ع ۱۶ آیت ۸

ترجمه: وجه باعث است بر شما که ایمان به الله تعالی نیاورید و حالی آنکه رسول کریم ﷺ شما را میخواهد که ایمان آرید به پروردگار خود و حال آنکه از شما عهد محکم را گرفته است اگر مؤمنان هستید.

پنجم به دلیل این قول الله تعالی: « وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ » مائده ع ۱۶ آیت ۵

ترجمه: و کسی که کفر به ایمان کند پس بلا شبهه عمل نیک او بر باد و نابود شد و او در آخرت از جملهء زیان کارانند.

ششم به دلیل این قول الله تعالی: « وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ » سورهء عنکبوت ع ۶ آیت ۲

ترجمه: و آن کسانی که ایمان آورده به اله باطل و کفر کرده اند به الوهیت الله تعالی تنها اینها خساره مند اند.

هفتم به دلیل این قول الله تعالی: « وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ أُولَئِكَ يَتَسَوَّأُونَ مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ » سورهء عنکبوت ع ۳ آیت ۲۳

ترجمه: و آن کسانی که کفر کرده به آیت های الله تعالی و به ملاقات الله آنها از رحمت من نا امید اند و برای شان عذاب دردناک است

ف: از این هفت آیت و به مثل این دیگر نیز چنین آیت ها است که از آن ها فرضیت ایمان ثابت شده است و کسیکه بی ایمان باشد تمام عملهای نیک او برباد و نابود شده است و از رحمت الله تعالی محروم است و در روز آخرت در خساره بزرگ واقع است و برای عمل های آنها ترازو قائم نمیشود چرا که همه عملهای آنها مردود و نابود است.

اکنون فهمیدن به این سخن فرض است که ایمان آوردن به الله تعالی چطور است و کدام علامه ایمان داری است و کدام ایمان قبول است و ذریعه دخول جنت است و ذریعه نجات از آتش دوزخ است؟

بدانید به این سخن که بسیاری مسلمانها و بعض علماء که خود را حنفی میگویند عقیده دارند که ایمان آوردن به الله تعالی این است که خدا موجود است و خالق آسمان ها و زمین است و بی ایمانی این را میگویند که خدا نیست و یا خدا دو و سه است و این عقیده برخلاف آیت های قرآنی و برخلاف احادیث نبوی و برخلاف مذهب امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله است.

چرا که در آیت های بی شمار الله تعالی در قرآن کریم ذکر فرموده: که مشرکین مکه و اهل کتاب از یهود و نصاری و صابئین و حتی که قوم نوح و قوم هود و قوم صالح و قوم ابراهیم علیهم السلام و خود فرعون و هامان و قارون این همه به وجود الله تعالی ایمان داشتند، درین باره با حضرات انبیاء کرام هیچ مخالفت نداشتند.

دلیل اول از قرآن به اینکه مشرکین به وجود الله تعالی و خالقیت او ایمان

داشتند:

«وَلَيْتِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولُنَّ اللَّهُ

فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ» سورہء عنكبوت ع ۴ آیت ۴۱

ترجمہ: اگر شما پپرسید از مشرکین کہ کی پیدا کردہ آسمانها وزمین را و

مسخر ساخته آفتاب ومہتاب را؟ در جواب شما ضرور میگویند: کہ این کارها

اللہ تعالیٰ کردہ پس ایشان بہ کدا ^{طرف} از دربار این ذات قادر وتوانا گردانیدہ

میشوند؟

دلیل دوم از قرآن:

«وَلَيْتِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لِيَقُولُنَّ

اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» سورہء عنكبوت ع ۴ آیت ۴۳

ترجمہ: اگر شما پپرسید از مشرکین کہ آب را از آسمان کی نازل کردہ باز زندہ

ساختہ بذریعہء آن زمین را بعد از خشک شدن آن؟ پس ایشان در جواب شما ضرا

میگویند: کہ این کارها را اللہ تعالیٰ کردہ- بگو- ای محمد (ﷺ) کہ الحمد لله

شما بہ این کارهای اللہ اقرار کردید- بلکه بسیاری آنها از عقل خود کار نمیگیرند

کہ مخالفت عقیدہ واقرار خود را نمیدانند) یعنی بہ این سخن خو اعتراف میکنند کہ

خالق اسمانها وزمین وآفتاب ومہتاب ونازل کنندهء آب تنها او تعالیٰ است وبوجود

این دربارعالی او را گذاشته مخلوق عاجز وناتوان راحقدار توجہ وتضرع در حاجات

ومشکلات ساخته اند.

دلیل سوم از قرآن:

«قُلْ مَنْ يُرِزُّكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ

الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ» سورة یونس ع ۴ آیت ۳۱

ترجمہ: بگو ای محمد (ﷺ) بہ مشرکین مکہ: کہ از آسمان وزمین بہ شما کی روزی میدہد، وکیست مالک گوش وچشم ہا وکیست کہ زندہ را میکشد از مردہ ومردہ را میکشد از زندہ وکیست کہ تدبیر نظام تمام عالم را میکند؟ پس ایشان در جواب شما میگویند: کہ این کارها را اللہ تعالیٰ میکند، پس برای شان بگو: کہ پس چرا از شریک ساختن دیگران با او پرهیز نمیکنید؟

دلیل چہارم از قرآن:-

«قُلْ لِمَنْ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ * قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ * قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُعَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ *» سورة مؤمنون ع ۱ آیت ۸۴-۸۹

ترجمہ: بگو ای محمد (ﷺ) برای کیست مملوکیت وتصرف زمین وآن کسانیکہ در زمین است؟ اگر شما میدانید، زوداست کہ در جواب شما میگویند: ملکیت زمین وانچہ در زمین است تنها برای اللہ تعالیٰ است، بگو ای محمد (ﷺ): کیست رب ومالک ہفت آسمان ورب ومالک عرش بزرگ؟ زود است کہ در جواب شما میگویند: ہر یو بیت ومملوکیت ہفت آسمان وعرش بزرگ ہم تنها برای اللہ تعالیٰ است بگو: پس چرا از شرک نمی پرهیزید (یعنی در صورتیکہ شما اقرار کردید کہ رب ہفت آسمان ورب عرش بزرگ تنها اللہ تعالیٰ است پس از

شريك ساختن ديگران به الله تعالى در الوهيت و توجه و تضرع واجب است بر شما كه پرهيز كنيد و تنها الله تعالى را احقदार توجه و تضرع در حاجات و مشكلات بسازيد) بگو اى محمد (ﷺ) كيست كه بدست و قبضه او اختيار و تصرف كلى هرچيز باشد و كيست كه پناه ميدهد (بندگان) را از مصائب و مشكلات) و به كسى از عذاب و قهر او پناه داده نميشود. اگر ميدانيد؟ زود است كه در جواب شما ميگويند: اين صفت هم تنها براي الله تعالى حاصل است، بگو: پس به كدام طرف از اين دربار ذات قادر و مالك رو گردان شده به ديگر دربارهاي مخلوق و عاجز و محكوم مي رويد-؟

دليل پنجم از قرآن:

« وَكُنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لِيَقُولُنَّ اللَّهُ، قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ » سورة زمر ع ٤ آيت ٣٨

ترجمه: اگر شما پيرسيد از مشركين كه آسمانها و زمين را كى پيدا کرده؟ هر آينه در جواب شما ميگويند: كه الله تعالى پيدا کرده، بگو اى محمد (ﷺ): پس خبر بدهيد مرا از حال آن چيزهاي كه شما آنها را در حاجات و مشكلات ميخواهيد به غير از الله، اگر الله تعالى بر من ارادهء كدام ضرر و تكليف را كند آيا اين كارسازهاي شما آن تكليف را دور کرده ميتوانند؟ و يا الله تعالى بر من ارادهء رحمتش كند و به من كدام خير و نفع رامى رساند آيا اين كار سازهاي شما آن را منع

کرده میتوانند؟ بگو ای محمد (ﷺ) بس است مرا الله تعالی (در هر حال درحالات خوب و بد) و تنها بر او سپرده ام کار خود را و بر او توکل و اعتماد کرده ام، و تنها بر او باید توکل کند توکل کنندگان.

دلیل ششم از قرآن:

«وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ * الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ * وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» سورة زخرف ع ۱ آیت ۹ - ۱۱

ترجمه: اگر شما بپرسید از مشرکین که آسمانها و زمین را کی پیدا کرده؟ در جواب شما میگویند: که این آسمانها و زمین را ذات غالب و دانا پیدا کرده، آن ذاتی که زمین را برای شما مانند گهواره ساخته، و برای شما در آن راه ها را کشیده تا شما به منزل مقصود خود راه یافته بتوانید - و آن ذات منعم این را پیدا کرده که از آسمان به اندازه حاجت آب را نازل کرده و باز بذریعه آن آب زمین خشک و مرده را تازه ساخته - هم چنین شما دوباره از زمین زنده کشیده میشوید،

ف: درین شش آیه این سخن به وضاحت ثابت شد که مشرکین مکه به این اعتراف داشتند که آسمانها و زمین و آفتاب و مهتاب را و تمام انسان ها و جن راتنها الله تعالی پیدا کرده و نیز اعتراف داشتند که از آسمان و زمین تنها او برای ما روزی میرساند، و اعتراف داشتند که مالک چشم و گوش تنها اوست و زنده را از مرده و مرده را از زنده تنها او میکشد، و تدبیر و انتظام تمام امورات درعالم غیب و شهاده تنها او میکند و نیز اعتراف داشتند که خالق و مالک کار سازهای اختراعی آنها تنها الله

تعالی است و آب را از آسمان نازل کرده بذریعه آن نباتات را و میوه ها را و درخت
ها را تنها الله تعالی از زمین میکشد و به نام الله تعالی سوگند میکردند، و در جنگ
بدر ابوجهل دعا کرده: که اگر این دین محمد (ﷺ) حق باشد و ما آن را قبول
نمیکنیم بالای ما سنگ را از آسمان بیار و با عذاب دردناک بدهید.

و یهود و نصارا خود را محبوبان و دوستان الله تعالی میدانستند و میگفتند: که
در جنت تنها یهود و یا نصاری میباشند و نیز مشرکین مکه بر ملائکه و انبیاء سابقین
مثل نوح و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و موسی و عیسی علیهم الصلاة والسلام هم
ایمان داشتند، و یهود و نصاری به روز آخرت هم ایمان داشتند و دعوه میکردند که ما
بر ملت و دین ابراهیم علیه السلام هستیم

در کتاب اصول الدین عند الامام ابی حنیفه رحمه الله نوشته: که رفتار و مسلک
امام اعظم ابی حنیفه رحمه الله در بیان ربوبیت عین مسلک سلف صالحین است یعنی
چطور یکه بزرگان و علماء متقدمین از بیان ثبوت وجود خالق اعراض نموده اند هم
چنین امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله هم از بیان دلائل ثبوت وجود خالق اعراض نموده
چرا که این سخن تسلیم نشده در فطرت تمام بشر است و با حضرات انبیاء کرام هیچ امتی
در وجود خالق منازعه و مجادله نکرده اند و انبیاء کرام به مردم این رانه گفته اند
که شما به وجود خالق اعتراف کنید و هم چنین ملا علی قاری رحمه الله در شرح فقه
اکبر مسلک امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله رابه این طور بیان فرموده است.

اکنون قابل غور و تحقیق این سخن است که حضرات انبیاء کرام به امت های
خود کدام موضوع را پیش کرده بودند که امت ها از آن انکار ورزیدند و کافر

ومنكرشدند؟ وآن كدام سخن است كه انسان به آن مؤمن ميشود و اگر آن را قبول نكند از دائرهء ايمان بيرون ميشود؟

بدانكه ايمان باور كردن رامىگويد به وجود هر آن چيزيكه غائب باشد، مثلاً ايمان به الله تعالى وملائك وكتاب هاى الله تعالى و به رسولانش و به روز قيامت و به تقدير خير وشر و به دوباره زنده شدن، و جنت و دوزخ، و ترازوى اعمال، و به حساب و كتاب و پل صراط، و عذاب قبر و سوال منكر و نكير، و وعدهء الله تعالى دربارهء رزق تمام مرزوقين ليكن شرط براى قبوليت ايمان به اين همه مغيبات تصديق و اعتقاد است به توحيد الوهيت.

چراكه مشركين مكه و يهود و نصارى و منافقين به خالقيت الله تعالى ايمان داشتند و نيز به وجود ملائكه و كتاب هاى سماوى و به انبياء و به روز قيامت و به وجود جنت و دوزخ و حساب و كتاب و غيره مغيبات ليكن انكار شان از توحيد الوهيت بود به اين سبب ايمان شان موجب جنت و منجى از دوزخ نگرديد و عملهاى شان حبط گرديد چنانچه كه ارشاد خداوند متعال است: « وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ » سورهء يوسف آيت ۶۰ ع ۱۲

يعنى بسيارى مردم به الله تعالى ايمان دارند ليكن به همراه او تعالى در الوهيت وى شريك را مقرر كرده اند، نيز در آيت ديگر ارشاد فرموده: **قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانْ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ** سورهء روم آيت ۴۲

ترجمه. گواى محمد (ﷺ) به مشركين: كه بگرديد در زمين پس بينيد كه

چطور شد انجام آن کسانی که در سابق بودند (وهلاك شدند) بسیاری آنها مشرك بودند.

ف: ازین دو آیت واضح شد که اکثر مردم ایمان به الله تعالی و دیگر مغیبات داشتند لیکن به همراه الله تعالی در الوهیت وی شریکان مقرر میکردند، معنای شرك این نیست که آنها به دو بودن خالق و یاسه بودن خالق عقیده داشتند معنای شرك اینکه در حاجات و مشکلات به سوی انبیاء و اولیاء و واسطه هامتوجه شده آنها را جای توجه و تضرع خود قرار میدادند و عقیده داشتند که مابدون این واسطه ها و سفارشی ها به الله رسیده نمیتوانیم همه پیغمبران برای تردید همین عقیده مبعوث شده اند.

در منهج امام شوکانی نوشته: اعلم أن توحيد الألوهية هو اساس الاسلام وأنه الغاية العظمى والمقصد الاساسی الذي من أجله ارسلت الرسل وانزلت الكتب ولم يبعث الله رسله ولا انزل عليهم كتبه إلا لدعوة الناس إلى توحيد الالهية وتوجيه القلوب في جميع الشدائد والحوائج الى الله وحده وترك الشفعاء والوسائط والأولیاء.

وقال: اعلم أن الله لم يبعث رسله ولم ينزل كتبه لتعريف الخالق بأن الله هو الخالق لهم والرازق لهم فإن هذا شیء مسلم یقر به كل مشرك قبل بعثة الرسل.

منهج الامام الشوكاني في العقيدة ص ۲۷۹

ترجمه: بدانکه توحید الوهیت اساس دین اسلام است و این غایت بزرگ و آن مقصد اسای است که به خاطر آن پیغمبران فرستاده شده و کتاب های آسمانی نازل

شده، والله تعالى پیغمبران را نفرستاده و کتاب ها را نازل نکرده مگر برای اینکه مردمان را به سوی توحید الوهیت دعوت بدهند، ودلها رادر جمیع شدائد و حاجات خاص به سوی الله تعالى متوجه سازند و سفارشی ها و وسائط و کارسازهای اختراعی را ترك دهند و نیز گفته: بدانکه الله تعالى نه پیغمبران را فرستاده و نه کتاب ها را برای این نازل کرده که تا مردم را از وجود خالق خبر سازند و به رازق بودن او آگاه کنند چراکه این يك عقیدهء مسلم در نزد همه بود که هر مشرك به آن اعتراف داشت

- منهج شوکانی در عقیده ص ۲۷۹

درین باره در قرآن کریم چندین آیت را ارشاد فرموده است:

۱- « وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ »

سورهء انبیاء آیت ۲۵ ع ۲

ترجمه: ما نفرستاده ایم پیش از شما هیچ رسول را مگر به او این را وحی می نمودیم که به غیر از من دیگر اله نیست پس مرا تنها سازید به توجه و تضرع در تمام حاجات و مشکلات خود.

یعنی به هر نبی این وحی نموده ایم که غیر از من کسی لائق عبادت و بندگی نیست پس مرا تنها سازید به توجه و تضرع خودها در تمام حاجات و مشکلات و تنها مرا بندگی کنید.

۲- « وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ، فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

الْمُكَذِّبِينَ » سورهء نحل آیت (۶۳)

ترجمہ: بہ تحقیق کہ در ہر امت رسول را فرستاده ایم بہ این مضمون کہ اللہ تعالیٰ را تنہا سازید بہ توجہ و تضرع در حاجات و مشکلات و پرهیز کنید از توجہ و تضرع بسوی غیر اللہ تعالیٰ پس بعض از آنها را اللہ تعالیٰ ہدایت نمود (یعنی بہ توحید الوہیت مشرف شدند) و بر بعض از آنها گمراہی پیوستہ شد (یعنی انکار از توحید الوہیت کردند) پس بگردید در زمین پس ببیند کہ چطور شد انجام آن کسانی کہ پیغمبران را در موضوع توحید تصدیق نہ نمودند

۳- « وَاسْتَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ » سورہ زخرف آیت (۴۵)

ترجمہ: سوال کن ای محمد (ﷺ) از آن کسانی کہ پیش از شما فرستادہ ایم از پیغمبران ما کہ آیا مایان غیر از ذات رحمان دیگر کسی را حقدار توجہ و تضرع و لائق بندگی مقرر نمودہ ایم کہ بہ آنها توجہ و تضرع در حاجات و مشکلات کردہ شود؟

۴- « يَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ مِبَادِهِ انْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ۚ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ » سورہ نزل آیت ۲-۳

ترجمہ: ہمیشہ نازل کردہ رفتہ فرشتہ گان را باوحی بہ جهت حکم خود بر کسی کہ میخواست از جملہء بندگانش بہ این مضمون کہ ای گروہ پیغمبران بہ تمام مردم خبر بدهید کہ غیر از من دیگر کسی لائق عبادت و بندگی و جای توجہ و تضرع در حاجات و مشکلات نیست پس بترسید از عذاب من، چرا کہ آسمانها و زمین را

در حالی پیدا کرده که ناطق به حقیقت الوهیت وی است، او تعالی برتر است از آنچه با او در الوهیت وی شریک می سازند.

در تفسیر روح البیان و تفسیر معارف القرآن و تفسیر عثمانی نوشته اند که این آیت کریمه دلیل نقلی به وجوب عقیده توحید الوهیت است، یعنی از آدم علیه السلام گرفته تا حضرت محمد صلی الله علیه وسلم که چقدر انبیاء تشریف آورده هر کدام آنها به مردم عقیده توحید الوهیت را پیش کرده یعنی الله تعالی به هر نبی چنین وحی فرستاده که غیر از من دیگر کسی جای توجّه و تضرع در حاجات و مشکلات نیست پس اگر غیر از من دیگر چیزی را جای توجّه و تضرع ساختید مستحق عذاب من میگردید، و در خلق السموات دلیل عقلی را بیان فرمود.

81448

دلائل اینکه ایمان عبارت از چه است؟

۱ - دلیل اول این آیت کریمه است: « حَتَّىٰ إِذَا أَذْرَكَهُ الْفَرَقُ قَالَ أَمَنْتُ أَنَّهُ لَا

إِلَهَ إِلَّا الَّذِي أَمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ » سوره بونس آیت ۹۰

ترجمه: فرعون و لشکرهای وی در پی بنی اسرائیل شدند تا اینکه گرفت او را

غرق شدن ناچار شده گفت: که من ایمان آوردم به این سخن که لائق عبادت و بندگی

و جای توجه و تضرع در همه حاجات و مشکلات نیست به غیر از آن ذاتیکه بنی

اسرائیل به الوهیت او ایمان آورده و من از جمله گردن نهادانم به حقیقت دعوت موسی

علیه السلام.

ف: درین آیت کریمه واضح شد که ایمان آوردن به الله تعالی همین است که

انسان عقیده کند که غیر از الله تعالی دیگر کسی حقدار عبادت و بندگی و جای

توجه و تضرع در حاجات و مشکلات نیست، و از الوهیت غیر خداوند متعال انکار

کند، معنای ایمان فرعون این نیست که غیر از الله تعالی دیگر خالق نیست چرا که

فرعون خودش بالشکرهای خود معترف به وجود خالق لایزال بود، انکار او از

وحدانیت الله تعالی در الوهیت بود. ازین رو درباریان او گفتند: « أَتَذَرُ مُوسَىٰ

وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتِكَ؟ » سوره اعراف آیت ۱۲۷

ترجمه: آیا تو میگذاری موسی و قوم او را که تا در زمین خرابی را شائع کنند

و ترك کند ترا و الههء ترا؟

و رجل مومن به ایشان گفت: « كَذَّبْتَنِي لَأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأَشْرِكُ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ

عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ * لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي

الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدُّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ، سورہء
مؤمن آیت ۴۲ - ۴۳

ترجمہ: مرد مؤمن به فرعونیان گفت: شما مرا به این می‌خواهید که از الوهیت
الله تعالی منکر شوم و با او شریک سازم در الوهیت او آنچیزی را که مرا به الوهیت
آن هیچ دلیل نیست و حال آنکه من شما را به سوی ذات غالب و غفار می‌خواهم
درین هیچ شک نیست که به سوی کدام چیزیکه شما مرا می‌خواهید برای او هیچ
لیاقت خواستن نیست نه در حوائج دنیا و نه در حوائج آخرت و یقین دانید که همهء ما
و شما به سوی الله تعالی باز می‌گردیم و کسانی که با الله در الوهیتش شریک می
سازند اینها صاحبان آتش دوزخ اند.

ف: درین سه آیت خوب غور کنید که فرعون و لشکرهای او همه به وجود ذات
اقدس الله جل جلاله قائل اند و منازعهء شان با موسی علیه السلام در وجود خالق
سبحانه نیست بلکه مجادله و منازعهء شان با موسی علیه السلام در وحدانیت
الوهیت الله تعالی است که چرا الوهیت الههء ما رانفی نمود و تنها يك الله تعالی را
حقدار عبادت و بندگی و جای توجه و تضرع در حاجات و مشکلات قرار داد، این
سخن و این عقیده از آباء و اجداد مایان مخالف است چنانچه در آیت دیگر قول او را
حکایت فرموده: «أَجِئْنَا لِتَلْفِئْتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاؤُنَا وَتَكُونُ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي
الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمُ بِمُؤْمِنِينَ» سورہء یونس آیت ۷۸

ترجمہ: گفتند: آیا به جهت این آمدی که بگردانی ما را از آنچه یافته ایم ما
بر آن عقیده و مذهب پدران خود را، و تا شود شما را پادشاهی در زمین و ما نیستیم به

سخن های شما باور دارندگان،

و نیز فرعون به وجود ملائکه هم قائل بود چنانچه الله تعالی قول او را حکایت فرموده: «فَلَوْلَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ» سوره

زخرف آیت ۵۳

ترجمه: پس چرا انداخته نشد بروی دستوانه ها و کوه های از طلا یا چرا نه آمد

همراه او فرشته گان صف بسته گان

یعنی اگر موسی علیه السلام واقعاً از طرف رب آسمانها مبعوث شده پس باید

که در دست های او کرها و دستوانه های طلا انداخته میشد و در جلو او يك فوج

فرشته گان هم روان می بود.

و نیز موسی علیه السلام برایش گفت: «لَقَدْ عَلِمْتَمَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا» سوره بنی اسرائیل

آیت ۱۰۲

ترجمه: هر آینه تو دانسته ئی که نفرستاده است این نشانه هارا مگر خالق

آسمانها و زمین در حالیکه دلایل روشن است (به صداقت من) و هر آینه من می

پندارم ترا ای فرعون هلاک شده.

ازین جابرمی آید که ایمان عبارت از دانستن نیست بلکه عبارت از پذیرفتن است

«عثمانی.»

دلیل دوم اینکه ارشاد خداوند متعال است درباره دعوت حضرت ابراهیم

علیه السلام: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ

إِنَّا بُرَاءٌ وَ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَأ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ
 وَالْبَغْضَاءَ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا اسْتَفْغِرُنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ
 لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ» سورة ۴ ممتحنه آیت ۴

ترجمه: بدرستی که است برای شما پیروی نیکو در عمل و کردار حضرت ابراهیم
 علیه السلام و آنانی که باوی بودند چون گفتند به قوم خود که هر آینه ما بیزاریم از
 شما و از آنچه توجُّه و تضرُّع در حاجات میکنید به سوی غیر الله تعالی منکر شدیم
 از عقیده و مذهب شما، و ظاهر شده درین ما و شما دشمنی و کینه برای همیشه تا
 آنکه تنها به الوهیت الله تعالی ایمان آرید مگر در قول ابراهیم که به پدرش گفت که
 طلب امرزش میکنم برای تو و مالک نیستم برای تو کدام نفع را از جانب الله.

ف: درین آیت کریمه واضح شد که ایمان آوردن به الله تعالی همین است که
 انسان تنها الله تعالی را حقدار عبادت و بندگی و جای توجُّه و تضرُّع در حاجات
 و مشکلات خود قرار دهد و از الوهیت غیر خداوند متعال انکار کند چرا که به مجرد
 وجود الله تعالی و خالقیت او قوم ابراهیم علیه السلام هم ایمان داشتند ولیکن برای
 تقرُّب و توسُّل الی الله دیگر چیزها را سفارشی ها و واسطه ها مقرر کرده بودند،
 ابراهیم علیه الصلاة والسلام و تابعداران به مشرکین قوم خود جواب صاف
 دادند که ما از عقیده و مذهب مشرکانه، شما بیزار و منکر هستیم و درین ما و شما
 بغض و عداوت دائم باشد تا وقتی که الله تعالی را به توجُّه و تضرُّع خود در حاجات
 و مشکلات مخصوص نسازید و تمام وسائط و سفارشی ها و دربارها را ترک نکنید.

دلائل اینکه قوم ابراهیم علیه السلام به وجود خالقیت الله قائل بودند:

۱- «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ تُرِيدُونَ * فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ * » صافات

آیت ۲۸

ترجمه: آیا به دروغ و بی سند جاهای توجّه و تضرّع را غیر از الله تعالی اراده کرده اید؟ پس چیست گمان و یقین شما در شان رب عالمیان که آیا او آوازه‌های شما را نمیشنود و او به شما از همه قریب تر نیست؟

۲- « قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ * وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ » صافات آت ۹۶

ترجمه: گفت حضرت ابراهیم علیه السلام: آیا توجّه و تضرّع میکنید به آنچه که شما تراشیده اید و حال آنکه الله تعالی پیدا کرده شمارا و آنچه شما می سازید.

۳- « وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ

إِلَّا أَنْ يُشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ » سورة انعام آیت ۸۰

ترجمه: و مجادله کرد با او قوم او (که آیا شما الله تعالی را خالص وبدون واسطه ها میخواهید؟) حضرت ابراهیم علیه السلام گفت آیا مجادله میکنید بامن در توحید الله (یعنی درین مجادله میکنید که من الله تعالی را تنها بدون سفارشی ها و واسطه ها میخواهم) و حالانکه او مرا رهنمائی به حقیقت توحید نموده است، و من نمی ترسم از آنچه شما با الله تعالی در توجّه و تضرّع شریک ساخته اید، مگر می ترسم از آنکه پروردگار من چیزی مکروه را بر من اراده کند، پروردگار من به هر چیز علم محیط دارد، آیا اینقدر پند نمیگیرید (که ذاتیکه علم محیط دارد و هیچ يك ذره هم از علم او بیرون و غائب نیست پس او به سفارشی ها و واسطه ها چه حاجت

۴- « وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ » سورة انعام آیت ۸۱ - ۸۲

ترجمه: حضرت ابراهیم علیه الصلاة والسلام به قوم خود فرمود: وچگونه بترسم از آنچه شما به خدا (در الوهیتش) شریک ساخته اید، و شما نمیترسید ازین که با الله تعالی (در الوهیتش) شریک ساخته اید آن چیزی را که الله تعالی در الوهیت آن ها بالای شما کدام دلیل نازل نکرده، پس شما بگوئید: که کدام یک از آن دو گروه لائق تر به امن است؟ اگر میدانید، آن کسانی که ایمان آوردند به وحدانیت الله تعالی در الوهیت، و با توحید خلط نساخت شرک را این گروه ایشان را امن است و ایشان راه راست را یافته گانند.

ف: این عادت مشرکین است که اهل توحید را از مخلوق می ترسانند قوم ابراهیم علیه السلام هم حضرت ابراهیم علیه الصلاة والسلام را از ضرر سفارشی ها و واسطه های که به آن عقیدهء حاجت روائی رکارسازی داشتند ترسانیدند حضرت ابراهیم علیه الصلاة والسلام به آنها فرمود: که خوف و ترس مصیبت و وبال در توحید نیست خوف و ترس بر شما است که بلا دلیل سفارشی ها و واسطه ها و کار سازها و حاجت رویان را با الله تعالی در توجه و تضرع شریک ساخته اید حاصل مضمون این شد که فقط آن کسانی مامون و راه یاب اند که در عقیدهء آن ها شائبهء شرک نباشد اگر با وجود ایمان به خالقیت الله بیزاری از شرک نشود و انکار از الوهیت غیر

اللہ تعالیٰ نشود پس درین صورت نہ ایمان شرعی شمرده میشود ونہ ذریعہء نجات از دوزخ میگردد.

۵- « يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا * يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُمَسِّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَكِيًّا » سورة مریم آیت ۴۴-۴۵

ترجمہ: این قول حضرت ابراہیم علیہ السلام است بہ پدر خود: ای پدرم اطاعت شیطان را در الوہیت غیر اللہ مکن ہر آینہ شیطان نہایت نافرمان رحمان است ای پدر: ہر آینہ من می ترسم کہ برسدترا عذاب رحمان، پس میشوی رفیق شیطان.

۶- « وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَاتَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَنْ لَا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا * فَلَمَّا أَعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا » سورة مریم آیت ۴۸-۴۹

ترجمہ: ویکسومیشوم از شما واز آنچه میخواستید (درحاجات ومشکلات خود) بہ غیر از اللہ تعالیٰ و میخواستیم (درحاجات ومشکلات خود) رب خود را امید است کہ بہ خواستن رب خود محروم وناکام نشوم، پس چون یکسو شد از ایشان واز آنچه بہ سوی آن توجہ وتضرع درحاجات میکردند بہ غیر از اللہ عطا کردم او را اسحاق و یعقوب و ہر یکی ازین دو را نبی ساختیم.

۷- « قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذِكْرِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ * وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ * » سورة انبیاء آیت

ترجمہ: حضرت ابراہیم علیہ الصلاۃ والسلام بہ قوم خود گفت: کہ من سخن بی حقیقت را بہ شما نمیگویم، بلکہ حقیقت همین است کہ حاجت رو ای شما آن خالق آسمانها و زمین است کہ آنرا آفریدہ و من بہ این سخن گواہی میدہم کہ حاجت رو او کار ساز شما تنها اوست۔ و قسم بہ اللہ کہ ہر آینہ بت های شما را کہ بہ آن ہا عقیدہء سفارشی و کارسازی دارید چارہء آن را میکنم و قتیکہ واپس شوید۔

۸ - «لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ * قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ * أَفُ لَكُمْ وَكَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» سورہء انبیاء

۶۷-۶۵

ترجمہ: گفتند: ہر آینہ شما میداننی کہ این بت ہا سخن نمیگویند حضرت ابراہیم علیہ الصلاۃ والسلام فرمود: آیا عبادت و توجُّہ و تضرُّع میکنید بہ غیر از اللہ بہ اینطور یک چیزیکہ نہ بہ شما کدام نفع رسانیدہ میتواند ونہ کدام ضرری ہلاکت باد بر شما وبر آنچه کہ شما غیر از اللہ تعالیٰ بہ آن توجُّہ و تضرُّع میکنید آیا اینقدر از عقل خود کار نمیگیرید

۹ - «قَالَ اِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ قَبْهَتَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» سورہء بقرہ آیت ۲۵۸

ترجمہ: حضرت ابراہیم علیہ الصلاۃ والسلام فرمود گفت: پس ہر آینہ اللہ تعالیٰ آفتاب را از مشرق میآرد پس اگر تو ایقدر قدرت داری آفتاب را از مغرب بیارید پس درین صورت آن شخصیکہ از توحید اللہ تعالیٰ منکر شدہ بود حیران ولا جواب

ماند - والله تعالى قوم ظالم ومشرک را هدايت نمیکند.

۱۰ - «وَابْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
* إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ، إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»
سورهء عنكبوت آيت ۱۷-۱۹

ترجمه: وباد کن حضرت ابراهيم عليه السلام را وقتیکه به قوم خود گفت: که تنها به الله عبادت و بندگی و توجه و تضرع در حاجات و مشکلات کنید، این توحيد برای شما بهتر است اگر میدانید شما توجه و تضرع به غير از الله به بت های تراشیده میکنید و به دروغ میگوئید که اینها سفارشی های مانند، هرآینه آن کسانی که شط در حاجات و مشکلات خود به سوی آن ها توجه و تضرع میکنند برای شما مالک رزق نیستند پس خاص از الله تعالى رزق را بخواهید و به او توجه و تضرع و عبادت و بندگی کنید در صورت حصول حاجت شکر او را ادا کنید و باز به سوی او گردانیده میشوید.

ف: درین ده مقامات دلائل روشن و واضح است برینکه قوم ابراهيم عليه الصلاة والسلام به وجود و خالقیت الله تعالى قائل بودند و مخالفت آنها با حضرت ابراهيم عليه الصلاة والسلام در خالقیت و وجود الله تعالى نبود بلکه مخالفت و مجادله، آن ها با حضرت ابراهيم عليه السلام در توحيد الوهیت بود يعنی الله تعالى را تنها سازید به توجه و تضرع و حاجت خواهی و عبادت و بندگی و کسی را سفارشی و واسطه، تقرب و توسل نسازید که این با الله تعالى شريك ساختن است

درین باره آنها مخالفت و مجادله کردند.

تمام انبیاء کرام علیهم الصلاة و السلام درین مسئله مُتَّفِق و مُتَّحِد اند که آنها به قومهای خود دعوت توحید الوهیت دادند که یعنی تنها الله را حقدار عبادت و بندگی و جای توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات خود بسازید و درین باره کسی را با او شریک نکنید، و نیز حضرت محمد ﷺ در ۲۳ سال به قوم خود همین دعوت توحید الوهیت دادند.

و مشرکین و یهود و نصارا با او در خالقیت الله تعالی مجادله و منازعه نه نمودند بلکه مجادلهء شان در توحید الوهیت بود و حضرت محمد صلی الله علیه و سلم به آن ها اعلان نمودند -

اعلان اول: «وَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» سورهء بقره ع ۱۸ آیت ۱۶۳

ترجمه: حقدار عبادت و بندگی و مستحق توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات حقدار يك است غیر ازو دیگر حقدار عبادت و بندگی و مستحق توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات نیست چرا که تنها او رحمان است و رحیم است، یعنی دارای رحمت است و رحم کننده است،

اعلان دوم: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ» سورهء بقره آیت ۲۵۵

ترجمه: الله تعالی ذاتی است که غیر ازو کسی حقدار عبادت و بندگی

و مستحق توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات نیست چرا که او همیشه زنده است و بر تدبیر و انتظام امورات تمام عالم قائم است و او را غنودگی و خواب نمیگیرد تنها برای اوست ملکیت و تصرف تمام آن چیزهایی که در آسمانها است و در زمین است.

(به اثر این اعلانات مشرکین دعوه میکردند که کدام مخلوقیکه ما غیر از الله تعالی میخواهیم آنها سفارش ما را میکنند) الله تعالی در تردید عقیده آنها فرمود: کیست که بدون اجازه او تعالی سفارش کرده بتواند؟ چرا که او میداند تمام آن حالاتی را که در پیش روی مخلوق است و آنچه که پس پشت مردم است

اعلان سوم: «الْمَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ.»

اعلان چهارم: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

ترجمه: او تعالی آن ذات قادر و علیم است که صورت های شمارا در رحم مادرهای چطوریکه میخواهد می سازد نتیجه این برآمد که غیر از او کسی حقدار عبادت و بندگی و جای توجُّه و تضرُّع نیست چرا که او غالب و باحکمت است.

اعلان پنجم: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصَ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» سوره آل عمران آیت ۶۲

ترجمه: هرآینه این خبر حق است (یعنی درباره عیسی علیه السلام که کدام بیان گذشت که او حقدار عبادت و بندگی نیست و نه مستحق توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات است) این سخن حق است و نیست هیچ حقدار عبادت و بندگی و جای توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات غیر از الله تعالی و هرآینه الله تعالی غالب

وباحکمت است.

اعلان ششم : « لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثَةٌ وَوَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ

وَاحِدٌ » سورة مائدة آیت ۷۳

ترجمه: به تحقیق که کافر شده آن کسانا نیکه میگویند هر آینه الله تعالی إِلَهُ سوم است از جمله اِلَهه یعنی حقدار عبادت و بندگی و توجُّه تضرُّع در حاجات و مشکلات سه اند، یکی الله تعالی دوم عیسی سوم مریم - و حالانکه نیست هیچ کسی حقدار عبادت و بندگی و مستحق توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات به غیر از حقدار يك که آن ذات او تعالی است.

اعلان هفتم : « اَمِنْكُمْ لَتَشْهَدُونَ اَنْ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهَةٌ اُخْرٰی قُلْ لَا اَشْهَدُ قُلْ اِنَّمَا

هُوَ اِلٰهُ وَاَحَدٌ وَاِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ » سورة انعام آیت ۱۹

ترجمه: آیا شما این عقیده دارید و به این سخن گواهی میدهید که به همراه الله تعالی دیگر کسان هم حقدار عبادت و بندگی و مستحق توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات است؟ بگو ای محمد (ﷺ): که من به این سخن نه عقیده دارم و نه گواهی میدهم بگو. سخن همین است دیگری نیست که تنها او تعالی حقدار عبادت و بندگی و مستحق توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات است يك تنها (کسی با او شريك نیست) و من بیزارم از آنچه شما با او در الوهیت شريك میسازید.

اعلان هشتم : « قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ » سورة

رعد آیت ۳۰

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ): که او تعالی پروردگار من است غیر از او کسی

حقدار عبادت و بندگی و مستحق توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات نیست، خاص
بر او توکل و اعتماد من است و تنها به سوی او رجوع توجُّه من است در همه حاجات
و مشکلات.

اعلان نهم : « قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا » سورة كهف
آیت ۱۱۰

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ) : که سخن همین است دیگری نیست که من به
مثل شما بشر هستم به سوی من این وحی میشود که هر آینه حقدار و لائق عبادت
و بندگی شما و مستحق توجُّه و تضرُّع شما در تمام حاجات و مشکلات شما مستحق یک
است پس کسی که یقین دارد به ملاقات پروردگار باید عمل صالح را بکند و کسی
را با پروردگار خود در عبادتش شریک نسازد.

اعلان دهم : « وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ * قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا
إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ » سورة انبیاء آیت ۱۰۷ ۱۰۸

ترجمه: و ما نفر ستاده ایم ترا مگر برای رحمت بر تمام عالم بگو ای محمد (ﷺ)
: که سخن همین است دیگری نیست که به سوی من وحی میشود که هر آینه حقدار
عبادت و بندگی شما و مستحق توجُّه و تضرُّع شما در تمام حاجات و مشکلات حقدار
و مستحق یک است، پس آیا شما به این سخن منقاد هستید؟ یعنی به این سخن که
عقیده وحدانیت الله تعالی است در الوهیت منقاد شوید.

اعلان یازدهم : « فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ » سورة شعراء

ترجمه: یعنی چون درین سوره شعراء این سخن ثابت شد که هرنبی به قوم خود این تبلیغ کرده که غیر از الله تعالی دیگر کسی را حقدار عبادت و بندگی نسازید و غیر از او دیگر کسی را جای توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات نه سازید) پس شما هم به همراه الله تعالی دیگر کسی را اِلَه نسازید، یعنی دیگر کسی را جای توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات نسازید، ورنه در گروه عذاب شده گان شامل خواهید شد.

اعلان دوازدهم: « وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ » سوره قصص آیت ۸۸

ترجمه: و به همراه الله تعالی دیگر کسی را اِلَه نسازید (یعنی همراه الله تعالی دیگر کسی را جای توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات نسازید) چرا که غیر از او تعالی دیگر کسی حقدار عبادت و بندگی و مستحق توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات نیست چرا که هر چیز فناشدنی است غیر از ذات او تعالی و تنها برای او حکم است در امور تکوینی و تشریحی) و به سوی او گردانیده میشوید.

اعلان سیزدهم: (وَالصَّافَاتِ صَفًا * فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا * فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا * اِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ * رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا رَبُّ الْمَشَارِقِ » سوره صافات ۱-۵

ترجمه: سوگند به آن نفس های که صف بسته کنانند (که عبارت از فرشته گانند و یا نماز خوانانند و یا جهاد کنانند) به صف بستن و سوگند به آن فرشته گانیکه

راننده، شیاطین انداز آسمانها و سوگند به آن نفس هایکه کلام الله را واحکامات
 الله تعالی را تلاوت میکنند که بلا شبهه وهرآینه حقدار عبادت و بندگی شما
 ومستحق توجه و تضرع شما در همه حاجات ومشکلات ذات يك است چراکه او رب
 وخالق اسمانها وزمین است وآنچه در مابین هر دو است ورب وخالق مشرق ها است.

اعلان چهاردهم: « قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ * رَبُّ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ * أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ »
 سوره، صاد آیت ۶۵-۶۸

ترجمه: بگو ای محمد (صلی الله علیه وسلم) : که سخن همین است دیگری
 نیست که من ترساننده ام (مشرکین را) و نیست هیچ کسی حقدار عبادت و بندگی
 وجای توجه و تضرع در حاجات ومشکلات به غیر از آن ذاتیکه تنها است در الوهیت
 وقهار است چرا که او رب ومالك آسمانها وزمین است وآنچه در بین این هر دو است
 واو غالب است بردشمنان خود وغفار وبخشانیده است مومنان را بگو ای محمد
 (ﷺ): که این بسیار سخن بزرگ است وشما از آن رو گردان هستید.

اعلان پانزدهم: « هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَادِعُ عَوْهٍ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ
 لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ » سوره، مؤمن ع ۷ آیت ۶۵

ترجمه: تنها او تعالی همیشه زنده است غیر ازو حقدار عبادت و بندگی وجای
 توجه و تضرع در حاجات ومشکلات نیست پس بخواهید او را در حالیکه خالص
 کنانید توجه و تضرع خود را از شرك غیر الله (یعنی به اعتقاد واسطه وسفارشی
 شدن دیگر کسی را یا او تعالی نه خواهید) چراکه تمام تعریف هاوصفت های کمال

برای الله تعالى است که رب و مالک تمام عالمین است.

اعلان شانزدهم: « قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ

فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ » سورهء حم سجده آیت ۶

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ) : که سخن همین است دیگری نیست که من به مثل شما بشرهستم و به من وحی میشود که سخن حقیقی همین است که حقدار عبادت و بندگی شما و جای توجُّه و تضرُّع شما در حاجات و مشکلات حقدار يك است پس در دعاها و زاری ها مستقیما و براه راست به او تعالى متوجه شوید (و به سوی غیر او تعالى به اعتقاد و ساطت و شفاعت متوجُّه نشوید) و از شرك های گذشته خود از الله تعالى امرزش بخواهید (یعنی در سابق در دعاها و زاری های خود به غیر او تعالى متوجه میشدید و به وساطت و شفاعت آنها عقیده میکردید ازین حرکت شنیع خود امرزش بخواهید) و اگر مستقیما به او تعالى در دعاها و زاری ها و حاجات و مشکلات متوجه نمیشوید بلکه به واسطه ها و سفارشی ها متوجه میشوید این حرکت شما حرکت شرکی است) و برای مشرکین عذاب و هلاکت است.

اعلان هفدهم: « وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ صَبِيحٌ »

سورهء ذاریات آیت ۵۱

ترجمه: و به همراه الله تعالى دیگر کسی را حقدار عبادت و بندگی و جای توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات مقرر نکنید هر آینه من برای شما ترسانندهء اشکارا هستم.

اعلان هجدهم: « وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا »

سوره بنی اسرائیل آیت ۳۲ ع ۲

وبه همراه الله تعالى دیگر کسی را حقدار عبادت و بندگی و جای توجّه و تضرّع در حاجات و مشکلات مقرر نکن پس درین صورت بدنامیده میشوی و بی یار و بی مددگار میمانی.

۱ اعلان نوزدهم: « وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا

مَذْهُورًا » سوره بنی اسرائیل ۳۹۲

ترجمه: وبه همراه الله تعالى دیگر کسی را حقدار عبادت و بندگی و جای توجّه و تضرّع در حاجات و مشکلات مقرر مکن پس درین صورت در جهنم ملامت شده و رانده شده انداخته میشوی.

ف: درین نوزده آیت حضرت محمد ﷺ به مشرکین و یهود و نصاری و به تمام انسانهای که تا روز قیامت میآیند اعلان نمودند که غیر از الله تعالى اله نیست و کسی که غیر از الله تعالى دیگر کسی را اله سازد مشرک میشود - و نیز حضرت محمد ﷺ به آنها فرمودند که اگر شما به الوهیت دیگری عقیده دارید پس بصورت علفی بشنوید که من به الوهیت دیگری نه اعتقاد دارم و نه گواهی میدهم و از عقیده شما بیزارم ، و اگر کسی غیر از الله تعالى دیگر چیزی را اله سازد در جهنم انداخته میشود ، و نیز فرمودند: که شما مستقیماً به سوی الله تعالى بدون وسائط و سفارشی ها متوجّه شوید از حرکت شنیع شرکی خود استغفار کنید.

و من به شما ترساننده اشکارا هستم یعنی اگر شما الله تعالى را به الوهیت تنها نمیسازید برای شما عذاب شدید است.

پس معنای اله - خدانیست چراکه مشرکین مکه و یهود و نصاری خدا را يك میدانستند و خالق آسمان و زمین و آفتاب و مهتاب را تنها خدامیدانستند معنای اله اینکه مشرکین مکه و یهود و نصاری در حاجات و مشکلات خود به سوی انبیاء و اولیاء و ملائکه و جن و یا شهداء توجه و تضرع میکردند و دعوه داشتند که اینها واسطه ها و سفارشی های ماند.

و ما مستقیماً به الله تعالی رسیده نمیتوانیم.

پس ازین رو الله تعالی فرمود: « فَاذْعُوا إِلَهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ » و فرمود: « فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ » یعنی الله تعالی را بدون واسطه ها و بدون سفارشی ها بخواهید و مستقیماً به او تعالی متوجه شوید و در حضور الله تعالی بدون اذن و اجازت او هیچ کسی هم سفارشی کرده نمیتواند.

پس شرك آنها در خالقیت و ربوبیت نبود بلکه شرك آنها در الوهیت بود یعنی غیر از الله تعالی را حقدار توجه و تضرع در حاجات و مشکلات میدانستند و آنها را شفعا و واسطه ها میدانستند شما بسیاری مسلمانها را و بسیاری علماء را خواهی دید که آنها معنای اله را غلط میکنند و به ذهن طلباء و عوام این میآید که مشرکین از وجود خالق منکر بودند و چنانکه به آیت های قرآنی به اثبات رسید که مشرکین و یهود و نصاری به وجود خالق و وحدانیت او در خالقیت و ربوبیت و مالکیت مقرر بودند.

منازعه و مجادلهء شان در الوهیت بود، یعنی ایشان در حاجات و مشکلات خود به انبیاء و اولیاء و ملائکه و جن و شهداء متوجه شده آنها را سفارشی و واسطهء خود

میدانستند حضرات انبیاء کرام هر کدام شان امت خود را ازین عقیده و حرکت منع نموده اند و به امت خود گفتند که جای توجُّه و تضرُّع را تنها الله تعالی بسازید.

شما بعض علماء را می بینید که معنای اِلَه را به معبود برحق میکنند و این هم غلطی فاحش است چراکه لفظ اِلَه به هر دو شامل است برحق باشد یا برباطل، پس معنای اِلَه جای توجُّه و تضرُّع و حقدار دعاوزاری است و درجائیکه ذکر عبادت و بندگی آمده مراد از آن عبادت و بندگی تشریحی نیست چراکه عبادت تشریحی آن وقت بر امت فرض میشود که ایشان عبادت فطری را به الله خاص کنند و به تنها نی الله تعالی در الوهیت ایمان آرند.

پس معنای اِلَه حقدار دعاء و بندگی و مستحق توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات است.

(معنای اَلِه)

بدانکه بسیاری مردم کلمهء (لا اِلهَ اِلا اللهُ) را میگویند ولیکن به معنای آن تمیدانند ازین رو عقائد و اعمال آنها برخلاف کلمهء طیبه است و شهادیده میتوانید که بعض آنها خود را فهمیده ودانسته میدانند ولیکن معنای کلمه را غلط میکنند یابہ وجه اینکه معنای اَلِه را نمیدانند و یابہ وجه اینکه از مردم میترسند و حق رابہ مردم روشن و واضح بیان نمیکنند کدام مقصد و مطلبیکه از کلمه طیبه است دلہای آنها ان راقبول نمیکنند

در کلمه طیبہ چہار کلمہ است: یکی - لا - دوم - اِلہ - سوم - اِلا - وچہارم - اللہ - است معنای - لا - نیست معنای - اِلہ - حقدار عبادت و بندگی و جای سوال و توجُّہ و تضرُّع در حاجات و مشکلات معنای - اِلا اللہ - بہ غیر از اللہ تعالی پس معنای کلمهء طیبہ اینکہ: نیست حقدار عبادت و بندگی و جای توجُّہ و تضرُّع در حاجات و مشکلات بہ غیر از اللہ تعالی محمد رسول اللہ حضرت محمد (ﷺ) پیغمبر اللہ تعالی است.

بدانکہ عبادت بہ دو قسم است ۱- عبادت فطری ۲- عبادت تشریحی تعلیمی - عبادت فطری اینکہ انسان بہ یک ذات و یابچیزی توجُّہ و زاری و التجاء میکند و در حاجات و مشکلات او را میخواهد بہ اساس اینکہ او عقیدہ دارد کہ این ذات و این چیز را تصرف و تسلُّط غیبی و قدرت فوقانی حاصل است در جلب کردن نفع و دفع کردن ضرر و در قضاء حاجات و حل مشکلات و قبولیت دعاء استقلالاً و یا وساطتً یعنی این ذات در قضاء حاجات مستقل است و یا واسطہ و سفارشی است.

واین نوع عبادت را فطری به این جهت گفته میشود که در فطرت انسانی این سخن بودیعت نهاده شده که چون در مشکلات ومصائب واقع میشود و یا در قضاء حاجات از دائره اسباب نا امید میشود فوراً توجُّه والتجاء او به يك ذاتی میشود که در ماوراء اسباب تصرف و تسلط غیبی داشته باشد، پس اگر توجُّه و تضرُّع او به اساس این اعتقاد به سوی الله تعالی باشد پس همین است توحید و ایمان، و اگر توجُّه و تضرُّع والتجاء او به اساس این اعتقاد به سوی غیر از الله تعالی بود پس همین است شرك و کفر و دعوت حضرات انبیاء کرام علیهم السلام در ابتداء به سوی همین عبادت فطری میباشد، چراکه تکلیف به عبادت تشریحی نیست تا وقتی که عبادت فطری را به الله تعالی خاص نسازد.

ازین روهر نبی در دعوت خود به امت خود گفته: «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» ای قوم من الله تعالی را به توجُّه و زاری خود خاص سازید نیست برای شما جای توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات و حقدار عبادت و بندگی به غیر ازو، و همین عبادت فطری را به الله تعالی خاص کردن مرادف ایمان است یعنی ایمان آرید به الله و عبادت فطری را به الله تعالی خاص سازید، هر دو هم معنا است

وصاحب المنار در صفحه (۱۰۷) تعریف عبادت فطری را به عربی چنین فرموده: العبادة الفطرية ما فطر الله عليه العباد من توجههم وتضرعهم وتذللهم في الحوائج والشدائد والمصائب الى من يعتقدون بسلطانه الكوني وتصرفه الغيبي واقتداره الفوقاني في جلب المنافع ودفع المضار ورفع المصائب وحل المشاكل عن غير طريق الأسباب العادية «

دلائل الإمام الأعظم في العقائد ص ۱۸۴ - ۱۸۵

عبادت تشریحی تعلیمی این را میگوید که شریعت اسلامی يك عمل را برای انسانها مقرر کند که شما تعظیم و تقرب را به الله تعالی به این عمل بکنید مثل نماز و کیفیت آن و روزه و زکوة و مناسک حج و نذر و نیاز و ذکر و اذکار.

فرق درین عبادت و بندگی

بدانکه فرق درین عبادت و بندگی این است که عبادت توجُّه و تعلق قلبی را میگوید که به دل و اعتقاد و یقین به سوی يك ذات متوجُّه و متضرع و ملتجی باشد. و بندگی اینکه به ظاهر اعضاء و جوارح از منهیات يك ذات مانع شود مثلاً فلان عمل را چرانمکنی؟ شما میگوئی که مرا فلان شخص منع ساخته، از مسلمان چون پرسیده شود که چرا رشوت نمیگیری و چرا سود نمیگیری و چرا دزدی نمیکنی؟ او در جواب میگوید: که مرا اللهُ تعالی منع ساخته.

پس در جائیکه من ترجمه اِلَه رابه حقدار عبادت کردم مراد از آن همان عبادت فطری است چراکه مجادله، مشرکین در همین عبادت فطری بوده، نه در عبادت تشریحی ازین روقوم هود گفتند: «أَجِئْنَا لِنُعْبِدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَكْفُرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا» آیا شما برای همین مسئله آمده اید که تنها به الله تعالی توجُّه و تضرع در حاجات و مشکلات خود کنیم و آنچه پدران ما به سوی آنها توجُّه و تضرع میکردند و آنها را واسطه و سفارشی خودها میدانستند آن همه را ترك نمائیم؟ پس انکار آنها از وجود الله تعالی نبود بلکه انکار آنها از تنها ساختن الله تعالی به توجُّه و تضرع و ترك نمودن واسطه ها و سفارشی ها بود.

فرق درین الله و اله

بدانکه دریاب دوم در عنوان: ایمان آوردن به الله تعالی چطور است؟ این سخن با تفصیل طویل به اثبات رسید که مشرکین مکه عقیده داشتند که (الله) نام آن ذات است که آسمان و زمین را و آفتاب و مهتاب را و تمام کائنات را پیدا کرده، و نیز یهود و نصاری و صابئین هم عقیده داشتند که (الله) نام خالق آسمان و زمین و تمام کائنات است (اله) هر آن چیزی را میگوید که انسانها در حاجات و مشکلات و مصیبت های خود چون از دائره اسباب ناامید میشوند به يك چیزی متوجه میشوند که به تصرف غیبی آن عقیده داشته میباشند، که گویا این ذات حاجات ما را مستقلا روا میسازد و یا او واسطه و سفارشی شده حاجات ما را از الله تعالی رومیسازد و مشکلات ما را حل میسازد و مصائب ما را رفع میسازد پس اگر اینگونه اعتقاد در شان الله تعالی می داشتند همین است ایمان و توحید و اگر اینگونه اعتقاد در شان کدام مخلوق داشتند همین است شرک و کفر.

چون آن حضرت صلی الله علیه و آله در آیت های گذشته به تمام مشرکین و یهود و نصارا و صابئین چنین اعلان روشن فرمودند که **غیر از الله تعالی جل جلاله هیچ کسی لائق توجه و زاری و فریاد در حاجات و مشکلات نیست و شما غیر از الله تعالی دیگر کسی را جای توجه و زاری و فریاد نسازید** این سخن بر مشرکین و یهود و نصارا بسیار ناگوار و ناپسند تمام شد، و به طور انکار گفتند: « **اجعل الالهة الهًا واحدًا ان هذا لشیء عجاب** » سوره، ص آیت ۵

ترجمه: آیا این محمد صلی الله علیه و آله تمام جاهای توجه و زاری و فریاد را در حاجات

ومشكلات باطل ساخته فقط يك ذات را جای توجُّه وزاری و فریاد مقرر کرد؟ هر آینه این يك چیزی است بسیار عجیب.

گفتند: «هَاسَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ» سورهء ص آیت ۷

ترجمه: ما نشنیدهء ایم این سخن را در دیگر دین پس این سخن از دل خود یافته است یعنی ما این سخن را در دین پدران واجداد و در دین یهود و نصارا نشنیده ایم که همه در بارها و کارسازها را ترك کرده تنها به يك الله توجُّه وزاری و فریاد کنید.

بدانکه بعض مردم ترجمه میکنند که آیا تمام خداها را يك خدا ساخت این سخن خلاف قرآن کریم است چرا که در سابق به اثبات رسید که مشرکین و یهود و نصارا همه خدا را يك میدانستند یعنی خالق کائنات و تمام مخلوقات تنها الله تعالی است پس معنای الٰهة خدایان نیست بلکه معنای آن جاهای توجُّه وزاری و فریاد و یا معنای آن کارسازها و دربارها است.

مشرکین و یهود و نصارا از تنها ساختن الله تعالی به توجُّه وزاری و فریاد نفرت میکردند: چنانچه الله تعالی ارشاد فرموده است: «وَإِذَا ذُكِرْتِ رَبَّاتِي فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ
وَلَوْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا *» سورهء بنی اسرائیل ۴۶

ترجمه: و چون شما پروردگار خود را در قرآن به تنهایی یاد میکنی که تنها او جای توجُّه وزاری و فریاد است مشرکین پشت گشتانیده نفرت کنان میگریزند.
نفرت و گریز آن ها از خالق بودن الله تعالی نبود بلکه نفرت و گریز آنها ازین بود که چرا الله تعالی را بدون وسائط و سفارشی ها میخواستند.

جای توجُّه و زاری و فریاد است مشرکین پشت گشتانیده نفرت کنان میگریزند.

نفرت و گریز آن ها از خالق بودن الله تعالی نبود بلکه نفرت و گریز آنها ازین بود که چرا الله تعالی را بدون وسائط و سفارشی ها میخواستند.

و در آیت کریمه، دیگرارشاد فرموده: « وَإِذْ ذَكَرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذَكَرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ » سورهء زمر ۳۵ ترجمه: و چون یاد کرده شود الله تنها تنگ میشود دلهای آنانیکه ایمان ندارند به آخرت و چون یاد کرده شود آن کسانیکه به غیر از الله تعالی هستند آنگاه خوش میشوند.

اگرچه انسان مشرک در بعض اوقات ظاهراً به عظمت و محبت الله تعالی اعتراف میکند لیکن قلباً از بیان کمالات و صفات الله تعالی خوش نمیشود از خصوصیات انسان مشرک همین است که چون توصیف دربارها و کارسازهای باطل و بی سند به میان میآید از خوشی به جامه نمبگنجد و آثار سرور بر چهرهء شان نمایان میگردد، افسوس که درین ایام این گونه وضعیت از بسا مسلمانانیکه به نام مسلمان اند نیز به نظر میرسد یعنی هنگامیکه قدرت و عظمت الله تعالی و احاطه علمی و عمومیت تصرف و مشیت نافذه، او تعالی بیان شود بر چهره های شان آثار انقباض و دل تنگی هویدا میگردد، و چون ذکر کدام پیر و یافقیر به میان آید و خوارق و کرامات راست و دروغ به کلمات بی هوده و بی معنا بیان شود چهرهء های شان باز و متهیج میشود و جذبات مسرت و انبساط در دلهای شان به جوش میآید بلکه بسا اوقات کسیکه وحدانیت الله تعالی را بیان میکند و به توحید

خالص دعوت می‌دهد در نزد آنها منکر ا ولیاء و یا منکر کرامات فهمیده میشود -
تفسیر عثمانی.

و در آیت کریمه دیگر الله تعالی سبب دوزخی بودن مشرکین را بیان کرده که
ایشان چرا به دوزخ می‌روند؟ «انَّهُمْ كَانُوا إِذَا قَبِلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ»
سورة صافات آیت ۳۵

ترجمه: هر آینه این مشرکین این عادت داشتند که چون به آنها گفته میشد: که
غیر از الله تعالی جای توجُّه و زاری و فریاد در حاجات و مشکلات نیست ایشان ازین
سخن تکبر میکردند.

ف: درین آیت های گذشته این سخن واضح شد که انسان مشرک از تنها
خواستن الله تعالی و از بیان قدرت و عظمت و واحدانیت الله تعالی تنگدل و تروش
روی میشود - و از شنیدن خوارق و کمالات مخلوق و کارسازهای دروغ و باطل خروش
میشود.

بدانکه در **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** - از تمام دربارها و کارسازهای باطل و آلهه باطل
انکار است و آله باطل به سه گونه است - **إِلَهٍ تَكْوِينِي إِلَهٍ تَشْرِيعِي - إِلَهٍ**
طَاغُوتِي -

إِلَهٍ تَكْوِينِي آن را می‌گویند که مردم در شان او عقیده دارند که او را تصرف غیبی
در امور تکوینی حاصل است استقلالاً یا واسطه و شفاعة چنانچه مشرکین مکه
اینگونه عقیده در متعلق انبیاء و اولیاء و ملائکه و غیره داشتند و به آنها در حاجات
و مشکلات خودها توجُّه و زاری و فریاد میکردند و آنها را سفارشی و وسیله و واسطه

إله تشریحی این را میگوید که در احکام دین به مشایخ و علماء این طور اختیار داده شود که به ارشاد الله تعالی ورسولش نمی بینند پیر وملا را از الله ورسول مقدم تر میدانند، و تحقیق نمیکنند که آیا گفتهء پیر وملا با ارشاد الله تعالی ورسولش موافق است وبانه، چنانچه یهود ونصارا اینطور معامله با مشایخ و علماء خود کرده بودند، والله تعالی در قرآن کریم خبر داده است که ایشان مشایخ و علماء خود را رب ساخته اند: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ» یعنی یهود ونصارا علماء و مشایخ خود را رب ساخته اند، وعیسی بن مریم را هم.

عدی بن حاتم رضی الله عنه پرسید که یا رسول الله ماخوبه آنها نماز نه خوانده ایم، ونه روزه گرفته ایم؟ رسول کریم صلی الله علیه وسلم فرمودند که آیاشما به حرام آنها حرام نمیگفتید وبه حلال آنها حلال نمیگفتید؟ او عرض کرد که بی شک که هم چنین بود رسول کریم ﷺ فرمودند: که پس همین است رب ساختن هم چنین اگر کسی به کدام عالم وپیر این چنین اطاعت مطلقه کند که به ارشاد الله ورسول نمی بیند پس گویا عالم وپیر را **إله** ورب خود ساخته است.

شاه عبد القادر دهلوی رحمه الله فرموده: که قول عالم وقتی عوام راسند باشد که مطابق شرع باشد واگر اشکارا شود که آن قول خود اوست وبابه طمع ووجاهت وقومیت گفته است پس اطاعت او لازم نیست.

إله طاغوتی این را میگوید که کدام رئیس و خان وملك و سلطان فاجر وفاسق را در نافرمانی الله تعالی ورسول اطاعت کنند.

اگرچه به اصطلاح قرآن تمام اِلِهَهُ باطله طاغوت است ابن جریر رحمه الله در تفسیر طاغوت گفته که هر کسیکه بر الله تعالی سرکشی کند و اطاعت و بندگی او به قهر او کرده شود و یا به رضا و رغبت تابعداران شود پس این طاغوت گفته میشود برابر سخن است که انسان باشد یا جن یا ملك باشد و یا دیگر مخلوق پس این همه طاغوت گفته میشود لیکن چونکه هر اِلَه طاغوت نمیشد مثل عیسی و عزیر و ملائکه ازین رو اِلَه طاغوتی جداگانه تعریف کرده شد.

و فرد اولی او شیطان و فرعون و نمروود است و تاقیامت کسی که در نافرمانی الله تعالی و رسولش اطاعت و بندگی میخواید او طاغوت میباشد.

و تمام انبیاء کرام علیهم السلام برای انکار از طاغوت فرستاده شده الله تعالی ارشاد فرموده: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اِعْبُدُوا اللَّهَ وَجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» سوره نحل ۳۶

ترجمه: و هر آینه فرستاده ایم در هر امت پیغمبری را که تنها سازید الله را به عبادت و توجه و زاری و احراز کنید از اِلَه باطل پس بعض از ایشان کسی بود که الله تعالی او را هدایت کرد و بعض از ایشان کسی بود که گمراهی بالای او ثابت شد پس بگردید در زمین پس ببینید که چگونه شد انجام تکذیب کنندگان پس برای ایمان توحید شرط است و برای توحید انکار از طاغوت و تمام اِلَه باطله شرط است.

و بعض علماء گفته: که برای توحید هفت شرط است.

(۱) علم به توحید (۲) قبولیت توحید (۳) انقیاد به توحید (۴) صدق در توحید (۵) یقین به توحید (۶) اخلاص در توحید (۷) محبت با توحید.

و نواقض توحید ده است (۱) شرك بالله در عبادت (۲) به سوی غیر الله توجه و تضرع کردن به این اعتقاد که این واسطه و سفارشی من است (۳) شك کردن در کفر مشرک (۴) در خلاف ورزی سنت نبی کریم ﷺ کامیابی و بهبودی دیدن (۵) استهزاء و تحقیر کدام سنت نبی کریم صلی الله علیه وسلم (۶) بدبینی و بغض با سنت نبی کریم صلی الله علیه وسلم (۷) جادو و سحر کردن (۸) اعانت و همکاری با کفار و مشرکین در ضرر و خلاف مسلمانان (۹) این عقیده کردن که برای بعض مردم آزادی و خروج از شریعت جائز است (۱۰) اعراض و رو گردانی از دین و قانون الله تعالی که نه خودش بر آن عمل میکند و نه تعلیم آن را میکند، یعنی نه میاموزد و نه بر آن عمل میکند.

درین زمانه و هم چنین در زمانهء سابق مردمان سه گونه آلهه را به خود ساخته اند **الله تکوینی** **الله تشریحی** **الله طاغوتی**.

الله تکوینی را اکثر مردم از پیغمبران و ملائکه و اولیاء و صلحاء و جنات و مشایخ و قبرها و درخت ها ساخته.

و الوهیت تشریحی را به مشایخ و علماء و امامان دینی داده اند.

و الوهیت طاغوتی را اکثر به پادشاه ها و جبابره و قانندان سیاسی و رؤساء قوم و رئیسهای دولتی داده اند

تفصیل این موضوع در کتاب مقاصد و موضوعات اساسی قرآن موجود است در

فرضیت ایمان به صفات اللہ جل جلالہ

چطوریکہ ایمان به وحدانیت اللہ تعالیٰ فرض است همین چنین ایمان به آن صفت
های اللہ تعالیٰ هم فرض است کہ در قرآن کریم برای خود ثابت فرموده و یارسول
کریم صلی اللہ علیہ وسلم برای اللہ تعالیٰ ثابت فرموده است۔

درین موضوع چند آیت های ذیل را بخوانید:

۱- « **إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى
الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا
لَهُ الْخُلُقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ** » سورہء اعراف آیت ۵۴

ترجمہ: ہرآینہ پروردگار شما آن اللہ است کہ پیدا کردہ آسمانها وزمین را در
شش روز پس قرار گرفت بر عرش می پوشاند شب را به روز می جوید شب روز را
به شتاب و آفرید آفتاب ومہتاب را وستارگان را رام شدہ به حکم او آگاہ شوید تنها
کار اوست پیدا کردن وفرمودن حکم - دارای برکت بزرگ است اللہ کہ پروردگار
ہمہ عالمین است۔

۲- « **إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى
الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا بِإِذْنِهِ ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ** »
سورہء یونس آیت ۳

ترجمہ: ہرآینہ پروردگار شما آن اللہ است کہ پیدا کردہ آسمانها وزمین را در
شش روز پس قرار گرفت بر عرش تدبیر وانتظام میکند تمام کارهای مخلوق را نیست

هیچ شفاعت کننده مگر پس از اجازه، وی این ذاتیکه صفات او ذکر شدالله است پروردگار شما است پس تنها سازید او را به توجه وزاری خود آیا پندپذیر نمیشوید.

۳- «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ

الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» سورة، رعد آیت ۲۵

ترجمه: الله تعالى آن ذات توانا وقادر است که بلند کرده آسمانها را به غیر از ستون که می بینید آنرا پس قرار گرفت بر عرش و مسخر کرده آفتاب و مهتاب هر یکی می رود بر وقت مقرر خود تدبیر و انتظام تمام کارهای عالم میکند، با تفصیل بیان میکند دلائل قدرت و وحدانیت خود را تا شما به ملاقات پروردگار خود یقین کنید،

۴- «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ * لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا

بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ * وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلِمُ السِّرَّ وَأَخْفَىٰ * اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ» سورة، طه آیت ۵-۸

ترجمه: ذات او تعالی رحمان بر عرش قرار گرفته خاص او راست ملکیت و تصرف آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و آنچه در میان این هردو و آنچه در زیر زمین نمناک است و اگر بلند کنی آواز رابه سخن پس هر آینه او میداند پنهان و پنهان تر را الله جل جلاله ذاتی است که غیر از او هیچ کسی لائق توجه و زاری و فریاد در حاجات و مشکلات نیست خاص برای او نامهای نیکو است.

۵- «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ

عَلَى الْعَرْشِ مَالِكُمْ مَنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيِّ وَلَا شَفِيعَ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ « سورة الم السجدة
آیت ۴

ترجمه: الله جل جلاله این چنین ذات قادر و توانا است که آسمانها و زمین را
و آنچه در میان این هر دو است پیدا کرده در شش روز پس بر عرش قرار گرفته نیست
برای شما هیچ حمایت کننده و سفارش کننده آیا پند پذیر نمیشوید؟

۶- « الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ
الرَّحْمَنُ فَسئَلُ بِهِ خَبِيرًا » سورة فرقان ۵۹

ترجمه: او تعالی آن ذاتی است که پیدا کرده آسمانها و زمین را و آنچه در میان
این هر دو است در شش روز پس قرار گرفته بر عرش، او دارای رحمت بزرگ است
پس بپرس حال او را از شخص خبردار.

۷- « هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ
مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ
أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » سورة حدید آیت ۴

ترجمه: او تعالی آن ذات قادر و توانا است که پیدا کرده آسمانها و زمین را در
شش روز پس قرار گرفته بر عرش او میداند آنچه در زمین میدراید و آنچه می بر آید
و آنچه از آسمان فرود میاید و آنچه بالا به آسمان میروند، و او به اعتبار علم با شما
است در هر جا که باشید و الله تعالی به عملها^ی شما بیناست.

ف: درین هفت آیت قرار گرفتن و استوار شدن الله تعالی بر عرش ثابت شد
مفتی محمد شفیع صاحب رحمه الله در تفسیر معارف القرآن چنین توضیح نموده که

معنای (ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ) اینکه پس الله بر عرش قائم و استوار شده معنای عرش تخت شاهی است اکنون این سخن که عرش چگونه و چه چیز است و مطلب قائم شدن و برابر شدن بر عرش لائق باشان او چیست؟

درین باره مسلك صحيح و صاف و بی غبار آن است کدامیکه از صالحین سابقین و از صحابه و تابعین و اکثر صوفیای کرام منقول شده که عقل انسانی به حقیقت ذات و صفات الله تعالی احاطه کرده نمیتواند در کیفیت آن واقع شدن بیکار بلکه مضر است، بد این چیزها ایمان اجمالی واجب است از امام مالك رحمه الله کسی پرسید که مطلب استواء علی العرش چیست؟ او بعد از تامل طویل فرمود: که استواء علی العرش معلوم و ثابت است و کیفیت آن مجهول است و ایمان بر آن واجب است و سوال کردن از کیفیت آن بدعت است.

وسفیان ثوری و امام اوزاعی و لیث بن سعد و سفیان بن عیینه و امام ابوحنیفه و عبد الله بن مبارک رحمهم الله فرموده اند که کدام آیت ها یکه در متعلق ذات و صفات الله تعالی وارد شده به هر کیفیتیکه باشد ایمان بر آن واجب است و در آن کدام تاویل نکند ص ۵۱۳ ج ۳/ و چیزی تفصیل در ص ۵۰۱ ج ۴/ نوشته است

قال الامام ابوالفداء اسماعیل بن کثر رح فی تفسیره:

وللناس فی هذا المقام مقالات كثيرة جدا لیس هذا موضع لبسطها وانما نسلک فی هذا المقام مذهب السلف الصالح مالك والاوزاعی والثوري واللیث بن سعد والشافعي واحمد واسحاق بن راهويه وغيرهم من ائمة المسلمين قديما وحديثا وهو امرها كما جاءت من غير تكيف ولا تشبيه ولا تعطيل الظاهر المتبادر الى اذهان

المشبهين منفي عن الله لا يشبهه شيء من خلقه «ليس كمثله شيء وهو السميع البصير» بل الامر كما قال الائمة منهم نعيم بن حماد الخزاعي شيخ البخاري قال: من شبه الله بخلقه كفر ومن جحد ما وصف الله به نفسه فقد كفر، وليس فيما وصف الله به نفسه ولا رسوله تشبيه فمن اثبت الله تعالى ماوردت به الآيات الصريحة والاخبار الصحيحة على الوجه الذي يليق بجلال الله ونفى عن الله النقائص فقد سلك سبيل الهدى» تفسير ابن كثير ص ٢٢١ ج/٢

وقال في ص ٣٠٧ وأنه يمر كما جاء من غير تكيف ولا تشبيه ولا تعطيل ولا تمثيل.

وقال في تفسير روح البيان ص ١٧٥ ج/٣ : وهذا الاستواء صفة من صفات الله تعالى لا يشبه استواء المخلوقين كالعلم والقدرة صفة من صفاته لا يشبه علم المخلوقين اذ ليس كمثله شيء وهو السميع البصير وقال: العرش يطلق على السرير الذي يجلس عليه الملوك وعلى كل ما علاك واطل عليك.»

ترجمه: امام اسماعيل بن كثير رح در تفسير خود فرموده: كه درين مقام بسيار اقوال مردم است كه اين جامقام تفصيل آن نيست وما درين باره به مسلك صالحين سابقين وبه مذهب امامان رفتار ميكنيم مثل امام مالك واوزاعي وسفيان ثوري وليث بن سعد وامام شافعي وامام احمد واسحاق بن راهويه وغيرهم، ائمهء مسلمانان از قديم به همين مسلك بودند وآن اينكه اين آيت ها به ظاهر حمل کرده شود به غير از تعين كيفيت وبه غير از تشبيه وبه غير از تعطيل تسليم کرده شود.

وآنچه در ذهن بعض مردم ميرود آن درشان الله تعالى مناسب نيست كه آنها

الله تعالی را بامخلوق مشابه میسازند با الله تعالی هیچ چیز هم مشابهت ندارد بلکه حقیقت همان است که استاذ بخاری نعیم بن حماد خزاعی فرموده: که اگر کسی الله تعالی را بامخلوق مشابه سازد کافر میشود و اگر کسی انکار کند از آنچیزیکه الله تعالی خود را به آن موصوف ساخته کافر میشود و به کدام صفاتی که الله تعالی و رسول کریم ﷺ توصیف الله تعالی را کرده در آن تشبیه نیست، پس کسیکه ثابت کند برای الله تعالی آن صفاتی که در آیت ها و در احادیث صحیحه وارد شده لائق باشان و جلال او تعالی و نقائص را از الله تعالی نفی کند پس بلا شبهه این شخص به راه مستقیم روان شد.

و در صفحه ۴۰۷ فرموده که عرش از تمام مخلوقات بزرگتر است و عرش بالای تمام مخلوق مانند قبه سق است.

و در صفحه ۵۰۰ فرموده که استواء علی العرش را بر ظاهر بدانیم به غیر از تعیین کیفیت و به غیر از تشبیه و به غیر از تعطیل و تمثیل و در کتاب عقیده الامام طحاوی حنفی فرموده: که عرش و کرسی حق است.

در روایت ابی داود و ترمذی و ابن ماجه و امام احمد وارد شده که عباس بن عبدالمطلب ارشاد رسول کریم ﷺ را نقل کرده که بالای آسمان هفتم دریاب است که عمق آن به اندازه مسافه آسمان و زمین است و بالای آن هفت اوعال است که مسافه زانو تا ناخن ها به اندازه آسمان دنیا و زمین است و بالای آن عرش است که مسافه زیر و بالای آن به اندازه آسمان دنیا و زمین است، والله تعالی بالای عرش است و هیچ عمل بنی آدم بر الله تعالی پوشیده نیست والله تعالی به عرش محتاج نیست والله

تعالی بر تمام مخلوق احاطه کرده و بالای تمام مخلوق بالاتر است.

وحضرت ابن عباس رضی اللہ عنہما فرموده کہ تمام آسمانها وزمین و تمام مخلوقات در دست بلاکیف اللہ تعالیٰ به مانند دانہ آوری و بادانہء خاش خاش است در دست شما - شرح العقیدة الطحاویة الحنفیة.

قال الامام الاعظم ابوحنيفة رحمه الله تعالى:

«والله تعالى لا يشبه شيئا من الأشياء من خلقه ولا يشبهه شيء من خلقه لم يزل ولا يزال بأسمائه وصفاته الذاتية والفعلية ، اما الذاتية: فالحياة والقدرة والعلم والكلام والسمع والبصر والارادة اما الفعلية فالتخليق والترزيق والانشاء والابداع والصنعة وغير ذلك من صفات الفعل فهو يعلم لا كعلمنا ويقدر لا كقدرتنا ويرى لا كرؤيتنا ويسمع لا كسمعنا ويتكلم لا ككلامنا وله يد ووجه ونفس كما ذكره الله في القرآن فما ذكره الله تعالى في القرآن من ذكر الوجه والنفس والعين واليد فهو له صفات بلاكيف ولا يقال ان يده قدرته او نعمته لأن فيه ابطال الصفة وهو قول اهل القدر والاعتزال ولكن يده صفته بلاكيف وغضبه ورضاه صفتان من صفاته تعالى بلاكيف ولا يكون في الدنيا ولا الاخرة شيء الالمشيئة الله وعلمه وقضائه و قدره وكتابه في اللوح المحفوظ ولكن كتبه بالوصف لا بالحكم والقضاء والقدر والمشيئة صفاته في الازل بلاكيف (اللفظه الأكبر)

ترجمه: امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله فرموده: كه الله تعالى باهيچ مخلوق مشابهت ندارد و نه كدام مخلوق با او مشابهت دارد ، او هميشه بود و هميشه مى

باشد به همراه نامهای خود و صفات ذاتی و فعلی خود یعنی صفت های او تعالی به دو قسم است ذاتی و فعلی صفت ذاتی مثل حیات، قدرت، علم، کلام، سمع، بصر، اراده، و صفت های فعلی او مثل پیدا کردن، رزق دادن، ویک چیزی را از سرنو پیدا کردن و چیزی نو را به وجود آوردن و زنده کردن، و میرانیدن و به چیزها صورت دادن.

پس علم دارد نه به مثل علم ما و قدرت دارد نه به مثل قدرت ما و می بیند نه به مثل دیدن ما و می شنود نه به مثل شنیدن ما و سخن میزند نه به مثل سخن زدن ما و او را صفت بد و وجه و نفس و چشم است پس این صفات اوست بلاکیف. و این سخن بالکل غلط و خطأ است که مراد از دست قدرت و یانعمت اوست چرا که درین صورت نیست بودن صفت او میآید و این عقیده قدریه و معتزله است لیکن دست صفت اوست بلاکیف و غضب و رضا صفت های اوست بلاکیف.

و نمیشود هیچ کار نه در دنیا و نه در آخرت مگر به خواستن و مشیت او و به علم او و قضاء و تقدیر او و به نوشتن او در کتاب لوح محفوظ لیکن نوشتن او به صفت اوست نه به حکم او و قضاء و قدر و مشیت از صفت های ازلی اوست بلاکیف.

قول امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله

قال ابو مطيع البلخي: سألت ابا حنيفة عن من يقول لا اعرف ربي افي السماء هو او في الارض قال: قد كفر لان الله تعالى يقول: الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى - عرشه فوق سماواته فقلت إنه يقول: اقول على العرش استوى ولكن لا ادري هل العرش في السماء او في الارض قال: اذا انكر انه في السماء فقد كفر رواه

ابوبکر صاحب الفاروق کذافی فتاویٰ شیخ الاسلام وابی محمد الراشدی الحنفی ص
۳۲ و ص ۲۰۸

ترجمہ: ابومطیع بلخی میگوید: کہ من از امام اعظم ابوحنیفہ رحمہ اللہ در متعلق آن شخص پرسیدم کہ او میگوید کہ من نمیدانم کہ رب من در کجاست آیا در آسمان است و یا در زمین است؟ در بارہ این شخص نظریہء شما چیست؟ او گفت کہ این شخص کافر شد چرا کہ اللہ تعالیٰ در قرآن کریم فرمودہ کہ رحمان بر عرش مستوی وقائم است و عرش او بالای ہفت آسمان است، باز من عرض کردم کہ میگوید کہ بر عرش خواست لیکن نمیدانم کہ عرش در کجا است در آسمان است یا در زمین او گفت وقتیکہ ازین منکر شود کہ اللہ تعالیٰ در آسمان است کافر شد.

وقال الذهبي: وسمعت القاضي الامام تاج الدين عبد الخالق بن علوان قال: سمعت الامام ابامحمد عبد الله بن احمد المقدسي مؤلف المقنع يقول: بلغني عن الامام الاعظم ابي حنيفة رحمه الله انه قال: من انكر ان الله عزوجل في السماء فقد كفر - كذا في الفتاوى الهندية.

ترجمہ: ابومحمد عبد اللہ بن احمد حنفی گفتہ: کہ امام اعظم ابوحنیفہ رحمہ اللہ فرمودہ: کہ کسی ازین منکر شود کہ اللہ تعالیٰ در آسمان است بہ تحقیق کہ کافر شد.

قال الامام مالك رحمه الله تعالى: الله في السماء وعلمه في كل مكان لا يخلو منه شيء ، وقال: الرحمن على العرش استوى» كما وصفه نفسه ولا يقال كيف وكيف ، فتاوى حمويه ص ۱۶۶ - ۱۶۷

ترجمہ: امام مالک رحمہ اللہ فرمودہ: کہ اللہ تعالیٰ در آسمان است و علم او درہر جا است یکجاہم از علم او بیرون نیست و فرمود: کہ ذات رحمان بر عرش قائم و مستوی است چگونه کہ توصیف نفس خود را فرمودہ و ہیچ کسی نگوید کہ چگونه و چگونه.

قال الامام الشافعي رحمه الله القول في السنة التي انا عليها ورأيت عليها الذي رأيتهم مثل سفيان ومالك وغيرهما الاقرار بشهادة ان لا اله الا الله وأن محمدا رسول الله وأن الله على عرشه في سمائه يقرب من خلقه كيف يشاء وينزل إلى السماء الدنيا كيف يشاء» (صواعق مرسله ص ٧٤ ج ٢ وص ١٣٢ و ٢٠٩)

حضرت امام شافعی رحمہ اللہ فرمودہ: کہ آن طریقہ و عقیدہ، یکہ من بر آن ہستم و من کلماتہا و بزرگان خود را بہ آن دیدہ ام مثل سفيان و مالک و غیرہما آن اینکہ انسان اقرار کند بہ گواہی این سخن کہ غیر از اللہ تعالیٰ دیگر کسی لائق عبادت و بندگی و جای توجہ و زاری در ہمہ حاجات و مشکلات نیست و حضرت محمد ﷺ فرستادہ، اللہ تعالیٰ است، واللہ تعالیٰ بر عرش خود مستوی و قائم است بالای ہفت آسمان و او بہ مخلوق خود نزدیک میشود چگونه کہ میخواہد و بہ آسمان دنیا لائق باشان خود نزول میکند چگونه کہ میخواہد.

(حوالہ شرح تفسیر جلالین)

روی عن ام سلمة والامام جعفر صادق والحسن وابي حنيفة ومالك أن الاستواء على العرش معلوم والكيف مجهول والايمان به واجب والسؤال عنه بدعة وروى البيهقي عن ابي حنيفة رحمه الله أن الله في السماء دون الأرض وعنه قال: من انكر

ان الله في السماء فقد كفر- وقال الامام الشافعي رحمه الله إن الله على عرشه في السماء يقرب من خلقه كيف يشاء وينزل كيف يشاء ومثل ذلك قال الامام احمد وقال اسحاق انه اجمع اهل العلم انه تعالى فوق العرش استوى ويعلم كل شئ وهو قول المزنى والبخارى وابى داود والترمذى وابن ماجه والنسائى وابى يعلى وغيرهم من أئمة الحديث (كمالين شرح جلالين ص ۱۳۳ حاشية ۶ في تفسير سورة الاعراف)

ترجمه: از حضرت ام سلمه وامام جعفر وحسن وابى حنيفه ومالك روايت شده كه استواء الله بر عرش معلوم وثابت است وكيفيت آن مجهول است وايمان به آن واجب است وسوال كردن از كيفيت آن بدعت است، ويهقى از امام ابى حنيفه رح روايت کرده كه بى شك الله تعالى در آسمان است نه در زمين ونيز از ابوحنيفه روايت شده كه كسى از بودن الله تعالى در اسمان منكرشود به تحقيق كه كافر شد وامام شافعى رحمه الله فرموده كه الله تعالى به عرش خود بالاى هفت اسمان است نزديك ميشود به مخلوق چگونه كه بخواهد ونزول ميكند به آسمان دنيا چگونه كه ميخواهد وهم چنين امام احمد رحمه الله فرموده واسحاق رحمه الله فرموده كه همه اهل علم برين سخن متفق اند كه الله تعالى بر عرش خود قرار گرفته وهرچيز را ميداند وهمين است قول امام مزنى وامام بخارى وترمذى وابوداود وابن ماجه ونسائى وابى يعلى وغيرهم (شرح جلالين ص ۱۳۳ حاشيه ۶)

اما الامام احمد بن حنبل رحمه الله

قال الشيخ يوسف بن موسى القطان قیل لابی عبد الله احمد بن حنبل رحمه الله: الله فوق السماء السابعة على عرشه بائن من خلقه وقدرته وعلمه بكل مكان؟

قال نعم هو على عرشه فوق سبع سموات ولا يخلوشى من علمه .

ترجمہ: شاگرد امام احمد بن حنبل یوسف بن موسی قطان میگوید کہ بہ امام احمد یك شاگرد او گفت کہ آیا اللہ تعالیٰ بالای آسمان ہفتم بر عرش خود مستوی است و از مخلوق جدا است و قدرت و علم او در ہر جاست؟ امام احمد در جواب گفت: بلی او بر عرش خود بالای ہفت آسمان است و ہیچ چیزی ہم از علم او بیرون نیست

روایت مسند امام اعظم ابوحنیفہ رحمہ اللہ

روی الامام الاعظم ابوحنیفہ رحمہ اللہ فی مسندہ عن عطاء ان رجالا من اصحاب النبی ﷺ حدثوه ان عبد اللہ بن رواحہ رضی اللہ عنہ کانت لہ راعیة تتعاهد غنمہ وانہ امرہا ان تتعاهد شاة فتعاهدتها حتی سمت الشاة واشتغلت الراعیة ببعض الغنم فجاء الذئب فاختملس الشاة وقتلہا فجاء عبد اللہ بن رواحہ وفقد الشاة فاخبرته الراعیة بامرہا فلطمہا ثم ندم علی ذلك فذكر ذلك لرسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فعظم النبی ﷺ ذلك وقال ضربت وجہ مؤمنۃ؟ فقال سوداء لا علم لہا (ای بالایمان) فارسل الیہا النبی ﷺ فسألہا ابن اللہ؟ فقالت: فی السماء قال: فمن أنا؟ قالت: رسول اللہ قال انہا مؤمنۃ فأعتقہا فأعتقہا (کذا فی مسند الامام اعظم ابی حنیفہ رحمہ اللہ ص ۱۰)

امام اعظم ابوحنیفہ رحمہ اللہ از عطاء روایت میکند کہ بعض نفرہا از اصحاب کرام بہ او بیان نمودند کہ حضرت عبد اللہ بن رواحہ یك کنیز داشت کہ گوسفندہا و بزہای او را می چرانید یك روز بہ کنیز گفت کہ ابن یك گوسفند را بہ طور خاص حفاظت و نگرانی کن پس آن کنیز آن گوسفند را حفاظت میکرد حتی کہ

بسیار فریبہ شد از تقدیرات الہی این کنیز بہ دیگرگوسفندھا مشغول شد درین اثنا يك گرگ آمد و آن گوسفند خاص را گریختاند و بہ قتل رسانید همین بود کہ حضرت عبد اللہ بن رواحہ آمد و می بیند کہ آن گوسفند خاص نیست کنیز برایش قصہ، گرگ را شنوایند عبد اللہ بن رواحہ بسیار بہ خشم شدہ و کنیز را بہ رویش سلی کشید، فوراً عبد اللہ بن رواحہ بہ این عمل خود پشیمان شد و بہ حضور رسول کریم ﷺ حاضر شدہ قصہ را بیان کرد رسول کریم ﷺ این عمل او را گناہ بزرگ دانستہ و برایش گفت کہ آیا کنیز مؤمنہ را بہ رویش زدی؟ عبد اللہ بن رواحہ گفت کہ این کنیز سیاہ ست دربارہ، ایمان کدام علم ندارد، رسول کریم ﷺ آن کنیز را خواستہ و برایش فرمودند کہ اللہ تعالی در کجا است؟ کنیز گفت کہ در آسمان است باز برایش فرمودند کہ من کیستم؟ کنیز گفت: کہ شما رسول اللہ تعالی ہستی باز رسول کریم ﷺ فرمودند کہ بہ تحقیق این کنیز مؤمنہ است پس او را آزاد کن عبد اللہ بن رواحہ آن را آزاد نمود.

ف: درین روایت امام اعظم ابوحنیفہ رحمہ اللہ این سخن بہ وضاحب رسید کہ این سخن از جملہ ایمانیات است کہ مسلمان عقیدہ داشتہ باشد کہ اللہ تعالی بر عرش خود بالای ہفت اسمان لائق باشان خودش است.

درین زمانہ بسیار ملاھا چنین است کہ از مذهب امام خود امام اعظم ابوحنیفہ خبر ندارند کسی کہ در پیش روی شان بگوید کہ اللہ تعالی بر عرش بالای ہفت آسمان لائق باشان خودش است و در دست او ملکیت و اختیار تمام کائنات است فوراً بالای او حکم کفر میکنند حالانکہ این صفت از صفتہای او تعالی است کہ ایمان بر

آن لازم و واجب است سبب این است که اینطور ملاحظا در قرآن کریم واحادیث نبویه
وفقه حنفیه مهارت ندارند، از اصول ومقررات اعتقادی دین خبر ندارند.

روی الامام الاعظم ابوحنیفه رحمه الله عن جابر رضی الله عنه ان رسول الله
ﷺ قال امرت ان اقاتل الناس حتى يقولوا لا اله الا الله فاذا قالوها عصموا مني
دما، هم واموالهم الا بحقه وحسابهم على الله (كذا في مسند الامام ابي حنيفة رح)
ترجمه: امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله بذریعه، حضرت جابر رضی الله عنه این
ارشاد رسول کریم ﷺ رانقل کرده : که من مامور شده ام که تا با مردم قتال کنم
تا اینکه به کلمه لا اله الا الله اقرار کنند و چون اقرار کلمه کردند خونهای خود را
ومالهای خود را از من محفوظ کردند مگر به حق اسلام خون ومالهای شان گرفته
میشود و دیگر حساب آنها به نزد الله تعالی است.

ف: درین حدیث این سخن بوضاحت رسید که باید انسان بالای مسلمان بدون
تحقیق حکم کفر نکند وقتیکه اقرار به کلمه کردند اگرچه معنای آن را نداند جان
ومال او محفوظ است کسی به او تعرض کرده نمیتواند واگر در کلمه او حقیقت
وصداقت و اخلاص و یقین و علم باشد پس مستحق جنت است واگر در کلمه او حقیقت
وصداقت و اخلاص و علم و یقین نباشد در دنیا جان او محفوظ است موجب جنت
نیست.

باب سوم در بیان کرامت اولیاء کرام

چون شیطان دشمن ایمان ما و شما است و بسیاری مردم که از دولت ایمان محروم شده سبب آن فریفتن به معجزات و کرامات میباشد ازین رو ضرور است که حقیقت کرامت و حقیقت ولایت را بدانیم و در معجزات و کرامات فریفته شده از ایمان محروم نشویم نصارا چون دیدند که عیسی علیه السلام بی پدر پیدا شده و مردگان را زنده میکرد و صورت پرنده را جور کرده در آن میدسید پرنده میشد و کور ما در زاد و مریض ابلق بذریعه او شفامیافت و چیزهاییکه میخوردند و یا در خانه ها ذخیره میساختند به آن خبر میداد ازین رو او را و مادر او را اله ساختند و در حاجات و مشکلات و مصائب به سوی او توجه و تضرع میکردند بعضی شان او را مستقل کارساز و حاجت روا و مشکل کشا مقرر کردند و بعضی او را واسطه و سفارشی دانسته بالله میخواستند و بعضی شان گفتند: که نعوذ بالله این پسر الله است درین زمان هم مردم کم ظرف و ضعیف الاعتقاد چون بعضی چیزها و کارها را برخلاف عادت از کدام پیر و فقیر صادر شده می بینند و یا در بعضی مزارات چیزها را برخلاف عادت می بینند فوراً دران فریفته شده آن شخص را اله و کارساز و حاجت روی خود مقرر میکنند و در چیزهای مبتلا میشوند که شرك صریح و برضد ایمان میباشد و از دولت ایمان محروم میشوند و از دنیا در حالت شرك و کفر به قبر میروند ازین رو درین باب کرامت اولیاء را مورد بحث قرار دادیم تا درین کرامت و معجزه و استداراج فرق کرده بتوانیم و ولی و غیر ولی را بدانیم.

امام اعظم ابوحنیفه رح فرموده که معجزات انبیاء و کرامات اولیاء حق است و کدام کارها بکه الله تعالی با دشمنان خود میکند مثل شیطان و فرعون و دجال آن همه کرامات نیست بلکه استدراج است و مقدمه گرفتاری آنها است در فقه اکبر قول امام اعظم رحمه الله را چنین نقل کرده: والآیات الثابتة للانبیاء والکرامات للأولیاء حق واما التي تكون لاعدائه مثل ابليس وفرعون والدجال فما روى في الاخبار انه كان ويكون لهم فلا نسميها آيات ولا کرامات ولكن نسميها قضاء حاجاتهم وذلك لان الله تعالى يقضى حاجات اعدائه استدراجا لهم وعقوبة لهم فيفترون به ويزدادون طغيانا وكفرا وذلك كله جائز ممكن - فقه اکبر ص ۱۳ ترجمه: معجزات پیغمبران و کرامات اولیاء کرام حق است و آنچه برای دشمنان خود میدهد مثل ابليس و فرعون و دجال این را معجزه و کرامت نباید گویم بلکه نام آن پوره کردن حوائج دشمنان بگوئیم چرا که الله تعالی گاهی گاهی حاجات دشمنان خود را به طریقۀ خلاف عادت جاریه پوره میکند و آن به طور استدراج میباشد یعنی آن مقدمه گرفتاری ایشان میباشد و الله تعالی حاجات شان پوره کرده تا دیگر هم در طغیان و کفر زیادت کنند.

هم چنین اگر کدام شخصی مخالف شریعت باشد و مخالف از سنت نبی کریم ﷺ باشد و در هوا بپرد یا چازانوشسته بر آب بگذرد و بادر آتش دست خود را داخل کرده نسوزد و یا دیگر کاری برخلاف عادت از او صادر شود پس این کرامت او نیست بلکه این استدراج است یعنی مقدمه گرفتاری اوست.

این قول امام اعظم ابوحنیفه و امام شافعی و غیرهما است پس ازین جهت ضروری و لازمی است که ولی را بشناسیم و کرامت به چه چیزها گفته میشود و ولی

چه صفات دارد و چه نشانی آن است، الله تعالی فرموده:

«الَا اِنْ اَوْلِيَاءَ اللّٰهِ لَآخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ *
لَهُمُ الْبُشْرٰى فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ لَا تَبْدِيْلَ لِكَلِمٰتِ اللّٰهِ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ
الْعَظِيْمُ» سورة يونس ۶۲-۶۳

ترجمه: خبر دار به تحقیق که بر اولیاء الله نه کدام خوف است و نه غم میکنند اینها کسانی اند که ایمان حقیقی دارند و پرهیز میگردند از نافرمانی الله تعالی برای ایشان خوشخبری است در زندگی دنیا هم و در آخرت هم ر کلمات و وعده های الله تعالی هیچ تبدیلی نمیشود این است کامیابی بزرگ.

ف : درین آیت به وضاحت رسید که هر کسی که دارای ایمان حقیقی باشد و از نافرمانی الله تعالی و رسولش پرهیز و اجتناب میکند این است ولی.

روی عن ابي حنيفة والشافعي رحمهم الله انهما قالا اذلم يكن العلماء العاملين الزاهدون في الدنيا اولياء الله فليس لله ولي كذا في المنار.

ترجمه: از امام اعظم ابوحنیفه و امام شافعی رحمهما الله روایت نقل شده که اگر علماء عامنین و زاهدین در دنیا اولیاء خداوند متعال نباشند پس برای الله تعالی ولی نیست و نیز از علامات ولی تابعداری رسول کریم ﷺ است الله تعالی ارشاد فرموده: « قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ يَحْبِبْكُمْ اللّٰهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ » سوره، ال عمران ۳۱

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ): اگر شما بالله تعالی محبت دارید پس پیروی مرا بکنید تا محبت کند! الله باشما و پیامرزد گناهای شما را و الله تعالی بخشانیده

و رحم کننده است.

و نیز ارشاد فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ» سوره، محمد آیت، ۳۳

ترجمه: ای مومنان اطاعت و فرمان برداری کنید الله را و اطاعت و پیروی رسول کریم صلی الله علیه وسلم کنید و عمل های خود را ضائع و برباد نکنید.

ف: درین دو آیت به توضیح رسید که علامهٔ محبت با الله تعالی تابعداری رسول کریم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و اگر پیروی رسول کریم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کدام عمل نباشد آن عمل باطل و مردود است و موجب حصول محبت با الله تعالی نیست و اگر کسی پیروی رسول کریم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نمیکند و دعوه، ولایت و محبت میکند پس این شخص در دعوه، خود کاذب است و این طور شخص گاهی ولی شده نمیتواند شما خواهد بینید که ریش خود را حلق کرده و لباس او مخالف شریعت میباشد و نماز را اهتمام نمیکند و پروای جماعت را نمیکند و یازن های نامحرم اختلاط و خلوت میکند و خود را به آغاصاحب معرفی کرده و دعوه، ولایت میکند پس این شخص در دعوه، خود کاذب و خائن است اگر کسی این گونه شخص کاذب را ولی بداند بلکه متصرف میدانند پس در بی ایمانی او شک نیست

در آیت سابق دو صفت ولی ذکر شد، یکی ایمان دوم تقوی تفصیلی بیان ایمان در باب دوم گذشت و تقوی حقیقی این است که تمام اوامر الهیه را پابند باشد و از تمام کبائر و منهیات اجتناب کند، کسیکه دارای ایمان حقیقی باشد و به اوامر الله تعالی پابند باشد و از تمام مناهی و منکرات پرهیز میکند و تابعداری سنت نبی کریم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

میکند و در تمام گوشه، زندگی و در حرکات و سکنات اتباع سنت نبی کریم ﷺ میکند پس بلا شبهه این شخص ولی خداوند متعال است مردم او را می شناسند و یانه، کرامت از او ظاهر شود و یانه.

صوفیاء کرام فرموده اند که ظاهر شدن کرامت برای ولایت شرط نیست بلکه شرط ولایت قبول کردن او امر الهیه و اجتناب از تمام نواهی است و تمسک و اهتمام است بر قرآن و سنت نبی کریم ﷺ پس کسیکه به قرآن و سنت عامل باشد قرآن کریم برای اینگونه شخص گواهی به ولایت میدهد اگرچه کسی در باره او عقیده نداشته باشد (کذا فی الانوار القدسیة للشعرانی باب ثالث شرح المنار)

کرامات دلیل ولایت نیست

صاحب منار نوشته: واما الکرامات فهي نوع من خوارق الاعادات التي تروي عن جميع الامم المختلفة الاديان والملل وقد قال علماء الكلام إنها تقع للمؤمن والكافر والبر والفاجر والنبی والساحر ويختلف اسمها باختلاف من ظهرت علي يديه فتسمى معجزة للنبی المرسل اذا تحدى بها وكرامة للرجل الصالح المتبع للرسول ومعونة لمن دونه من المؤمنین واستدراجا للكافر والفاسق والمبتدع وصحت الاحاديث بان الدجال يظهر على يديه من خوارق الكبرى ما قلما كان مثله في المعجزات حتى احياء الموتى.

وقال أئمة الصوفية العارفون: اذا رأيتم الرجل يمشى على الماء ويطير على الهواء فلا تعتقدوا عليا ولا تقتدوا به حتى تروه عند الامر والنهي الشرعيين او

تعرضوا عمله على القرآن والسنة وقال الامام الشعراني في الباب الاول من كتاب
الانوار القدسية: فلو رأينا الصوفي يتربع في الهواء لا يعبأ به الا اذا امتثل امر الله
واجتنب نهيه في المحرمات الواردة في الكتاب والسنة ولا يبتدع في الدين مالم يأذن
به الله ومن ادعى ان بينه وبين الله تعالى حالة اسقطت عنه التكاليف الشرعية من
غير اشارة تُصدِّقه على دعواه فهو كاذب ومطروود عن باب الحق وحرام على النقيب
وغيره ان يسلم لمثل هذا - المنار ص ۳۳۸ - ج ۱۱/ شامي

ترجمه: کرامات يك گونه حالتی ست که برخلاف عادت ظاهر میشود و این
درد بنهای مختلف وملت های مختلف نقل کرده میشود.

علماء علم عقائد گفته اند که این حالات برخلاف عادت برای مومن هم پیش
میشود و برای کافر هم و برای نیک و صالح هم پیش میشود و برای فاجر هم برای نبی
هم پیش میشود و برای ساحر هم، و نام این خوارق مختلف میباشد به اعتبار اختلاف
آن کسانی که این خوارق به دست او ظاهر میشود.

پس اگر برای نبی ظاهر شود و مطالبه آن راهم کرده باشد پس به آن معجزه
گفته میشود، و اگر به شخص صالح و نیک که پیرو نبی کریم ﷺ باشد امر خارق
برخلاف عادت به او پیش شود پس این را کرامت میگویند و اگر به عامه، مومنان
پیش شود آن را اعانت الہی میگویند و اگر به ساحر و کافر و فاجر و مبتدع پیش شود
آن را استدراج میگویند یعنی مقدمه، گرفتاری و عذاب او میباشد.

و در احادیث صحیحہ ثابت شده که به دجال این طور خوارق داده میشود که به
پیغمبران هم داده نشده باشد مثل زنده کردن مردگان و آمدن خزانه ها و غیره امامان

تصوّف و عارفان فرموده اند که اگر شما کسی را دیدید که در هوا پرید و یا با لای آب چار زانو نشسته بگذرد پس در پی او اقتداء نکنید و نه بر او عقیده، کنید تا وقتیکه حال او را معلوم نکرده باشید که آیا پابند امر و نهی شرعی است و یا نه اتباع و پیروی سنت نبی کریم ﷺ در او است و یا نه.

و امام شعرانی در باب اول از کتاب انوار قدسیه فرموده که اگر ما کدام صوفی را ببینیم که چار زانو در هوا پرید ما به او هیچ اعتبار نمیکنیم تا زمانی که پابندی او به اوامر و نواهی قرآن معلوم نشده باشد و در دین کدام کار بدعت را احداث نکرده باشد.

و کسی که این دعوه میکند که درین من واللہ تعالی این گونه یک حالتی پیدا شده که من از اوامر و نواهی اللہ تعالی بالکل آزاد شده ام پس این شخص دروغگوی و ملعون و مطرود شده از باب حق است برای هیچ فقیه و انسان عاقل روانیست که تصدیق او را کند - المنار ص ۴۴۵ ج ۱۱ شامی

غلط فهمی بعض مردم بی علم درباره کرامت و اصلاح آن

بعض مردم بی علم ضعیف الاعتقاد خیال و تصور میکنند که نبی و یا ولی چه وقتی که بخواهد معجزه را آورده میتواند ولی کرامت خود را ظاهر کرده میتواند، حال آنکه این عقیده و این خیال مخالف قرآن و مخالف حدیث و مخالف از فقه مذهب حنفی است و مخالف از اهل طریقت و اهل تصوف است درین باره اولاً چند آیت قرآن کریم را بخوانید:

۱- « وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ » سوره مومن آیت ۷۸

ترجمہ: برای هیچ پیغمبر این قدرت و اختیار نیست کہ کدام معجزہ را آورده
بتواند بدون اجازہ و اذن اللہ تعالیٰ.

یعنی درپیش روی اللہ تعالیٰ تمام پیغمبران عاجز و ناتوان است بہ پیغمبران ہم
این قدرت و اختیار نیست کہ کدام معجزہ یکہ ایشان میخواهد آورده بتوانند ایشان
فقط آن معجزات را نشان دادہ میتوانند کہ از طرف رب العزت حکم و اجازہ، نشان
دادن آن شدہ باشد.

۲- «وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ
سُلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْجَاهِلِينَ» سورة انعام آیت ۳۵

ترجمہ: اگر بسیار ناپسند باشد بہ شما روگردانی ایشان پس اگر از قدرت شما
باشد کہ کدام سوراخی در زمین بطلبی و در آن در آئی و یا یک زینہ بہ طرف آسمان
تالاش کردہ تابہ ایشان یک معجزہ کہ ایشان فرمایش آنرا کردہ بیآری پس بیار اگر
بیاری ہم فائدہ نمیکند پس شما در ایمان آنها حرص نکنید (و شما تبلیغ خود را کردہ
روید) اگر اللہ تعالیٰ مجبوریت شان بہ ایمان میخواست پس ہمہ شان را برہدایت
جمع میکرد پس شما از جملہ نادانان نشوید.

فائدہ: کفار این مطالبہ میکردند کہ اگر محمد (صلی اللہ علیہ وسلم) نبی
باشد پس باید کہ بہ ہمراہ او ہمیشہ این طور یک معجزہ باشد کہ بہ دیدن آن
ہر شخص ایمان آرد و بہ ایمان آوردن مجبور شود، شاید کہ بہ دل مبارک نبی کریم
صلی اللہ علیہ وسلم ہم چیزی سخن آمدہ باشد کہ این مطالبہ، مشرکین پورہ می

شد خوب می بود - پس الله تربیت او را فرمود که در امور تکوینی تابع مشیت و اختیار الله تعالی باشید، مقصد اینکه آوردن معجزه در اختیار شما نیست.

۳- وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ * يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» سورة رعد ۳۸- ۳۹

ترجمه: و نیست اختیار و قدرت برای هیچ پیغمبر که معجزه بیآرد که مردم مطالبه آنرا کند و یا خود پیغمبر بخواهد (مگر به اجازه و حکم الله تعالی برای هر وقت و زمان جدا جدا حکم است، الله تعالی محوه میسازد آنچه او بخواهد و ثابت میسازد و به نزد او و قبضه، او اساس تمام دفاتر است.

یعنی الله تعالی به این سخن علم دارد که در وقت فلان معجزه فلان مناسب است و یا قوم فلان معامله، فلان مناسب است.

و در تفسیر روح البیان نوشته:

وما صح لواحد منهم ولم يكن في وسعه (ان يأتي بآية) تقترح عليه (إلا بإذن الله) أي بأمر الله لا باختيار رسول ورأيه فإنهم عبید مربوبون منقادون وهو جواب لقول المشركين: لو كان رسولا من عند الله لكان عليه ان يأتي بأى شئ طلبنا منه من المعجزات ولا يتوقف فيه، وفيه إشارة الى ان حركات عامة الخلق وسكناتهم بمشيئة الله تعالی و ارادته وان حركات الرسل وسكناتهم باذن الله و رضاه.

ترجمه: یعنی این در اختیار هیچ نبی نیست که مردم ازو چیزی مطالبه کنند و بدون حکم و اذن الله تعالی آنرا آورده بتواند، چرا که انبیاء به حکم الله تعالی منقاد میباشند و درین اشاره به این سخن هم است که حركات و سكنات تمام مخلوق

واز پیغمبران تابع مشیئت و ارادهٔ الله تعالی است.

۴- «وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ، قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا

نَذِيرٌ مُّبِينٌ» سورة عنكبوت آیت ۵۰

ترجمه: و کفار و مشرکین گفتند که چرا بالای او معجزات از طرف رب او نازل نمیشود بگو ای محمد (صلی الله علیه وسلم): سخن همین است دیگری نیست که اختیارات معجزات در نزد الله تعالی است، و من فقط ترساننده، اشکارا هستم، اختیار دار معجزات نیستم.

به مثل این بسیار آیت هاست که به طور واضح این مسئله را بیان کرده که آوردن معجزه در اختیار هیچ نبی نیست و هم چنین کرامت در اختیار هیچ ولی نیست اگر کسی این خیال و عقیده داشته باشد که معجزه و کرامت در اختیار نبی و ولی است پس این خیال و عقیده مخالف از قرآن و حدیث است و مخالف از فقهاء، مذهب حنفی است و مخالف از اهل تصوف و اهل طریقت است

فرق درین معجزه و کرامت:

بدانکه معجزه بدست نبی ظاهر میشود برای حجت و دلیل بر صداقت پیغمبر و برای مغلوب شدن منکرین و اظهار معجزه واجب است برای تکمیل تبلیغ و دعوت و حضرات انبیاء کرام علیهم الصلاة والسلام معجزه را نمیخواهند مگر فقط برای دلیل و حجت بودن بر صداقت نبوت نبی و صهور معجزه برای کسانی که در آنها طلب هدایت میباشد ذریعه، هدایت و تقویت میگردد و بر منکرین و مخالفین الزام حجت میگردد.

و کرامت برای ولی میباشد لیکن اصل در کرامت پوشیدن آن است و ظاهر بودن کرامت بسا اوقات سبب فتنه و گمراهی مردم میگردد و از اصول و قواعد اساسی اهل سنت و جماعت این است که اولیاء کرام اظهار کرامت را نمیکند و نه میخواهند که ظاهر شود، شیخ احمد رفاعی و دیگر اهل تصوف و اهل علم میگویند که اولیاء کرام از کرامت اینطور اجتناب میکنند چنانچه که زن از خون حیض خود را حفاظت میکند.

محققین صوفیای کرام و علماء کلام و اصول برین متفق اند که کرامت تکرار نمیشود شیخ محی الدین فرموده: که کدام چیز و یا حالتیکه تکرار شود آن کرامت نیست بلکه عادت است، قول علماء حنفی در شرح منار چنین نقل کرده است:

اقول: ان المحققين من الصوفية يوافقون علماء الكلام والاصول على منع توالي الكرامات وتكرارها ومنع اظهارها وقال محي الدين ان ما يُتكرر لا يكون كرامة لانه يكون عادة وانما الكرامات من خوارق العادات - شرح المنار ص ۲۲۸

ترجمه: به تحقیق که محققین صوفیای کرام با علماء کلام و اصول برین موافق و متفق اند که تکرار کرامت و پی در پی بودن آن نیست نیز اظهار آن هم ممنوع است شیخ محی الدین میفرماید: که کدام حالت که برخلاف عادت باربار و یا تکرار ظاهر شود آن کرامت نیست بلکه این عادت است و کرامت نام آن چیزی است که برخلاف عادت باشد.

تعریف استدراج

ارشاد خداوند متعال است: « وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ

لَا يَعْلَمُونَ * وَأَمْلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَعِينٌ « سورة، اعراف ۱۸۲-۱۸۳

ترجمه: وآن کسانی که دروغ دانستند آیت های مرا زودست که بگیریم ایشان را اندک اندک از آن جایی که نمیدانند، ومهلت میدهم ایشان را هر آینه تدبیر خفیه من محکم است.

یعنی کدام کسانی که مخالف حق باشند و به حق پرستان ضرر میرسانند و آیت های قرآنی الله را ویا آیت های تکوینی الله که به حقیقت الوهیت الله تعالی و به باطل بودن الوهیت غیر الله ناطق است دروغ میدانند به ایشان علی الفور سزاد داده نمیشود بلکه بالای شان دروازه های عیش وعشرت و فراحی دنیا کشاده میشود تا اینکه از سزاء الهی غافل شده و در کفر وضلالت وشرك و معصیت خوب دلاور شده و آهسته آهسته جان های خود را به طور اشکارا مستحق آن سزاء بسازند که بالای شان آمدنی است همین است مهلت دادن واستدراج مگر آنها ازوجه حماقت و بی حیائی این گمان میکنند که این بالای مامهربانی الله تعالی است حقیقت این است که الله تعالی ایشان را برای عذاب شدید تیار میکند و کید و حیل، گرفتاری و تدبیر خفیه همین را میگوید که به ظاهر معامله، رحمت باشد و درباطن قهر و غضب باشد.

ازین تفسیر وترجمه این سخن واضح شد که استدراج به این میگوید که به نافرمان و فریب کاران در ظاهر کامیابی وغلبه و فراحی به نظر میآید لیکن درباطن الله تعالی ایشان را درجه به درجه به آن سزاء سنگین نزدیک میسازد و باز ایشان را یکدم میگرد که هیچ کسی هم ایشان را خلاص کرده نمیتواند درتفسیر عربی معنای

استدراج را چنین کرده اند-

وقيل معناه سناخذهم درجة بعد درجة وذلك ادناهم من الشيء شيئاً شيئاً

كالمراتى والمنازل في ارتقاها ونزولها (شرح منار)

يعنى الله تعالى دشمنان خود را و دشمنان دوستان خود را درجه به درجه

میگرد و ایشان را به سزای مناسب شان نزدیک میسازد طوری که به زینه پایه به پایه

بالا شدن و پائین شدن است.

پس اگر کدام شخص به دروغ بزرگی خود را روان کرده باشد و مردم کم ظرف

و ضعیف الاعتقاد و بی علم را فریب میدهد و دعوه رسیدگی خود را میکند و در او

پابندی احکام الهیه و پیروی سنت های رسول کریم صلی الله علیه وسلم نباشد بلکه

تارک جماعت و تارک نماز باشد، و یابیه ظاهر خود را خوب سفید و جمیل ساخته

و در باطن بازن های نامحرم خلوت میکند و چون به جذبیه میبندد بچه های بی ریش را

بوسه میکند و در وقت جذبیه بسیار زنهایی پرده شده مرتکب زنا میگردد و زنها

را مرید ساخته از آن ها مرغها و مسکه و روغن زرد و دیگر نذرانه ها میخواهد و مال

جمع کرده پارتمان های بلند بلند و بالا خانه های پوخته پوخته را آباد میکند.

و برخلاف سنت حلقه ها را قائیم کرده و شور و شغب انداخته سرهای خود را تاو

بالا میکنند و برخلاف سنت و برخلاف مذهب امام اعظم صاحب رحمہ الله حرکات

میکند و اگر کسی ایشان را میفهماند و اصلاح شان را میکند بالای او حکم گمراهی

و ضلالت میکند و اگر کسی در اصلاح انسان ها کوشش به امر بمعروف و نهی از منکر

میکند به آن ها نسبت کفر میکند، پس اگر چیزی حالات اینگونه مردم را برخلاف

عادت ببینید مثلا در هوا پرید و یا چار زانو بالای آب بگذرد و یا دیگر چالاکی شان را ببینید پس در پی اینگونه مردم فریب کار نه اقتداء کنید و نه بالای شان عقیده کنید این همه استدراج است الله تعالی ایشان را مهلت داده یکدم به عذاب شدید میگرد.

بلکه عقیده شان عقائد قدری است و میگوید که مخلوق بدون مشیئت الله هر چه کرده میتواند و مقصد شان این است که ماهرچیز کرده میتوانیم، و اگر کدام عالم به ایشان بگوید که مخلوق بدون اراده، الله تعالی هیچ کرده نمیتواند فوراً بالای او داغ جبریه می چسپاند پس تمام تلسم های آنها کرامات نیست بلکه استدراج است درین باره ضرور است که چیزی عبارت شامی را بخوانید:

وفي الشمني: الكاهن قبل كالساحر وفي حاشية البيضاوي لملاخسرو: قال:
الداعي الى الالحاد والاباحي كالزنديق ، وفي الفتح: والمنافق الذي يبطن الكفر
ويظهر الاسلام كالزنديق الذي لا يتدين بدين وكذا من علم انه ينكر في الباطن بعض
الضروريات كحرمة الخمر ويظهر اعتقاد حرمة وفيه يكفر الساحر بتعلمه اعتقد
تحريمه اولا ويقتل، درمختار.

وفي رد المحتار قال: قوله: والاباحي اي الذي يعتقد اباحة المحرمات وهو معتقد
الزندقة ففي فتاوى قارى الهداية: الزنديق هو الذي يقول ببقاء الدهر ويعتقد ان
الاموال والحرم مشتركة - ويقول النساء كلهن اخواتنا لا حرمة بيننا وبينهن وفي
رسالة ابن كمال عن الامام غزالي في كتاب التفرقة بين الاسلام والزندقة: ومن جنس
ذلك ما يدعيه بعض من يدعي التصوف انه بلغ حالة بينه وبين الله تعالى اسقطت

عنه الصلاة وحل له شرب الخمر والمعاصي واكل مال السلطان فهذا مما لاشك في
وجوب قتله اذ ضرره في الدين اعظم من ضرر الاباحي مطلقاً - شامي ص ۳۲۵

ج/۳

ترجمه: در درمختار گفته که کاهن به مانند ساحر است و آنشخصیکه از اسلام
گشته و دعوت عقیده، باطل را میدهد و آنکه به محرمات حلال بگوید مانند شراب
وزنهای نامحرم و بچه های بی ریش و چرس و بنگ و ساز و سرود پس این به مثل
زندیق است.

و از کتاب امام غزالی نقل کرده که از جمله زندیقین آن مردمان هم اند که
دعوه، تصوف میکنند و دعوه میکنند که ما به این درجه رسیده ایم که نماز و روزه
و دیگر عبادات از ماساقت شده و تمام محرمات و معاصی برای ما حلال است و مال
پادشاه به ما حلال است و تمام زنها به مانند خواهر های ماست، قتل این گونه مردم
بلا شبه واجب است چرا که ضرر و نقصان اینها از زندیق هم زیاده تر است - شامي
و هم چنین آن کسانی که از مشیت و اراده الله تعالی انکار میکنند و میگویند که
بنده در اراده، خود آزاد است و بنده که چیزی میخواهد بدون مشیت الله تعالی کرده
میتواند و یا میگوید که من چیزی که میخواهم کرده میتوانم این همه عقیده های
معتزله است و در کفر ایشان هیچ شک نیست.

در شرح عقائد فرموده: وَاللَّهُ خَالِقُ لَأَفْعَالِ الْعِبَادِ مِنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ وَالطَّاعَةِ
وَالْعُصْيَانِ وَهِيَ أَيْ أَفْعَالِ الْعِبَادِ كُلِّهَا بِأَرَادَتِهِ وَمَشِيئَتِهِ وَحُكْمِهِ وَقَضَائِهِ وَتَقْدِيرِهِ -
شرح العقائد ص ۶۰ - ۶۲

ترجمہ: اللہ تعالیٰ خالق افعال بندگان است مثلاً کفر و ایمان و طاعت و معصیت و این افعال بندگان ہمہ بہ ارادہ و مشیت و حکم و قضاء و تقدیر اللہ تعالیٰ صورت میگرد و در تفسیر روح البیان فرمودہ: قوله تعالیٰ: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ» سورہء تکویر آیت ۲۷-۲۸

ترجمہ: نیست این قرآن مگریند و نصیحت است برای عالمین برای کسیکہ استقامت میخواید.

و قتیکہ این آیت نازل شد و ابوجهل این را شنید گفت کہ اختیار از ماست اگر میخوایم کہ مستقیم شویم مستقیم میشویم و اگر نمیخوایم مستقیم نمیشویم، پس ابوجهل رئیس قدریہ است در تردید قول او اللہ تعالیٰ نازل کرد: «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»

ترجمہ: و شما هیچ چیزی خواستہ نمیتوانید تا اللہ تعالیٰ کہ رب عالمیان ست او نخواهد (روح البیان)

و در حدیث قدسی ارشاد اللہ تعالیٰ است: «ای اولاد آدم توہم ارادہ میکنی و من ہم ارادہ میکنم پس تو مشقت میکنی در مراد خود لیکن نمیشود دیگر چیزی بہ غیر از آنکہ من ارادہ کردم»

وہب بن منبہ میگوید کہ در ہشتاد و ہفت کتاب ہا یکہ بر پیغمبران نازل شدہ این مضمون را خواندہ ام کہ کسی برای جان خود اندکی از مشیت ثابت کند بلا شبہ کافر شد، یعنی من کہ چیزی میخوایم آن میشود.

پس خلاصہء کلام اینکہ افعال و حرکات بندگان ثبوتاً و نفیاً موقوف است تا بہ

مشیت و خواستن اللہ تعالیٰ همین است مذهب اهل سنت و جماعت.

ابوبکر واسطی رح میفرماید کہ اللہ تعالیٰ ترا عاجز ساخته در تمام صفات هیچ کاری را خواسته نمیتوانی تا کہ اللہ تعالیٰ نخواهد، و هیچ عمل را کرده نمیتوانی مگر بہ قوت اللہ تعالیٰ طاعت و فرمان برداری کرده نمیتوانی مگر بہ توفیق اللہ تعالیٰ و گناہ و نافرمانی کرده نمیتوانی مگر در صورتی کہ اللہ تعالیٰ ترا بی بار و مددگار بگذارد پس توجہ داری وبہ کدام فعل مفرور میشوی حال آنکہ ترا هیچ قدرت و قوت و حول نیست - کذا فی تفسیر روح البیان ص ۳۵۴ ج ۱۰ / و قرطبی ص ۳۴۳ ج ۱۹ /

واخرج ابن ابی حاتم وابن مردويه عن ابی هريرة رضى الله عنه قال: لما نزلت: لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ قالوا: وفي رواية اخرى قال ابوجهل: الامر اينا ان شئنا استقمنا وان شئنا لم نستقم فهبط جبرئيل على رسول الله ﷺ فقال: كذبوا يا مُحَمَّدٌ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، ففرح بذلك رسول الله ﷺ « كذا في التفسير الدر المنثور ص ۳۲۲ ج ۶ /

ترجمہ: حضرت ابوہریرہ رضی اللہ عنہ روایت کردہ کہ چون این آیت نازل شد: کہ این قرآن نصیحت است برای کسیکہ استقامت میخواید کفار و ابوجهل گفت کہ بس اکنون اختیار رہہ خود ما است، اگر میخواستیم کہ مستقیم شویم مستقیم میشویم و اگر میخواستیم کہ مستقیم نشویم مستقیم نمیشویم بعد ازین جبریل علیہ السلام آمد و گفت کہ ای مُحَمَّد (ﷺ) دروغ میگویند حقیقت این است کہ شما هیچ چیزی خواسته نمیتوانید تا اللہ تعالیٰ کہ رب عالمیان نخواهد، بعد ازین نبی کریم

خوشحال شد.

خلاصه: این همه سخنها اینکه بسیاری شیخان و پیران و صوفیان بی علم به سبب بی علمی خود جان خود را به کفر میرساند و میگویند که بندگان که چیزی میخواهد همان میشود و ما که چیزی میخواهیم همان میشود به غیر از مشیت و خواست الله تعالی حال آنکه این عقیده اوجهل و قدریه است.

بدان به این سخن که عقیده اهل سنت این است که الله تعالی خالق تمام انسانها و جنات و ملائک است و خالق تمام کائنات است و او خالق افعال و اعمال و حالات شان هم است، والله تعالی بدون مخلوق و بدون اسباب هرچه که بخواید کرده میتواند و تمام مخلوق بدون اراده و خواستن الله تعالی هیچ هم کرده نمیتواند تمام مخلوق به الله تعالی محتاج است در پیدایش و در صفات و خاصیات و در استعمال و در تمام حالات ولیکن الله تعالی به هیچ کسی و به هیچ چیز محتاج نیست.

و در شامی تحریر فرموده: وَاللّٰهُ غَنِیٌّ عَنْ كُلِّ شَیْءٍ وَالْکُلُّ مَفْتَقَرٌ وَمَحْتٰجٌ اِلَیْهِ.

یعنی الله تعالی از هر چیز بی نیاز است و تمام مخلوق و تمام چیزها به الله تعالی محتاج است و در مقابل اهل سنت و جماعت دو فریق است، قدریه و جبریه عقیده، قدریه اینکه بندگان پیداکنده افعال خود اند و بندگان در اراده خود آزاد اند و عود بالله بدون اراده، الله تعالی چیزیکه خواهند کرده میتوانند.

و عقیده جبریه اینکه برای بندگان هیچ فعل نیست به مانند سنگ و چوب اند ایشان را هیچ قصد و اختیار نیست این هر دو عقیده مخالف از قرآن و حدیث است.

دلائل اهل سنت

۱- « وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا

يَعْقِلُونَ » سورة بونس آیت ۱۰۰

ترجمہ: ممکن نیست برای کسی کہ ایمان آرد مگر بہ اذن اللہ تعالیٰ و ناپاکی و نجاست کفر و شرک را بالای ان کسانی می چسپاند کہ در دلائل قدرت و وحدانیت اللہ تعالیٰ از عقل و فکر کار نمیگردند.

۲- « وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ

يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ » سورة، مائده آیت ۴۱

ترجمہ: و کسیکہ اللہ تعالیٰ ارادہ گمراهی او کرده باشد پس شما هرگز برای او مالک چیزی نیستی کہ تا شما ازو گمراهی و هلاکت را دفعه کنی این منافقین و یہود اینگونه مردم است کہ اللہ تعالیٰ ارادہ نکرده کہ دلهای آنها را پاک گرداند.

۳- « وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ

هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ » سورة، هود آیت ۳۴

ترجمہ: (این جواب نوح علیہ الصلاۃ والسلام است بہ قوم خود): بہ شما نصیحت من فایده نمیساند اگرچه من ارادہ نصیحت بہ شما کنم اگر اللہ تعالیٰ ارادہ، گمراهی شما را کرده باشد او پروردگار شما است و بہ سوی او گردانیدہ میشود.

۴- « وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ » سورة، اعراف آیت ۱۸۶

ترجمہ: کسی را کہ اللہ تعالیٰ گمراه میکند پس نیست هیچ ہدایت کننده او را.

۵- « وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ * وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ »

ترجمه: کسی را که الله تعالی گمراه میکند پس برای او هیچ هدایت کننده نیست و کسی را که الله تعالی هدایت میکند پس برای او هیچ کسی گمراه کننده نیست

ف: به مثل این بسیار آیت ها و احادیث وارد شده که این مسئله را به طور واضح بیان کرده که گمراهی و هدایت خیر و شر طاعت و معصیت عمل خوب و بد از طرف الله تعالی است و به اراده و مشیت او تعالی است.

در شرح عقائد نوشته که قدریه از مجوس هم بدتر است چرا که مجوس به همراه الله تعالی یکشریک مقرر کرده و قدریه شریک های بی شمار را با همراه الله تعالی مقرر کرده.

درین مسئله احادیث :

۱- وعن انس رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ : القدرية الذين يقولون الخیر والشر بأیدینا لیس لهم فی شفاعتی نصیب ولا أنا منهم ولا هم منی « رواه ابن عدی فی الکامل - کنز العمال ص ۱۳۲ ج ۱/

ترجمه: حضرت انس رضی الله عنه ارشاد رسول کریم ﷺ نقل کرده که قدریه آن مردمان است که میگویند: خیر و شر بدست ماست - نیست برای شان هیچ حصه در شفاعت من و نه من از آنها هستم و نه ایشان از من اند.

۲- وعن انس رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ : « من جعل الاستطاعة إلى نفسه فقد كفر » رواه الدیلمی - کنز العمال ص ۱۳۹ ج ۱/

ترجمه: حضرت انس رضی اللہ عنہ ارشاد رسول کریم ﷺ (نقل کرده کہ ہر کسی بہ نفس خود نسبت توانائی بکند بہ تحقیق کہ کافر شد، یعنی بگوید کہ من ہر کار کردہ میتوانم یا من چیزیکہ بخوامم میشود .

وفي رواية اخرى: «اربعة اصناف من امتي ليس لهم في الاسلام نصيب ولا في الجنة نصيب ولا تنالهم شفاعتي ولا ينظر الله اليهم ولا يكلمهم ولهم عذاب اليم المرجئة والقدرية والجهمية والرافضة» رواه الديلمي كذا في كنز العمال ص ۱۳۶ ج ۱/

ترجمه: چار قسم مردم از جملہ امت من چنین است کہ برای آنها در اسلام هیچ حصہ ای نیست ونہ در جنت برای شان حصہ است ونہ شفاعت من نصیب شان میشود ونہ اللہ تعالیٰ بہ سوی شان نظر رحمت میکند ونہ با ایشان سخن میزند، و برای شان عذاب دردناک است، آن چار فرقہ این است مرجئہ، قدریہ، جہمیہ، رافضہ، و در روایت دیگر وارد شدہ کہ کسی پرسید کہ مرجئہ کیست؟ در جواب فرمودند کہ اینہا آن کسانی ہستند کہ میگویند کہ با ایمان عمل ضروری نیست و میگویند کہ ایمان قول بلا تحمل است و قدریہ آنانند کہ میگویند شرمقدر نیست و در روایت دیگر است کہ قدری در ابتداء مجوسی است و در آخر زندیق است - کنز العمال

ح حضرات انبیاء علیہم السلام در کائنات تصرف نمیکنند و ہم چنین اولیاء کرام بہ تصرف غیبی در کائنات کار ندارند ونہ برای شان اختیار است.

قول امام اعظم صاحب است کہ در تمام کائنات تصرف و اختیار تنها از اللہ

تعالی وحده لا شریک له است با او هیچ کسی در مالکیت و خالقیت و در تدبیر و تقدیر و در قضا و حکم و مشیت شریک نیست (فقه اکبر)

اول به دلیل این ارشاد الله تعالی: **«لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»** سوره مائده ۱۲۰

ترجمه: خاص برای الله تعالی ملك و اختیار و تصرف آسمانها و زمین است و آنچه در میان آن است و تنها او به هر چیز قادر و توانا است.

دلیل دوم: **«لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ بِحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»** سوره بقره ۲۸۳

ترجمه: خاص برای الله است تصرف آن چیزها بیکه در آسمانها و زمین اند و اگر شما ظاهر کنید آن چیزی را که در دلهاست و بپوشانید الله تعالی با شما حساب میکند پس برای کسیکه بخواهد آمرزش میکند و کسی را که بخواهد عذاب میدهد، و الله تعالی بر هر چیز قادر است.

یعنی چیزها بیکه در آسمان و زمین است در تصرف و ملکیت الله تعالی است کسی با او درین تصرف شریک نیست.

دلیل سوم: **«لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِخَلْقِ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِثَاءً وَسَهَبٌ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَورَ أَوْ يَزُوجُهُمْ ذَكَرًا وَإِنِثَاءً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ»** سوره شوری آیت ۴۹ - ۵۰

ترجمه: خاص برای الله تعالی ملکیت و تصرف آسمانها و زمین است پیدامیکند

آنچه او بخواهد، برای کسیکه بخواهد دخترها میدهد و به کسیکه بخواهد پسران میدهد و یا هر دو میدهد و کسی را که بخواهد نازای میسازد، هر آینه او داناست و تواناست.

دلیل چهارم: «وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الدُّلِّ وَكَبْرَةٌ تَكْبِيرًا» سوره اسراء آیت ۱۱۱

ترجمه: و بگو (ای محمد ﷺ) : که تمام تعریف ها برای آن الله لائق است که کسی را به جای او لادنگرفته و نه کسی با او در ملکیت شریک است و نیست برای او کدام مددگار به جهت ذلت و درماندگی و او را بزرگ بدان به بزرگی

دلیل پنجم: «لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرُ بِهِ وَأَسْمِعُ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وِليٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا» سوره كهف آیت ۲۶

ترجمه: خاص به الله تعالی است علم و تصرف غیب آسمانها و زمین چه خوب بینا است و چه خوب شنوا است نیست برای تمام اهل آسمان و زمین غیر از الله نه کدام حامی و کارساز و نه شریک میسازد در حکم خود هیچ کسی را.

دلیل ششم: «لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى» سوره طه آیت ۶

ترجمه: خاص برای الله تعالی است ملکیت و تصرف و علم تمام آن چیزهای که در آسمانها است و آنچه در زمین است و آنچه در میان هر دو است و آنچه در زیر زمین فَنَّاكَ است.

دلیل هفتم: «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» سوره نور ۴۲

ترجمه: و خاص برای الله تعالی است ملکیت و تصرف آسمانها و زمین و خاص به الله تعالی است بازگشت همه مخلوق و همه چیزها.

دلیل هشتم: «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَإِنَّهُ الْإِلَهَ الْأَعَزُّ
الْحَكِيمُ» سوره آل عمران آیت ۶

ترجمه: تنها الله تعالی ذاتی است که صورت های شمارا در رحم مادرها
میسازد چطوریکه او میخواهد نیست لائق عبادت و بندگی و جای توجه و زاری در تمام
حاجات و مشکلات غیر از او چراکه او غالب است و باحکمت است.

دلیل نهم: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى
عَمَّا يُشْرِكُونَ. وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ» سوره قصص ۶۸-۶۹

ترجمه: و پروردگارتو پیدا میکند آنچه میخواهد و می پسندد و مختار میسازد
کسی را که او بخواهد نیست بدست تمام مخلوق پسند کردن و اختیار نمودن پاکی
است الله را و برتر است از آنچه با او شریک میسازند، و رب تو میداند آنچه سینه ها
شان می پوشاند و آنچه را اشکارا میکنند.

دلیل دهم: «لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ*
هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» سوره حدید آیت ۲-۳

ترجمه: خاص برای الله تعالی است ملکیت و تصرف آسمانها و زمین زنده
میگرداند و میمیراند و او بر هر چیز قدرت دارد و اوست پیش از همه و پس از فناى همه
و اوست ظاهر و اوست باطن و او بر هر چیز داناست.

ف: به مثل این ده آیت بسیار آیت ها در قرآن کریم موجود است که در آن

این موضوع به وضاحت رسیده که در آسمانها وزمین وکوه ها ودریاها وبادها وابرها وبارش ها ودرشب وروز تصرف و اختیار و تقدیر و تدبیر تنها ازیک الله تعالی می چلد وهم چنین در انسانها و جنات و ملائک و حیوانات و نباتات و جمادات تصرف و ملکیت و اختیار و تقدیر و تدبیر و تصویر تنها از یک الله تعالی می چلد بعض انسانها را سفید و بعض را سیاه و بعض را سرخ پیدا کرده و زبانها و لغت های شان هم مختلف است و به بعض دختران و پسران هر دو داده و به بعضی فقط پسران داده و به بعضی اندک داده و بر بعض فراخی کرده و بر بعض تنگی کرده و گاهی آرزانی میآرد و گاهی قیمتی میآرد، و بعض را مریض ساخته و بعض را صحت و تندرستی داده بعض را پادشاه ساخته و بعض را گدا، بعض را بادر و آقا ساخته و بعض را مزدور و غلام ساخته، بر بعض فقر و فاقه مسلط کرده و بر بعض غنا و سیری فیروز کرده گاهی گرمی میآرد و گاهی سردی را زیاده میکند، به بعض نعمت خواب بسیار داده و از بعض خواب را پریده، بعض را می راند و بعض را زنده میسازد، بعض را کرساخته و بعض را کور و بعض را گونگ و بعض شنوا و بینا و گویا ساخته بعض را ننگ و شل ساخته و بعض را تیز رفتار و پای سلامت داده، و بعض را بداخلاق بعض را نیک عمل و بعض را بد عمل ساخته، بعض را به گریان آورده و بعض را به خنده آورده بعض مغلوب و بعض غالب، بعض را دلاور و شجاع ساخته و بعض بزدل بعض را سخی ساخته و بعض را بخیل بعض را مومن و بعض را کافر ساخته گاهی شب را دراز میکند و گاهی روز را عمری بعض دراز و عمری بعض کوتاه بعض را قد بلند ساخته و بعض را قد پست.

هیچ کسی چنین گفته نه میتواند که در آسمانها یادر زمین ها یادرکوه ها یا در دریاها یا دربارش ها ویادر بادها یادر حیوانات یادر نباتات وجمادات یادر رنگ ها وشکل ها یا در اولاد ومالها یا در گرمی وسردی ویادر شب وروز یا در مرگ وزندن تصرف واختیار کدام نبی ویاولی می چلد چطوریکه درین کائنات تصرف واختیار کدام ولی ونه کدام پیر وفقیر ونه کدام ملنگ ودرویش می چلد هم چنین در آوردن تکلیف ومرض وغم ودر در کردن آن ودر حاجتمندی وحاجت روائی تصرف واختیار هیچ نبی وولی وپیر وفقیر نمی چلد واگر کسی این دعوه میکند پس این شخص مخالف از قرآن ورسول ومخالف از مذهب امام اعظم رح است ونا فرمان الله ورسول است.

دلیل یازدهم : اینکه حضرات انبیاء کرام واولیاء کرام خودشان ازین سخن انکار نموده که مایان به کسی خیر وشر رسانیده نمیتوانیم واین در اختیار وتصرف مانیست.

اقرار نبی کریم صلی الله علیه وسلم به عبدیت خود

۱- قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ أَنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ» سوره انعام آیت ۵

ترجمه: بگو (ای محمد ﷺ) که من به شما نمیگویم که به نزد من اختیارات خزانه های الله تعالی است، ونه به غیب میدانم ونمیگویم به شما که من فرشته هستم من پیروی نمیکنم مگر آنچه به سوی من وحی کرده میشود.

۲- «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَا

اسْتَكْفَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ اِنْ اَنَا اِلَّا نَذِيرٌ وَنَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» سورة

اعراف ۱۸۸

ترجمه: بگو (ای مُحَمَّد ﷺ) : که من مالک نیستم برای جان خود که نفع و ضرر رابه آن برسانم مگر چیزیکه الله خواسته باشد آن میشود و اگر من به غیب میدانستم هرآینه بسیار جمع میکردم از جنس منفعت و نغیرسید به من هیچ بدی و ناگواری نیستم من مگر ترساننده و مژده دهنده برای قومیکه ایمان دارند.

درین آیت توضیح شد که بنده هر قدر بزرگ و مُقَرَّب باشد اختیار مستقل و علم محیط و تصرف عامه و مَشِیَّتِ نافذه و قدرت مطلقه ندارد، سید الانبیاء ﷺ که حامل علوم اولین و آخرین بود به او هم حکم شد: تا اعلان کند که من به جان خود نفع رسانیده نمیتوانم و نه خود را از نقصان و ضرر نگاه کرده میتوانم تا چه رسد به دیگران اگر من عالم به مغیبات می بودم بسی از آن حسنات و موفقیت ها را حاصل میکردم که بنا بر نداشتن علم غیب فوت میشود و هیچگاه احوال ناگواری به من پیاپی میآمد، علم غیب را خو چه میکنی علم کامل محسوسات و مُبْصِرَات هم به عطای ذوالجلال حاصل میشود اگر او تعالی نخواهد آشیای محسوسه را هم ادراک کرده نمیتوانم، به هر حال در این آیت توضیح شد که اختیار و تصرف مستقل و علم محیط و یا قدرت مطلقه و یا مَشِیَّتِ نافذه از لوازمات نبوت نیست،

چنانچه بعض جاهلان گمان کرده اند که نبی و یا ولی و یا پیر و فقیر و درویش به غیب میدانند و یا متصرف در کائنات است بلکه بعض به نام علماء چنین عقائد فاسده دارند آنرا علماء ندانید بلکه آنها گمراه و جاهل اند که صفت الهیه را برای

مخلوق ثابت میکنند - وظیفه پیغمبر فقط تبلیغ و تذکیر و وعظ و نصیحت میباشد

درکائنات و در امور تکوینی مداخلت نمیکند

۳ - « قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا * قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا

رَشَدًا * قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا » سورة جن

آیت ۲۰-۲۲

ترجمه: بگو (ای مُحَمَّد ﷺ) که سخن همین است دیگری نیست که من در

تمام حاجات و مشکلات) رَبِّ خود را میخواهم و هیچ کسی را با او (درخواستن خود)

شَرِیک نمیسازم - بگو (ای مُحَمَّد ﷺ) که من برای شما مالک ضرر و هدايت نیستم

بگو (ای مُحَمَّد ﷺ) : که هر آینه مرا هیچ کسی پناه داده نمیتواند از گرفت و عذاب

اللَّهِ تعالی و من هرگز غیر از اللّٰه تعالی دیگر جای پناه یافته نمیتوانم.

احادیث در موضوع سابق :

وعن ابي هريرة رضي الله عنه قال: لما نزلت هذه الآية: وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

* دعا رسول الله ﷺ قريشا وعمّ وخصّ فقال: يا معشر قريش انقذوا أنفسكم من

النار فإني لا أملك لكم ضرا ولا نفعا ويا معشر بني كعب بن لوي انقذوا أنفسكم

من النار فإني لا أملك لكم ضرا ولا نفعا ويا معشر بني قصي انقذوا أنفسكم من

النار فإني لا أملك لكم ضرا ولا نفعا ويا معشر بني عبدمناف انقذوا أنفسكم من النار

فإني لا أملك لكم ضرا ولا نفعا ويا بني عبد المطلب انقذوا أنفسكم من النار فإني لا

أملك لكم ضرا ولا نفعا ويا فاطمة بنت محمد ^{رضي} (ﷺ) انقذني نفسك من النار فإني لا

أملك لك ضرا ولا نفعا إلا ان لكم رحما وسأبليها بلالها « رواه احمد وعبد بن حميد

والبخاری ومسلم والترمذی وابن جریر وابن المنذر وابن ابی حاتم وابن مردویه
والبيهقي في شعب الايمان وفي الدلائل (كذا في تفسير در منثور)

ترجمہ: حضرت ابوہریرہ رضی اللہ عنہ میفرماید کہ چون این آیت نازل شد:

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» یعنی بترسان آن اهل قبیلہ، شما کہ بہ شما زیادہ قریب

تراند، پس نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم قریش را خواستند وبہ عام وخاص خطاب

کرده فرمودند: ای گروه قریش جان های خود را (بذریعہ ایمان و تقوی) از دوزخ

خلاص کنید ہر آبنہ من برای شما مالک ضرر و نفع نیستم وای گروه بنی کعب بن

لؤی! جان های خود را (بذریعہ ایمان و تقوی) از دوزخ خلاص کنید ہر آبنہ من برای

شما مالک ضرر و نفع نیستم وای گروه بنی قسی! جان های خود را (بذریعہ ایمان

و تقوی) از دوزخ خلاص کنید ہر آبنہ من برای شما مالک ضرر و نفع نیستم وای گروه

بنی عبد مناف: جان های خود را (بذریعہ ایمان و تقوی) از دوزخ خلاص کنید

ہر آبنہ من برای شما مالک ضرر و نفع نیستم، وای گروه بنی عبد المطلب: جان های

خود را (بذریعہ ایمان و تقوی) از دوزخ خلاص کنید ہر آبنہ من برای شما مالک ضرر

و نفع نیستم وای فاطمہ بنت مُحَمَّد (ﷺ) جان خود را (بذریعہ ایمان و تقوی) از

آتش دوزخ خلاص کن ہر آبنہ من برای تو مالک ضرر و نفع نیستم مگر این قدر

سخن است کہ از شما بالای من حق قرابت است ومن رعایت آنرا میکنم ودر روایت

دیگر است کہ نبی کریم ﷺ بنوہاشم را ہم جمع کرد وبہ دروازہ آنها را نشانیدند

وزوجہ های مبارکات، خود را و اهل بیت خود را ہم جمع کردند وباز برای شان

فرمودند کہ جان های خود را (بذریعہ ایمان و تقوی) از آتش دوزخ خلاص کنید

درباره خلاصی نفس های خود انتهائی سعی و کوشش نمائید و از الله تعالی جان های خود را بخرید، هر آینه من برای شما مالک هیچ چیز نیستم در مقابل الله تعالی و باز به اهل بیت و زوجه های خود متوجه شده فرمودند: ای عائشه دختر ابوبکر و ای حفصه دختر عمر، و ای ام سلمه و ای فاطمه دختر محمد ﷺ و ای مادر زبیر جان های خود را از الله تعالی (بذریعه ایمان و تقوی) بخرید و در خلاصی جان های خود انتهائی سعی و کوشش بکنید هر آینه من برای شما در مقابل الله تعالی از هیچ چیز هم مالک نیستم و نه از شما چیزی را دفع کرده میتوانم.

و عن عمر رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: بعثت داعياً ومبليغاً وليس إليّ من الهدى شئٌ وخلق ابليس مزيّناً وليس اليه من الضلالة شئٌ» رواه العقيلي وابن عدي في الكامل كذا في كنز العمال.

ترجمه: حضرت عمر رضی الله عنه میفرماید: که رسول کریم ﷺ فرمودند: که من دعوت کننده به سوی الله و مبلیغ و رساننده پیغام های الله فرستاده شده ام و مرا هیچ قدرت به هدایت کسی نیست و شیطان پیدا شده که راه خطا و راه ضلالت را برای مردم مزین و آراسته سازد و او را هیچ قدرت درگمراه کردن کسی نیست.

والله تعالی به رسول کریم ﷺ ارشاد فرموده است: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» سورة قصص آیت ۵۶

ترجمه: هر آینه شما هدایت کرده نمیتوانی کسی را که دوست دارید ولیکن الله تعالی هدایت میکند کسی را که او بخواهد و تنها او خوب میداند به آنانکه هدایت یافته گانند.

یعنی به همراه کسی که مَحَبَّتِ طبعی شما است و یادل شما میخواهد که به او هدایت کرده میشود پس این سخن ضروری نیست که چگونه شما میخواهید آن طور شود، وظیفه و کار شما تبلیغ و تذکیر است مانند این سخن که به کدام کس هدایت نصیب میشود و به کدام کس نصیب نمیشود این سخن از اختیار و قدرت و قبضه، شما بر آمده، اختیار و انتخاب تنها کار الله تعالی است که به کدام کس هدایت میشود و به کدام نمیشود.

و در آیت دیگر هم ارشاد الله تعالی است: « فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ » سورة غاشیه آیت ۲۲

ترجمه: پس شما پند داده بروید و دلائل وحدانیت مرا به آنها یاد داده روید سخن همین است دیگری نیست که شما یاد دهنده، دلائل وحدانیت و قدرت من هستید بالای آنها مسلط و جبر کننده نیستید که به تصرف خود دلهای آنها را به سوی ایمان و هدایت آورده بتوانید.

در درمختار تحریر فرموده: واعلم النذر الذي يقع للاموات من اكثر العوام وما يؤخذ من الدراهم والشمع والزيت ونحوها الى ضرائح الاولياء الكرام تقرُّباً اليهم فهو بالاجماع باطل وحرام ما لم يعتقد واصرفها لفقراء الانام وقد ابتلى الناس بذلك ولا سيما في هذا العصر وقد بسط العلامة قاسم في شرح درر البحار ولقد قال الامام محمد: لو كان العوام عبیدی لا اعتقتهم واسقطت ولائي وذلك لانهم لا يهتدون فالكل بهم يتعيرون « شامی ج / ۲ ص ۱۳۹

ترجمه: بدان به این سخن که آن نذریکه از طرف عامه، مردم برای مردگان واقع

میشود و آنچه گرفته میشود از روپیه و شمع و تیل و به مانند آن به سوی قبرهای اولیاء کرام به جهت نزدیکت جوئی در نزد اولیاء پس این همه به اجماع علماء اسلام باطل و حرام است، تا زمانیکه اعتقاد صرف کردن آن به سوی عامه، فقراء نکرده باشند، و به تحقیق که به این مرض بسیاری مردم گرفتار شده و خصوصاً در این زمانه و علامه قاسم در شرح درر البحار این موضوع را با تفصیل ذکر نموده، و امام محمد رحمه الله که از شاگردان امام اعظم رحمه الله است او میفرماید: که اگر این عوام الناس غلام های من می بودند همه آنها را آزاد میکردم و کدام میراثیکه از آزادی است آن را هم برای شان معاف میکردم چرا که اینها حق و باطل را و حرام و حلال را نمیشناسند و به سبب جهالت و ضلالت آنها برای تمام مسلمانها جای شرم و خجالت است.

و در دُرْمَخْتار تحریر فرموده: قوله تقرُّبا اليهم ای کان بقول یاسیدی فلان ان رُدَّ غائبی او عوفی مریضی او قُضیت حاجتی فلك من الذهب او الفضة او الطعام او الشمع او الزيت کذا،

بحر الرائق شامی ص ۱۳۹ ج ۲ /

ترجمه: یعنی معنای تقرُّب به آنها اینک که او در وقت نذر میگوید که خواجه، فلانی و یاسید فلانی و یا ولی فلانی و یا بابای فلانی و یا پیر فلانی: اگر مسافر من واپس آمد و مریض من شفا یافت و یا حاجت من پوره شود پس برای شما این قدر طلا و نقره و طعام و شمع و تیل نذر است پس این همه حرام و باطل و شرک است.

و در همین شامی تحریر فرموده: قوله باطل و حرام لوجه منها انه نذر للمخلوق

والنذر للمخلوق لا يجوز لانه عبادة والعبادة لا محل لمخلوق ومنها ان المنذور له مبيت والمبيت لا يملك شيئا ومنها أنه ان ظن ان المبيت يتصرف في الامور دون الله تعالى فاعتقاده ذلك كفر لانه لم يثبت في الشرع النذر للمخلوق للاجماع على حرمة النذر للمخلوق ولا يجوز اخذه لخادم الشيخ ولالمجاورين لانه حرام بنص قوله تعالى «وما أَهْلًا بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ» شامی ص ۱۳۹ ج ۲/

ترجمه: گرفتن این گونه نذر به نام اولياء وتمام غير الله باطل وحرام است به چند وجوه يك وجه اينكه اين نذر برای مخلوق است ونذر گرفتن برای مخلوق حرام وناجائز است چراکه نذر گرفتن هم عبادت است وعبادت برای غير از الله تعالى حرام است وشرك است ووجه ديگر اينكه اين نذر برای مرده است ومرده مالك هيچ چيز هم شده نميتواند، ووجه ديگر اينكه اگر اين نذر کننده اين عقیده دارد كه اين ولي وخواجه وياصاحب قبر ويا اين بابا در حاجات ومشكلات وامورات مردم تصرف دارد ويا او را اختيارات داده شده پس اين اعتقاد او كفر وشرك است چراکه جو از نذر در شرع شريف برای مخلوق ثابت نيست به سبب اينكه اجماع واتفاق همه علماء مذاهب بر حرام بودن نذر مخلوق است وخوردن اين گونه نذر برای خادم زيارت شيخ ومجاورها وبراى همه مسلمانها حرام است چراکه الله تعالى در قرآن كريم به حرام بودن اين تصريح فرموده: كه الله تعالى بر شما مردار را وخون را وگوشت خنزير را وهر آنچه بيزيكه به نام غير الله مقرر شود حرام گردانیده ودرهمين شامی تحرير فرموده: واما لونذر زيتا لايقاد قنديل فوق ضريح الشيخ او في المنارة كمايفعله النساء من نذر الزيت لسيدى عبد القادر ويوقد في المنارة جهة الشرق فهو باطل

وحرام وشرك واقبح منه النذر بقراءة المولد في المنابر ومع اشتماله على الغناء
واللعب وايهاب ثواب ذلك الى حضرت المصطفى ﷺ وكل ذلك باطل وحرام وشرك
شامی ۱۳۹ ج/۲

ترجمه: واگر نذر کند که این قدر تیل را بالای قبر بابا صاحب ویا پیر صاحب
در چراغ انداخته ودر مناره ویا گومبد قبر او چراغ را میآفروزم چنانچه که زنها به
نام شیخ عبدالقادر جیلانی پیران پیر صاحب نذر میکنند این همه باطل وحرام
وشرك است ویدتر ازین نذر کردن قراءه در مولود بر مبرها ویا همراه آن آواز سرود
وغزلها ولهو ولعب میباشد ویا همراه این باز میگویند که ثواب این حرکت شنیع
ویدعی ما به حضرت مصطفی صلی الله علیه وسلم هدیه باشد این همه کارهای
باطل وحرام وشرك است.

برادران اسلامی من: در اوراق گذشته دلیل های امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله
ذکر کرده شد از قرآن کریم واحادیث نبویه واقوال فقهاء حنفی وفتوهای آنها را
وعبارت های کتاب های حنفی را به شما نقل کردم اکنون شما اختیار دارید که هوا
ونفس خود را پیروی میکنید ویا به ارشاد الله تعالی ورسول کریم ﷺ وبه ارشاد
امام خود امام اعظم رحمه الله وفتو های فقهاء ومفتیان حنفی عمل میکنید بی
دینی وگمراهی نام همین است که نه حکم الله تعالی را قبول میکند و نه پیروی
رسول کریم ﷺ را میکند و نه به فتوهای فقهاء ومفتیان حنفی قناعت میکند، و نه
دلایل امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله را قابل اعتبار وقابل عمل میداند.

دلیل دوازدهم به این سخن که در تمام کائنات تصرف و اختیار تنها از يك

اللہ تعالیٰ می چلد دیگر هیچ کسی از مخلوقات در آن مداخلت ندارد ابن آبت کریمہ است:

«وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى

عَمَّا يُشْرِكُونَ» سورہ، قصص آیت ۶۸

ترجمہ: ورب تو پیدا میکند آنچه او میخواهد و مختار میسازد (آنچه او میخواهد) نیست برای تمام مخلوق هیچ قدرت و اختیار (درکائنات) پاکی است برای اللہ و بالاتر است از شرکت آنچه با او در تصرف و اختیار شریک میسازند .
در تفسیر روح البیان در تفسیر این آیت کریمہ يك عجیب بیان نموده کہ عبارت آن را بہ عربی نقل میکنم تا علماء ہم در آن غور کنند و بہ پهلوی آن ترجمہ بہ فارسی میکنم تا فائدہ آن عام شود:

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ وَاصطفاء ه
فكما ان الخلق اليه فكذا الاختيار اليه في جميع الاشياء ما كان لهم الخيرة اي ما كان
للعباد الاختيار وقال الجنيد قدس سره كيف للعبد اختيار والله المختار له - ثم قال
وفي التأويلات النجمية يشير الى مشيئته الأزلية في الخلق والاختيار وأنه فاعل
مختار يخلق ما يشاء كيف يشاء ممن يشاء ولما يشاء ومتى يشاء فيختار وجود
بعض الاشياء في العدم فيبقية فانيا في العدم ولا يوجد له الخيرة في انه يخلق
بعض الاشياء جمادا وبعض الاشياء نباتا وبعض الاشياء حيوانا وبعض الاشياء
انسانا وان يخلق بعض الانسان كافرا وبعض الانسان مؤمنا وبعضهم وليا وبعضهم
نبيا وبعضهم رسولا وبعضها جنا وبعضها ملكا وبعض الملك كروبيا وبعضهم

روحانیا ولہ ان یخلق بعض الخلق مقبولا.

ترجمہ: ورب تو پیدا میکند آنچه او بخواهد پیدا کردن آنرا ومختار میسازد از جمله، آنچه پیدا میکند اختیار کردن وبرگزیدن آنرا پس چگونه کہ پیدایش تنها کار او ست ہم چنین برگزیدن ومختار نمودن در تمام اشیاء کار اوست.

برای بندگان در پیدا کردن ومختار نمودن کدام مداخلت نیست شیخ جنید رحمة الله علیه میفرماید: کہ برای بنده چطور اختیار حاصل خواهد شد وحال آنکہ الله تعالی او را مختار نموده باز گفته: کہ در تأویلات نجمیه فرموده کہ درین آیت اشاره به مشیت ازلیه، الہی است در پیدا کردن ومختار نمودن واو تعالی فاعل مختار است پیدا میکند آنچه او بخواهد چطوریکہ میخواهد واز کسیکہ بخواهد وبرای چیزیکہ میخواهد ووقتیکہ میخواهد برای او اختیار است در پیدا کردن اشیاء پس اختیار میکند وجود بعض اشیاء در کتم عدم پس آنرا در کتم عدم فانی مانده وبه وجود نمیآرد آنرا تنها برای او اختیار است درینکہ بعض مخلوق را جماد ساخته وبعض را نبات وگیاه ساخته وبعض را حیوان ساخته وبعض را انسان ساخته وبعض انسانها را کافر ساخته وبعض را مومن ساخته وبعض را ولی ساخته وبعض را نبی ورسول ساخته وبعض را شیطان ساخته وبعض را جن ساخته وبعض را فرشته ساخته وبعض فرشته ها را کروی و بعض را روحانی ساخته بعض انسانها را مقبول ساخته وبعض را مردود ساخته .

وفي الحديث: « ان الله خلق السموات سبعا فاختر منها العليا فسكنها واسكن سائر سمواته من شاء من خلقه ثم خلق الخلق فاختر من الخلق بنی آدم واختر من

بنی آدم العرب و اختار من العرب مضر و اختار من مضر قریشا و اختار من قریش
 بنی هاشم و اختارنی من بنی هاشم فانا خیار من خیار الی خیار فمن احب العرب
 فبحبی احبهم و من ابغضهم فیبغضی ابغضهم» و فی الحدیث: « ان الله اختار اصحابی
 علی جمیع العالمین سوی النبیین والمرسلین و اختار لی من اصحابی اربعة ابابکر
 و عمر و عثمان و علیا فجعلهم خیار اصحابی و فی کل اصحابی خیر و اختار امتی
 علی سائر الامم و اختار لی من امتی اربعة قرون بعد اصحابی القرن الاول و الثاني
 و الثالث تتری و الرابع فردا.

ترجمه: و در حدیث وارد شده که اللہ تعالی آسمانها را هفت پیدا کرده و از جمله،
 آنها آسمان هفتم را برای خود مختار ساخته و در آسمانهای دیگر آن مخلوق را
 مختار ساخته که او خواسته.

باز تمام مخلوق را پیدا کرده و از جمله، مخلوق بنی آدم را مختار نموده و از
 بنی ادم عرب را مختار نموده و از عرب قبیلہ، مضر را و از مضر قریش را و از
 قریش بنو هاشم را و از بنو هاشم حضرت مُحَمَّد ﷺ را مختار نموده پس من برگزیده،
 برگزیدگانم پس کسیکه با عرب محبت دارد بوجه، محبت من دارد و کسیکه با
 عرب بُغض دارد از وجه، بُغض من دارد و در يك حدیث وارد شده که اللہ تعالی
 اصحاب مرا بر تمام عالمین مختار و برگزیده، ساخته غیر از نبیین و مرسلین
 و مختار ساخته برای من از جمله، اصحاب من چار حضرات را ابوبکر و عمر و عثمان
 و علی رضی اللہ عنہم پس این چار را برگزیده، اصحاب من ساخته و در تمام اصحاب
 من خیر است و مختار ساخته امت من را بر تمام امت ها و مختار ساخته برای من از

قرن های امت من چهار قرن را قرن اول - قرن دوم - قرن سوم پی در پی و چهارم راتنها.

بعد ازین در تفسیر روح البیان چند سطور را بر فارسی تحریر نموده و عبارت آن این است بدانکه آدمی را اختیار نیست اختیار کسی دارد که او را ملکیت بود و آدمی بنده است و بنده را ملکیت نیست آن ملکیت که شرع او را نسبت کرده آن ملکیت مجازی است:

به طور عاریت عن قریب از وزائل گردد و ملکیت حقیقی آن است که آنرا زوال نباشد و آن ملکیتِ اللّٰهِ تعالیٰ جَلَّ جَلَالُهُ است که مالک بر کمال است و در ملک او امن از زوال است و در ذات و صفات متعال است، همه تخت و ملک پذیرد زوال به جز ملک فرمان ده لایزال (عالم بیافرید و آنچه خواست از آن برگزید، فرشته گان را بیافرید از جمله، ایشان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و عزرائیل را برگزید، آدم و آدمیان را بیافرید از ایشان پیغمبران را برگزید و از جمله، پیغمبران خلیل و کلیم و عیسی و محمد برگزید، علیهم الصلاة والسلام صحابه، رسول کریم را بیافرید، ابوبکر تیمی و عمر عدوی و عثمان اموی و علی هاشمی را برگزید بسبط زمین بیافرید از آن مکه را برگزید، و موضع ولادت و مدینه برگزید هجرت گاه رسول و بیت المقدس و موضع مسرای رسول برگزید، روزها را بیافرید از آن روز آذینه برگزید (وهو یوم اجابته الدعوة) و روز عرفه از آن برگزید و روزهای عید برگزید و روز عاشوره برگزید و شب ها را بیافرید و از آن شب برات برگزید که حق تعالی شانه لائق باشان در آن نزول میکند، و بندگان را تمام شب ندای کرامت میفرماید و از جمله، شب هاشب قدر

را برگزید که فرشته گان آسمان به عدد سنگ ریزه بر زمین می فرستد و نثار رحمت کند بر بندگان شب عید برگزید که در رحمت و مغفرت کشاید و گناه گاران را میامرزد و کوه ها را بیا فرید و از جمله آن کوه طور را برگزید که موسی علیه السلام بر آن بمناجات حق رسید، و کوه جودی برگزید که نوح علیه السلام در آن نجات یافت، و غار حرا برگزید که حضرت مصطفی عربی در آن بعثت یافت، نفس آدمی را بیافرید و از جمله آن دل را برگزید و دل محل نور معرفت و زبان موضع کلمه شهادت است، کتاب ها را از آسمان فر فرستاد از جمله آن چهار برگزید، تورات، انجیل، و زبور و قرآن کریم و از جمله کلمه ها چهار کلمه برگزید، سبحان الله، والحمد لله، ولا اله الا الله والله اکبر) بعد ازین در تفسیر روح البیان باز به عربی تحریر فرموده: که عبارت آن چنین است.

وفي الحديث أحب الكلام الى الله سبحانه الله والحمد لله ولا اله الا الله والله أكبر لا يضرك بأيهن بدأت» كل ذلك في كشف الاسرار) قال في زهرة الرياض: قوله تعالى «مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ» أي ليس للعباد الاختيار بل الاختيار لله الواحد القهار كانه قال: الاختيار لي - ليس لجبريل ولا لميكائيل ولا لاسرافيل ولا لعزرائيل ولا لآدم ولا لنوح ولا لابراهيم ولا ليعقوب ولا لموسى ولا لعيسى ولا لمحمد عليهم الصلاة والسلام ولو كان لجبرئيل وميكائيل لاختارا الملائكة مثل هاروت وماروت ولو كان لاسرافيل لاختار اهلبيس ولو كان لعزرائيل لاختار شداد، لو كان لآدم لاختار قابيل ولو كان لنوح لاختار ابنه كنعان ولو كان لابراهيم لاختار اياه آزر ولو كان ليعقوب لاختار العماليق ولو كان لموسى لاختار فرعون ولو كان لعيسى لاختار.

الحواریین ولو کان لمحمد ﷺ لاختار ابا طالب ولكن الاختيار لي اخترتك فاشكر لي
لان الله اعلم حيث يجعل رسالته ونبوته وولايته - روح البيان ص ۴۲۳ الی

۶/ج ۴۲۵

ترجمه: در حدیث وارد شده که محبوب ترین کلام در نزد الله تعالی سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر است، هیچ نقصان نیست به هر کدام آن که شروع
کردی.

در زهرة الرياض گفته: که این ارشاد الله تعالی که ماکان لهم الخيرة معنایش
اینکه برای بندگان هیچ اختیار نیست بلکه اختیار تنها برای الله واحد وقهار حاصل
است گویا الله تعالی فرموده: که اختیار تنها مراحاصل است نه برای جبریل است
ونه برای میکائیل و نه برای اسرافیل و نه برای عزرائیل و نه برای آدم و نه برای نوح
ونه برای ابراهیم و نه برای یعقوب و نه برای موسی و نه برای عیسی و نه برای محمد
عليهم الصلاة والسلام .

اگر اختیار به جبریل و میکائیل می بود ملائکه را اختیار مینمودند، مثل
هاروت و ماروت و اگر اختیار برای اسرافیل می بود ابلیس را مختار میساخت، و اگر
برای عزرائیل می بود شداد را مختار مینمود و اگر اختیار برای آدم می بود قابیل
را مختار مینمود و اگر اختیار برای نوح می بود پسر خود کنعان را به ایمان مختار
میساخت و اگر اختیار برای ابراهیم می بود پدر خود آزر را به ایمان مختار میساخت
و اگر اختیار برای یعقوب می بود عمالیق را به ایمان مختار می ساخت و اگر اختیار
برای موسی می بود فرعون را به ایمان مختار میساخت و اگر اختیار برای عیسی

می بود حواریین را مختار میساخت، اگر اختیار برای حضرت مُحَمَّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می بود عم خود ابوطالب را به ایمان مختار میساخت، ولیکن اختیار تنها برای من حاصل است، پس شکر مرا اداکن چرا که تنها او تعالی خوب میداند که در کدام شخص لیاقت رسالت و نبوت است و در کدام شخص لیاقت ولایت است.

فصل در بیان زیارت قبرها:

زیارت قبرها به دو قسم است یکی زیارت شرعی است و دوم زیارت جاهلی است زیارت شرعی قبرها اینکه شخص مسلمان برای یاد کردن مرگ خود و برای یاد کردن آخرت و برای نرم شدن دل و برای بی رغبتی از دنیا و برای دعای اهل قبور و دعای رحمت و مغفرت اهل قبور و برای حصول عبرت به حال مردگان به مقبره برود، و اگر سوره، فاتحه و یا سوره، اخلاص بخواند و یاد دیگر کدام سوره، از قرآن بخواند و یاد ذکر و درود بخواند و ثواب به اهل قبور هدیه کند پس ثواب این عمل به مومنان اهل قبور میرسد و این دعا را بخواند: السلام علیکم اهل الدیار من المؤمنین والمسلمین ویرحم الله المستقدمین منا والمستأخرین نسأل الله لنا ولكم العافیة یغفر الله لنا ولكم انتم سلفنا ونحن بالأثر أتاکم ما توعدون عدا مؤجلون وانا بکم ان شاء الله للاحقون» مشکوة.

ترجمه: سلامتی باشد بر شما ای اهل خانه مومنان و مسلمانان و الله تعالی رحم کند بر پیشینان ما و شما و بر پسماندگان ما و شما، از الله تعالی میخواستیم عافیت را برای ما و برای شما الله تعالی مغفرت کند ما را و شما را شما پیش وای ما هستید و ما در پی شما آمدنی هستیم به شما آمده آنچه با شما وعده کرده شده و تا روز قیامت به شما مهلت داده شده، و ان شاء الله ما هم در پی شما پیوست شدنی هستیم.

درین باره چند احادیث وارد شده است:

۱- عن ابی هریره رضی الله عنه قال: زار النبی ﷺ قبر أمه فبکی وأبکی من،

حوله فقال: استأذنتُ ربي في أن استغفر لها فلم يُؤذن لي واستأذنته في أن ازور قبرها فاذن لي فزوروا القبور فإنها تُدَكَّر الموت» رواه مسلم مشكوة ص ١٥١ ج ١/

ترجمه: حضرت ابوهريره رضی اللہ عنہ میفرماید: کہ رسول کریم ﷺ زیارت قبر والدہ، خود را نمودند و خودش ہم گریہ کرد و کسانیکہ با او بودند آنہاراہم بہ گریہ کردند، باز فرمودند کہ ازرب خود اجازت خواستم کہ بہ والدہ، خود طلب مغفرت کنم برایم اجازہ نشد باز اجازت خواستم کہ قبر او را زیارت کنم برایم درزیارت قبرش اجازہ شد پس شما زیارت قبرها را کردہ روید چراکہ زیارت قبرها مرگ را بہ یاد میآورد.

ف: درین حدیث سہ سخن واضح شد (١) یکی اینکہ درزیارت قبر غیر مسلم ہم اجازت است، (٢) دوم اینکہ برای مردہ، غیر مسلم اجازت طلب مغفرت نیست (٣) سوم اینکہ در زیارت قبرها فائدہ و مقصد اینکہ بہ انسان مرگ یاد میشود و گریان نبی کریم ﷺ غالباً بہ سبب عذاب والدہ، او بودہ.

٢- وعن بريدة رضي الله عنه قال: كان رسولُ الله ﷺ يعلمهم إذا خرجوا إلى المقابر: السلام عليكم أهل الديار من المؤمنين والمسلمين وإنا إن شاء الله بكم للاحتقون نسأل الله لنا ولكم العافية» رواه مسلم مشكوة ص ١٥٤ ج ١/

ترجمه: حضرت بريدہ رضی اللہ عنہ میفرماید: کہ رسول کریم ﷺ بہ اصحاب کرام تعلیم میدادند کہ چون شما بہ مقبرہ ها می روید این دعا را بخوانید: السلام عليكم تا آخر.

ف: درین حدیث این سخن توضیح شد که مسلمان چون به مقبره، مسلمانها برود برای انداختن سلام و کردن دعا و ترحم برود، و برای غیر مسلم نه سلام جائز است و نه طلب مغفرت و نیز درین حدیث این هم واضح شد که رسول کریم صلی الله علیه وسلم به اصحاب کرام طریقه، زیارت و دعای آن تعلیم میدادند.

۳- وعن عائشة رضي الله عنها قالت: كيف أقول يا رسول الله تعني في زيارة القبور؟ قال: قل: السلام على أهل الديار من المؤمنين والمسلمين ويرحم الله المستقدمين والمستأخرين وإنا إن شاء الله بكم للاحقون « رواه مسلم مشكوة ص ۱۵۴ ج ۱/

ترجمه: حضرت عائشه صديقه رضي الله عنها ميفرمايد كه من عرض كردم اي رسول خدا! اگر من به زیارت قبرها بروم پس چه باید بگویم؟ رسول کریم صلی الله علیه وسلم فرمودند که این دعا را بخوان: السلام على اهل الديار تا آخر.

ف: درین حدیث این سخن واضح شد که مسلمان چون به مقبره، مسلمانها رود بر مردگان سلام بگوید و دعاء رحمت و عافیت را برای شان کند و این هم به اثبات رسید که زن ها هم با مراعات ستر، رده ویا مراعات آداب شرعی به زیارت مقبره، برای سلام و دعا و مغفرت رفته میتوانند، و اگر زن هابی ستری میکنند ویا بدون اجازت شوهرها میروند ویا آداب و مقاصد زیارت را نمیدانند و برای اغراض غلط و خلاف شرع میروند ویا در زیارت ها گهواره ها را اویزان میکنند و عقیده دارند که این صاحب قبر برای من اولاد میدهد ویا چراغها و شمعها رامیافروزند ویا بالای قبر سجده میکنند و خاک آنرا میخورند ویا به گرداگرد قبرها طواف میکنند و دست

میمالند، وبالای قبر غلاف میاندازند و بیریق را نصب میکنند و رخت ها و دُسمال های گوناگون را در بیریق ها اویزان میکنند و در آن جادینگ را بار کرده میله و عرس و یا بالای قبر گمبد و قُبَّه جُور میکنند و با سیمت و خشت پوخته و چونه آنرا منقش میسازند و بابه قبرهای اقارب رفته گریبان و اوپلا میکنند و کارهای میکنند که در شریعت مُحَمَّدی و مذهب حنفی نیست براین گونه زنها رسول کریم ﷺ لعنت گفته:

۴- وعن ابن عباس رضي الله عنهما قال: لعن رسول الله ﷺ زائرات القبور والمتخذين عليها المساجد والسرج « رواه ابوداود والترمذي والنسائي مشكوة ص ۷۱ ج ۱/

ترجمه: حضرت ابن عباس رضي الله عنهما میفرماید: که رسول کریم ﷺ لعنت کرده بر آن زنها بیکه به زیارت قبرها میروند و لعنت کرده بر آن کسانی که بالای قبرها مساجد را جور میکنند و بر قبرها چراغها رامی افروزند، که از شمعها باشد یا از تیل باشد یا از بیریق باشد.

ف: درین حدیث این سخن واضح شد که چون زنها در زیارت قبرها مراعات ستر و پرده و آداب شرعی را نمیکنند بالای آنها لعنت است و یا کسانی که بالای قبرها گمبد و قُبَّه و حُجره جور میکنند و یا در نزد آن سجده میکنند بالای آنها هم لعنت است و یا بالای ان قبر چراغ شمع و تیل و بیریق میافروزند و مظهر قبر پرستی را جور میکنند. بالای آنها لعنت است در زمانهء نبی کریم صلی الله علیه وسلم زنها به مساجد می رفتند و زنها هم نماز را با جماعت ادا میکردند چونکه جهالت و فساد

در ترقی شد و در رفتن آنها به مساجد خطر، فتنه و فساد به نظر آمد ازین رو علماء اسلام به ممانعت زنها از مساجد فتوی دادند، حالانکه نماز يك ركن بسیار اعظم و اهم در پینج بنای اسلام است، پس در صورتیکه زنها بذریعه نماز فساد و خلاف ورزی شریعت میکنند پس شما باساس وجدان ایمانی بگوئید که در زیارت ها و خرقة شریف چقدر فساد و آزادی و بی ستری و خرابی عملی و اخلاقی خواهد کرد و باز زنها آن مردمانیکه نه خود شان مقید به شریعت اند و نه سترو و حجاب میکنند و علاوه بر آن در زیارت ها و این گونه مقامات مجاورین فاسق و بی نماز و بد کردار هم میباشند پس شما به وجدان ایمان خود فیصله کنید .

(۵) وعن ابن مسعود رضی الله عنه ان رسول الله ﷺ قال : كنت نهيتكم عن

زيارة القبور فزورها فانها تزهدني الدنيا وتذكر الآخرة رواه ابن ماجه ص ۱۴۴

ترجمه : حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه میفرماید که رسول کریم ﷺ فرمودند که من شما را از زیارت قبر منع ساخته بودم اکنون به شما اجازه است زیارت قبرها کرده روید چرا که از زیارت قبرها بی رغبتی از دنیا میآید و آخرت رابه یاد میآورد .

ف : درین حدیث این سخن ثابت شد که رسول کریم ﷺ اصحاب خود را اولاً از زیارت قبرها ممنوع ساخته بودند و باز بعد از مدت چند به ایشان اجازت دادند که به سبب زیارت قبور بی رغبتی از دنیا و یاد آخرت پیدا میشود .

علماء حنفی و شارحین محدثین فرموده اند که سبب ممانعت از زیارت قبرها این بوده که پیش از اسلام عامه مردم از خرافات و جهالات یهود و نصاری و مشرکین

متأثر بودند و در یهود و نصاری و مشرکین قبرپرستی و رسم پرستی و وهم پرستی بسیار زیاد بود ازین رو رسول کریم ﷺ اصحاب کرام را از زیارت قبرها ممنوع ساختند و این را در ذهن آنها را سخ ساخت که این قبرپرستی و رسم پرستی یهود و نصارا موجب لعنتِ الله تعالی است باز چونکه اصحاب کرام در ایمان و توحید ثابت قدم شدند و از اوهام پرستی و خرافات جاهلانۀ یهود و نصاری و مشرکین متنفر شدند و مقاصد زیارت قبر را دانستند برای شان اجازت دادند .

مقاصد زیارت قبور .

- ۱- براهل قبور سلام گفتن و این هم يك گونه دعا است .
- ۲- دعای مغفرت برای اهل قبور اهل اسلام .
- ۳- دعای رحمت و عافیت برای اهل قبور مسلمین .
- ۴- یاد کردن مرگ .
- ۵- یاد کردن بوسیده شدن خود در قبر .
- ۶- بی رغبتی از دنیا
- ۷- یاد کردن آخرت .
- ۸- عبرت گرفتن به فنا شدن اهل قبور .
- ۹- علاج سخت دلی
- ۱۰- نرم شدن دلها .

برادران اسلام ! اگر زیارت کردن قبرها به سنت و طریقه، نبی کریم ﷺ میکنند و برای مقاصد مذکوره میکنید پس بلا شبهه برای شما اجازه است که زیارت

قبرها رادر شب وروز بکنید برابر است که آن قبر نبی باشد ویا مادر وپدر ویا اقارب
قبر مسلمان باشد ویا غیر مسلمان .

واگر به قبر مبارک نبی کریم سید المرسلین صلی الله علیه و آله میروید پس اصحاب کرام که
چطور عمل کرده به همان طور عمل کنید . این طریقه و طرز عمل اصحاب کرام بود
که چون به قبر مبارک نبی کریم صلی الله علیه و آله میرفتند السلام علیکم یا رسول الله میگفتند
و واپس میشدند و حضرت ابن عمر رضی الله عنه میگفت : السلام علیک یا رسول
الله السلام علیک یا ابا بکر السلام علیک یا ابی و اگر دعای خواستند به مسجد
میرفتند و در وقت سلام فقهاء اختلاف کرده اند که آیا به قبر مبارک مواجه شود و
یا به قبله روی کند . **مذهب امام اعظم** رحمه الله این است که روی به سوی قبله
کرده و سلام بگوید و مذهب امام شافعی و امام احمد رحمه الله این است که به قبر
مبارک مواجه شده .

سلام بگوید و این بک قول امام اعظم رحمه الله هم است و اگر به قبور اولیاء
و شهداء و علطاء و یا مادر و پدر و یا دیگر اقارب و یا قبور عامهء مسلمانها برود پس
آن دعائیکه در سابق ذکر شد آن دعا را بخواند و برای کفار سلام و دعای مغفرت
و رحمت نیست .

واگر کسی زیارت قبور به این طریقه مسنونه نه میکند بلکه به طریقه غیر
شرعی و غیر مسنون کند پس این شخص نه حکم الله تعالی را و نه ارشاد رسول کریم
صلی الله علیه و آله را قبول میکند و نه ارشادات اصحاب کرام را قبول میکند و نه مذهب امام
اعظم رحمه الله را قبول میکند بلکه این شخص از مذهب برآمده و مستحق لعنت

است و به طریقه جاهلیت روان است درین باره آحادیث ذیل را بخوانید:

۱- عن عائشة رضي الله عنها ان رسول الله ﷺ قال في مرضه الذي لم يقم

منه لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور انبيائهم مساجد « رواه البخارى ومسلم مشكوة.

ترجمه: حضرت عائشة صدیقه رضی اللہ عنہا میفرماید که رسول کریم ﷺ در آن مرض خود فرمودند که از آن شفانیافت و انتقال کردند: اللہ تعالی لعنت کند بر یهود و نصاری چرا که ایشان قبور انبیاء خود را جای سجده ساخته اند.

ف: شارحین از مُحدّثین فرموده اند که سبب لعنت همین بود که ایشان از آنها حاجت های خود رامی خواستند و به قبرهای آنها سجده میکردند و بابر قبرهای شان سرمینهادند و آنها را سفارشی و واسطه و وسیله خود قرار داده به سوی شان التجاء و تضرع و زاری میکردند و این همه با اللہ تعالی شریک ساختن است و این حرام و ظلم عظیم است.

۲- وعن جندب رضي الله عنه قال: سمعت النبي ﷺ يقول: «الامن كان قبلکم

كانوا يتخذون قبور انبيائهم وصالحيهم مساجد الا فلا تتخذوا القبور مساجد اني انهاکم عن ذلك» رواه مسلم مشكوة.

ترجمه: حضرت جندب رضی اللہ عنہ میفرماید: که از نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم فرمودند: که آگاه شوید امت های پیشینه قبور انبیاء و صالحین و اولیاء خود را جای سجده قرار داده بودند خبردار: قبور را جای سجده نسازید، هر آینه من شما را ازین منع میسازم.

ف: درین حدیث به صراحت معلوم شد که امت های سابقه هم همین عمل شرکی را میکردند که به قبرهای انبیاء و اولیاء و صلحاء سر می نهادند و به سوی آنها توجّه و تضرّع و زاری میکردند و آنها را سفارشی و واسطه حاجت روائی خود میدانستند و از آن ها طلب حاجات و مقاصد خود میکردند و بر قبرهای شان سر می نهادند به این سبب نبی کریم صلی الله علیه وسلم بر آنها لعنت کرده اند و امت خود را ازین حرکت مشرکانه ممنوع نمودند.

شروع بت پرستی از قبر پرستی شده

۳- و اخرج عبد بن حمید عن ابي مُطَهَّر قال: ذكروا عند ابي جعفر يزيد بن المهلب فقال اما انه قُتل في اول ارض عُبْدٍ غيرِ الله ثم ذكر ودا قال: وكان ودا رجلا مسلما وكان محببًا في قومه فلما مات عسكروا حول قبره في ارض بابل وجزعوا عليه فلما رأى ابليس جزعهم عليه تشبّه في صورة انسان ثم قال أرى جزعكم على هلا فهل لكم ان أُصوِّرَ لكم مثله فيكون في ناديتكم فتذكرونه به قالوا نعم فصوِّرْ لهم مثله فوضعوه في ناديتهم وجعلوا يذكرونه فلما رأى ما بهم من ذكره قال هل لكم ان أجعل لكم في منزل كل رجل منكم تمثالاً مثله فيكون في بيته فتذكرونه قالوا نعم فصوِّرْ لكل أهل بيت تمثالاً مثله فأقبلوا فجعلوا يذكرونه به قال: وأدرك أبنائهم فجعلوا يرون ما يصنعون به وتتاسلوا ودرس امر ذكروهم إياه حتى اتخلوه إلهاً يعبدونه من دون الله قال: وكان اول ما عبِدَ غير الله في الارض ودا الصنم الذي سموه بود - كذا في تفسير منشور ص ۲۶۹ ج ۶/

ترجمه ابو مطهر میگوید که مردم به نزد ابي جعفر يزيد بن مهلب را یاد کردند

پس او فرمود: که او در آن زمین وفات یافته که در آن از همه پیشتر عبادت غیر
 اَللّٰه کرده شده، بازخودش قصهء ود را بیان کرد که این ود يك شخص مسلمان
 و صالح بود و در قوم خود محبوب بود چون او وفات یافت قوم او بالای قبرش در
 شهر بابل جمع شدند و به مردنِ وُد بسیار ماتم و غم کردند و اظهار بی صبری را
 کردند، ابلیس چون غم وی صبری شان را دید به صورت انسان خود را متشکل
 ساخت و به نزد شان آمد و گفت: که من غم وی صبری شما را دیدم آیا این خوش
 شمانیست که من برای شما به مانند وُد صورت را جور کنم و آن درین مجلس خود
 نهاده و به دیدن تصویر او دل را تسلی میدهید؟ آنها گفتند بسیار خوب است پس
 شیطان برای شان يك مجسمه به مثل وُد جور کرد و ایشان آنرا در مجلس خود
 نهاده و به دیدن مجسمهء او دل را خوش می ساختند و یاد او را تازه میکردند، شیطان
 چون محبت و تذکرهء شان را دید برای شان گفت: که من برای هر یکی از شما
 مجسمهء وُد را ساخته تا در خانهء هر کدام شما موجود باشد؟ و به آن دل را خوش و یاد
 وُد را تازه میکنید، ایشان گفتند: بسیار خوب است پس برای هر صاحب خانه آن
 مَجَسَّمه را جور کرد و در خانه به دیدن این مجسمه یاد وُد را تازه میکردند بالاخر
 اولادهای شان کلان شدند و عمل شان را میدیدند این طور يك وقتی آمد که وُد را
 فراموش کردند و همین مجسمه را جای توجه و تضرع و زاری و حاجت خواهی و تعظیم
 قرار دادند و به غیر از اَللّٰه تعالی به این بت تعظیم و توجه و زاری و امید شروع
 کردند، این اولین بتی است که به غیر از اَللّٰه تعالی عبادت آن کرده و نام آن را وُد
 ماندند، تفسیر درمنثور ۲۶۹ ج/۶ سورهء نوح و تفسیر ابن کثیر ۳۲۷ ج/۳

فائدة: درین روایت این سخن ثابت شد که اساس و بنیاد بُت پرستی قبر پرستی است و چقدر بت هایکه در مشرکین رواج شده آن همه به نام اولیاء و صلحاء جور کرده بودند.

۴- وعن ابن عباس رضی الله عنهما قال في أصنام قوم نوح عليه الصلاة والسلام التي عُيِدَتْ في العرب قال: هي خمسة ودٌ وسُواعٌ ويغوثٌ ويعوقٌ ونَسْرٌ، وهي أسماء رجال صالحين من قوم نوح عليه السلام فلما هلكوا أوحى الشيطان الى قومهم ان أنصبوا في مجالسهم التي كانوا يجلسون فيها انصابا وسموها بأسمائهم ففعلوا فلم تعبد حتى اذا هلك اولئك ونسخ العلم عُيِدَتْ» رواه البخارى

وعن محمد بن قيس قال: كانوا قوما صالحين بين آدم ونوح وكان لهم اتباع يقتدون بهم فلما ماتوا قال اصحابهم الذين كانوا يقتدون بهم لوصوَرنا هم كان اشوق لنا الى العبادة اذا ذكرنا هم فصوروهم فلما ماتوا وجاء آخرون دَبَّ اليهم ابليس فقال: انما كانوا يعبدونهم وبهم يُسَقُونَ المطر فعبدوهم» رواه ابن جرير كذا في تفسير ابن كثير ص ۳۲۷ ج ۳/

ترجمه: از حضرت ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که آن پنج بت هایکه در سوره نوح در قرآن کریم ذکر شده این آن بت های است که در عرب هم رواج یافته، میگویند که این هر پنج نام های پنج نفر صالح در قوم نوح بودند که عبارت از وُدٌ و سُواعٌ و یغوث و یعوق و نسر است چون این ها مردند شیطان در دل شان این وسوسه را انداخت که مُجَسِّمَه، این پنج صلحاء را ساخته و در مجالس خود بمانیم و نامهای شان را به نام این پنج صلحاء بمانیم پس ایشان چنین کردند چون این قرن

وزمانه گذشت و علم هم کم شد و جهالت ترقی کرد پس مردم جاهل و بی علم ایشان را
جای توجُّه و تضرُّع و زاری و جای حاجت خواهی قرار دادند.

و در روایت ابن جریر رحمه الله هم وارد شده که این پنج نفر صلحاء و نیک بودند
که در بین آدم و نوح گذشته اند و برای شان شاگردان و مقتدیان بودند که در پی نقش
قدمهای شان روان بودند، به وسوسه شیطان گفتند که بیائید که تصاویر و مجسمه
شان را جور کنیم تا به دیدن آن شوق و رغبت ما در عبادت پیدا شود، چون این
شاگردان و مقتدیان مردند شیطان در دل پس ماندگان انداخت که این پیشبنان شما به
همین پنج مجسمه عبادت و توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات میکردند و این ها
را سفارشی و واسطه و وسیله، خود قرار داده بالای شان باران می شدند پس اینها هم
به سوی اینها توجُّه و تضرُّع و زاری در حاجات و مشکلات شروع کردند.

۵- وعن ابن عباس رضي الله عنهما قال: كان اللات بِلْتُ السويق على الحاج
فلا يشرب منه احد الا سمن فعبدوه « رواه ابن ابي حاتم وابن مردويه وفي رواية أخرى
عنه أن اللات لما مات قال لهم عمرو بن لحي انه لم يميت ولكنه دخل في الصخرة
فعبدوها وبنوا عليها بيتا رواه الفاكهي.

واخرج ابن المنذر عن ابن جريج قال: كان اللات رجلا من ثقيف بِلْتُ السويق
بالزيت فلما توفي جعلوا قبره وثنا اخرج عبد بن حميد وابن جرير وابن المنذر عن
مجاهد في قوله تعالى «افرايتم اللات والعزى قال كان اللات بِلْتُ السويق بالطائف
فاعتكفوا على قبره والعزى شجرة،» و اخرج ابن جرير عن ابي صالح قال اللات الذي
كان يقوم على الهتهم وكان بِلْتُ لهم السويق والعزى نخلة كانوا يعلقون عليها

واخرج سعيد بن منصور والفاكهي عن مجاهد قال كان اللات رجلا في الجاهلية على صخرة بالطائف وكان له غنم فكان يأخذ من رسلها ويأخذ من زبيب الطائف والاقط فيجعل منه حيسا ويطعم من يمر من الناس فلما مات عبدوا هلا الصخرة وقالوا هو اللات « تفسير درمنثور ص ۱۲۶ ج ۶/۶

ترجمه: از حضرت ابن عباس رضی الله عنه روایت است که لات يك شخص بود که آرد جو میده را تر میکرد و به حاجیان مینوشانید کسیکه آنرا می نوشید فربه می شد به این سبب مردم بالای او عقیده بزرگی را کردند، چون وفات شد مردم به قبر او توجه والتجاء میکردند، دريك روایت دیگر وارد شده که چون لات وفات شد عمرو بن لحي به مردم گفتند که لات نه مرده بلکه او درهمین سنگ درآمد به این وجه به سوی آن توجه والتجاء وتضرع میکردند وازو حاجات میخواستند، و بالای همین سنگ يك حُجره راجور کردند

وابن جریر میگوید که لات يك شخص از قبیله، ثقیف بود که آرد میده، جو را ترکرده به مردم می نوشانید چون او وفات شد قبر او را جای توجه وتضرع وحاجت خواهی ساختند.

وامام مجاهد میگوید که لات آرد میده، جو را ترکرده به مردم می نوشانید چون وفات شد بالای قبر او مجاوری شروع کردند.

وابوصالح رح میگوید که لات مجاور وخدمت گار کارسازهای مصنوعی مشرکین بود و عزی يك درخت بود که بالای آن تارها وپشم ها را اویزان میکردند،

ومنات يك سنگ بود در قدید كه به آن عقیده داشتند.

ودريك روايت ديگر وارد شده كه لات يك شخص بود در جاهليت كه بالای يك سنگ كلان نشسته بود او چیزی گوسفند و بز داشت كه شیر آن را كشيده و كشمش طائف را و چیزی پنیر را با آن خلط ملط ميكرد و يك قسم شيره را تيار ميكرد و به مردم ميخورانيد، چون وفات شد مردم بالای همین سنگ كلان عقیدهء حاجت روائی كردند و گفتند كه بس همین خود لات است.

درين زمان هم چونكه جهالت زياد شده بعض مردم بالای درخت عقیده ميكنند و بعض بالای سنگ عقیده ميكنند و بعض بالای چشمه عقیده ميكنند و در آن گوناگون حرکات شرکيه خرافيه را ارتكاب ميكنند.

۶- وعن قتادة رضى الله عنه قال كانت اليهود والنصارى اذا دخلوا بيعةهم وكنائسهم اشركوا بالله فامر الله نبيه ﷺ ان يخلص الدعاء اذا دخل المسجد وانزل الله تعالى هذه الآية: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» رواه ابن حميد وعبدالرزاق وابن المنذر

وعن ابن جريج في قوله تعالى «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» قال: إن اليهود والنصارى كانوا اذا دخلوا بيعةهم وكنائسهم اشركوا بربهم فأمرهم أن

يوحدوه - تفسير درمنثور ۲۷۴ ج ۶

ترجمه: حضرت قتادة رضى الله عنه ميفرمايد: كه اين عادت يهود و نصارى بود كه چون به عبادت گاه هاى خود داخل ميشدند بالله تعالى شريك مقرر ميكردند مثلا ميگفتند يا عزيز، يا عيسى يا مريم يا الله به روى و خاطر عزيز و عيسى و مريم

فلان کار مر ابکن الله تعالی به ایشان امر فرمود که دعای خود را خالص سازند و کسی را با او شریک نساژند، وَاللّٰهُ تَعَالٰی اِن آیت کریمه رانازل فرمود: که مساجد خالص برای اللّٰهُ تَعَالٰی است پس با او تعالی کسی دیگری را نه خواهید اللّٰهُ تَعَالٰی راتنها سازید به توجّه و تضرّع و زاری و ندای خود.

چنانچه که درین زمانه هم بعض مردم جاهل چون در مسجد میدرآیند میگویند یا علی مدد یا مُحَمَّدٌ مدد، یا چاریار مدد، یا غوث الاعظم دستگیر مدد، یا پیران پیر صاحب مدد، یا رسول الله مدد، یا مُحَمَّدٌ مدد، و نیز این نامهای غیر الله را بر قبله، مساجد و یا به دیوار های مسجد و یا در محراب مسجد نوشته میکنند این همه رسم و رواج یهود و نصاری است والله تعالی ازین منع فرموده.

فائده : خلاصه این همه روایات اینکه چقدر بت پرستی و شرکیکه در یهود و نصاری و مشرکین مکه و مشرکین قوم نوح و یادر دیگر اقوام رواج شده اساس و بنیاد آن همین قبر پرستی و پیر پرستی و رواج پرستی و وهم پرستی بوده به این جهت برای مسلمان لازم است که در هر عمل حکم الله تعالی و سُنَّتِ رَسُوْلِ کَرِیْمٍ ﷺ و طرز عمل امامان مذهب را مد نظر بگیرد و از رسم و رواج جهلاء و از سخن های بی سند و بی دلیل پدران و اجداد متأثر نباید شد.

در غرائب فی تحقیق المذاهب این واقعه را ذکر کرده که امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله بک شخص جاهل را دید که به قبر بک شخص صالح ابستاده و ازو حاجت خود را میخواست و او را سفارشی خود قرار داده به او صدا و نداء و زاری میکند، اما اعظم رحمه الله به او فرمود که لعنت بر تو که تو ذات قادر و با اختیار و سمیع و بصیر

وقرب اللہ راترک کردہ اید وہ مخلوق عاجز و فقیر وی قدرت وی اختیار توجہ
 کردہ اید کہ نہ چیزی میشنود ونه دعای شمارا قبول کرده میتواند چنانچه کہ
 ارشاد او تعالی است « وَمَا أَنْتَ بِمَسْمَعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ » فاطر آیت ۲۲ ونیز ارشاد
 است: « وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ * إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا
 دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ » سوره فاطر
 آیت ۱۴

زیارت قبور به طریقه جاہلی و غیر شرعی

زیارت قبور به طریقه غیر شرعی اینکہ چون بر بعض مردم بی علم مصیبت
 و تکلیف و بامرض و تنگی و یاغم و قرضداری میآید و در عالم اسباب از همه اسباب
 و ذرائع نا امید میشود و دکتورها و دواها به او جواب میدهد و اللہ تعالی هم بالای او
 مصیبت و تکلیف و مرض و تنگدستی را طولانی میسازد پس درین صورت به
 زیارت ها و قبرها میگردد عقائد شرکی را در دل داشته میباشد.

- ۱- عقیده دارد کہ از دعا در مسبند دعا در نزد این قبور مقبول تراست.
- ۲- و عقیده دارد کہ من به حرمت و روی و جاه و حق این صاحب قبور دعا میکنم
 دعای من قبول و حاجت من روا میشود.
- ۳- و عقیده دارد کہ به این صاحب قبور میگوئیم کہ اینها در باره حاجت من
 سفارش کند.

۴- و عقیده دارد کہ این صاحب قبر نبی و یا ولی یا شیخ و شهید به تصرف خود
 مشکلات مراحل و حاجات مرا پوره میکند و یا مرض و تکلیف و تنگی را دور

میسازد و یا به من پسر و دوختر خواهد داد.

۵- و یا عقیده دارد که این ولی و صاحب قبر ذمه وار فلانی مرض است.

۶- و یا عقیده دارد که این از کرامت اوست که چون در تکلیف و یا مصیبت ب

او آواز و صدا کرده شود به انسان میرسد و عرضها و شکایتها و فریادها را می شنود و در وقت سختی و پریشانی مدد ما را میکند.

۷- و یا برای این زیارت نذر و نیاز را بر خود لازم میکند و بر قبرش سجده هم

میکند و بالای قبرش دستها مانده و به گرداگرد قبرش طواف میکند و بالای قبر او

غلاف می اندازد و بالای قبرش چراغها و شمعها می افروزد و خاک قبر او را میخورد

پس این قسم زیارت کردن خلاف شریعت و خلاف مذهب است و عملهای نیک او

بر باد است چرا که این همه کردار او شرک و عبادت غیر الله است، مسلمان ازینگونه

عقائد و اعمال باید توبه کند و طلب مغفرت کند.

در دین مقدس اسلام الله تعالی و رسولش برای بندگان خود طریقه، حل هر

مشکل و طریقه دور کردن هر مصیبت و تکلیف را تعلیم داده است ارشاد او تعالی

است:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ » سوره

بقره آیت ۱۵۳

ترجمه: ای گروه مومنان مدد حاصل کنید از الله تعالی (در هر سختی

و مصیبت) به ذریعه، صبر و نماز هر آینه الله تعالی با صبر کنندگان است.

و در آیت دیگر ارشاد فرموده: « وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى

ترجمہ: و شما مدد حاصل کنید از اللہ تعالیٰ (در هر سختی و مشکلات و مصائب) بذریعہ صبر و نماز و ہر آینہ این نماز ثقیل است مگر بر خشوع کنندگان ثقیل نیست.

و عن حذیفة رضی اللہ عنہ قال: کان رسول اللہ ﷺ اذا حزبه امر فزع الى الصلاة» رواہ ابوداود وابن جریر.

ترجمہ: حضرت حذیفہ رضی اللہ عنہ میفرماید: کہ این طریقہ و عادت رسول کریم ﷺ بود کہ در کد ام کاری مشکل و موجب پریشانی واقع میشد فوراً بہ طرف نماز متوجہ میشد.

و عن ابي الدرداء رضي الله عنه قال: كان رسول الله ﷺ اذا كانت ليلة ریح فان مفرغه الى المسجد حتى يسكن واذا حدث في السماء حدث من كسوف شمس او قمر كان مفرغه الى الصلاة» رواہ ابن ابی الدنيا وابن عساکر کذا فی تفسیر الدر المنثور ص ۶۷ ج ۱/

ترجمہ: حضرت ابودرداء رضی اللہ عنہ میفرماید: کہ طریقہ و عادت شریفہ رسول کریم ﷺ این بود کہ چون در کد ام شب سخت هوا می وزید فوراً بہ مسجد تشریف می برد و بہ نماز مشغول می شد تا اینکہ آن هوای تندی قرار می شد، و چون در آسمان کد ام حادثہ پیدا میشد مثلاً آفتاب و یا مہتاب گرفته میشد فوراً بہ طرف نماز متوجہ میشد.

و عن صهيب رضي الله عنه عن النبي ﷺ قال: كانوا يعني الانبياء يفزعون اذا

فزعوا إلى الصلاة «رواه احمد والنسائی وابن ماجه وابن حبان دُرمنثور ص ۶۷ ج ۱/ ترجمه: حضرت صُهبیب رضی اللہ عنہ ارشاد نبی کریم ﷺ را نقل کرده کہ انبیاء کرام علیہم السلام ابن عادت وطریقہ داشتند کہ چون کدام پریشانی ومشکل وحاجت بہ آنها پیش می شد فوراً بہ طرف نماز مُتوجَّہ میشدند.

وعن مقاتل بن حبان في قوله تعالى: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ بِقَوْلٍ: استعینوا علی طلب الاخرة بالصبر علی الفرائض والصلاة فحافظوا علیها وعلی مواقيتها وتلاوة القرآن فیها وركوعها وسجودها وتكبيرها والتشهد فیها والصلاة علی النبی ﷺ واكمال طهورها» رواه البيهقي في الشعب دُرمنثور.

ترجمه: مقاتل بن حبان رح میفرماید: کہ مدد حاصل کنید در طلب آخرت بہ ذریعہ صبر کردن بر ادا کردن فرائض وبہ سبب حفاظت کردن ارکان واوقات نماز وخواندن قرآن در آن وبہ تمام ساختن رکوع وسجده وتکبیرات وخواندن تشهد ودرود بر نبی کریم ﷺ وتکمیل طهارت نماز.

قاضی بیضاوی رح در تفسیر این آیت تحریر فرموده: کہ نماز بسیار بک وسیلہ وذریعہ قوی در تقرُّب الی اللہ است ووسیلہ قوی است در قضاء حاجات وحل مشکلات چراکہ در نماز حمد وثناى اللہ تعالی است وتلاوت قرآن وركوع وسجده وقيام وعاجزی وزاری وتواضع وتمسُّكُن است ونیز در نماز درود وسلام است بر نبی کریم ﷺ ونیز در نماز دعا وخواستن خالص وتنها از اللہ تعالی است.

برادر مسلمانم: اگر شما فرموده، اللہ تعالی ورسول کریم ﷺ راقبول میکنید وتابعداری اصحاب کرام وائمہ، مجتہدین وامام اعظم رحمہ اللہ واولیاء کرام

رامیکنید پس در هر حاجت و هر مصیبت و هر پریشانی وضوء ساخته به خانه الله تعالی که مسجد است رفته بار بار نماز خوانده و به حضور رب خود جل جلاله بار بار سجده و دعا و زاری و عاجزی کرده و ازو بخواهید و به قبولیت دعای خود یقین راسخ و محکم داشته باش.

هیچ نبی و هیچ ولی و هیچ صحابی و هیچ امام در وقت حاجت و مصیبت و پریشانی و مشکلات به قبر کسی نرفته بلکه به مسجد رفته و نماز خوانده و از الله تعالی خواسته همین است حکم و امر الله تعالی و همین است عمل و طریقه، انبیاء و عمل و طریقه حضرت رسول کریم ﷺ و همین است عمل و طریقه، صحابه، کرام و اولیاء کرام و امامان مذاهب اربعه و اگر شما نه حکم الله را قبول میکنی و نه طریقه رسول کریم ﷺ را اختیار میکنی و نه طریقه و عمل اصحاب کرام و اولیاء کرام را پیروی میکنی پس بلا شبهه و بلا شک بی دین و بی مذهب هستی ارشاد الله تعالی به نبی کریم ﷺ است و برای همه مسلمانان قانون است:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ

لِلتَّقْوَى» سورة طه آیت ۱۳۲

ترجمه: و امر کن به اهل و عیال خود به نماز و خود شما هم بر نماز قائم و صابر باش ما نمیخواهیم از شما روزی را ما روزی میدهیم شما را و عاقبت نیک برای اهل تقوی است.

و عن ثابت قال: كان النبي ﷺ إذا أصابت اهله خصاصة نادى اهله بالصلاة صلوا، صلوا قال ثابت (رض) وكانت الانبياء عليهم السلام إذا نزل بهم امر فزعوا

الى الصلاة « رواه احمد في الزهد وابن ابي حاتم والبيهقي في شعب الايمان كذا في
تفسير الدر المنثور ص ٣١٣ ج ٤ /

ترجمه: حضرت ثابت رضی اللہ عنہ میفرماید: کہ طریقہ و عادت شریفہء نبی
کریم ﷺ ہمیں بود کہ چون بہ اہل خانہ او کدام فاقہ و تنگی میرسید بالای شان
آواز میکرد کہ نماز بخوانید نماز بخوانید، حضرت ثابت رضی اللہ عنہ میگوید کہ
حضرات انبیاء کرام علیہم السلام ہم این عادت و طریقہ و عمل داشتند کہ چون بالای
شان کدام پریشانی و تنگی میآمد فوراً بہ طرف نماز متوجہ میشدند.
وعن عبد الہ بن سلام رضی اللہ عنہ قال: کان النبی ﷺ إذا نزلت باہلہ شدہ
اوضیق امرہم بالصلاة وتلا: وأمر أهلك بالصلاة الآية،

کذا في الدر المنثور ص ٣١٣ ج ٤ /

ترجمه: حضرت عبد اللہ بن سلام رضی اللہ عنہ میفرماید: کہ چون بر اہل
خانہ نبی کریم ﷺ کدام سختی و یاتنگی رزق میآمد بہ آنہا امر میفرمودند کہ
نماز بخوانید و آیت کریمہ «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْبِرْ عَلَيْهَا كَمَا صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَأَنْصُرْ بِنُصْرَتِنَا فَسَوَاءٌ أُنذِرْتُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْتُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»

فائدة: این سخن هیچ کسی ثابت کردہ نمیتواند کہ نبی کریم ﷺ اللہ علیہ
وسلم خودش بہ جہت مصیبت و تنگی بہ کدام قبر رفتہ باشد و یا بہ کسی دیگر امر
کردہ باشد کہ بہ فلانی قبر و یا بہ فلانی زیارت و یا بہ فلانی شہید بروید و ازو حاجت
و مراد خود را بخواہید بلکہ خودش ہم در ہر حاجت و در ہر تنگی و سختی و پریشانی
بہ سوی اللہ تعالی متوجہ شدہ و نماز خواندہ و دعا کردہ و اہل بیت خود را و اصحاب
خود را و امت خود را بہ سوی اللہ تعالی متوجہ کردہ و برای شان حکم نماز و دعا

وزاری در حضور اللہ تعالیٰ فرموده اند.

از آیات و احادیث و روایات سابقہ این سخن واضح شد کہ تعلیم اللہ تعالیٰ و رسول کریم ﷺ بہ بندگان ہمین بود کہ در ہر حاجت و مصیبت و تکلیف و تنگی و پریشانی بہ مسجد متوجہ شدہ نماز بخوانید و بہ حضور رب العالمین عاجزی و زاری و تضرع بکنید، و در یک حدیث دیگر ارشاد فرمودہ کہ قطعہء بہترین زمین مساجد است و در یک حدیث دیگر ارشاد فرمودہ اند کہ مسجدہا خانہ ہای اللہ تعالیٰ است و کسیکہ بہ خانہء کسی برود اکرام او کردہ میشود ہم چنین کسیکہ بہ خانہء اللہ تعالیٰ برود اللہ تعالیٰ اکرام او را میفرماید، و در یک حدیث دیگر وارد شدہ کہ کسی بہ مسجد جہت نماز و ذکر میروند اللہ تعالیٰ این طور خوش میشود چنانچہ کہ اہل یک خانہ بہ آمدن مسافر خود خوش میشوند، خلاصہء کلام اینکہ جای قبولیت دعا مساجد است قبور و زیارت ہا نیست،

دعا کردن بہ حق و حرمت وجاہ و خاطر روی کسی کردن چطور است؟

اگر دلی شما میخواہد کہ دعای من قبول شود پس نبی کریم ﷺ برای قبولیت دعا نام ہا و صفت ہای اللہ تعالیٰ را بہ اُمت تعلیم دادہ اند.

وعن انس رضی اللہ عنہ قال: قال رسول اللہ ﷺ فی دعائه: اللہم انی أسألك بأسمائك الحسنی ما علمت منها وما لم اعلم وباسمک العظیم الأعظم وباسمک الکبر الاکبر» رواہ الدیلمی - کنز العمال

ترجمہ: حضرت انس رضی اللہ عنہ میفرماید: کہ نبی کریم ﷺ در دعای خود فرمودند: ای اللہ از تو سوال میکنم بہ حق و خاطر نام ہای خوب خوب شما آنچه

من میدانم از آن و آنچه نمیدانم و به حق و خاطر اسم عظیم و اعظم تو و به اسم کبیر و اکبر تو.

و عن أبي بكرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ في دعائه: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَأَمْرِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تَجْبِرَنِي مِنَ النَّارِ وَالْكَفْرِ وَالْفَقْرِ» رواه الديلمي - كنز العمال.

ترجمه: حضرت ابو بکره رضی اللہ عنہ میفرماید کہ رسول کریم ﷺ در دعای خود فرمودند ہای اللہ من از تو سوال میکنم بہ حق و خاطر روی مکرم تو و بہ خاطر و حق امر بزرگ تو کہ مرا پناہ بدہ از آتش دوزخ و از کفر و از فقر.

و عن ابن مسعود رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ في دعائه: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنِعْمَتِكَ السَّابِقَةِ عَلَيَّ وَبِلَاثِكَ الْحَسَنِ الَّذِي ابْتَلَيْتَنِي بِهِ وَفَضْلِكَ الَّذِي أَفْضَلْتَ عَلَيَّ أَنْ تَدْخُلَنِي الْجَنَّةَ بِمَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ رواه الديلمي كنز العمال.

ترجمه: حضرت عبد اللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ میفرماید کہ رسول کریم صلی اللہ علیہ وسلم در دعای خود فرمودند: ای اللہ از تو سوال میکنم بہ آن نعمت کامل تو کہ بر من کردہ اید و بہ آن آزمائش نیک تو کہ مرا آزمودہ اید و بہ آن فضل تو کہ مرا عطا کردہ اید: کہ مرا بہ محض احسان و فضل و رحمت خود بہ جنت داخل فرمائید.

و عن حمزة بن عبد المطلب رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: أَلْزَمُوا هَذَا الدُّعَاءَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ وَرِضْوَانِكَ الْأَكْبَرِ فَإِنَّهُ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ « رواه البغوي والباوردي وابن قانع وابوبكر في الغيلانيات - كنز العمال.

ترجمہ: حضرت حمزہ بن عبد المطلب میفرماید کہ رسول کریم ﷺ فرمودند: کہ
 این دعا را لازم بگیری: اللهم انی اے ای اللہ از تو سوال میکنم به حق اسم اعظم تو
 ورضوان اکبر تو چرا کہ این نام است از نامهای اللہ.

وعن البراء بن عازب رضی اللہ عنہ أنه قال له علی رضی اللہ عنہ: یا براء اذا
 أردت ان تدعو اللہ عزوجل باسمه الأعظم فاقرأ من اول سورة الحديد الی سِتِّ
 آیات منها الی علیم بذات الصدور و آخر سورة الحشر یعنی اربع آیات ثم ارفع یدیک
 فقل: یا من هو هكذا أسألك بحق هذه الأسماء ان تصلى علی مُحَمَّدٍ و آل مُحَمَّدٍ و آن
 تفعل بی کذا و کذا مما تريد فوالذی لا اِلهَ غَیْرُهُ لتقبلن بحاجتک ان شاء اللہ « رواه
 ابن النجار - کنز العمال.

ترجمہ: حضرت براء بن عازب رضی اللہ عنہ میفرماید کہ حضرت علی رضی
 اللہ عنہ به من فرمود: کہ ای براء وقتی کہ تو اراده کردی کہ از اللہ تعالیٰ به اسم
 اعظم خواست بکنم پس طریقه آن اینکہ شش آیت از اول سورهء حدید تا علیم بذات
 الصدور بخوانید و چار آیت از آخر سورهء حشر بخوانید و باز دست هایت بالا کرده
 بگو: ای آن ذاتی کہ این طور صفات دارد سوال میکنم از تو به حق این اسماء
 گرامی تو کہ درود نازل فرمائید بر حضرت مُحَمَّدٍ و آل محمد و فلان فلان کار مرا
 پوره کن، سوگند من به آن ذاتیکہ غیر ازو دیگر اِله نیست شما ضرور به حاجت
 و مقصد خود فائز میشوی.

وعن أنس رضی اللہ عنہ أنه کان مع رسول اللہ ﷺ جالسا ورجل یصلی ثم دعا
 اللهم انی أسألك بأن لك الحمد لا اِلهَ اِلا أنت وحدك لا شريك لك المنان بدیع

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِإِذْنِ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ
 فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ : لَقَدْ دَعَا اللَّهُ بِاسْمِهِ الْعَظِيمِ « وَفِي رِوَايَةٍ : « لَقَدْ كَادَ يَدْعُو اللَّهَ
 بِاسْمِهِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ » رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ وَالتِّرْمِذِيُّ
 وَالنَّسَائِيُّ وَابُودَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَاحْمَدُ وَابْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَالحَاكِمُ وَابْنُ حِبَّانَ .

ترجمہ: حضرت انس رضی اللہ عنہ میفرماید: کہ من با نبی کریم ﷺ نشستہ
 بودم کہ درین اثناء یک شخص نماز میخواند و بعد از نماز اینطور دعا کرد: کہ اے
 اللہ از تو سوال میکنم بہ این خاطر کہ تمام تعریف ہا برای تو است و غیر از تو دیگر
 رالہ نیست تنها تو لائق عبادت و بندگی و جای توجہ و تضرع در حاجات هستی کسی
 با تو شریک نیست تنها تو احسان کننده هستی با مخلوق خود و پیدا کننده آسمانها
 و زمین هستی صاحب جلال و اکرام هستی و اے حی و قیوم سوال میکنم از تو جنت را
 و پناہ میگردم بہ تو از آتش دوزخ پس نبی کریم ﷺ فرمودند کہ این شخص اللہ
 تعالی را بہ اسم عظیم خواست و در روایت دیگر است کہ اللہ تعالی را بہ آن نام
 خواست کہ چون بہ آن نام خواسته شود دعا را قبول میفرماید و اگر ازو سوال چیزی
 کردہ شود عطا میفرماید .

خلاصہ کلام اینکہ اگر دل تو میخواست کہ دعای من قبول شود پس بہ نامها
 و صفت های اللہ تعالی تَوَسَّلْ کنید و ہمین طریقہ و سُنَّتِ رسول کریم ﷺ و ہمین را بہ
 امت خود و اصحاب خود تعلیم دادہ اند، کہ بہ نامهای گرامی و صفت های علیای او
 تَوَسَّلْ کنید، و این را گاهی بہ امت خود تعلیم ندادہ اند کہ بہ حق و باحرمت و جاہ
 و روی و خاطر کدام بندہ یا کدام نبی و ملک و کدام ولی و شہید و کدام شیخ دعا کنید

بلکہ این اساس و بنیاد شرک یہود و نصاری و مشرکین است کہ بہ خاطر و روی عُزیر و عیسی و مریم و فرشتہ گان دعا میکنند۔

بہ این جہت مذهب امام ما و شما امام اعظم ابوحنیفہ رحمہ اللہ ہمین است کہ بہ حق و حرمت وجاہ و خاطر و روی ہیچ مخلوق دعا کردن جائز نیست، برای تائید این موضوع عبارت های فقہای حنفی را بہ شما پیش میکنیم۔

قال ابو الحسن القدوری فی کتابہ الكبير فی الفقه المسمى بشرح الكرخي في باب الكراهية: وقد ذكر هذا غير واحد من أصحاب ابي حنيفة رحمه الله قال بشر بن الوليد: حدثنا ابو يوسف قال: قال ابو حنيفة رحمه الله: لا ينبغي لاحد ان يدعو الله إلا به واكره ان يقول بمعاقد العز من عرشك او بحق خلقك وهو قول ابي يوسف وقال أبو يوسف بمعقد العز من عرشك هو الله تعالى فلا اكره هذا واكره ان يقول بحق فلان او بحق انبياءك ورسلك وبحق البيت الحرام والمشعر الحرام قال القدوری: المسألة بحق المخلوق لا تجوز لأنه لا حق للمخلوق على الخالق فلا تجوز وفاقا:

والتَّوَسَّلُ بهذا المعنى لم يُؤثر من صحابي ولا تابعي ولا أحد من علماء السلف ولا الأئمة المجتهدين بل أحدثه أئمة المساجد الذين لا علم لهم بسنة النبي ﷺ ولا علم لهم بطريقة الصحابة ولا علم لهم بطريقة الأئمة المجتهدين ولا علم لهم بمذهب الامام الاعظم ابي حنيفة رحمه الله وهذا بدعة قبيحة منكرة إنهم يقولون في ادعيتهم أسألك بحق الأنبياء أو الأولياء أو بجاه نبيك المصطفى ورسولك المجتبي أو بحرمة سيد الأبرار ونبيك المختار أو بجاهه أو ببركته۔

أويقولون يا أيها الولي الظلاني ادع الله لنا واشفع لنا لديه في حاجتي ليقتضيه

بجاهك وحرمتك وطُفيلك ولم يُؤثر هذا عن أحد من الصحابة ولا التابعين ولا الأئمة
المجتهدين بل نُقل عن الأئمة الأربعة وخصوصاً عن الإمام الأعظم أبي حنيفة رحمه
الله خلاف ذلك ، وقال صاحب الهداية في كتاب الكراهية: قال: ويكره أن يقول
الرجل في دعائه: أسألك بمعقد العز من عرشك وعن أبي يوسف رح أنه لا بأس به وبه
أخذ الفقيه أبو الليث رح لأنه مأثور عن النبي ﷺ روى أنه كان من دعائه: اللهم
إني أسألك بمعقد العز من عرشك ومنهى الرحمة من كتابك واسمك الأعظم وجدك
الاعلى وكلماتك التامة ولكننا نقول: هذا خبر الواحد وكان الاحتياط في الامتناع
ويكره أن يقول في دعائه بحق فلان أو أنبياءك ورسلك لأنه لاحق للمخلوق على
الخالق - هداية ص ٤٧٣ - الكتاب الكراهية.

وفي كنز الدقائق: ويكره أن يقول: أسألك بحق فلان وبحق أنبياءك ورسلك لأنه
لا حق للمخلوق على الخالق، كتاب الكراهية
ولكن العلماء البريلوين اخرجوا هذه العبارة من كنز الدقائق الذي طبع في الهند
وسمّوه (كنز قندهارى چاپ).

ترجمه: ابو الحسن قدورى كه از علماء حنفى فقيه مشهور است او در كتاب خود
در كتاب كلان فقه شرح كرخى در باب كراهيت گفته: كه اين مسئله بسيار
شاگردهاى امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله ازو نقل کرده، بشر بن وليد ميگويد: كه
مرا ابو يوسف خبر داده كه امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله فرموده: كه براى
هيچ كس جائز نيست كه از الله تعالى سوال كند به حق وجاه وحرمت كسى مگر به
حق خود او، ومن ناجائز ميدانم كه او در دعابگويد: كه سوال ميكنم به خاطر

معاهد عزت از عرش تو، و یا سوال به حق مخلوق کند و همین قول ابی یوسف رح هم است، و امام ابو یوسف میگوید: که مراد از معقد عزت خود او تعالی است پس من این راناجائز نمیدانم و این راناجائز میدانم که کسی در دعا میگوید که سوال میکنم از توبه حق فلانی و به حق انبیاء و به حق رسولان و یا به حق بیت الله و به حق مشعر حرام، فقهی قدوری میگوید: که سوال کردن به حق هیچ مخلوق هم جائز نیست چرا که مخلوق بالای خالق حق ندارد پس به اتفاق همه فقهاء مذهب این طور دعا کردن ناجائز است، و صاحب شرح منار که از علماء حنفی عالم فقیه و محقق است او میفرماید که اینگونه تَوَسُّلٌ کردن در دعا که سوال میکنم به حق فلانی و یا به حرمت فلانی و جاه و روی و خاطر فلانی از هیچ صحابی و هیچ تابعی منقول نیست و نه علماء متقدمین و متأخرین کرده و نه امام های مجتهدین کرده، بلکه این رسم و بدعت را آن امامان مساجد اختراع کرده که از سُنَّتِ رسول کریم ﷺ خبر ندارند و نه از طریق صحابه، کرام علم دارند و نه از طریق علماء امام های مجتهدین و فقهاء علم دارند و نه از اساس مذهب امام اعظم ابوحنیفه رح علم دارند.

و حالانکه این بسیار يك بدعت کلان و بدعت سیئه و اساس شرك است که در دعاهای خود میگویند: ای الله از تو سوال میکنم به حق پیغمبران و اولیاء و به جاه و روی نبی و به حرمت و به برکت فلانی و بعضی به نبی و ولی صدا و نداء میکنند که یا رسول الله یا ولی الله برای من از الله تعالی فلان حاجت مرا بخواه و در حضور الله برایم سفارش کن که حاجت مرا به روی و حرمت و برکت و طفیل تو پوره کند.

این گونه دعا کردن از هیچ صحابی و هیچ تابعی و هیچ مجتهد و فقیه نقل

نشده بلکه از امامانِ چار مذهب وخصوصاً از امام اعظم ابوحنیفه رح ممانعت
و ناجائز بودن آن ثابت شده.

هدایه که در مذهب حنفی کتاب معتبر در فقه است و در تمام مدارس دینی تمام
مدرسین به طالبان درس میدهند، مُصَيَّف همین کتاب هدایه در کتاب الکراهیه
میفرماید: که این ناجائز است که کسی در دعای خود میگوید: که ای اللهُ از تو
سوال میکنم به حق فلانی ولی و به حق انبیا و رسولان چرا که مخلوق بر خالق حق
ندارد.

و در کنز الدقائق که کتاب معتبر از فقه حنفی است و در تمام مدارس خوانده میشود
در آن فرموده: که سوال کردن به حق فلان و به حق انبیا و رسولان ممنوع است چرا که
مخلوق بر خالق حق ندارد.

ولیکن علماء بریلوی این عبارت را از کتاب کنز الدقائق که در هند چاپ شده
کشیده اند و نام آن را کنز قندهاری چاپ مانده اند.

ازین رو اگر شما میخواهید که علماء و امامان بریلوی مزاج را بشناسید علامه
آن ها همین است که آنها در دعا های خود دعای قرآنی و دعا های احادیث نبویه
دعا های خالص از توجُّه مخلوق را استعمال نمیکنند بلکه دعا های شان پُر از بدعت
و شرک میباشد و به حق و حرمت و جاه و برکت و خاطر و طفیل فلان را استعمال میکنند
بالای شان در امور دین اعتماد نکنید و نه آنها را امام و مؤظف سازید به مردم
تعلیم شرک و بدعت میدهند

در تفسیر در منشور روایت کرده که صحابه کرام آن دعاها را میکردند که

باقران و حدیث موافق می بود.

و در فتاوی سراجیه که از فتاوی های حنفی است تحریر فرموده: و بکره أن يقول

في دعائه: أسألك بحق فلان وبحق رسلك وأنبيائك « كذا ذكره في تحرير ركن

الدين ص ٧٢ سراجیه.

ترجمه: یعنی ناجائز است که کسی در دعای خود میگوید: ای الله از تو سوال

میکنم به حق فلانی و به حق رسولان و انبیاء تو .

و در فتاوی عالم گیری که از معتبرات فتاوی حنفی است تحریر فرموده که

و بکره أن يقول في دعائه بحق فلان وكذا بحق انبيائك واوليائك او بحق رسلك وبحق

البيت الحرام وبحق المشعر الحرام لأنه لا حق للمخلوق على الله تعالى « فتاوی عالم

گیری الباب الرابع في الصلوة والتسبيح وقراءة القرآن ص ٣١٨ ج ٥ /

ترجمه: یعنی این ناجائز است که در دعای خود میگوید که یا الله از تو سوال

میکنیم به حق فلانی و هم چنین به حق انبیاء و اولیاء تو و یا بحق رسولان تو و به حق

بیت حرام و به حق مشعر حرام یعنی مزدلفه چرا که مخلوق بر الله تعالی حق ندارد .

و نیز فتاوی بزرگ شامی که در نزد اکثر علماء این وقت موجود است تحریر

فرموده: و بکره أن يقول في دعائه أسألك بحق رسلك وأنبيائك وأوليائك « شامی

ص ٢٥٤ ج ٥ / طبع بیروت

ترجمه: یعنی این ناجائز است که در دعا میگوید: یا الله از تو سوال میکنم به

حق رسولان و انبیاء و اولیاء تو.

ملا علی قاری رحمة الله عليه که از علماء حنفی يك عالم محقق و مشهور

ومعروف است در کتاب خود شرح فقہ اکبر تحریر فرموده: قال ابوحنيفة وصاحباہ
يكره أن يقول الرجل في دعائه: أسألك بحق فلان أو بحق أنبيائك ورسلك وبحق
البيت الحرام والمشعر الحرام ونحو ذلك إذ ليس لاحد حق على الله» شرح فقہ اکبر.

ترجمہ: امام اعظم ابوحنيفہ رح وھردو شاگردان او کہ امام محمد وامام
ابویوسف است فرموده اند کہ ناجائز است این سخن کہ کسی در دعای خود
میگوید: کہ یا اللہ از توسوال میکنم بہ حق فلانی وبہ حق انبیاء ورسولان تو وبہ
حق بیت حرام وبہ حق مشعر حرام ودیگر مخلوق بہ مثل این مثلا بہ حق جبریل
ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل وغیرہ چرا کہ برای هیچ کسی حق نیست بر اللہ
تعالی.

ودر فتاویٰ بزازیہ کہ از فتاویٰ های فقہاء حنفی است تحریر فرموده: من قال:

المشايع حاضرة تعلم يكفر» ص ۳۲۶ ج ۵ /

ترجمہ: یعنی کسیکہ این عقیدہ دارد کہ ارواح اولیاء ومشايع حاضر اند وبہ
احوال زندگان میدانند پس این عقیدہ عقیدہء کفر است.

ودر خیر کثیر کہ از کتاب های مشہور تصوف است تحریر فرموده: کہ واعلم
أن طلب الحوائج من الموتى عالمابأنه سبب لانجاحها كفر يجب الاحتراز عنه تحرمه هذه
الكلمة الطيبة - والناس ا ليوم فيها منهكون - خیر کثیر ص ۱۰۵

ترجمہ: بدانکہ طلب کردن حاجات وحل مشکلات از مردگان بہ این عقیدہ کہ
ایشان سبب پوره شدن حوائج است این کار کفر است اجتناب وپرهیز از آن واجب
است وکلمہء طیبہ این را حرام میسازد یعنی اقرار بہ کلمہء طیبہ بالای بنده این را

حرام میسازد که در طلب حاجات و حل مشکلات به سوی غیر الله تعالی توجه
و تضرع کرده شود مردم امروز درین مرض شرك و کفر غرق و مبتلاند.

و در بحر الرائق شرح معتبر از کنز دقائق است و در نزد اکثر علماء این وقت

موجود است در آن تحریر فرموده: من ظن أن الميت يتصرف في الأمور فاعتقاده بذلك

کفر « بحر الرائق ص ۲۹۸ ج ۵ /

ترجمه: یعنی کسیکه این عقیده دارد که مرده در کار کائنات تصرف میکند

این اعتقاد اعتقاد کفر است.

و در مسائره که از کتاب های معتبر حنفی است تحریر فرموده: که و ذکر الحنفية

في فروعهم تصريحاً بالتكفير باعتقاد أن النبي ﷺ يعلم الغيب لمعارضته قوله

تعالی: « قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ

يُبْعَثُونَ »

مسامره ص ۸۸ ج ۲ / و ص ۲۱۲

ترجمه: علماء فقهاء حنفی در فروعات فقه به این تصریح نموده اند که اگر این

عقیده دارد که نبی کریم ﷺ به غیب میدانند این عقیده کفر است چرا که این طور

عقیده با قول و ارشاد الله تعالی مخالف است الله تعالی ارشاد فرموده: بگو ای

محمد (ﷺ): که کسانی که در آسمانها و زمین اند به غیب نمیدانند به غیر از يك الله

تعالی، و نمیدانند که چه وقت دوباره زنده خواهند شد.

و به خود نبی کریم ﷺ از طرف الله تعالی حکم شده: که به مردم بگو که من به

غیب نمیدانم: قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ) که من به شما نمیگویم که در نزد من خزانه های
 اللهُ تعالی است و نه به غیب میدانم و نه به شما میگویم که من فرشته ام.

يك سخن ضروری را بشنوید

برادران اسلام به يك سخن ضروری مُتَوَجِّه شوید که بعض ملاحا که در مضامین
 قرآنی مهارت ندارند مسئله تَوَسُّل و وسیله ساختن را اینقدر لازمی و واجب میدانند
 که از شرائط ایمان می‌شمارند یعنی اگر کسی از تَوَسُّل و وسیله انکار کند به نزد آنها
 گمراه و کافر معلوم میشود حالانکه تمام مشرکین با حضرات انبیاء کرام علیهم
 السلام در وجود خالق کائنات مخالفت نکرده بلکه مخالفت شان در باب وسائل
 و سفارشی ها بود.

اگر معنای تَوَسُّل و وسیله همین باشد که این ولی و یاشهید و یانبی و یاصاحب قبر
 و یاشیخ سفارش ما را میکند و عرائض و درخواست های ما را امیثنود و من خواز اللهُ
 تعالی دور هستم و ایشان به اللهُ تعالی مقرب و نزدیک اند پس عرض های ما را به
 اللهُ تعالی پیش میکنند و اینها از دور عرائض و درخواست های ما را می شنوند
 و بدون وساطت ایشان و بدون سفارش شان دعای من به اللهُ تعالی نمیرسد پس به این
 یقین کنید که کفار و مشرکین با حضرات انبیاء کرام در همین موضوع و همین عقیده
 مجادله نمودند حضرات انبیاء کرام به قوم های خود گفته اند که اللهُ تعالی را خالص
 بخواهید و کسی را در پیش روی او سفارشی و واسطه و وسیله مقرر نکنید لیکن

مشرکین گفتند که ما از پدرها و اجداد این عقیده را به میراث برده ایم که در حاجات و مشکلات خود این اولیاء، شهداء و انبیاء و ملائک را سفارشی ساخته اند پس ما خالص اللہ را خواستن قبول نمیکنیم این یک عقیده جدیدی شما به میان آوردید، پس معنای کفر این نیست که آنها از وجود اللہ تعالی انکار میکردند بلکه معنای کفر اینکه ما تنها اللہ را بدون وسائط و سفارشی ها و وسائل نمیخواهیم.

و اگر معنای تَوَسُّل و وسیله این باشد که من اللہ تعالی را به این ذوات فاضله و انبیاء و اولیاء قسم میدهیم پس امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله همین مسئله را فیصله کرده که خواستن اللہ تعالی به حق و حرمت و جاه و خاطر مخلوق ناجائز است و این را مردم جاهل و بی علم از نفس خود اختراع کرده چقدر دعاهای قرآنی بکه اللہ تعالی به بندگان خود تعلیم داده، در آن قسم دادن به مخلوق نه آمده و در تمام دعاهای قرآنی ربوبیت خود را تعلیم داده، و در دعا لفظ رَبَّنَا و رَبِّ ، تکرار نموده، و دیگر اینکه به اللہ تعالی بندگان مُقَرَّب خود خوب معلوم است لیکن درباره هیچ کسی این تعلیم نداده که فلان بنده به من بسیار مُقَرَّب است به حق او و خاطر و حرمت و جاه و برکت او مارا بخواهید، و چنین نفرموده که وَلِلّٰهِ الْعِبَادُ الْمُقَرَّبُونَ او الملائكة المقربون أو الانبياء والمرسلون فادعوه بهم ، یعنی چنین نفرموده: که برای اللہ تعالی بندگان مُقَرَّب اند و ملائک مقرب اند و انبیاء و مرسلین اند شما او را به واسطه آنها بخواهید، بلکه چنین فرموده: وَلِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا « یعنی خاص برای اللہ تعالی نام های خوب خوب است پس شما بخواهید او را به واسطه آن نامها و خود نبی کریم ﷺ و صحابه، کرام هم به نام ها و صفت های اللہ تعالی

سوال می‌کردند و در دعاهای شان چنین الفاظ وارد شده: اللهم إني أسألك بأنك أنت الله لا إله إلا أنت الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحدٌ وبأسمائك الحسنى وصفاتك العلیا و بكل اسم هورك سمیت به نفسك او علمته احدا من خلقك او استأثرت به نفسك وباسمك المخزون المكنون وغيره « وبه امت خود برای قبولیت دعا اسم اعظم واسماء حسنی تعلیم وترغیب داده.

دیگر سخن اینکه اساس و بنیاد شرك مشرکین همین تَوَسُّلُ وَتَشْفُعُ و وسیله گرفتن بوده.

درین شك نیست که مردم دانسته و فهمیده لحاظ معنای صحیح را میکنند لیکن من که از عامهء مردم پرسیده ام ایشان به بنیاد همین عقیدهء مشرکانه این الفاظ را استعمال میکنند و عقیده شان عین عقیدهء مشرکین و یهود و نصارا است.

دیگر سخن اینکه اگر خود را حنفی مذهب می‌گوئید پس امام اعظم رحمه الله و شاگردان او و مفتیان حنفی همین فیصله کرده که سوال کردن از الله تعالی به حق و حرمت و برکت و جاه و خاطر و روی و طفیل کسی جائز نیست، و همین فیصله در کتاب ها و فتاوه های فقه حنفی تحریر فرموده در هدایه و قدوری و کنز و بحر رائق و شامی و فتاوی عالم گیری و سراجیه و بزازیه و تاتارخانیه و خیر کثیر و فقه اکبر.

و اگر شما فیصله و حکم الله تعالی را قبول نمیکنید و نه سُنَّتِ رَسُولِ کریم و صحابه را پیروی میکنید و نه به فیصلهء امام اعظم ابوحنیفه رح قناعت میکنید و نه به فتاوی مفتیان حنفی قناعت میکنید پس همین است بی دینی و بی ایمانی و گمراهی و تباهی. «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ»

اگر این عقیده از دین باشد پس اثبات آن از قرآن و حدیث لازم است و بالآخره به مفتیان و مجتهدین حنفی رجوع به کار است و اگر از دین نیست پس چه ضرور است که آنرا از شرائط ایمان میسازیم و چه ضرور است که غیر از قرآن و حدیث دیگر دلائل بی اساس را مستند خود میسازیم،

مولانا روم گفته: حُجَّتْ نِیْسْتِ قَوْلِ وَفَعْلِ هِیْجِ پیر، قَوْلِ حَقِّ وَفَعْلِ اِحْمَدِ رَابِغِیرِ

در مسائل دینی رسم و رواج اباء و اجداد و یا امامان بی علم مساجد و شیخان و پیران بی علم و یا حاکمان بی علم دلیل نیست و نه به آن فریب بخورید.

وعید کسیکه به آیت های قرآن عمل نمیکند:

۱- «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَكَرَ بآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاہُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذْ أَتَاهَا» سوره، كهف آیت ۵۷

ترجمه: و کیست ظالم تر از آنکه فهمانیده شد پند به او داده شد به آیت های ربّ خویش و باز رو گردانی کرد از آن و فراموش کرد آنچه پیش فرستاده دو دست وی هرآینه انداخته ایم بر دلهای شان پرده ها که نفهمند قرآن را و درگوش های ایشان گرانی است و اگر شما بخواهید ایشان را به سوی هدایت پس هرگز نه یابند راه راست را برای همیشه.

۲- «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» *

قَالَ رَبُّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ
 الْيَوْمَ تُنْسَى * وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ
 وَأَبْقَى»

سوره طه ۱۲۴-۱۲۷

ترجمه: وکسیکه روگردانی کند از پند و نصیحت من یعنی از قرآن پس هرآینه
 او راست زندگی تنگ و میانگیزانیم او را در روز قیامت کور، گوید: ای پروردگار
 من چرا برانگیختی مرا کور و حال آنکه من بینا بودم اللّٰه تعالی میفرماید: هم چنین
 آمده بود به تو آیت های قرآنی ما پس تو فراموش کردی آنرا و هم چنین امروز تو
 فراموش کرده میشوی، و هم چنین جزاء می‌دهیم کسی را که از حد تجاوز کند و ایمان
 نیاورد به آیت ربّی خود و هرآینه عذاب آخرت سخت تر و پاینده تر است.

۳- «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ»

سوره، الم السجدة آیت ۲۲

ترجمه: وکیست ظالم تر از آنکه فهمانیده شد به آیات پروردگارش و باز رو
 گردانی کند از آن هرآینه ما از مجرمان انتقام گیرنده ایم.

ف: درین سه ارشادات قرآنی و عید آن کسانی است که به آیت های قرآنی
 فهمانیده شود در موضوع وحدانیت اللّٰه تعالی در ألوهیت و یا در موضوع حقیقت
 بعث بعد الموت و یادر حقیقت رسالت حضرت مُحَمَّد ﷺ و سراز آن هم رو گردانی کند
 و به بهانه بی اساس و بی سند خود را مکلف به عملی کردن آن نمیداند.

علماء مفسرین تحریر نموده اند که اعتبار به عموم لفظ است و به خصوص سبب

اعتبار نیست، یعنی مصداق اولی این آیت ها آن مشرکین از اهل مکه و معاندین
بهود و نصارا اند که در موضوع حقیقت وحدانیت الله تعالی در الوهیت بیانات
عقلیه و نقلیه، قرآن را شنیدند و باز هم تصدیق وحدانیت او تعالی را نکردند چون
انسان در جرائم و کبائر منہمک میشود باز بردل او پرده انداخته میشود که کلام حق
رائی فهمد و در گوش های شان گرانی میباشد که کلام حق را به قلب حاضر
نمیشنوند.

و نیز مصداق این آیت ها آن مردمان هم است که دعوهء اسلام میکنند ولیکن
محض زندگی فانی دنیا را قبلهء مقصود دانسته با آیت های قرآنی کدام سرو کار
ندارند و عقائد شان هم برخلاف قرآن نه قرآن را میاموزند و نه به آن گوش میکنند
و اگر بدانند به آن عمل نمیکند ده نفر در خانه میباشند همهء شان مصروف به جمع
کردن مال میباشند و اگر کسی آنها را از وجوب توحید الوهیت خبر میدهد و به آنها
قرآن میشنوانند بالای آنها حکم گمراهی میکنند و خود را مؤمن حقیقی و مُسَدِّقین
دین قدیم پدری میدانند برای هر مسلمان ضرور است که کوشش کند تا در مصداق
این آیت ها نه آید.

در آیت اول فرمود: که بر دلہای شان پرده انداخته ایم و در آیت دوم فرمود که
برای او زندگی تنگ میباشد و در روز قیامت کور میخیزد و در آیت سوم فرمود که
ما از چنین مجرمین انتقام میگیریم پس چونکه درین کتاب آیت های بی شمار در
موضوع وجوب توحید الوهیت تلاوت شده باید که از مضامین آن اعراض نکنیم
و بر کوتاهی و جرائم سابقهء خود پشیمان و نادم شویم و توبه و استغفار کنیم.

احادیث دربارهٔ وعید کسیکه از آیت قرآن منکرشود

۱- عن ابن عباس رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ من جحد آية من

كتاب الله فقد حل ضرب عنقه» رواه البيهقي - كنز العمال ص ۹۲ ج ۱/

ترجمه: حضرت ابن عباس رضی اللہ عنہ میفرماید که رسول کریم صلی اللہ

علیه وسلم ارشاد فرمودند: که کسی از يك آیت قرآن منکرشود زدن گردن او حلال

است.

۲- وعن عمر رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: إنه ستفشو عني احاديث

فما آتاكم من حديثي فاقروا كتاب الله واعتبروه فما وافق كتاب الله فانا قلته وما

لم يوافق كتاب الله فلم أقله» روا الطبراني كنز لعمال.

ترجمه: حضرت ابن عمر رضی اللہ عنہ میفرماید که رسول کریم ﷺ ارشاد

فرموده: که عنقریب از من احادیث روایت کرده خواهد شد پس آنچه از حدیث من به

شما رسید کتاب اللہ تعالی را بخوانید و این حدیث را با قرآن موازنه کنید پس

آنچه با کتاب اللہ تعالی موافق باشد من آنرا گفته ام و آنچه با کتاب اللہ تعالی

موافق نباشد آنرا من نه گفته ام.

۳- وعن علي رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: ستكون عني رواة يروون

الحديث فاعرضوه على القرآن فان وافق فخذوه والا فدعوه» رواه ابن عساکر - كنز

العمال

ترجمه: حضرت علی رضی اللہ عنہ میفرماید که رسول کریم ﷺ ارشاد

فرموده: که عنقریب روایت کنندگان از من به وجود میآیند که احادیث را روایت

میکنند پس شما آن را بر قرآن پیش کنید اگر با قرآن موافق بود پس بر آن عمل کنید و اگر موافق نبود آن را بگذارید و به آن عمل نکنید.

۴- وعن ابن عباس رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ مهما اوتيتم من كتاب الله فالعمل به لا عذر لاحد في تركه فان لم يكن في كتاب الله فسنة مني ماضية فان لم تكن سنة مني فما قال اصحابي ان اصحابي بمنزلة النجوم في السماء فبايها اخذتم اهتديتم واختلاف اصحابي لكم رحمة « رواه البيهقي في المدخل وابونصر والخطيب وابن عساكر والديلمي عن الضحاك عن ابن عباس

كنز العمال ص ۱۹۸ ج ۱ /

ترجمه: حضرت ابن عباس رضي الله عنه میفرماید: که رسول کریم ﷺ ارشاد فرمودند: که در هر وقتیکه کتاب الله تعالی به شما پیش کرده شد پس عمل به آن لازم است و برای هیچ کسی عذر و حیلہ در ترک کردن آن نیست پس اگر در کتاب الله تعالی حکم نبود پس حدیث من را پیروی کنید و اگر در سنت من کدام حکم نبود پس چیزیکه اصحاب کرام عملی کرده آنرا بگیرید اصحاب من به مانند ستاره گان است پس هر کدام آنرا که بگیرید راه یاب میشوید و اختلاف اصحاب من برای شما رحمت است.

۵- وعن معاذ بن جبل رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: خذوا العطايا مادام عطاء فاذا كان رشوة على الدين فلا تأخذوه ولستم بتاركيه يمنعكم الفقر والحاجة إلا إن كتاب الله والسلطان سيفترقان فلا تفارقوا الكتاب « رواه الطبرانی كنز العمال ص ۲۱۶ ج ۱ /

ترجمه: حضرت معاذ بن جبل رضی اللہ عنہ میفرماید: کہ رسول کریم ﷺ ارشاد فرمودند: کہ عطا یا ویا ہدایا را گرفتہ روید تا وقتیکہ عطیہ و ہدیہ باشد وقتیکہ عطیہ و ہدیہ رشوت شد بر دین پس آنرا نہ بگیری و شما آنرا میگیرید چرا کہ خوف فقر و حاجت بر شما باعث میشود در گرفتن آن واگاہ باشید کہ کتاب اللہ تعالیٰ و پادشاہ باہم جدا و مخالف خواهد شد پس درین صورت شما کتاب اللہ تعالیٰ را ترک نکنید.

یعنی اگر درین کتاب اللہ و پادشاہ مخالفت آمد پس شما کتاب اللہ تعالیٰ را محکم بگیری

برادران اسلام: اگر بہ مذہب امام اعظم ابوحنیفہ رحمہ اللہ ہستید و بہ کتاب ہای فقہ حنفی عقیدہ دارید پس باید بہ ہوا و ہوس خود دعا ران کنید در ہر عمل بہ حکم اللہ تعالیٰ و بہ سنت و طریقہ رسول کریم صلی اللہ علیہ وسلم ببینید و بہ عمل اصحاب کرام و تابعین و بہ عمل امام مذہب خود امام اعظم ابوحنیفہ رح ببینید و اگر کسی در امور دین نہ بہ حکم اللہ تعالیٰ و طریقہ رسول کریم ﷺ می بیند و نہ بہ طریقہ امام مذہب میرود و نہ ہوا و ہوس و یا بہ رسم و رواج خود می رود پس ہمین است بی دینی و بی ایمانی و تباہی و بربادی.

بعض عوام الناس کہ در مجلس علماء حاضر نمیشوند و بہ تعلیم و تبلیغ علماء گوش نمی کنند میگویند کہ علماء برای ماسخنہای دین بیان نمیکند و این مسائل مہم ایمان و توحید را بیان نمیکند.

برادران من: علماء بیان میکنند و تبلیغ ہم میکنند و ہمین کتاب ہای دین

ومذهب را تدریس میکنند لیکن ما چون در دنیا به انتہائی درجه مشغول هستیم این قدر فرصت نداریم کہ در درس طالبان بنشینیم و از مسائل دین خبر دار شویم۔

بلی درین شك نیست کہ بعض ملاحا و امامان در مساجد چنین اند کہ با طلباء خود در درس فنون صرف و نحویہ و علم منطق و علم فلسفہ و ریاضی و فنون دیگر مشغول اند لیکن از مضامین قرآن و حدیث و فقہ مذهب و عقائد اسلامی هیچ خبر ندارند، و با ایشان این فکر و غم نیست کہ عامہ، مردم از عقائد اسلامی خبر شوند فقط روزهای خود را میگذرانند لیکن ما و شما بہ این ہم بر ^۱ الذمۃ نمیشویم چرا کہ بالای ہر مسلمان فرض عین است کہ از عقائد اسلام و احکام ضروری اسلام خود را خبر کند و باید طالب باشد۔

و دیگر سخن اینکه درین زمانہ اکثر مردم ہوا و ہوس و رسم و رواج خود را مذهب میدانند و یا کدام چیزیکہ پدرهای جاہل شان کردہ آن را دین و مذهب میدانند و این را تحقیق نمیکند کہ حکم اللہ تعالی چیست و ارشاد رسول کریم صلی اللہ علیہ وسلم چیست؟ و آیا امام مذهب امام اعظم ابوحنیفہ رح درین بارہ چہ نظریہ دارد۔

مسئلہ، فقہ مذهب امام اعظم ابوحنیفہ رح همین است کہ از فتاویہ ہابہ شمانقل کردم لیکن امروز شوق علم نیست و اکثر مسلمانها از قرآن و حدیث بی خبر اند بہ این وجہ اکثر مردم نادان و بی علم بہ جان خود نمیدانند و در کفر و شرک و بدعت واقع میشوند، و آن اینکه من از بسیاری مردم پرسیدم کہ مقصد شما درین الفاظ چیست کہ میگوئی: یا اللہ از تو سوال میکنم بہ حق فلانی ملک و فلانی نبی و فلانی ولی و بہ روی فلانی و بہ حرمت و طفیل فلانی نبی و ولی؟ پس آنها در جواب بہ من گفتہ:

که همین نبی و یا ولی و یا شهید و شیخ سفارش ما را در حضور الله تعالی میکنند،
 و به حرمت و کرامت و تصرف او حاجات ما را روا میسازد، و مریض ما را شفا میدهد
 و مشکلات و مصائب ما را رفع میسازد و ما از الله تعالی دور هستیم و ایشان
 سفارشیان مانند.

برادران اسلام: این سخن رابه غور بشنوید که تمام انبیاء کرام علیهم السلام به
 امت های خود همین تبلیغ کرده که با الله تعالی در دعای خود کسی را شریک
 نسازید و الله تعالی را خالص و بدون اعتقاد سفارشی و بدون اعتقاد و سائط
 در حاجات و مشکلات خود بخواهید و در حضور الله تعالی بدون اجازه، او هیچ کسی
 سفارش کرده نمیتواند و کسانیکه شما آنها را میخواهید آواز و صدای شما را نمیشنوند
 و ایشان درباره سفارش از هیچ چیز هم مالک نیستند و این عقیده و خیال شما که
 ایشان سفارش میکنند در حضور الله تعالی این دروغ بافی است بالای دوستان الله
 هم و بالای الله تعالی هم «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» کیست ظالم تر
 از آن کسی که دروغ گوید بر الله تعالی.

درین موضوع آیت های ذیل را تلاوت کنید تا به شما معلوم شود که خواستن
 غیر الله چه حیثیت دارد.

باطل بودن خواستن غیر الله در حاجات و مشکلات

۱- «وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ * إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا
 دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّتُكَ مِثْلَ
 خَبِيرٍ» سوره، فاطر آیت ۱۳-۱۴

ترجمہ: وآن کسانیکہ شما میخواستید (در حاجات و مشکلات خود) به غیر از اللہ تعالیٰ مالک نیستند (از نفع و ضرر شما) به قدر پوست باریک خسته، خرما - اگر شما آنها را بخواهید نمیشنوند دعا و خواست شما را و اگر فرضاً بشنوند دعای شما را قبول کرده نمیتوانند یعنی (برای حل مشکلات بخواهید و یا برای سفارش بخواهید) به مراد شما نمی رسد و در روز قیامت ازین شرک شما انکار میکنند، و خبر نمیدهد ترا (به حال غیر اللہ) مثل اللہ که خبر دار است.

۲- قُلِ ادْعُوا الدِّينَ الَّذِي رَزَقْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا* أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا « سورهء بنی اسرائیل آیت ۵۶ - ۵۷

ترجمہ: بگو ای مُحَمَّد (ﷺ): که بخواهید آن کسانی را که شما در بارهء آنها گمان میکنید به غیر از اللہ تعالیٰ که (اینها حاجت روای مانند ویاسفارشی مانند) پس مالک نیستند و قدرت ندارند دور کردن تکلیف را از شما و نه گردانیده میتوانند آن تکلیف را به سوی دیگری این کسانی که مشرکین میخواهند آنها را (در حاجات و مشکلات خود) می جویند به سوی پروردگاد خود نزدیکی و قربت را کدام آنها که زیاده مقرب تر است و امیدوارند از رحمت اللہ تعالیٰ و می ترسند از عذاب او هر آینه عذاب پروردگار تو لائق ترس است.

ف: در تفسیر ابن جریر تحریر فرموده: که مراد از من دونه ملائک و جن و عیسی و عزیز و مادر عیسی است، یعنی مردم مشرکین ایشان را در حاجات و مشکلات خود میخواستند که از ما مرض و تکلیف و مصیبت را دور میکنند

وایشان سفارشی مانند درباره حاجات و مشکلات و مصائب ما در حضور الله تعالی سفارش میکنند الله تعالی درین آیت ها عقیده، شرکانه، شان را باطل و مردود قرار داد که نه این کسان از شما تکلیف و مصیبت را دور کرده میتوانند و نه درباره شما سفارش کرده میتوانند چرا که درین آنها که کدام زیاده مُقَرَّب تر است در کوشش حصول قربت است به طاعت و عبادت و از رحمت او تعالی امید میکند و از عذاب او تعالی میترسد.

۳- قُلِ ادْعُوا الدِّينَ الَّذِي رَزَقْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ * وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ « سورة، سبأ آیت ۲۲-۲۳

ترجمه: بگو ای مُحَمَّد (ﷺ): که بخواهید کسانی را که شما درباره آنها گمان میکنید غیر از الله (که اینها حاجت روا و سفارشی مانند) مالک نیستند به اندازه يك ذره در آسمانها و نه در زمین از نفع و ضرر شما نیست برای آنها در تصرفات آسمان و زمین هیچ شرکت نیست برای الله تعالی از جمله، آنها کدام معاون و همکار و نفع نمیرساند شفاعت کسی برای هیچ کسی در حضور الله تعالی مگر شفاعت کسی که برای او اجازه کند.

ف: درین آیت بر عقیده، شرکانه، مشرکین تردید شد که غیر از الله به قدر ذره هم مالک نیستند و نه برای شان در ملکیت، آسمانها و زمین شرکت است، و نه از جمله، آنها کسی معاون و مددگار الله است باز مشرکین میگفتند: که این کسانی که ما میخواستیم از ملائک و یا از انبیاء و اولیاء و یا از جن و یاعیسی و عزیز

ومریم اینها سفارشی مانند درباره حاجات ومشکلات ماسفارش میکنند، اللہ تعالیٰ این عقیدہ شان را ہم باطل قرار داد کہ در حضور اللہ تعالیٰ بدون اجازه، وی هیچ کسی درباره هیچ کسی سفارش کردہ نمیتواند مگر کسیکہ برای او اجازه دہد.

۴- اِنَّ الدِّينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ عِبَادُ اَمْثَالِكُمْ فَاَدْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * اَللّٰهُمَّ ارْجُلُ يَمْشُونَ بِهَا اَمْ لَهَا اَمْ لَهَا اَيْدٍ يَبْتَطِشُونَ بِهَا اَمْ لَهَا اَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا اَمْ لَهَا اِذَا نَسَمِعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوْنِي فَلَا تُنظِرُوْنَ»

سورہ ۱۹۴ - اعراف آیت ۱۹۵ -

ترجمہ: ہر آئینہ آن کسانیکہ شما میخواستید آنہا را (در حاجات ومشکلات خود) بہ غیر از اللہ بہ مثل شما بندگانند پس بخواستید آنہا را (در حاجات ومشکلات خود) پس قبول کند خواست شمارا اگر در دعوی خود صادق اید آیا برای آنہا پاہای است کہ بہ آن رفتار کنند ویا برای شان دست ہا است کہ بہ آن گرفتن کنند ویا برای شان چشم ہا است کہ بہ آن ببینند ویا برای شان گوش ہا است کہ بہ آن بشنوند بگوای مُحَمَّدٌ (ﷺ) : کہ بخواستید شرکاء خود را باز دربارہ، من تدبیر کنید و بہ من انتظار نکنید ومہلت نہدید.

ف: درین آیت اللہ تعالیٰ فرمود: کہ آن کسانیکہ شما در حاجات ومشکلات خود میخواستید غیر از اللہ تعالیٰ آن ہا ہمہ بہ مثل شما بندگانند یعنی چگونہ کہ شما محتاج وفقیر وعاجز ومخلوق ومربوب ومحکوم ہستید ہم چنین آنہا ہم مخلوق ومربوب ومحکوم ومحتاج وفقیر وعاجز وناتوان اند اگر مراد از من دون اللہ فقط بتان گرفتہ شود پس ظاہر است کہ آن ہا چنین اعضا ی ندارند کہ از آن کار

گرفته شود و اگر غیر از بُان دیگر بندگان گرفته شود پس اگر مردگان صالحین گرفته شود پس ظاهر است که مرده پای و دست و چشم و گوش دارد ولیکن همه بیکار نه رفته میتوانند. و نه گرفته میتوانند و نه دیده میتوانند و نه شنیده میتوانند، اگر نبی و ولی و شهید و شیخ وفات شود نه به خود غسل کرده میتواند و نه به قبر رفته میتواند و نه به خود کفن پوشانیده میتواند و نه جهاد کرده میتواند و نه نماز خوانده میتواند و نه به اهل و عیال خود نفقه داده میتواند و اگر درباره شهید گفته شود که زنده است تمام مفسرین و محدثین به این متفق اند که آن زندگی زندگی بزرخی است زندگی دنیوی نیست که اکنون بیابند و با کفار مقابله کنند -

بدانکه اکثر بت هایکه مشرکین نصب کرده بودند برای یادگار اولیاء و صالحین بودند پس ازین رو در قرآن کریم به لفظ مِنْ دُونِ اللّٰهِ تعبیر شده که تابه همه معتقدات و کارسازهای اختراعی مشرکین شامل شود

۵- وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ * اَمْوَاتٌ غَيْرُ اَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ اَيَّانَ يُبْعَثُونَ» سوره نحل آیت

ترجمه: و آن کسانی که این نادانان (در حاجات و مشکلات خود) میخواهند به غیر از اللّٰه هیچ چیز را پیدا کرده نمیتوانند بلکه ایشان پیدا کرده شده دیگری اند و ایشان مرده اند غیر زنده و نمیدانند که چه وقت برانگیخته خواهند شد.

ف: هر چیزیکه به غیر از اللّٰه تعالی در حاجات و مشکلات خود میخواهند همه مرده و بی جان است خواه بی جان دائمی است مثل بت ها و درخت ها و خواه بی جان موقتی است مثل بزرگانیکه رحلت کرده اند از دنیا و یابه اعتبار انجام و مال از جمله

مردگانند مثل عیسی و فرشته گان و جن و شیاطین و طواغیت و ملوک و سلاطین این همه می مورند ولیکن الله تعالی ذات حی قیوم است چنانچه که ارشاد او تعالی است: « وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ » سوره، قصص آیت.

ترجمه: به همراه الله تعالی دیگر کسی را حی توجّه و تضرّع در حاجات و مشکلات مقرر مکن چرا که غیر از و دیگر لائق توجّه و تضرّع نیست همه چیزها هلاک و فناشدنی است غیر از ذات اقدس او تعالی خاص برای او حکم همه فیصله ها است و خاص به سوی او گردانیده میشود.

۶- يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذَبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفُ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ » سوره، حج آیت ۷۳

ترجمه: ای مردمان بیان شده مثلی (در باره، خواستن غیر الله) پس بشنوید آنرا هر آینه آن کسانی که شما (در حاجات و مشکلات خود) میخواهید به غیر از الله تعالی هرگز پیدا کرده نمیتوانند يك مگسی را و اگرچه همه، شان برای این کار جمع شوند، و اگر بر بایداز ایشان مگس چیزی را خلاص کرده نمیتوانند آنرا از مگس حاصل اینکه ناتوان است طالب و مطلوب یعنی کسی که از غیر الله تعالی مدد و حاجت میخواهد این هم ضعیف است و از کسی که میخواهد او هم ضعیف و ناتوان است

در لفظ « إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ » تمام آن مخلوق داخل اند که مردم

نادان و مشرك آنها را در حاجات و مشکلات خود میخواستند و عقیده دارند که اینها حاجت روا و مشکل کشای مانند واز مامصیبت و تکلیف و مرض را دور میکنند و آنها در حضور الله تعالی سفارشی و وسیله و واسطه، مانند برابرست که پیغمبران باشد یا ملائکه و یا اولیاء کرام و شهیدان باشند و یامشائخ و درویشان و یابوت باشد و درخت و یاسنگ و چوب باشد.

بعض مردم در يك كلان غلط فهمی واقع شده اند آنها گمان میکنند که مراد از **مِنْ دُونِ اللّٰهِ** بتان است و این سخن از عقل و نقل خلاف است از عقل به این جهت خلاف است که در متعلق بت ها خود مشرکین هم این عقیده داشتند که این بت ها نه چیزی را پیدا کرده میتوانند و نه چیزی را داده میتوانند و نه مالک چیزی اند پس درین آیت نفی قدرت و نفی مالکیت آن کسانی است که مشرکین در متعلق آنها عقیده داشتند که ایشان **تَصَوَّرُ** غیبی و اختیار فوقانی دارند مثل فرشته گان و پیغمبران علیهم السلام و اولیاء کرام و شهداء و مشایخ ، در تفسیر کبیر و بیضاوی و روح البیان و روح المعانی تحریر فرموده: که مشرکین که کدام تائیل و تصاویر و هیاکل را نصب کرده بودند آن همه به نام های اشخاص **مُقَرَّب** بود به نام های ملائک و پیغمبران و اولیاء و صالحین بود.

و از دلیل نقل به این جهت خلاف است که حضرت عیسی و عذیر و بی بی مریم و ملائک و جن و اجبار و رهبان خوئی نیستند لیکن درباره آنها هم الله تعالی ارشاد فرموده که مالک نفع و ضرر نیستند.

«قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ

العَلِيمُ» سورہ ۷۵ مائدۃ آیت ۷۵

ترجمہ: بگو ای مُحَمَّد (ﷺ) اے نصارا: کہ آیا شما عبادت و توجُّہ و تضرُّع

میکنید بہ غیر از اللہ تعالیٰ بہ آنچیزیکہ برای شما مالک نیستند از ضرر و نفع

و تنها اللہ تعالیٰ آن ذاتی است کہ شنونده است و داننده است.

پس درین آیت مراد از مِنْ دُونِ اللّٰهِ تنها بُتّان نیست بلکہ عیسیٰ و بی بی مریم

مراد است بلکہ تمام غُیْرِ اللّٰهِ مراد است.

بِك غلط فہمی کلان مردم اینکہ ایشان میگویند کہ مشرکین خو عبادت غیر اللّٰهِ

میکردند و ما خوبہ پیغمبران و اولیاء و قبرها را عبادت نمیکنیم بہ این سخن بدانید کہ

عبادت تنها بہ نماز و روزہ و سجدہ و رکوع نمیگوید بلکہ عبادت دراصل توجُّہ و تضرُّع

در حاجات و مشکلات بہ بِك چیزی میگوید کہ بہ تصرف غیبی او عقیدہ داشتہ

باشد، در مقاصد اساسی قرآن تحریر نمودہ کہ عبادت بہ دو قسم است یکی عبادت

فطری دوم عبادت تشریحی.

عبادت فطری بہ این میگوید کہ چون انسان درین عالم اسباب ظاہرہ

ناامید میشود دل او در حل مشکلات و رفع مصائب و قضاء حاجات بہ بِك طاقت

غیبی مُتَوَجِّہ میشود کہ در بارہٗ او عقیدہ دارد کہ این ذات حاجت مرا بہ طاقت

و تصرف غیبی فوقانی پورہ خواهد کرد و یا او واسطہ و سفارشی شدہ از اللّٰهِ تعالیٰ

مبخواہد.

و چقدر انبیاء کرام علیہم السلام کہ مبعوث شدہ ہر کدام آنها امت خود را بہ

این سخن دعوت دادہ کہ عبادت فطری حق خصوصاً اللّٰهِ تعالیٰ است و این عبادت

فطری را برای غیرِ اَللّٰه ندهید، چراکه تنها اَللّٰه تعالی آن ذاتی است که در تمام کائنات تصرّف و قدرت غیبی دارد و تنها او حق توجّه و تضرّع و استعانت و استغاثه در تمام مشکلات و حاجات و مصائب و تکالیف دارد.

عبادت تشریحی به این میگوید که چون يك امت عبادت فطری رابه اَللّٰه

تعالی مخصوص میسازد و این سخن در دل شان راسخ میشود که تصرّف غیبی و تسلّط و قدرت در تمام کائنات تنها از اَللّٰه تعالی است پس ماچطور به او توجّه و تضرّع و تقرب حاصل کنیم؟ به اثر این اَللّٰه تعالی عبادات بدنی و مالی را فرض گردانید مثلاً نماز روزه حج و زکوة و صدقات و دیگر اعمال

و در حدیث شریف وارد شده که الدعاء مخ العبادة یعنی دعا مغز عبادت است پس کسیکه غیر از اَللّٰه تعالی دیگر چیزی را در حاجات و مشکلات خود میخواهد گویا مغز عبادت را برای آن کرد.

دلائل اینکه مشرکین به غیر از اَللّٰه تعالی را عبادت و توجّه و تضرّع به این عقیده میکردند که اینها سفارشی و واسطه ما اند و ما رابه اَللّٰه تعالی نزدیک میسازند.

۱- وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاءُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» سورهٔ بونس آیت ۱۸

ترجمه: یعنی مشرکین عبادت میکنند و توجّه و تضرّع در حاجات و مشکلات خود میکنند به غیر از اَللّٰه تعالی به آنچه بیکه نه به ایشان ضرر رسانیده میتوانند

ونه به ایشان نفع داده میتوانند و میگویند که این ها سفارشی های ما اند در حضور
اللَّهُ تعالی بگو ای محمد (صلی الله علیه وسلم): آیاشما خبر میدید اللّٰهُ تعالی
رابه آن چیزیکه اللّٰهُ تعالی به آن علم ندارد نه در آسمانها و نه در زمین پاکی است
اللّٰهُ تعالی را و بلند است از آنچه که با او شریک میسازند.

درین آیت کریمه ثابت شد که مشرکین غیر اللّٰهُ تعالی را که به کدام چیزها عبادت
و توجّه و تضرّع میکردند عقیده شان همین بود که این ذوات فاضله از انبیاء و ملائک
و اولیاء سفارشی های ما اند و ما رابه حضور اللّٰهُ تعالی نزدیک میسازند اللّٰهُ تعالی
میفرماید که اگر اینها سفارشی شما می بود اللّٰهُ تعالی به شما خبر میداد که این
اشخاص سفارشی شما اند در صورتیکه اللّٰهُ اینطور خبر نداده پس دعوه، شما این
معنا میدهد که اللّٰهُ تعالی نعوذ بالله بی خبر است شما او را خبر میدید.

مقصا اینکه این دعوه، بی اساس و بی دلیل است که اینها سفارشی ما اند.

۲- أَلَا لِلّٰهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا
إِلَى اللّٰهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللّٰهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِيمَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ
كَاذِبٌ كَفَّارٌ» سوره، زمر آیت ۳

ترجمه: خبر دار باشید که برای اللّٰهُ تعالی دین خالص واجب است یعنی توجّه
و تضرّع در حاجات و مشکلات بدون سفارشی ها و وسائط برای اللّٰهُ تعالی حق
و واجب است)

و آن کسانی که غیر از اللّٰهُ تعالی دیگر کارسازها را اختراع کرده و میگویند: که
ما به این کارسازها و ذوات فاضله توجّه و تضرّع در حاجات و مشکلات به دیگر مرام

نمیکنیم بلکه فقط به این نیت میکنیم که اینها مارا به سوی الله تعالی مُقَرَّب سازند، هر آینه الله تعالی درین شان فیصله عملی میکند درباره آنچه که باحضرت پیغمبر ﷺ و با مومنان مُوَحِّد اختلاف داشتند هر آینه الله تعالی دروغ گوئی و شخص منکر از حق را هدایت نمیکند.

یعنی این اشخاص دین را برای الله تعالی خالص نساخته بلکه مخلوط باشرك است درین آیت هم واضح شد که مرام مشرکین در توجُّه و تضرُّع به سوی غیر خدا این بود که این کارسازهای اختراعی سفارش مارا میکنند و مارا به سوی الله مُقَرَّب میسازند.

۳- «ام اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوْلُواكَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ * قُلْ لِلَّهِ الشُّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» سوره، زمر آیت ۴۳ ۴۴

ترجمه: آیا به غیر از الله تعالی سفارشی ها را گرفته ؟ بگو ای (مُحَمَّد ﷺ): شما آنها را سفارشی میگیرید اگر چه مالک چیزی نباشند و نه میدانند به توجُّه و تضرُّع شما ؟ بگو ای مُحَمَّد (ﷺ): خاص برای اوست ملکیت و اختیار آسمانها و زمین باز خاص به سوی او تعالی گردانیده میشود.

ف: درین سه آیت این سخن واضح شد که مشرکین به سوی غیر از الله تعالی به دیگر ذوات که توجُّه و تضرُّع میکردند مثل فرشته گان و انبیاء و اولیاء و قبور و درخت ها و مشاهدا مرام شان همین بود که اینها شفاعت ما را میکنند و درین ما و الله تعالی واسطه اند که حاجات ما را پوره و مشکلات ما را حل

خاص برای الله ملکیت و اختیار شفاعت

میسازند و ما را به سوی الله تعالی مُقَرَّب میسازند الله تعالی این دعوهء شان را مردود و باطل قرار داد که در حضور الله تعالی هیچ کسی بدون اجازهء الله تعالی شفاعت کرده نمیتواند و اختیارات شفاعت همه به قبضهء الله تعالی است، کسانی را که شما شفیع میدانید آنها بدون اذنِ الله تعالی در بارهء هیچ کسی شفاعت کرده نمیتوانند و نه به شفیع ساختن شما آنها خبر دارند در بسیاری آیت ها این مضمون ذکر شده که در حضور الله تعالی بدون اجازهء او هیچ کسی شفاعت کرده نمیتواند و اگر به کسی در شفاعت اجازه شود او هم دربارهء هر کسی شفاعت کرده نمیتواند بلکه دربارهء کسی شفاعت کرده میتوانند که الله تعالی آن را منتخب کند.

ارشاد الله تعالی است: «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» یعنی کیست که

در حضور الله تعالی بدون اجازهء او شفاعت کرده بتواند، سورهء بقره ۲۵۵

مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ یعنی نیست هیچ شفاعت کننده مگر بعد از اجازهء

او» سورهء یونس آیت ۳

وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى - وملائك شفاعت کرده نمیتوانند دربارهء

هیچ کسی مگر دربارهء کسیکه الله تعالی از او راضی باشد سورهء انبیاء آیت ۲۸

وَمَا لَكُمْ مَنْ دُونِهِ مَنْ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ - یعنی نیست برای شما هیچ کارساز

و شفاعت کننده غیر از الله تعالی سورهء الم سجده آت ۴

وَلَا تَنْفَعُ الشُّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ - یعنی شفاعت هیچ کسی برای

هیچ کسی در حضور الله تعالی فائده ندارد مگر برای کسیکه اجازه برای او کرده

باشد، سورهء سبأ ۲۳

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» یعنی

آن کسانی که مشرکین آنها را در حاجات و مشکلات خود میخوانند برای هیچ کسی اختیار شفاعت ندارند مگر کسی که شاهی به وحدانیت الله تعالی در الوهیت

کرده و به وحدانیت الله تعالی علم دارند سوره زخرف ۸۶

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ

بَشَاءٌ وَيَرْضَى» سوره نجم آیت ۲۶

یعنی بسیاری از فرشته گان در آسمان اند که شفاعت شان هیچ فائده نمیدهد مگر بعد از آنکه الله تعالی اجازه کند برای کسی که او میخواند و او از وراضی شود.

بحث درباره شفاعت به روز قیامت:

بدانکه در روز قیامت شفاعت نبی کریم ﷺ و شفاعت دیگر پیغمبران و اولیاء و حافظان و علماء و شهداء حق است و عقیده اهل سنت و جماعت است که در روز قیامت به اذن و اجازه الله تعالی شفاعت میشود و در کتاب عقیده طحاویه حنفیه این شفاعت را به هشت قسم ذکر نموده.

اول شفاعت کبری که نبی کریم ﷺ درباره شروع کردن حساب با تمام اهل محشر در حضور الله تعالی شفاعت میکنند.

دوم شفاعت درباره آن مردمانیکه نیکی و بدی شان برابر باشد درباره آنها شفاعت کرده تا به جنت بروند.

سوم درباره بعض مردم شفاعت کرده که به دوزخ نروند

چهارم دربارهٔ بعض مردم اهل جنت شفاعت کرده تا درجات شان دیگر هم بلند شود.

پنجم دربارهٔ بعض مردم شفاعت کرده تا بدون حساب به جنت داخل شوند.
ششم دربارهٔ بعض مردم شفاعت کرده تا عذاب آنها خفیف شود مثل شفاعت دربارهٔ ابی طالب؛

هفتم شفاعت دربارهٔ عام مومنان که برای شان اجازه دخول جنت شود.
هشتم شفاعت برای صاحبان گناه کبیره که به دوزخ داخل شده میباشند و به شفاعت نبی کریم ﷺ از دوزخ می برآیند.

باز دربارهٔ شفاعت مردم به سه گونه عقیده است اول قسم مشرکین و یهود و نصاری و آن اهل البدعة که دربارهٔ انبیاء و اولیاء و مشایخ غالی و متجاوز از حد اند، به عقیده اینها در کدام وقت کسی را که شفیع میسازی شفاعت ترا میکند در همین عقیده مشرکین و کفار و یهود نصاری با حضرات انبیاء کرام علیهم السلام مخالفت کرده اند و الله تعالی بالای عقائد شان رد کرده چنانچه که در عنوان سابق تر ازین این موضوع به تفصیل ذکر شد.

یعنی در حضور الله تعالی بدون اجازه او شفاعت نیست و برای هر کسی نیست مگر برای کسیکه الله تعالی اظهار رضامندی خود را از او بکند، و به مجرد تخمین و زعم خود کسی را شفیع مقرر کردن و این دعوه کردن که برای او دربارهٔ حاجات و مشکلات ما اجازه شده این همه افتراء است بر الله تعالی و بر بندگان مُقَرَّبِ
الله تعالی

قسم دوم آن مردم است که از شفاعت منکر اند مثل معتزله و خوارج
 قسم سوم آن است که به حقیقت شفاعت قائل اند به شفاعت نبی کریم ﷺ هم
 و به شفاعت دیگران هم لیکن بدون اجازه، اَللّٰهُ تَعَالٰی شَفَاعَتِ نَبِیِّهِمْ لَمْ یَكُنْ لَهَا حِیْثُ یَشَاءُ وَ لَیْسَ لَهَا حِیْثُ یَشَاءُ وَ لَیْسَ لَهَا حِیْثُ یَشَاءُ
 نیست به اجازه، اَللّٰهُ تَعَالٰی وَ لَیْسَ لَهَا حِیْثُ یَشَاءُ وَ لَیْسَ لَهَا حِیْثُ یَشَاءُ وَ لَیْسَ لَهَا حِیْثُ یَشَاءُ
 رضامندی خود از او کند، این است عقیده، اهل سنت و جماعت.

به عقیده، امام اعظم ابوحنیفه رح عبادت برای غیر اَللّٰهُ تَعَالٰی حرام است:

تمام انبیاء کرام علیهم السلام و تمام علماء و اولیاء کرام و تمام امامان چار مذاهب
 و خصوصا امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه و امام شافعی رحمة الله علیه و امام
 مالک رحمة الله و امام احمد بن حنبل رحمة الله و تمام فقهاء امت به این سخن متفق
 اند که به غیر از اَللّٰهُ تَعَالٰی هیچ کسی عبادت روانیست به غیر از اَللّٰهُ تَعَالٰی به
 دیگر کسی عبادت کردن حرام و شرک و کفر است و عبادت کردن به غیر از اَللّٰهُ تَعَالٰی
 مخالفت و تکذیب کلمه، طیبه است

و این مسئله را اَللّٰهُ تَعَالٰی در قرآن کریم خودش هم بیان کرده و تقاریر و بیانات
 انبیاء کرام را هم نقل کرده و نیز شهادت کتاب های اسمانی را هم نقل کرده و برای
 تاکید این موضوع دلائل را هم بیان فرموده.

ارشادات الله تعالی در حرام بودن عبادت غیر الله :

۱- وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ﴿سوره، اسراء، آیت ۲۳﴾

ترجمه: و فیصله قطعی کرده پروردگار تو که عبادت نکنید مگر تنها او تعالی

را و با پدر و مادر خود احسان و حسن سلوک بکنید.

۲ - الر * كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ * أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَنَسِيرٌ * وَإِنْ اسْتَغْفِرُوا رَبُّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ»

سوره هود آیت ۱-۳

ترجمه: این قرآن این چنین کتاب است که محکم شده آیت های آن و باز به تفصیل بیان شده از طرف آن ذاتیکه دارای حکمت است و به تمام واقعات خبر دارد و موضوع و مقصد اصلی و اساسی این کتاب این است که به غیر از الله تعالی دیگر کسی را عبادت نکنید (و بگو ای محمد صلی الله علیه وسلم)؛ که هر آینه من از طرف او تعالی برای شما ترساننده و مژده دهنده هستم (یعنی اگر کسی تنها سازد الله را به عبادت خود برای او مژده، جنت است و اگر کسی با او در عبادتش دیگر کسی را هم شریک سازد برای او ترساننده هستم به آتش دوزخ و شما از پروردگار خود (در باره، شرکیات سابقه) خود طلب مغفرت کنید باز به توحید خالص رجوع و توبه کنید پس الله تعالی شما را زندگی با رفاه و اسایش میدهد تا به وقت مقرر مردن شما و برای هر صاحب زیادت در عمل زیادت میدهد در ثواب (یعنی کسیکه در عمل خود فضیلت دارد برای او حق فضیلت عطا میفرماید) و اگر شما ازین مسئله رو گروانی میکنید و او را به عبادت و توجه و تضرع خود خاص نمیسازید و دیگران را هم با او در توجه و تضرع خود شریک میسازید پس من بالای شما از عذاب روز بزرگ می ترسم.

۳ - وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي
الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ
تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ»

سوره بقره آیت ۸۳-۱۰۴

ترجمه: وباد کن ای محمد صلی الله علیه وسلم به بنی اسرائیل ان وقتى راکه
گرفتم عهد محکم را از بنی اسرائیل که شما عبادت نکنید غیر از الله تعالی را
و با پدر و مادر حسن سلوک و احسان بکنید و حسن سلوک کنید با خویشان و اقارب
و با یتیمان و با مساکین و به عامه مردم سخن خوب بکنید و پابندی کنید نماز را
و بدهید زکوة را باز هم شما روگردانی کرده اید مگر اندکی از شما نکرده و عادت
شما چنین است که از احکامات الهیه روگردانی و اعراض میکنید.

ف: درین آیت کریمه این سخن واضح شد که عبادت تنها به نماز و زکوة
نیگوید بلکه عبادت در مقابل نماز و زکوة واقع شده و عبادت در حقیقت توجه و تضرع
و تعلق قلبی را میگوید که انسان در باره کسی این عقیده دارد که او را تصرف
و اختیارات غیبی حاصل است در جلب کردن نفع و دفع کردن ضرر و باز در حاجات
و مشکلات و مصائب به او توجه و تضرع و التجاء میکند که او استقلالاً این مصیبت
را رفع میسازد و با او شفیع و واسطه شده از الله تعالی میخواهد، چطوریکه یهود
و نصاری در باره عیسی و عزیرو بی بی مریم و دیگر انبیاء و صالحین چنین عقیده
داشتند به این سبب الله تعالی فرموده: **كَلَّا لَا تَتَّبِعُونَ إِلَّا اللَّهَ** - و چنین فرموده که
لَا تَتَّبِعُوا إِلَّا اللَّهَ چرا که نماز عبادت تشریحی است و به فرضیت آن یهود و نصاری هم

قائل بودند و نماز برای الله تعالی میخواندند ولیکن عبادت فطری را برای غیر خدا میکردند یعنی در حاجات و مشکلات خود به سوی غیر خدا توجه و تضرع داشتند و به این سبب نمازهای شان و دیگر عبادات تشریحیه، شان مورد قبولیت قرار نگرفت چراکه به همراه شرك هیچ عبادت تشریحی قبول نیست

۴- قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ . «سوره آل عمران

ترجمه : بگوای مُحَمَّد (ﷺ)؛ به اهل کتاب (یعنی به یهود و نصاری؛ که ای اهل کتاب بیائید به اینطوریک سخن که درین ما و شما برابر است و آن اینکه به غیر از الله تعالی دیگر کسی را عبادت نکنیم و یا او در عبادت هیچ چیزی را شریک نسازیم و بعض ما و شما بعض دیگر رارب و واکدار و مختار شریعت نسا زد به غیر از الله پس اگر ایشان ازین سخن هم روگردانی کنند پس شما برایشان بگوئید که شما گواه باشید که ما به این کلمهء مُتَّفَقٌ علیه منقاد هستیم

ف : پس درین آیت کریمه به اهل کتاب دعوت داده شد که بیائید به یک سخنی که درین ما و شما مُسَلَّمٌ و مُتَّفَقٌ علیه است چراکه در کتاب توراة و انجیل هم همین موضوع و مقصد به تفصیل ذکر شده که غیر از الله تعالی را عبادت نکنید مراد ازین همان عبادت فطری است چراکه عبادت تشریحی را اهل کتاب هم تنها به الله تعالی میکردند دربارهء مضمون تورات ارشاد الله تعالی است : **وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ لَا يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا** یعنی به موسی

علیہ السلام کتاب دادہ ایم و آنرا ذریعہ ہدایت برای بنی اسرائیل ساختیم موضوع
مُہم و مقصد اساسی در آن همین بود کہ غیر از من دیگر کسی رارب نسا زید و در
دعوت عیسی علیہ السلام ذکر شدہ : **إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ**
مُسْتَقِيمٌ یعنی حضرت عیسی علیہ السلام بہ بنی اسرائیل گفت کہ ہر آبنہ اللہ
تعالی رب من ہم است و رب شما ہم است پس تنها اوراہہ عبادت و توحہ و تضرع
خود خاص کنید این راہ حق است پس ازین جہت در دعوت بہ اہل کتاب گفتہ شد
کہ این کلمہء توحید درین ما و شما برابر و مُتَّفِقٌ علیہ است و آن اینکہ غیر از اللہ
تعالی دیگر کسی حقدار توجہ و تضرع در حاجات و مشکلات نسازیم و غیر از اللہ
تعالی دیگر کسی را کارساز و حاجت رواء مشکل کشاہ ندانیم و درین توجہ و تضرع
کسی را و ہیچ چیزی را با او تعالی شریک نسا زیم چگونہ کہ شما عیسی و عزیبر و
مریم را و دیگر انبیاء و اولیاء را شریک ساختہ اید و بہ احبار و رهبان اختیار شریعت
راندهیم تشریح احکام و تحلیل و تحریم حق و منصب خصوصی اللہ تعالی است ۵ -
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ * إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ
عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ الِئِمِّ «

سورہء ہود (۳۴) آیت ۲۵-۲۶

ترجمہ : بہ تحقیق کہ ما فرستا دیم نوح علیہ السلام را بہ سوی قوم او و برای
شان گفت : کہ ہر آبنہ من ترسانندہ اشکارام برای شما . و موضوع اساسی تبلیغ
و دعوت من اینکہ شما غیر از اللہ تعالی را عبادت نکنید . ہر آبنہ من میترسم
بالای شما از عذاب روز دردناک (اگر توحید را قبول نکنید)

یعنی اگر شما الله تعالی را به عبادت و توجُّه و تضرُّع خود در حاجات و مشکلات خاص نسازید پس من به شما خبر میدهم که با عذاب شدید روز قیامت مواجه خواهید شویید

۶- « يَا صَاحِبِي السُّجْنِ اِنَّ رَبَّابُ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرًا مِّنَ اللّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارُ * مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ اِلَّا اَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا اَنْتُمْ وَاٰبَاؤُكُمْ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ اِنَّ الْحُكْمَ اِلَّا لِلّٰهِ اَمْرًا اِلَّا تَعْبُدُوْا اِلَّا اِيَّاهُ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقِيْمُ وَلٰكِنْ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ * سورہ ۴۰، یوسف آیت ۳۹-۴۰»

ترجمه: (این دعوت یوسف علیه السلام است و قتیکه در قید خانه بود): ای دو رفیقان بندی خانه آیا حاجت روایان و کارسازان مختلف بهتر اند و یا بک الله قهار؟ شما عبادت و توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات خود نمیکنید به سوی غیر خدا مگر فقط به سوی نامها بکه شما و پدران شما آن را نامیده اند و الله تعالی به الوهیت آنها کدام دلیل قطعی نازل نکرده نیست حکم در تشریح و تکوین برای هیچ کسی مگر تنها برای الله تعالی است و او به تمام بندگانش امر فرموده که غیر از الله تعالی به هیچ کسی عبادت نکنید، این است دین حق و صحیح ولیکن اکثر مردم نمیدانند) و به غیر از الله تعالی به دیگر چیزها و به دیگر مخلوق توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات میکنند)

۲- قُلْ اَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَاْمُرُوْنَ اَعْبُدُ اِيَّاهَا الْجَاهِلُونَ * وَلَقَدْ اَوْحٰى اِلَيْكَ وَاِلَى الدِّيْنِ مَنْ قَبْلِكَ لَنْ اَشْرَكَتَ لِيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ * بَلِ اللّٰهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ السَّٰكِنِيْنَ» سورہ زھوع ۷ آیت ۶۴-۶۶

ترجمہ: بگو ای محمد ﷺ : کہ آیا شما مرا بہ این امر میکنید کہ غیر از اللہ تعالیٰ را عبادت و توجہ و تضرع در حاجات و مشکلات کنم ای جاہلان؟ و حال آنکہ بہ تحقیق وحی شدہ بہ شما وبہ آن پیغمبرانیکہ پیش از شما گذشتہ: کہ اگر با اللہ تعالیٰ کسی را در توجہ و تضرع و عبادت و بندگی شریک ساختی تمام عملہای تو برباد میشود و از جملہء خسارہ مندان میشود بلکہ خاص اللہ تعالیٰ را عبادت و توجہ و تضرع در حاجات و مشکلات خود بکن و بر نعمت ہایکہ بہ شما عطا کردہ شکر اورا ادا کن

۸ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ» سورہ، حج ع ۱۰ آیت

ترجمہ: ای گروہ مومنان رکوع و سجدہ کنید و عبادت و توجہ و تضرع در حاجات و مشکلات خود بہ رب خود بکنید و عمل خیر را کردہ باشید تا شما کامیاب شوید.

ف: درین آیت رکوع و سجدہ را اول ذکر نمود و باز عبادت را در آخر ذکر نمود اشارہ بہ این است کہ رکوع و سجدہ عبادت تشریحی است و در **اعْبُدُوا رَبَّكُمْ** مراد عبادت فطری است یعنی در حاجات و مشکلات توجہ و تضرع و دعا و استغاثہ و استعانت تنها بہ پروردگار خود کنید.

۹ - قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَقَّأَكُمْ وَأَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ الظَّالِمِينَ * وَإِنْ يَحْسَبَنَّ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ

يُرِدُّكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

سوره، یونس ع ۱۱ آیت

ترجمه: بگو (ای محمد ﷺ): ای مردم اگر شما درباره دین و عقیده، من در شك هستید پس به گوش واز بشنوید: که من در مشکلات و حاجات خود توجه و تضرع نمیکنم به آن کسانی که شما در حاجات و مشکلات خود به آنها توجه و تضرع و تذلل میکنید ولیکن من در حاجات و مشکلات خود به آن الله قادر و توانا توجه و تضرع و تذلل میکنم که روحهای شما را قبض میکند و من مامور شده ام که به وحدانیت الله تعالی در الوهیت ایمان و تصدیق بدارم یعنی به این سخن باور و تصدیق کنم که حقدار توجه و تضرع در حاجات و مشکلات غیر از الله تعالی دیگر کسی نیست و به این مامور شده ام که روی دل من مستقیماً به الله تعالی در دعا و تضرع متوجه کنم و از همه درباره منحرف شده به يك درباره ذات قادر و قهار متوجه شوم و با او کسی را در توجه و تضرع خود به اعتقاد شفیع و واسطه شدن شریک نکنم و نیز به من گفته شده که در حاجات و مشکلات خود غیر از الله تعالی به اعتقاد شفاعت و وساطت دیگر چیزی را نه خواهم که نه به من نفع رسانیده میتواند و نه ضرر و به من گفته شده که اگر چنین کار کردی که به غیر الله توجه و تضرع کنی از جمله ظالمان میشوی چرا که اگر به تو کدام تکلیف و ضرر و مصیبت را الله تعالی برساند پس هیچ کسی نیست که آنرا از تو درو کند غیر از الله تعالی و اگر به تو اراده، کدام خیر و نفع کند پس هیچ کسی نیست که فضل الله تعالی را بند کند، او تعالی میرساند خیر و شر را به کسی که بخواهد از جمله بندگان و تنها او بخشانیده و رحم

ف: درین نه آیت برای امام اعظم رحمه الله خصوصا و برای تمام ائمه عموما دلائل روشن و واضح است که عبادت غیر الله تعالی حرام و شرک و کفر است برابر سخن است که آن از باشندگان آسمانها باشد و یا از باشندگان زمین فرشته گان باشند و یا انسانها و جن، انبیاء باشد و یا اولیاء از حیوانات باشد و یا از جمادات سنگ ها باشد و یا درخت ها قبر باشد و یا بیریق تصویر باشد و یا مجسمه گاو باشد و یا گاوساله ، آفتاب و ستاره باشد و یا مهتاب یا آتش باشد و یا چشمه کدام پیر باشد و یا فقیر و درویش پادشاه باشد و یا گدا کدام رئیس باشد و یا کدام قائد قومی، عبادت این همه به تمام انواع عبادت حرام و شرک است.

عبادت چه عمل را میگوید؟

درین زمان از وجه بی علمی در ذهن بسیاری مردم این سخن جاگیر شده که چون ذکر عبادت میشود فوراً ذهن آنها به نماز و روزه و زکوة و حج و صدقه و خیرات منتقل میشود یعنی خیال و تصور شان این است که عبادت فقط به نماز و رکوع و سجده و روزه و حج و زکوة گفته میشود و حال آنکه انبیاء علیهم السلام که کدام امت ها را از عبادت غیر الله منع نموده اند آنها برای غیر خدا نماز و روزه و رکوع و سجده نمیکردند بلکه عبادت آنها این بود که توجه و اعتقاد دل آنها درباره انبیاء و اولیاء و ملائک و دیگر کارسازهای اختراعی این بود که اینها را در کائنات تصرف و تسلط غیبی حاصل است و قتیکه به ما کدام حاجت و مشکل پیش میشود ما آنها را غائبانه میخوانیم و آنها را شفیع و واسطه قرار داده به آنها توجه و تضرع و فریاد میکنیم

وآن ها آواز و فریاد و دعای ما را شنیده در حضور الله تعالی شفاعت و وساطت کرده مشکلات ما را حل و حاجات ما را پوره میکنند و برای آنها در کائنات تصرف غیبی حاصل است کسی را مریض و کسی را صحیح کسی را فقیر و کسی را غنی میسازد کسی را پسر و دوختر میدهد و کسی را نمیدهد، و درنشست و برخاست نام آن ها را می گرفتند و به اولاد خود اینطور نام میماندند که به آنها اضافه و نسبت شان می شد مثلاً پیربخش و پیر داد، و سخیداد و علی داد و حسین بخش و حضرت داد و خواجه بخش و آغابخش و عبدالمناف و عبد اللات و عبد العزی و درین زمان مردم نام پسران را عبدالرسول و عبدالنبی و عبدالحسین و عبدالحسن و عبدالمحمد و رسول داد و نبی داد، و عمرداد، و عثمان داد و حسن داد و حسین داد، و جیلانی داد، و غیره نام های مشرکانه را میمانند و باز به نام آنها در مال مواشی و مال نقدیه و دکان و کشت و فصل و درمیوه، باغ حصه مقرر میکنند و به نام آنها موی سر اولاد را میمانند، و به نام آنها سوگند میکنند و نام الله تعالی را این قدر احترام و تعظیم نمیکنند چقدر که تعظیم نام آن معتقدات را میکنند، و بر قبر شان غلاف میاندازند و در بزرگ آن گوناگون رخت ها را اویزان میکنند و بر قبر چراغ شمع و تیل و برق میافروزند و در سال و یا چهل روز بر قبرهای او عرس و میله میکنند این همه از جمله عبادت غیر الله است

به این سبب الله تعالی به نبی کریم ﷺ میفرماید که: «قُلْ اَغْبِرَ اللّٰهَ اتَّخِذُوا

وَكِبًا فَاَطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ»

سوره، انعام آیت ۱۴

ترجمہ: بگو ای مُحَمَّد (ﷺ) : آیا غیر از اللہ تعالیٰ دیگر کارساز را بسازم کہ او پیداکننده آسمان ها و زمین است و او بہ بندگان خود طعام و روزی میدہد و۔۔۔ او روزی و طعام دادہ نمیشود۔

و نیز برایش فرمودہ: «قُلْ اَغَيْرَ اللّٰهِ اِبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ» سورہ، انعام آیت ۱۳

ترجمہ: بگو ای مُحَمَّد (ﷺ) : کہ آیا غیر از اللہ تعالیٰ دیگر کسی را رب و پورہ کننده، حاجات بدانم و حال آنکہ تنها او تعالیٰ رب و پورہ کننده، حاجات ہر چیز است۔

و نیز برایش فرمودہ: «قُلْ اَفَغَيْرَ اللّٰهِ اِبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي اَنْزَلَ اِلَيْكُمْ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا» سورہ، انعام آیت ۱۱۵

ترجمہ: بگو ای مُحَمَّد (ﷺ) : کہ آیا بہ غیر از اللہ تعالیٰ دیگر کسی را حاکم بسازم و حال آنکہ او آن طور پادشاہ عادل است کہ او بہ سوی شما کتاب را در باب توحید مفصل نازل فرمودہ۔

و نیز برایش فرمودہ: اَمِنْكُمْ لَتَشْهَدُوْنَ اَنْ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهَةٌ اٰخَرٰی قُلْ لَا اَشْهَدُ قُلْ اِنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ وَاِنِّيْ بِرَبِّيْ مُشْرِكُوْنَ»

سورہ، انعام آیت ۱۹

ترجمہ: آیا شما گواہی میدہید بہ این سخن کہ ہمراہ اللہ تعالیٰ دیگر حقداران عبادت و بندگی و جای توجہ و تضرع در حاجات و مشکلات ہم است؟ بگو ای مُحَمَّد (ﷺ) : کہ سن بہ این سخن اقرار و گواہی نمیدہم، بگو: کہ سخن ہمین است دیگری

نیست که تنها او تعالیٰ حقدار عبادت و بندگی و جای توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات است و هر آینه من بیزارم از آنچه که با او در حقداری توجُّه و تضرُّع شریک میسازید.

و نیز برایش فرموده: « **أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوْ لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ** » سوره زمر آیت ۴۳

ترجمه: آیا به غیر از الله تعالیٰ و بدون اجازه الله تعالیٰ سفارشی ها را ساخته اند؟ شما بگو: آیا آنها را سفارشی های خود میدانید اگر چه هیچ چیزی را مالک نباشند، و اگر چه به سفارشی ساختن شما نمیدانند؟

برادران اسلام! متوجَّه شوید که درین آیات این سخن واضح شد که مطالبه مشرکین از نبی کریم ﷺ این نبود که شما برای غیر الله تعالیٰ سجده و رکوع بکن و یا برای شان نماز بخوان و روزه بگیر بلکه مطالبه شان این بود که شما این معتقدات و کارسازهای اختراعی ما را حقدار توجُّه و تضرُّع و حقدار دعا و فریاد در حاجات و مشکلات و مصائب بدانید و به این اقرار کنید که اینها را تصرف غیبی در کائنات حاصل است و اینها سفارشی ها و وسائط مابین ما و الله و اینها حاجت رویان و مشکل کشا و فریادرس ما اند و حقدار استعانت و استمداد و استغاثه ما اند و حقدارند و نیاز و تعظیم قلبی و بدنی و قولی ما اند.

و همین مطلب این آیت کریمه است: **قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُوا أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ** « همین است مطلب این سوره مبارکه: **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ**

دینکم وکی دین*»

۱- ترجمه: بگو ای مُحَمَّد (ﷺ): که آیا شما از من این مطالبه میکنید که به سوی غیر از الله تعالی در حاجات و مشکلات توجه و تضرع کنم و به تصرف غیبی آنها اعتقاد کنم ای جاهلان؟

۲- ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ): که ای منکرین از توحید! من توجه و تضرع در حاجات و مشکلات خود به آنچه نمیکنم به کدام چیزیکه شما توجه و تضرع و تذلل میکنید و نه شما توجه و تضرع کنان هستید و نه عبادت کنندگان هستید به آنچه که من به آن توجه و تضرع میکنم و نه من توجه و تضرع کننده هستم دائما به آنچه که شما به آن توجه و تضرع کرده اید، و نه شما عبادت و توجه و تضرع کنندگان هستید به آنچه مابہ او عبادت و توجه و تضرع میکنم برای شما دین و اعتقاد شما است و بری من دین و اعتقاد من است.

یعنی من گاهی به سوی معتقدات و کارسازهای اختراعی شما در حاجات و مشکلات توجه و تضرع نمیکنم و نه در باره تصرف غیبی آنها در کائنات عقیده دارم و نه آنها را سفارشی و واسطه حاجت روائی و مشکل کسائی میدانم و نه به من ضرر رسانیده میتوانند و نه نفع داده میتوانند.

ممنوعیت نبی کریم صلی الله علیه وسلم از خواستن غیر الله

۱- قُلْ اِنِّي نُهَيْتُ اَنْ اَعْبُدَ الدِّينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ قُلْ لَا اَتَّبِعُ اَهْوَاءَ كُمْ قَدْ

ضَلَلْتُمْ اِذَا وَاَنَا مِنَ الْمُهْتَدِيْنَ « سورة انعام آیت ۵۶

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ): که به تحقیق من ممنوع شده ام از اینکه بخواهم

وتوجه و تضرع کنم در حاجات و مشکلات به آن کسانی که شما در حاجات و مشکلات خود می‌خواهید آنها را به غیر از الله تعالی - بگو: من پیروی خواهشات و فرمایشات شما را نمی‌کنم اگر به هوا و عقیده شما پیروی کنم پس بلا شبهه من گمراه باشم و از راه با بندگان نمی‌باشم.

۲- قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَ نِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» سوره، مومن آیت ۶۶

ترجمه: بگو ای محمد (صلی الله علیه وسلم): که به تحقیق من ممنوع شده ام از اینکه عبادت و توجه و تضرع کنم در حاجات و مشکلات خود به سوی آن کسانی که شما آنها را در حاجات و مشکلات خود می‌خواهید غیر از الله تعالی و قتی که به من رسید دلائل روشن درباره باطل خواستن آنها و درباره باطل بودن عقائد شما از طرف پروردگار من و دلائل روشن به حقیقت توحید الله تعالی و به حقیقت بودن خواستن او تعالی در حاجات و مشکلات و به من امر شده که به رب العالمین در حاجت و مشکل منقاد و متوجه شوم.

۳- قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَقَّأَكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ «

سوره، بونس آیت ۱۰۷

ترجمه: بگو ای محمد (صلی الله علیه وسلم): ای مردم اگر شما در شك هستید از دین من پس خوب به گوش های و از وبه الفاظ روشن و واضح بشنوید: که من

عبادت و توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات نمیکنم به ان کسانیکه شما عبادت و توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات میکنید به غیر از الله تعالی ولیکن من عبادت و توجُّه و تضرُّع میکنم به آن ذات قادر و توانای الله که قبض میکند روح های شمارا و به من امر شده که من به وحدانیت الله تعالی در حق داری عبادت و توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات و به تَصَرُّف غیبی او و قدرت مطلقه او از باورکنندگان شوم، و به من این امر شده که روی دل خود را مستقیماً به الله تعالی در دعاء و تضرُّع مُتَوَجِّه کنم و از همه دربارها منحرف شده به يك دربار ذات قادر و قهار مُتَوَجِّه شوم و با او کسی را در توجُّه و تضرُّع خود به اعتقاد شفیع و واسطه شدن شریک نکنم.

برادران اسلام : مُتَوَجِّه باشید درین سه آیت این سخن واضح شد که عبادت نام همین است که انسان در حاجات و مشکلات خود به يك ذات توجُّه و تضرُّع میکند به این اعتقاد که این ذات سفارشی و واسطه من است و او را در کائنات تَصَرُّف غیبی و فوقانی حاصل است، و به او آواز و صدا و فریاد کرده میشود و این هم واضح شد که نبی کریم صلی الله علیه و سلم به مشرکین اعلاتاً گفت که من ازین ممنوع شده ام که کسی را غیر از الله تعالی در حاجات و مشکلات خود بخوادم و با آن را با الله شریک سازم به این اعتقاد که اینها سفارشی و واسطه من است در حاجت رسانی و مشکل کشائی.

٤ - قُلْ اَدْعُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰٓ اَعْقَابِنَا بَعْدَ اِذْ

هَدٰنَا اللّٰهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْاَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ اَصْحَابٌ يَدْعُوْنَهُ اِلَى الْهُدٰى

اِنَّا قُلْنَا اِنْ هٰدٰى اللّٰهُ هُوَ الْهُدٰى وَاَمْرُنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ «سوره انعام

ترجمہ: بگو ای محمد (ﷺ): بہ آن کسانیکہ شما را میگویند کہ غیر از اللہ تعالیٰ را در حاجات و مشکلات خود بخواہ و بہ سوی آن ہا توجہ و تضرع بکن): آیا ما بخواہیم در حاجات و مشکلات خود غیر از اللہ تعالیٰ آن چیزی را کہ نہ بہ مانع رسانیدہ میتواند و نہ ضرر، و بہ پاشنہ ہای خود واپس شویم از عقیدہ حق بعد از آنکہ اللہ تعالیٰ ما را بہ سوی عقیدہء حق توحید ہدایت نمود؟ بہ مانند کسیکہ شیاطین اورا اغواء کنند دریک بیابان و درحالیکہ حیران باشد نمیداند کہ بہ کجا بروم و برای او رفیقان باشد و اورا میخواہد بہ راہ راست کہ بیابہ نزد ما بگو ای محمد (ﷺ): کہ کدام راہیکہ اللہ تعالیٰ برای ما رهنمائی کردہ کہ تنها اللہ را در حاجات و مشکلات خود بخواہید ہمین است راہ راست و مستقیم و بہ مایان امر شدہ کہ بہ رب العالمین در تمام حاجات و مشکلات خود مُتَوَجِّہ و منقاد شویم.

ف: درین آیت این سخن واضح شد کہ مشرکین مکہ از نبی کریم (ﷺ) ہمین مطالبہ میکردند کہ کدام کسانیکہ ما غیر از اللہ تعالیٰ در حاجات و مشکلات خود میخواہیم شما ہم در حاجات و مشکلات خود بہ آنها توجہ و تضرع و زاری و فریاد کنید و این عقیدہ کن کہ آنها را در نفع رسانی و دفع کردن ضرر تصرف غیبی و اختیارات کُلِّی حاصل است و اینها در حاجت روائی و مشکل کشائی سفارشی و واسطہء مانند، پس اللہ تعالیٰ درین آیت بہ نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم بطور واضح و روشن فرمود: کہ برای مشرکین بگو: کہ کدام کسانیکہ شما غیر از اللہ تعالیٰ در حاجات و مشکلات خود میخواہید و بہ تصرف غیبی آنها عقیدہ دارید

وما هم آنهارا در حاجات و مشکلات خود بخواہیم پس در گمراہی ما و شما ہیچ شک نیست و ہمین است عبادت غیر اللہ بعد ازین آیت اللہ تعالیٰ واقعہ، دعوت و تبلیغ حضرت ابراہیم علیہ السلام را بیان فرمودہ و حضرت ابراہیم علیہ السلام ہم از توجہ و تضرع بہ غیر اللہ تعالیٰ صفا انکار ورزیدہ و در تمام مملکت فرودی اعلان نمود

قَالَ يَا قَوْمِ اِنِّي بُرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ * اِنِّي وَجْهَتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِيفًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

سورہ، انعام آیت ۷۹ - ۹۴

ترجمہ: گفت حضرت ابراہیم علیہ السلام: کہ ای قوم من! من بیزارم از آنچه شما با اللہ تعالیٰ در توجہ و تضرع خود شریک میسازید، ہر آینہ من مُتَوَجِّهٌ ساختمہ ام روی دل خود را در حاجات و مشکلات بہ سوی آن ذات قادر و توانا کہ آسمانها و زمین را پیدا کردہ در حالیکہ از تمام دربارها منحرف شدہ تنها بہ دربار یک ذات قادر مُتَوَجِّهٌ ہستم و من نیستم از شریک کنندگان کہ با اللہ تعالیٰ در توجہ و تضرع خود دیگر را ہم مستحق توجہ و تضرع بدانم.

امام اعظم ابو حنیفہ رحمۃ اللہ علیہ فرمودہ: کہ شرک حرام است:

دلیل اول این آیت کریمہ است: « قُلْ تَعَالُوا اٰتُوا مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ اِلَّا تَشْرِكُوا

بِهٖ شَيْئًا وَّ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا » سورہ، انعام ع ۱۹ آیت ۱۵۱

ترجمہ: بگو ای محمد (ﷺ): کہ بیائید کہ بالای شما تلاوت کنم آنچه پروردگار شما بالای شما حرام گردانیدہ و آن اینکہ با او تعالیٰ ہیچ چیز را شریک نسازید و با پدر و مادر حسن سلوک و گذارہء نیک کنید.

دلیل دوم اینک: قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْأِثْمَ
وَابْتِغَىٰ بَغْيِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا
تَعْلَمُونَ» سوره، اعراف ع ۴ آیت ۳۳

ترجمه: بگو ای مُحَمَّد (ﷺ): که سخن همین است دیگری نیست که حرام
گردانیده پروردگار من فواحش را آنچه ظاهر است و آنچه باطن است و حرام گردانیده
گناه را و حرام گردانیده ظلم و بغاوت را به ناحق و حرام گردانیده این را که با الله
تعالی شریک سازید آنچه چیزی را که به آن کدام دلیل نازل نکرده و حرام گردانیده این
را که برخدا بگوئید آن سخنانی را که شما رابه آن کدام علم و دلیل نیست

دلیل سوم اینک: وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ
الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» سوره، لقمان ع ۲ آیت ۱۳

ترجمه: و یاد کن به امت خود (در باره، حرام بودن شرک) آن وقتی را که لقمان
حکیم به پسر خود گفت و او را وعظ و نصیحت میکرد که ای پسر کم با الله تعالی
کسی را شریک نکن هر آینه شریک ساختن با الله ظلم عظیم است.

دلیل چهارم: وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ
وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» سوره، زمر آیت ۶۵ ع ۶

ترجمه: به تحقیق که به شما هم وحی شده و به آن پیغمبرانی که قبل از شما
گذشته اند که اگر با الله تعالی چیزی را شریک سازید همه عملهای تو برباد
میشود و از جمله، خساره مندان میشوی

دلیل پنجم: وَقَالَ الْمَسِيحُ بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ

فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» سورة، مائدة آیت

۱۰۴۲۲

ترجمه: عیسیٰ علیه السلام به بنی اسرائیل گفت: که ای بنی اسرائیل تنها سازید الله را به عبادت و توجُّه و تضرُّع که رب من هم است و رب شما هم است به تحقیق این سخن حقیقت است که کسی با الله تعالی شریک را مقرر کند الله تعالی جنت را بالای او حرام گردانیده و جای او آتش دوزخ است و برای ظالمان و مشرکان هیچ مددگاران نمیباشد.

دلیل ششم: وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ «سوره، حج آیت ۳۱ ع ۴

ترجمه: و کسی که با الله تعالی شریک سازد پس گویا از آسمان افتد و باز برآید او را پرنده ها و یا باد او را دریک جای دور بیاندازد.

دلیل هفتم: ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ «سوره، انعام آیت ۸۸ ع ۱۰

ترجمه: این است هدایت الله تعالی و رهنمائی میکند کسی را که او بخواهد از جمله، بندگانش و اگر نعوذ بالله این گروه پیغمبران با الله تعالی کسی را شریک میساخت تمام عملهای آنها برباد و حبط میشد.

ف: درین هفت آیت این سخن ثابت شد و برای امام اعظم رحمه الله دلائل روشن و واضح است که شرك حرام است، و شرك ظلم عظیم است و الله تعالی به تمام انبیاء کرام وحی کرده اگر شرك کردی تمام عملهای تو برباد است و از جمله، زیان

کاران میشوند و اگر کسی با الله تعالی شریک مقرر کند الله تعالی جنت را بالای او حرام گردانیده و اگر کسی با الله تعالی شریک مقرر کند مثالش به مانند شخصی است که از آسمان بیافتد و پرنده ها او را پارچه پارچه کرده بر باید و یاباد تند او را در یک جای دور بیاندازد، و دربارۀ تمام پیغمبران فرمود که اینها به راه توحید بودند اگر آنها با الله تعالی کسی را شریک میساختند تمام عملهای شان برباد و حبط میشد.

شرك چه را میگوید؟

در صورتیکه شك این قدر يك جرم و گناه مهلك است پس شناختن شك ضروری است، بدانکه شك به این معنا که همراه الله تعالی دیگر خالق و مالک و رازق هم باشد به این سخن هیچ قوم هم عقیده ندارد چرا که الله تعالی در قرآن کریم بیان فرموده:

که مشرکین و یهود و نصارا و صابئین و افتاب پرست و آتش پرست همه به این قائل و معترف اند که تنها الله تعالی خالق و مالک تمام کائنات و مخلوقات است و تنها او تعالی رازق تمام مرزوقین است لیکن کدام شك که آنها میکردند و یا درین زمانه کسی مرتکب شك میشود آن به سه قسم است.

۱- شك در صفات الله تعالی

۲- شك در افعال الله تعالی

۳- شك در حقوق الله تعالی

شك در صفات الله تعالی اینک صفات خصوصی الله تعالی به مخلوق ثابت

کرده شود مثلاً علم محیط: یعنی به هرچیز علم و در هر حال و به ذره ذره، کائنات علم به قطره، قطره، باران علم، به يك يك برگ درختان علم به پوشیده سخن های دلها علم، شناختن تمام آوازه ها، و شنیدن آن این همه صفت خاصه تنها از الله تعالی است اگر کسی کدام پیغمبر را و یا ملائک را و یا جن و پیرو فقیر و یا درویش و سید و خواجه را عالم الغیب بداند به همراه الله تعالی شریک مقرر کرده در صفات خصوصی وی و همه عملهای این شخص برباد است.

و با قدرت مطلقه: یعنی الله تعالی به غیر از مخلوق و به غیر از اسباب به هر چیزیکه بخواهد قدرت دارد، قدرت او محدود و مقید به کدام مخلوق و کدام سبب نیست و بدون ستون آسمانها را ایستاد کرده و بدون پدر و مادر آدم علیه السلام را پیدا کرده و بدون طعام گرسنه گی را دور کرده میتواند و بدون آب تشنه گی را دور کرده میتواند و بدون دواء شفا داده میتواند و بدون آب گیاه را سبز کرده میتواند و بدون اسباب عزت عزت داده میتواند و در صورت هلاکت حفاظت کرده میتواند، و در صورت عزت ذلت داده میتواند و بدون اسباب و وسائط غلبه داده میتواند و در صورت غلبه و قوت شکست داده میتواند و در صورت امنیت بی امنی را آورده میتواند و در صورت بی امنی امن را آورده میتواند و در صورت فقر غنا داده میتواند و در صورت غنا فقیر کرده میتواند، و در صورت غم خوشی آورده میتواند و در صورت خوشی غم آورده میتواند اگر کسی این صفت قدرت مطلقه به مخلوق بدهد به همراه الله تعالی شریک مقرر کرد در صفت قدرت و هم چنین صفات حیات و بقاء و تصرف و ملکیت کلی در کائنات و مشیت نافذ شک در افعال اینکه در تمام کائنات تنها الله

تعالی تصرف میکند مرگ و زندگی فقر و غنا، عزت و ذلت، امن و بی امنی، صحت و مرض، اولاد دادن و نه دادن، فنا و بقا، فراخی و تنگی، ارزانی و قیمتی، فتح و شکست، گرمی و سردی، اگر کسی این کارها را به کدام پیغمبر و ملائکه و یا کدام ولی و یا به پیر و فقیر و شهید و سید و خواجه نسبت کند پس به همراه الله تعالی شریک مقرر کرد در افعال خصوصی وی

شرك در حقوق اینکه حق خصوصی او تعالی به مخلوق داده شود مثلاً سجده و رکوع و دعاء و زاری، توکل، خوف و رجاء و محبت و توجه و تضرع در تمام حاجات و مشکلات و اعتقاد به تصرف غیبی فوقانی، اعتقاد به قضا و قدر او در فراخی و تنگی و مرض در غم و خوشی، و نذر و نیاز و یاد کردن نام او در نشست و برخاست و اداء شکر و حمد و ثناء او در حصول نعمت و انقیاد بی چون و چرا برای حکم او و به نام او سوگند کردن، و حکم او را به همه حکمها مقدم کردن و اطاعت او بی چون و چرا کردن، و قبولیت حکم و بجا آوردن آن، و به فیصله او راضی شدن این همه حقوق او تعالی است اگر کسی این حقوق را به غیر الله تعالی بدهد و به کدام پیغمبر بدهد چنانچه که نصاری داده و یا به ملائکه بدهد و یا به کدام شیخ و ولی بدهد و یا کدام پیر و فقیر بدهد و یا به کدام شهید و سید و خواجه بدهد پس او به همراه الله تعالی شریک کرده در حقوق خاصه وی.

به همراه الله تعالی کسی را شریک ساختن در صفات وی و در افعال و حقوق وی حرام و ظلم عظیم است، و به سبب شرك عملهای نیک بر باد میشود و جنت بالای او حرام میشود ازین رو بالای هر مسلمان فرض عین است که از هرگونه شرك اجتناب

کند و به الله تعالى پناه بگیرد.

احادیث دریدی شرک

۱- عن جابر رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: ثَمَّتَانِ

مُوجِبَتَانِ قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْمُوجِبَتَانِ؟ قَالَ مَنْ مَاتَ يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ
النَّارَ وَمَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ» رواه مسلم مشكوة

ترجمه: حضرت جابر رضي الله عنه میفرماید: که نبی کریم صلی الله علیه
وسلم فرمودند: که دو این طور عملها است که واجب کننده است يك صحابی عرض
کرد: که یا رسول الله آن دو کار که واجب کننده است آن کدام است؟ رسول کریم
صلي الله عليه وسلم در جواب فرمودند: کسیکه بمیرد و با الله تعالى شريك مقرر کند
به دوزخ داخل میشود و کسیکه بمیرد و با الله تعالى هیچ چیزی را شريك نسازد
به جنت داخل میشود» رواه مسلم مشكوة

۲- وعن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه قال: قال رجل يا رسول الله أي

الذنب أكبر عند الله؟ قال: ان تدعو لله ندا و هو خلتك « متفق عليه وفي رواية: ان
تجعل لله ندا و هو خلتك » مشكوة

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضي الله عنه میفرماید: که يك صحابی
عرض کرد: که یا رسول الله به نزد الله تعالى کدام گناه بسیار بزرگ است؟ رسول
کریم ﷺ فرمودند: که گناه بزرگتر این است که به همراه الله تعالى دیگری شريك
سازی در عبادت و دعا و توجُّه یعنی در حاجات و مشکلات به سوی غیر الله تعالى
توجُّه و تضرُّع کنی و به او سوال و فریاد میکنی، و به او اعتقاد کنی

۳- وعن عبد الله بن عمرو رضى الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: الكبائر الاشرار بالله وعقوق الوالدين وقتل النفس واليمين الغموس» رواه البخارى مشكوة ترجمه: حضرت عبد الله بن عمرو رضى الله عنه ميفرمايد: كه رسول كريم ﷺ فرموده اند: كه گناه هاى كبيره شريك ساختن است با الله تعالى و آزار دادن است به پدر و مادر و كشتن كسى به ناحق و سوگند دروغ.

۴- وعن أبي هريرة رضى الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ اجتنبوا السبع الموبقات قالوا: وما هن؟ قال الشرك بالله والسحر الحديث» رواه البخارى ومسلم مشكوة

ترجمه: حضرت ابوهريره رضى الله عنه ميفرمايد: كه رسول كريم ﷺ فرموده اند: كه از هفت گناهيكه انسان را تباه و برباد ميسازد اجتناب و پرهيز كنيد صحابهء كرام عرض نمودند: كه آن کدام کدام گناه است؟ رسول كريم فرمودند كه آن شريك ساختن است به الله و جادو و سحر كردن است» رواه البخارى ومسلم مشكوة

**مذهب امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله ومذهب همه امامان همين است كه
برای غير از الله تعالى عبادت حرام است.**

در آيت هاى گذشته به حقيقت مذهب امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله و به حقيقت مذهب تمام امامان دلائل ذكر شد يعنى چگونه كه عبادت بت ها و درخت ها و سنگ ها و گاؤ و گاوساله و عبادت آفتاب و مهتاب و ستاره ها حرام و شرك و كفر است هم چنين عبادت پيغمبران و ملائكت و جن و اولياء كرام و شهيدان و مشايخ و قبرها و غيره چيزها هم حرام است.

چراکه در آیت های گذشته به این طور الفاظ وارد شده:

۱- وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ - سوره بنی اسرائیل آیت ۲۳

۲- أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ سوره هود آیت ۲

۳- وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ -

سوره بقره آیت ۸۳ ع ۱۰

۴- قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ -

آل عمران آیت ۶۴

۵- وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ * أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ سوره

هود آیت ۲۵-۲۶

۶- إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»

سوره یوسف آیت ۳۰

۷- قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ» سوره زمر آیت ۶۴

۸- فَلَا أَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ مِنْ دُونِ اللَّهِ سوره یونس آیت ع ۱۱

۹- قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ اتَّخَذُوا وِلْيَاءًا سوره انعام آیت ۱۴

۱۰- قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ ابْتِغَىٰ رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ سوره انعام ۱۶۳

۱۱- أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ - سوره زمر آیت

۱۲- أَفَغْيِرَ اللَّهُ ابْتِغَىٰ حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا»

سوره انعام ۱۱۴

۱۳- وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ - سوره یونس آیت

۱۴- قُلْ أَتَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ؟ سورہ انعام آیت

درین آیت ها و به مثل این در دیگر آیت ها کدام نوعی از مخلوق مُستثنی نیست، تمام ماسوی الله درین داخل است تمام انبیاء و اولیاء و ملائک و تمام صلحاء و شهداء شامل است، اگر کسی لفظ من دون الله را ویا الاالله را به بتان و آفتاب و مهتاب و ستاره ها خاص میسازد پس این تحریف و تبدیل در قرآن است و این تفسیر به رأی خود است، و نبی کریم ﷺ در تفسیر بالرأی و عید فرموده اند: من قال فی القرآن برأیه او ما لا یعلم فلیتبعوا مقعدہ من النار» رواه ابن جریر و الترمذی و النسائی، و فی روایة اخرى: من قال فی القرآن برأیه فقد اخطأ کذا فی تفسیر ابن کثیر

ص ۶ ج ۱

ترجمه: یعنی کسیکه به رأی و نظریه، خود تفسیر قرآن کند و یا به آن طرز بکه او را به آن علم نیست پس جای خود را در دوزخ تیار کند، و در روایت دیگر فرموده: کسیکه به رأی و نظریه، خود در قرآن حرف زند به تحقیق که خطا کرد - ابن کثیر

هر قسم عبادت برای غیر الله تعالی هر که باشد حرام است

برادران اسلام! از بیانات سابقه این سخن به اثبات رسید که عبادت به هر قسمیکه باشد برای غیر از الله تعالی حرام و ممنوع است اکنون برای ما و شما ضروری و لازمی است که اقسام عبادت را بشناسیم و هر نوع عبادت را خاص برای يك الله تعالی بکنیم و با الله تعالی کسی را در عبادتش شریک نسازیم و همین است ایمان و همین است مقصد لا اله الا الله.

عبادت به اعتبار معنا به دو قسم است ۱- عبادت لغوی ۲- عبادت شرعی -
عبادت لغوی آن است که در لغت عربی به آن لفظ عبادت یا عبدیت یا عبودیت استعمال میشود، و همین عبادت لغوی در محاوره قرآن و حدیث برای هشت معنا استعمال میشود ۱- غلامی ۲- بندگی ۳- اطاعت ۴- تعظیم ۵- محبت ۶- انقیاد ۷- تذلل ۸- خضوع

مثال عبادت که برای غلامی و بندگی و تذلل و خضوع استعمال شده درین آیت کریمه است «فَقَالُوا أَتُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ» سوره مومنون آیت

۴۷

ترجمه: پس گفت فرعونیان که آیا ما ایمان آریم به دو انسان که به مثل ما بشر اند و حال آنکه قوم شان برای ما بنده و غلام و خاضع و متذلل اند.

پس درین آیت معنای عابدون نه محبت است و نه اطاعت است و نه تعظیم و انقیاد است، بلکه معنای عابدون غلامی و بندگی و خضوع و تذلل است.

و آنچه به معنای اطاعت است مثل این آیت کریمه است «الْمُ اعْتَدَ إِلَيْكُمْ بِأَبْنِي»

أَدَمَ الْآتَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * وَأَنْ عِبْدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

سوره ۲۰۰ پس آیت

ترجمه: آیا من به شما امر تاکیدی نکرده بودم که اطاعت شیطان در کفر و شرک نکنید؟ که او برای شما دشمن آشکارا است، و اطاعت و تعظیم و انقیاد و محبت بامن کنید، این است راه مستقیم

و مثال آن عبادت که به معنای تعظیم است این آیت کریمه است:

« قُلْ إِنْ كَانِ لِلرَّحْمَنِ وَكْدٌ فَنَا أَوْلَى الْعَابِدِينَ » سوره ۸۱ زخرف آیت ۸۱

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ): اگر برای ذات رحمان ولدمی بود پس من از همه اول تر تعظیم آن را می‌کردم.

درین آیت معنای عبادت تعظیم و محبت است، به معنای غلامی و بندگی و خضوع نیست.

عبادت شرعی: اینکه شریعت به آن عبادت میگوید برابر سخن است که آن برای الله تعالی کرده شود و یا برای مخلوق یعنی این عمل اگر برای الله تعالی کرده شود از حسنات شمرده میشود و بر آن ثواب داده میشود و اگر آن عمل برای غیر از الله تعالی کرده شود آن را عبادت غیر الله گفته میشود و از جمله شرک مع الله شمرده میشود و مرتکب آن مجرم بزرگ است مثلاً سجده، رکوع و نذر و نیاز دعا و زاری و توجه و تضرع در حاجات و مشکلات، و توکل و خوف و رجاء و اطاعت مطلقه و شکر بر نعمت ها.

عبادت شرعی به دو قسم است عبادت فطری عبادت تکلیفی و تعلیمی

عبادت فطری اینکه انسان در حاجات و مشکلات خود به يك ذات توجّه و تضرّع و زاری و نداء و فریاد میکند به اساس این عقیده و اعتقاد که این ذات را تصرف و تسلط غیبی و اقتدار فوقانی کونی در کائنات حاصل است در جلب کردن نفع و دفع کردن ضرر و در قضا، حاجات و حل مشکلات و قبول کردن دعاها و در کارسازی و مددگاری و حاجت روائی و مشکل کشائی به تصرف و تسلط استقلالی و یابہ و ساطت و شفاعت در ماوراء دائره اسباب عادیه ، کذا في المنار ص ۱۰۷

و عبارت تفسیر منار به عربی چنین است: العبادۃ الفطریۃ ما فطر الله علیه العباد من توجّھهم و تضرّعهم و تذللهم في الحوائج والشدائد والمصائب الى من يعتقدون بسلطانہ الكونی و تصرفہ الغیبی و اقتدارہ الفوقانی في جلب المنافع و دفع المضار و رفع المصائب و حل المشاكل عن غير طريق الاسباب العادیه استقلالاً او رساطة و شفاعة کذا في تفسیر المنار ص ۱۰۷ ج ۱۱

پس اگر کسی این توجّه و تضرّع و التجاء به اساس این اعتقاد به سوی الله تعالی کند پس همین است ایمان و توحید و اگر کسی اینگونه توجّه و تضرّع و التجاء در حاجات و مشکلات خود به اساس این اعتقاد به سوی غیر از الله تعالی کند پس همین است شرك و کفر پس به قسم اول عبادت فطری اسلامی گفته میشود و به قسم دوم عبادت فطری غیر اسلامی گفته میشود.

عبادت تکلیفی تعلیمی: اینکه از طرف الله تعالی و رسول کریم صلی الله

علیه وسلم يك عمل به بندگان تعلیم داده شود و بندگان به عملی کردن آن مکلف

شده باشند که اگر شما می‌خواهید که تعظیم و عبادت الله تعالی را کنید پس به این
طریقه کنید مثلاً کیفیت نماز و روزه و زکوة و مناسک حج و غیره احکام شرعیه.

عبادت به سه قسم است

عبادت به اعتبار تعلق بدن انسان به سه قسم است، عبادت قلبی باطنی عبادت
قولی، عبادت فعلی، عبادت قلبی آنکه تعلق آن بادل باشد، مثلاً اعتقاد به تصرف
و قدرت غیبی و علم غیب الله تعالی، و توکل و اعتماد و خوف و رجاء و محبت
و تعظیم، و خشوع و خضوع و انابت و رضابه قضا و قدر او و رضا به حکم و فیصله، او.
عبادت قولی اینکه: تعلق آن با زبان باشد، مثلاً دعا یعنی خواستن حاجات
و استعانت و استغاثه و به نام او سوگند کردن و اقرار به احسانات و انعامات وی
و شکر کردن و تعریف و حمد و ثنای او بیان کردن و پاکی و تقدیس او کردن، و نسبت
نعمت و اولاد به او کردن.

عبادت فعلی آنکه تمام بدن در آن استعمال میشود و آن به دو قسم است، بدنی
و مالی بدنی مثل رکوع سجده، و به او محاکمه کردن، و به بیت الله طواف کردن،
روزه گرفتن حج کردن.

عبادت مالی آنکه در رضای او مال خرج کند مثل زکوة فرضی و صدقه، نفلی
و نذر و نیاز به نام او و در سفر حج مال خرج کردن، و به خدمت گاران او مال خرج
کردن، و غیره پس اگر کسی این عبادت قلبی و قولی و فعلی بدنی و مالی را برای غیر
از الله تعالی کند پس گویا به همراه الله تعالی شریک مقرر کرد.

و اگر کسی درباره، غیر از الله تعالی این عقیده کند که به هر چیز قدرت دارد

و یا علم غیب دارد و یا در هر چیز تصرف و اختیار دارد و یا مشیت نافذہ دارد یعنی چیزیکہ میخواہد میشود، و یا بالای او توکل و اعتماد میکند و یا از خوف و رجا دارد و یا در حاجات و مشکلات بہ سوی او توجہ و تضرع و التجاء و رجوع میکند پس بہ همراه اللہ شریک مقرر کرد در عبادت قلبی باطنی، و ہمین است مغز عبادت و ہمین است عبادت فطری.

و اگر کسی در حاجات و مشکلات غیر از اللہ تعالیٰ دیگر کسی را میخواہد و یا از مدد و نصرت میخواہد و بہ نام او ذبح میکند، یا سوگند میکند، و تعریف ہای او را میکند و شکر او را در مقابل نعمت ہای اللہ تعالیٰ میکند و یا بہ او پناہ میگرد و یا اولاد خود را بہ او نسبت میکند مثلاً رسول داد و نبی داد و سخنی داد و حسن بخش و حسین بخش پس او بہ همراه اللہ تعالیٰ شریک مقرر کرد در عبادت قلبی.

و اگر کسی در پیش غیر اللہ تعالیٰ سر را خم کند و یا سجدہ کند و یا در نافرمانی اللہ تعالیٰ اطاعت او را کند و بہ گرداگرد قبر او طواف کند و یا بہ نزد غیر اللہ تعالیٰ محاکمہ کند و بہ فیصلہ، غیر اللہ تعالیٰ قناعت کند پس او بہ همراه اللہ تعالیٰ شریک مقرر کرد در عبادت بدنی و اگر کسی بہ نام غیر از اللہ تعالیٰ نذر و خیرات و نیاز میدہد و یا بر قبر کسی غلاف ہا را میاندازد و بالای قبر گمبند و حجرہ جور میکند و سنگ مر مر را و سیمت را استعمال میکند پس بہ همراه اللہ تعالیٰ شریک مقرر کرد در عبادت مالی.

(فرضیت اخلاص در دعا)

چطوریکه عبادت الله تعالی فرض است و این حق مخصوص الله تعالی است و برای غیر از الله تعالی عبادت کردن حرام قرار داده شده هم چنین دعاهم حق مخصوص الله تعالی است و تنها از الله تعالی خواستن فرض عین است و دعا کردن عین عبادت است و در حدیث شریف چنین الفاظ وارد شده: **الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ** الدعاء مع العبادۃ - الدعاء افضل العبادۃ - یعنی دعا عین عبادت است و دعا مغز عبادت است و دعا بهترین عبادت است چطوریکه عبادت برای غیر از الله تعالی حرام و شرک است هم چنین دعای غیر الله تعالی و خواستن حاجت از غیر الله تعالی شرک و حرام است - امام اعظم صاحب به شاگردان خود وصیت کرده که چون سوال میکنید از الله تعالی سوال کنید و اگر مدد میخواهید از الله تعالی بخواهید چرا که نبی کریم صلی الله علیه و آله به حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنه وصیت فرموده: که اذا سألت فاسأل الله و اذا استعنت فاستعن بالله « یعنی چون سوال میکنی از الله تعالی بکن و چون مدد میخواهی از الله تعالی بخواه

دلائل فرضیت دعائنها از الله تعالی

۱- وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ

جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» سوره، مومن آیت ۶۰ ع ۴

ترجمه: و پروردگارشما فرموده: که از من حاجت های خود را بخواهید من قبول میکنم دعای شما را و هر آینه آنکسانیکه تکبر میکنند از خواستن و سوال کردن از من به دوزخ ذلیل و خوار داخل میشوند.

۲- ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ مُخَفًّى وَسَوْفَ وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» سورہء اعراف
ع ۷ آیت ۵۵ - ۵۶

ترجمہ: بخواہید رب وپروردگار خود را در حاجات و مشکلات خود به عجز
و زاری و بہ خفیہ ہر آینہ او تعالی دوست ندارد تجاوز کنندگان را و فساد نکنید در
زمین بذریعہ شرک و فسق و فجور بعد از آنکہ اصلاح آن شدہ بہ توحید و اطاعت
و بخواہید اللہ تعالی را در حاجات و مشکلات خود با خوف و طمع ہر آینہ رحمت اللہ
تعالی قریب است بہ نیکوکاران و مخلصان

۳- قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ * وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ
لَهُ الدِّينَ * كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ *

سورہء اعراف آیت ۲۹

ترجمہ: بگو ای محمد (ﷺ): کہ امر فرمودہ رب من بہ عدل . و برابر سازید
روی دلهای خود را در ہر عبادت بہ سوی اللہ تعالی و بخواہید اورا در حاجات
و مشکلات خود در حالیکہ خالص کنندہ باشید توجہ و تضرع خود را برای اللہ تعالی
چگونہ کہ شما را از ابتدا پیدا کردہ دوبارہ بہ خلقت خود عود میکنید یعنی اللہ
تعالی را بخواہید در حالیکہ توجہ و تضرع شما بہ سوی غیر از اللہ تعالی نباشد
و دیگر کسی را در خواستن با او ہمراہ نکنید .

۴- وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الدِّينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَبَّجِرُونَ
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ *

ترجمہ : و خاص برای اللہ تعالیٰ نام های خوب است پس بخواهید او را (در حاجات و مشکلات خود) به این نامها بش . و بگذار آن کسانی را که در نام های او کجروی میکنند زود است که به آنها جزاء عملها پشان داده خواهد شد .

ف : درین آیت دوسخن بیان کرده شد یکی اینکه برای اللہ تعالیٰ نامهای خوب خوب است و این نامها مخصوص با ذات اقدس او تعالیٰ است . دوم اینکه چون این سخن ثابت شد که برای او نامهای خوب خوب است و این نامها به ذات اقدس او مخصوص است پس در حاجات و مشکلات خود او را بخواهید و به همین نام ها او را بخواهید .

خواستن و صدا کردن ترجمه، دعا است و لفظ دعا در قرآن کریم برای دو معنا استعمال میشود یکی ذکر اللہ و حمد و ثنا و تسبیح و تمجید دوم در وقت حاجات و مشکلات خواستن حاجت و نجات از آفات و مصائب و خواستن آسانی در مشکلات پس (فَادْعُوهُ بِهَا) به هر دو معنا شامل است پس مطلب این شد که لائق حمد و ثنا و تسبیح و تمجید هم تنها ذات اقدس او تعالیٰ است . و نجات از مشکلات و حاجت روائی همه به قبضه، او تعالیٰ است پس حمد و ثنا و تسبیح و تمجید هم از وی بیان کنید . و برای حاجت روائی و مشکل کشائی هم تنها او را بخواهید و به او صدا و فریاد کنید .

(بعض آداب دعا)

درین آیت کریمه برای امت دوهدایت حاصل شد یکی اینکه به غیر از الله تعالی هیچ کسی مستحق حمد و ثنا و مستحق خواستن و صدا کردن در حاجات و مشکلات برای حاجت روائی و مشکل کشائی نیست . دوم اینکه درین خواستن و صدا کردن هم هر شخص آزاد نیست که چیزی به زبان او بیاید بگوید بلکه الله تعالی به فضل و کرم خود آن کلمات و الفاظ را به ما و شما تعلیم داده که لائق باشان عالی او باشد .

۹۹ نام او را که کسی بگوید و برای هر مقصد که دعا کند دعای او قبول میشود الله تعالی ارشاد فرموده : **أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ** یعنی مرا بخواهید من دعاها ی شمارا قبول میکنم . در حاجات و مشکلات بالاتر از خواستن و دعا کدام تدبیر قوی نیست . و نفع و فائدهء نقد آن اینکه دعا عبادت است و در عملنا مه ثواب آن نوشته میشود . و الفاظ حدیث شریف است که دعا مغز عبادت است و در روایت دیگر است که دعا افضل و بهترین عبادت است : **الدعاء مخ العبادة الدعاء افضل العبادة** . چون بنده برای کدام مقصد دعا میکند یا همان مقصد او حاصل میشود یا حاجت مفید تر و ضرور تر پیوره میشود . و یا برای آخرت ذخیره میگردد . و به حمد و ثنا یاد کردن الله تعالی غداء ایمان است و در نتیجه ، رغبت و محبت بنده با الله تعالی پیدا میشود . و اگر کدام تکالیف دنیا بیاید هم در آن آسانی میباشد (معارف القرآن)

روایت بخاری و مسلم و ترمذی و نسائی است که رسول کریم صلی الله علیه وسلم فرموده : که به کسی کدام پریشانی و یا غم و یا مشکل پیش شود این کلمات ذیل

رابگوید مشکلات آسان میشود : آن کلمات این است.

لااله الاالله العظيم الحليم لاله الله رب العرش العظيم لاله الا الله رب
السموات السبع ورب الارض رب العرش الكريم . وحاكم درمستدرک از حضرت انس
رضی الله عنه روایت نقل کرده که رسول کریم ﷺ به حضرت فاطمه رضی الله عنها
فرمودند که تراچه مانع است که وصیت مرا بشنوی وبه آن عمل کنی وآن اینکه
صبح وشام این دعا را خوانده باش : یا حی یا قیوم برحمتک استغیث اصلح لی شانی
کله ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین . این دعا هم برای پوره شدن حاجات وحل
مشکلات یک علاج بی نظیر است . خلاصه این شد که درآیت مذکوره دوهدایت
برای امت تعلیم داده شدکه درحاجات ومشکلات ومصائب تنها حمدو ثنای الله
تعالی بیان کردن وتنها اورا خواستن وتنها ازوسوال ودعا کردن واز مخلوق سوال
نباید کرد . دوم اینکه به آن نام ها او را بخواند^{که} برای الله تعالی ثابت است

(مما نعت کجروی درنامهای الله تعالی وصورت های آن)

درنامهای الله تعالی کجروی والحاد صورت های مخلف دارد وآن همه مصداق
این آیت کریمه شده میتواند . یک صورت آن اینکه به غیر از الله تعالی به دیگر
کسی مشکل کشاوحاجت روا ودافع البلاء ودافع الامراض ومرجع کل وحقدار
استمداد واستعانت گفته شود ویا به غیر از الله تعالی به کدام پیروپاچا ویا قائد
وامام حی قیوم وخلاق ورزاق گفته شود . دیگر صورت آن اینکه برای الله تعالی
آن نامها استعمال شودکه در قرآن وحديث نباشد . ودیگر صورت اینکه کدام نامها
یکه برای الله تعالی مخصوص است آن برای غیر الله تعالی استعمال شود .

مثلاً رحمان سبحان رزاق خالق غفار قدوس پس اگر این نام ها به بنیاد عقیدهء بد برای مخلوق استعمال کند پس آن کفر است و اگر این نامها به بنیاد اعتقاد نباشد بلکه محض بی فکری و نادانی باشد اگر چه کفر نیست لیکن بوجه اینکه الفاظ مشرکانه است گناه سخت است مثلاً برای عبد الرحمان رحمان گفتن و برای عبد الخالق خالق گفتن و غیره و غیره .

۵- هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنزِلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ *
فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ *

سورهء مومن ع-۱۳-۱۴

ترجمه : اوتعالی آن ذات رحیم و کریم است که به شما دلائل وحدانیت او در الوهیت نشان میدهد و برای شما از آسمان روزی رانازل میفرماید و به این دلائل پندپذیر نمیشود مگر کسیکه به سوی الله تعالی انابت و رجوع میکند پس بخواهید الله تعالی را (در حاجات و مشکلات خود) در حالیکه خالص کننده باشید توجه و اعتقاد خود را از شرکت غیر الله اگر چه خالص خواستن و توجه کردن به الله را کفار بد میدانند .

ف : درین آیت سه سخن واضح شد یکی اینکه چطور بکه الله تعالی رازق شما است . و دلائل الوهیت خود را به شما نشان میدهد که تنها او حقدار توجه و تضرع است پس شما در حاجات و مشکلات خود تنها او را بدون شرکت دیگری بخواهید و به سوی او توجه و تضرع بکنید . دوم این سخن واضح شد که الله تعالی را بخواهید ولیکن خالص بخواهید و کسی را با او به اعتقاد سفارش و واسطه و وسیله

همراه نکنید توجه قلبی شما واعتقاد شما تنها به الله تعالی باشد که تنها او مستحق دعا وتوجه و زاری و فریاد های شما است و دیگر کسی را با او شریک نسازید . سوم سخن اینکه تنها ساختن الله تعالی به دعا وتوجه و زاری و فریاد کفار و مشرکین پسند نمیکنند و شما از بد بینی آنها متأثر نشوید و به ما نند یهود و نصاری و مشرکین برای الله تعالی واسطه ها و وسیله ها و سفارشی ها را اختراع نکنید . این موضوع و مسئلهء اخلاص فی الدین در عنوان فرضیت اخلاص فی الدین با تفصیل میآید آن جامطالعہ کنید .

۶- هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ *

سورهء مومن آیت ۶۵

ترجمه : تنها او تعالی همیشه زنده است غیر از و کسی مستحق و لائق سوال و زاری در حاجات و مشکلات نیست پس تنها او را بخواهید (در حاجات و مشکلات خود) در حالیکه توجه و اعتقاد قلبی شما تنها به او باشد و کسی را با او به اعتقاد سفارشی و واسطه و وسیله نخواهید چرا که تمام صفت ها و تعریف ها به او تعالی مخصوص است که اورب و پروردگار عالمیان است .

ف : درین آیت وجوب خواستن الله تعالی و صدا کردن به او بر این متفرغ ساخت که الله تعالی آن ذاتی است که همیشه زنده است و مرگ به او طاری نمیشود و غیر از الله تعالی تمام مخلوق می میرد و فنا میشود چنانچه که نبی کریم ﷺ در دعای خود فرموده اند : أنت الحي الذي لا يموت والجن والانس يموتون . و دیگر به این متفرغ فرموده : که غیر از الله تعالی هیچ کسی حقدار و لائق سوال و زاری

درحاجات و مشکلات نیست یعنی درحاجات و مشکلات به آن ذات تو جہ وزاری کرده شود کہ به ہرچیز قدرتِ مطلقہ داشتہ باشد . وبہ ہر ذرہ ذرہ کائنات علم داشتہ باشد و در ہرچیز تصرفِ عمومی و اختیار کلی داشتہ باشد و مشیت نا فذہ داشتہ باشد ازین رو درپس این فرمود : کہ الحمد لله رب العالمین . یعنی تمام صفات کمال و جلال و صفات ثبوتی و سلبی و صفات ذاتی و فعلی برای اللہ تعالی ثابت و مختص است چراکہ او رب العالمین است .

۷- قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَأْبٍ * سورہ ، رعد

آیت ۳۶-۵۴

ترجمہ : بگو ای محمد (ﷺ) : کہ سخن ہمین است دیگری نیست کہ بہ مہ حکم شدہ کہ عبادت و بندگی بہ اللہ تعالی بکنم یعنی درحاجات و مشکلات خود بہ سوی او توجہ و تضرع بکنم و کسی را و چیزی را با او در دعا و توجہ وزاری شریک نسازم وبہ سوی او دیگران را دعوت بدہیم وبہ سوی او (در ہمہ حاجات و مشکلات) رجوع من است ، درین آیت واضح شد کہ نبی کریم (ﷺ) بہ این ما مور شدہ کہ تنها اللہ تعالی را عبادت و بندگی و توجہ و تضرع کند وبہ سوی ہمین اللہ تعالی دیگران را بخواہد .

۸- قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا * قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا *

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا * سورہ ، جن آیت ع-۳۰

- ۲۲- ۲۴ .

ترجمہ : بگو ای محمد (ﷺ) : کہ سخن ہمین است دیگری نیست کہ من

(در حاجات و مشکلات خود) میخواهم رب خود را و کسی را با او در دعا و توجّه
تَضَرُّعُ شَرِيكَ نَسَازِمِ بَغْوَايِ مُحَمَّدٍ (ﷺ) : که هر آینه من مالک نیستم برای شما
ضرر را و نفع را . بگو ای مُحَمَّد (ﷺ) : هر آینه مرا هرگز کسی پناه داده نمیتواند
از عذاب و گرفتار شدن . و من هرگز یافته نمیتوانم جای پناه را غیر از الله تعالی .

ف : این آیت به مانند تفسیر از آیت سابقه است چرا که در آیت سابقه گفت :
إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ . و درین آیت گفت : إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي . پس خواستن الله
تعالی در حاجات و مشکلات همین عین عبادت است پس اگر کسی غیر از الله تعالی
را در حاجات و مشکلات خود میخواهد و دعوه میکند که این واسطه و وسیله
سفارشی من است پس همین است شریک ساختن با الله تعالی و همین بود عقیده
دعوه ، یهود و نصاری و مشرکین در باره عیسی و عزیر و مریم علیهم السلام . و فرشته
گان . و الله تعالی دعوه ایشان را ذکر کرده و با زیلای آن تردید کرده : وَيَعْبُدُونَ مِن
دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاءُ نَا عِنْدَ اللَّهِ . سوره
یونس آیت ۱۸

ترجمه : و مشرکین عبادت و توجّه و تضرّع میکنند به غیر از الله تعالی به آنچه که
نه ایشان را ضرر رسانیده میتوانند نفع و میگویند که این سفارشی و واسطه ، ما اند
در حضور الله . وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ * مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ
زُلْفَى . سوره ، آیت ۳

ترجمه : و آن کسا نیکیه غیر از الله تعالی کار ساز خود ساخته اند و به سوی آن
توجّه و تضرّع در حاجات و مشکلات میکنند . و میگویند : که ما به سوی اینها توجّه

تَوَجُّهٌ وَتَضَرُّعٌ نَمِيكُنِيْمٌ مَكْرٌ فَقَطْ بَهْ اِيْنِ عَقِيْدَهْ كِهْ مَارَابَهْ اَللّٰهُ تَعَالٰى مَقْرُبٌ سَاَزَنْدُ .

پس معنای عبادت به توجُّه و تَضَرُّعُ ازین جهت کردیم که مراد از عبادت عبادت

فطری است عبادت تکلیفی و تعلیمی نیست .

۹- وَأَعْتَزِرْ لَكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي

شَقِيًّا «سورهء مریم ۴۸ - ۳۴»

ترجمه : (این قول و بیان حضرت ابراهیم علیه الصَّلٰوة و السلام است به قوم و پدر خود

) : وَمَنْ جَدَانِي رَا اِخْتِيَارٌ مِيكُنْمُ اَزْشَطُ وَازَانُ چِهْ كِهْ شَمَا دَرْحَاجَاتُ وَمَشْكَلَاتُ خُودُ

مِيخَوَاهِيْدُ بَهْ غَيْرُ اَزِ اَللّٰهُ تَعَالٰى . وَمِيخَوَاهِمُ (دَرْحَاجَاتُ وَمَشْكَلَاتُ خُودُ) رَبُّ خُودُ

رَا اَمِيْدَاسْتُ .

که به خواستن رب خود بد بخت و نامراد نشوم (چطور یکه شما به خواستن غیر از

الله بدبخت و بی نصیب شده اید)

ف : دَرِيْنِ اٰيٰتِ هَمْ وَاَضَحُ شُدْ كِهْ مَشْرِكِيْنُ قَوْمِ اِبْرَاهِيْمِ هَمْ بَا اِبْرَاهِيْمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دَرِخَوَاسْتِنِ غَيْرِ اَللّٰهُ مَجَادَلَهْ دَاشْتَنْدُ . دَرِوَجُودِ اَللّٰهُ تَعَالٰى مَجَادَلَهْ نَدَاشْتَنْدُ . اِبْرَاهِيْمِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ بَهْ اَنّٰهَا جَوَابُ صَافٍ وَّوَاَضَحُ دَادُ كِهْ مِنْ كَارِسَاَزَهَايِ اِخْتِرَاعِي شَمَا رَا

نَمِيخَوَاهِمُ مِنْ تَنّٰهَا رَبُّ خُودِرَا مِيخَوَاهِمُ وِيَهْ خَوَاسْتِنِ رَبُّ مِنْ نَامْرَادِ وِيَهْ نَصِيْبِ

وِيَدْبَخْتِ نَمِيشُومُ .

۱- لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَآ

سِطْرٌ كَفَّيْهِ اِلَى الْمَآءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ * وَمَا دُعَاؤُ الْكَافِرِيْنَ اِلَّا فِيْ ضَلَالٍ *

سورهء رعد آیت ۱۴ ع ۲

ترجمه : خاص برای الله تعالى خواستن در حاجات و در حل مشکلات حق است .
 و آن کسانی که مشرکین میخوانند آنها را در حاجات و مشکلات خود) غیر از الله
 تعالى قبول کرده نمیتوانند دعا های شان را در هیچ حاجت و در هیچ مشکل . خواستن
 غیر الله به ما نند شخصی است که دودست خود را به سوی آب دراز کند و به آب
 بگوید که بیا به دهن من لیکن آب تا قیامت هم به دهن او نمیآید . و هم چنین
 خواستن مشرکین غیر خدا را نیست مگر گمراهی و تباهی و بربادی است . هیچ نتیجه
 به آن مرتب نمیشود .

ف : یعنی در حاجات و مشکلات خواستن آن ذات حق است که مالک هر قسم نفع
 و ضرر باشد در خواستن عاجز و محتاج و ناتوان چه فائده است؟

غیر از الله تعالى کیست که در قبضه او نفع و ضرر ما و شما باشد . در حاجات
 و مشکلات خواستن غیر الله تعالى و استعانت و استغاثه به آنها به مانند کسی است
 که به لب جوی بنشیند و به آب صدا میزند و دودست خود را هم بسوی آب دراز کرده
 که به دهن من بیایید پس آب نه دست های او را می بیند و نه صدای او را می
 شنود و نه به تشنگی او خبر دارد و نه قدرت دارد که به دهن او آمده بتواند هم چنین
 مدد خواستن و حاجت خواستن از غیر الله تعالى بی فائده و گمراهی و تباهی است که
 نه به خواستن کسی میدانند و نه دعا را قبول کرده میتوانند و نه به پوره کردن حاجت
 قدرت دارند .

در تفسیر روح البیان در تفسیر این آیت کریمه تحریر فرموده : والمعنی ان الدعوة
 التي هي التضرع والعبادة هي قسمان ما يكون حقا وصوابا وما يكون باطلا وخطأ

فَالْتِي تَكُونُ حَقًّا وَصَوَابًا هُوَ أَنْ يَدْعُوا الْعَبْدَ رَبَّهُ وَلَا يَشْرِكُ فِيهِ غَيْرَهُ فَانَّهُ هُوَ الَّذِي
يَجِيبُ لِمَنْ دَعَاهُ دُونَ غَيْرِهِ . وَأَمَّا دَعَاءُ غَيْرِ اللَّهِ تَعَالَى فَبَاطِلٌ وَخَطَأٌ وَضَلَالٌ وَلَا
يَسْتَجَابُ دَعَاءَهُ قَالَ فِي الْمَدَارِكِ : الْمَعْنَى أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُدْعَى فَيَسْتَجِيبُ الدَّعْوَةَ
وَيُعْطِي السَّائِلَ الدَّاعِيَ سَوَالَهُ فَكَانَتْ دَعْوَةُ مَلَابَسَةَ بِالْحَقِّ لِكُونِهِ حَقِيقًا بَانَ بِتَوَجُّهِ
إِلَيْهِ الدَّعَاءِ بِخِلَافٍ مِنْ دَعَاءِ غَيْرِ اللَّهِ تَعَالَى فَانَّهُ لَا يَنْفَعُ دَعَاءَهُ . خِلَاصُهُ إِنْ تَفْسِيرُ
إِنَّكَ دَعَايَهُ مَعْنَى تَضَرُّعُ وَزَارِي وَبِهِ مَعْنَى عِبَادَتِهِ بِهِ دَوْقِمْ اسْتَبْكَي أَنْكَه حَقٌّ
وَصَحِيحٌ اسْتَبْكَي وَدَوْمٌ بَاطِلٌ وَخَطَأٌ وَضَلَالٌ اسْتَبْكَي أَنْ دَعَا وَزَارِي كَهَ حَقٌّ وَصَحِيحٌ
اسْتَبْكَي أَنْ إِنَّكَ بِنْدِهِ رَبِّ خُودِرَا وَبِرُورِدْكَارِ خُودِرَا بِخُودِرَا وَكَسِي رَا بَا أَوْ شَرِيكَ
نَسَاذِد . وَخُودِرَا غَيْرُ خُدَايِ تَعَالَى بَاطِلٌ وَكَمْرَاهِي وَخَطَائِي اسْتَبْكَي دَعَايِ أَوْ هَمْ قَبُولِ
نَمِيشُود . دَرِ تَفْسِيرِ مَدَارِكِ حَنْفِي تَحْرِيرِ فَرْمُودِهِ : كَهَ اللَّهُ تَعَالَى خُودِرَا مِيشُودُ دَعَا
رَا هَمْ قَبُولِ مِي فَرْمَايِدُ وَبِهِ سَوَالِ كُنْنِدِهِ حَاجَتِ هَمْ عَطَا مِي فَرْمَايِدُ . پَسْ إِنْ دَعَا حَقٌّ
اسْتَبْكَي وَبِهِ حَقْدَارِ خُودِرَا كَرْدِهِ شُدَّ چِرَا كَهَ تَنَهَا اللَّهُ تَعَالَى حَقْدَارِ خُودِرَا وَتَوَجُّهُ وَتَضَرُّعُ
اسْتَبْكَي دَرِ حَاجَاتِ وَمَشْكَلَاتِ وَخُودِرَا غَيْرِ اللَّهِ تَعَالَى هَيْچِ فَاانْدِهِ نَدَارِدُ بَلْ كَهَ كَمْرَاهِي
وَتَبَاهِي اسْتَبْكَي .

كسبیکه غیر از الله تعالی را در حاجات و مشکلات

میخواهد این چطور است و چه حیثیت دارد ؟

۱- وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ
عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ﴿ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً أَوْ كَانُوا بُعِبَادِهِمْ كَافِرِينَ

« سوره، احقاف آیت ۵-۶ »

ترجمہ : وکیست زیادہ گمراہ تر از آنکه میخواید (در حاجات و مشکلات) غیر از الله تعالی را آنکه تاقیامت دعای او را قبول کرده نمیتواند و آن غیر الله از دعای شان غافل و بی خبراند . و چون مردم در روز قیامت به حضور الله تعالی جمع شوند این غیر الله که آنها را (در حاجات و مشکلات میخواستند) برای شان دشمن میباشند و از خواستن و توجه و تضرع کردن شان بالکل انکار میکنند . (برابر است که آن نبی باشد و یا ولی . ملک باشد یا جن پیر باشد یا فقیر . سید باشد یا شهید .)

ف : درین آیت کریمه واضح شد که کسی غیر از الله تعالی را در حاجات و مشکلات خود میخواید به اعتقاد سفارش و واسطه و وسیله . و عقیده دارد که او را تصرف غیبی فوقانی حاصل است در کائنات . پس ازین شخص زیادہ گمراہ تر و بی عقل تر کسی دیگر نیست .

۲- وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَ هُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَاءُ نَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿

سوره نحل آیت ۸۶- ع ۱۲

ترجمہ : وقتیکه مشرکین شرکاء و کارسازها ی اختراعی خود را در قیامت می بینند میگویند : که ای پروردگار ما این آن شرکاء ما اند که ما آنها را (در حاجات و مشکلات خود) غیر از تو میخواستیم . پس کارسازها و شرکاء شان به ایشان جواب میدهند که شما دروغ میگوئید . یعنی ما مستحق این نبودیم که ما را در حاجات و مشکلات خود بخواید و شما بلا دلیل و بلا استحقاق ما را در حاجات و مشکلات خود میخواستید .

۳- وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا

يَخْرُصُونَ «سوره، بونس آیت ۴۴- ۷ ع

ترجمه : یعنی این مشرکا نیکه غیر از الله تعالی را (درحاجات و مشکلات خود) میخوانندبه کدام دلیل وبه کدام سند میخوانند ؟ پیروی نمیکنند درین عقائد فاسده، خود مگرفقط تخمین وگمان شان راونیستند ایشان به کدام دلیل مگر فقط به تخمین خود میروند.

۴- وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلَهًا لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا * كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ

وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا «سوره مریم آیت ۸۱- ۸۲ ع ۵

ترجمه: مشرکین به غیر از الله تعالی دیگر کارسازهای اختراعی راساخته (ودرحاجات و مشکلات خود آنها را میخوانند) تا برای ایشان ذریعه، عزت و قربت شوند، الله تعالی در تردید ایشان میفرماید: که نیست چنین زود است که از عبادت وتوجه وتضرع آنها منکر شوند وبالای شان دشمن ومخالف خواهند گردید.

۵ - وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ * إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا

دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ

خَبِيرٍ «سوره، فاطر آیت ۱۳- ۱۴

ترجمه: وآن کسانیکه شما میخوانید (درحاجات و مشکلات خود) غیر از الله تعالی مالک نیستند به اندازه، پوست باریک از خسته، خرما، اگر شما آنها را بخوانید وبه آنها (درحاجات و مشکلات خود صدا وفریاد کنید) نمیشنوند دعای شما را واگر فرضا بشنوند دعای شما را قبول کرده نمیتوانند، ودر روز قیامت ازین

حرکت مشرکانه، شما انکار میکنید، و به ما نند الله خبر دار کسی نیست که شمارا
به این حقائق خبر بدهد

۶- وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ * أَمْواتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ
وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ * سوره نحل آیت ۲۰- ۲۱ ع ۲

ترجمه: و آن کسانی که این مشرکان نادان آنها را (در حاجات و مشکلات خود)
میخواهند هیچ چیز را پیدا کرده نمیتوانند بلکه خود آنها پیدا کرده، الله تعالی اند
و آنها مرده اند و زنده نیستند و نمیدانند که چه وقت دوباره بر انگیزته خواهند شد

ف: یعنی مستحق و حقدار توجه و زاری و دعا و سوال در حاجات و مشکلات آن
ذات میباشد که بر هر چیز قدرت داشته باشد و به هر حال و به هر چیز علم محیط
داشته باشد و همیشه زنده باشد و موت بر او طاری نشود، و این هر دو صفت از
صفات مخصوصه، الله تعالی است، پس خواستن دیگری انتهائی حماقت و ضلالت
و ظلم عظیم است، و درباره تمام غیر الله فرمود که آنها مرده اند، یعنی برای همیشه
بی جان اند مثل جمادات و نباتات و آن بزرگانیکه از دنیا رحلت نموده اند و یا به
اعتبار مال که در آینده می میرند، مثل فرشته گان و عیسی و یاد دیگر بندگان صالح
که موت بر آنها طاری میشود و الله تعالی ذات حی قیوم است که موت بالای او
طاری نمیشود.

۷- يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاَسْتَمِعُوا لَهُ اِنَّ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ لَنْ يَخْلُقُوْا
ذُبَابًا وَاَوْ جِئْتُمْ لَهُ وَاِنْ يَسْئَلُوْهُمْ الدّٰبُّ شَيْئًا لَّا يَسْتَنْقِذُوْهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطّٰلِبُ
وَالْمَطْلُوْبُ» سوره حج آیت ۲۳ ع ۱۰

ترجمہ: ای مردم بیان شدہ يك مثال عجیب پس آن را بشنوید ہرآینہ آن كسانیکہ شما (درحاجات ومشكلات خود) میخواستید بہ غیر از اللہ تعالیٰ ہرگز يك مگسی را ہم پیدا کردہ نمیتوانند اگر چہ ہمہ آنها بہ این مقصد جمع شوند، واگر بریاید مگس از آنها چیزی را پس رھانیدہ نمیتوانند آنرا از مگس خلاصہء مطلب اینکہ طالب ہم ضعیف است ومطلوب ہم ضعیف است یعنی كسانیکہ غیر از اللہ تعالیٰ درحاجات ومشكلات میخواستند این ہم ضعیف اند وكسانیکہ مشرکین آنها را غیر از اللہ تعالیٰ میخواستند آنها ہم ضعیف اند.

۸- اِنَّ الدِّينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ عِبَادُ اَمْثَالِكُمْ فَاَدْعُوهُمْ فَلَيْسَ تَعْبِيبُوا لَكُمْ اِنْ

كُنْتُمْ صَادِقِينَ» سورہ اعراف آیت ۱۹۴ - ع ۲۴

ترجمہ: ہرآینہ آن كسانانیکہ شما (درحاجات ومشكلات خود) میخواستید بہ غیر از اللہ تعالیٰ بندگان اند بہ مثل شما (یعنی چطوریکہ شما درہر حال ودرہر چیز بہ اللہ تعالیٰ محتاج ہستید، ہم چنین این كارسازہای اختراعی شما ہم بہ اللہ تعالیٰ محتاج اند) پس شما بخواید آنها را (درحاجات ومشكلات خود) پس اگر شما در دعویہ خود صادق ہستید دعای شما را قبول کند، مقصد اینکہ درخواستن و صدا کردن بہ آنها ہیچ فائدہ نیست برابر سخن است کہ شما بخواید آنها را ویانخواستید آنها را بہ کومك ومدد شما نمیرسند.

پس خواستن محتاج وفقیر حماقت وضلالت وتباہی است،

۹- وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَالًا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ

الظَّالِمِينَ وَإِنْ يُمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ

يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» سوره بونس آیت ۱۰۷ ع ۱۱

ترجمه: ونه خواه (درحاجات ومشكلات خود) غير خدا را آنچه نه به تو نفع رسانيده ميتواند ونه ضرر اگر غير خدا را (درحاجات ومشكلات) خواستی پس شما درين وقت از جملهء ظالمان باشی چرا که اگر الله تعالى به تو کدام ضرر وتکليف ومصیبت می رساند پس هيچ کس دور کنندهء آن نيست غير از الله تعالى واگر الله تعالى اراده کند بالای تو کدام خير را پس نيست رد کنندهء فضل الله تعالى می رساند اين خير وشر را الله تعالى به کسی که بخواهد از بندگان او واو تعالى بخشانیده ورحم کننده است.

ف: درين آیت اين سخن واضح شد که خواستن غير خدا درحاجات ومشكلات (ظلم است چرا که غير از الله تعالى هيچ کسی چنين نيست که نفع وضرر را به کسی رسانيده بتواند.

۱۰- قُلِ ادْعُوا الدِّينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا

تَحْوِيلًا» سوره بنی اسرائيل آیت ۵۶ ع ۶

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ) به مشرکين: که بخواهيد (درحاجات ومشكلات خود) آن کسانی را غير از الله که شما بالای آنها گمان کرده ايد که اين ها حاجت روا ومشکل کشای ما اند پس بشنوید که آنها مالک نيستند دور کردن تکليف را از شما يعنی قدرت ندارند که تکليف ومصیبت را از شما دور کنند ونه به ديگر طرف گردانیده ميتوانند

۱۱- قُلِ ادْعُوا الدِّينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ

وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْ ظَهِيرٍ * وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ
عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أِذِنَ لَهُ» سورة سبأ آیت ۲۲- ۲۳

ترجمہ: بگو ای محمد (ﷺ): کہ بخواہید (در حاجات و مشکلات خود) آن
کسانی را کہ شما دربارهٔ آنها گمان دارید کہ اینها حاجت روا و مشکل کشای مانند
به غیر از اللہ تعالیٰ خوب بشنوید کہ آنها به قدر ذرہ ہم در آسمانها و زمین مالک
خیر و شر نیستند و نہ برای آنها در پیدایش آسمان و زمین کدام شرکت است و نہ برای
اللہ تعالیٰ از جملہء آنها کدام معاون و مددگار است (باز مشرکین دعویٰ میکردند کہ
اینها سفارشی و واسطہء مانند اللہ تعالیٰ این عقیدہ و گمان آنها را ہم باطل و مردود
قرار داد): کہ فائدہ نمیرساند شفاعت هیچ کسی در حضور اللہ تعالیٰ برای هیچ
کسی مگر برای کسیکہ اجازہ داده شود، یعنی بدون اجازہء اللہ تعالیٰ هیچ کسی
شفاعت کردہ نمیتواند و باز برای ہر کسی ہم شفاعت کردہ نمیتواند بلکہ فقط برای
کسی شفاعت کردہ میتوانند کہ اللہ تعالیٰ دربارهء او اجازہ بدهد.

۱۲- اَبَشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَ هُمْ يُخْلِقُونَ * وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَ لَا
اَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ * وَاِنْ تَدْعُوهُمْ اِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوْكُمْ سِوَاكُمْ اَعَلَيْكُمْ اَدْعَاؤُهُمْ اَمْ
اَنْتُمْ صَامِتُونَ *

سورة اعراف ۱۹۱-۱۹۳ ع ۲۴

ترجمہ: آیا باللہ تعالیٰ شریک میسازند چیزی را کہ هیچ چیز پیدا کردہ
نمیتوانند و بلکہ آنها پیدا کردہ شدہء اللہ تعالیٰ اند و توان و قدرت ندارند برای شان
کدام مدد و نصرت را و نا با خود نصرت و مدد کردہ میتوانند. و اگر شما بخواہید

آنها را برای رهنمائی خود پس آنها سخن شما را عملی کرده نمیتوانند برابر است بر شما که آنها را در حاجات و مشکلات خود) بخواهید و یا نه میخواهید در هیچ حال به فریاد و مدد شما رسیده نمیتوانند .

ف : درین دوازده (۱۲) آیت این سخن واضح شد که خواستن غیر الله تعالی در حاجات و مشکلات گمراهی و حماقت و تباهی و بر بادی است و ظلم عظیم است . و اگر تمام ما سوای الله تعالی جمع شوند يك مگس را هم پیدا کرده نمیتوانند و به قدر ذره هم در آسمان و زمین مالك نیستند و کسیکه غیر الله را در حاجات و مشکلات میخواهند در روز قیامت همین غیر الله دشمن شده میباشد و این دعوه مشرکین که اینها سفارشی و واسطه ما اند دعوه بلا دلیل و بلا سند است . و بالای الله تعالی و بالای عباد صالحین افتراء است . و تمام ما سوای الله تعالی مرده اند حالا و مالا . و الله تعالی ذاتی است که موت به او نمیاید .

امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله فرموده : که خواستن الله تعالی به حق و حرمت و جاه و روی و خاطر کدام مخلوق حرام است و خواستن الله خالص از شر یکساختن مخلوق فرض و واجب است :

به دلیل آن قول الله تعالی : **فَا دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**

* سوره مومن ۱۴ ع ۳

ترجمه : (چون در سابق معلوم شد که مشرکین در روز قیامت بالای نفس های خود به خشم میباشد به جهت اینکه خالص خواستن الله تعالی را پسند نمیکردند) پس الله تعالی به بندگان مؤمن خود میفرماید : که پس بخواهید الله تعالی را

(در حاجات و مشکلات خود) در حالیکه خالص کننده باشد توجُّه و تضرُّع خود را از شرکت غیر الله تعالی اگر چه منکران و بد بینان تو حید این خواستن خالص را بد میدانند.

ف : بدانکه بسیاری مردم دعوه میکنند که ما عبادت الله تعالی را میکنیم حتی که مردم آفتاب پرست و ستاره پرست و یهود و نصاری و مشرکین مکه که پرستش ملائکه و جن و درخت ها ویت هارا میکردند اینها همه دعوه داشتند که ما عبادت الله تعالی را میکنیم لیکن میگفتند : که ما براه براست به الله تعالی رسیده نمیتوانیم ازین رواین واسطه ها رادرمیان آورده تا که به شفاعت ما می پردازند و ما را به الله تعالی قریب سازند ازین رویه خاطر و روی وجاه و حرمت اینها و به حق اینها از الله تعالی دعا هم میکنیم و برای آنها نذر و نیاز را بالای خود لازم میکنیم و به دل و بدن تعظیم اینها رامیکنیم تا مرا به نزد الله تعالی مقرب سازند و میگفتند : **هَوَلَاءِ شُفَعَاءُ نَا عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللّٰهِ زُلْفَى** « پس به این وجه الله تعالی تمام انبیاء کرام علیهم السلام را برای تعلیم همین سخن فرستاده که بندگان را بفهمانند که این دعا و عبادت و توجُّه و تضرُّع به نزد الله تعالی بسیار ناپسند است که به اساس عقیدهء شفاعت و به امید واسطه و وسیله شدن دیگر کسی هم به همراه او خواسته شود، الله تعالی به هر نبی همین وحی فرموده: که الله تعالی را خالص از شرکت غیر بخواهید و به امت های خود هم همین تعلیم و تبلیغ بکنید که در خواستن الله تعالی به وجاهت و حرمت و حق و خاطر و سفارش دیگران عقیده نکنند و نه به آن توجُّه و التجاء کنند، که همین است **إِلَهِ**

ساختن و همین است بِاللّٰهِ تعالیٰ شریک ساختن در الوهیت ارشاد او تعالیٰ است:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولِنَا إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ «سوره»

آیت ۲۵

ترجمه: ومانفرستاده ایم پیش از شما هیچ رسولی را مگر به او همین وحی میکردیم که غیر از من کسی حقدار و مستحق عبادت و توجّه و تضرّع (در حاجات و مشکلات) نیست پس تنها سازید مرا به توجّه و تضرّع و دعا خود.

و در آیت دیگر ارشاد فرموده: قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَبِثُوا إِلَىٰ

ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا * سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عَلُوا كَبِيرًا «سوره» بنی اسرائیل ع

۵ آیت

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ): اگر به همراه الله تعالیٰ دیگر حقدارن توجّه و تضرّع می بودند چطوریکه مشرکین دعوه دارند پس آنها هم به سوی خداوند عرش راه تقرب و توجّه و تضرّع را در حاجات و مشکلات اختیار مینمودند (پس در صورتیکه کارساز های اختراعی شما را هم غیر از دربار رب دیگر جای نیست پس شما خود تان مستقیماً به سوی الله تعالیٰ متوجّه و متضرّع شوید و به دیگر کسی توجّه و تضرّع نکنید) پاکی است الله تعالیٰ را از شرکت مخلوق در حقداری توجّه و تضرّع و دعا و عبادت و بلند و بالا است از آنچه که این مشرکین در شان او میگویند به بلندی بزرگ

فرضیت اخلاص فی الدین

بدانکه در قرآن کریم الله تعالی دربارهٔ وجوب و فرضیت اخلاص فی الدین بسیار با تاکید امر فرموده است لیکن بسیاری مردم دربارهٔ اخلاص فی الدین فهم میکنند که مراد از آن ان اخلاص است که در مقابل ریا و شهرت استعمال میشود، لیکن اگر قدری غور و دقت کنیم به ما واضح میشود که مراد از اخلاص فی الدین آن اخلاص است که در مقابل توسل و توسط استعمال میشود یعنی در دعا و توجّه و تضرّع به الله تعالی به سوی وساطت و سفارش دیگران عقیده نکنید و الله تعالی را بدون وسائط و وسائل و بدون سفارشیان بخواهید چرا که موضوع اخلاص فی الدین در سورت های مکی واقع شده و مشرکین با رسول کریم صلی الله علیه وسلم در همین اخلاص فی الدین مجادله و مخالفت نموده اند، که چرا این شفعا را با الله تعالی نمیخواهد و چرا الله تعالی را تنها میخواهد، و چرا وجاهت و حرمت و خاطر و روی و برکت آن هارا در دعا یاد نمیکند و بدبینی مشرکین هم از همین اخلاص بود بدبینی شان از آن اخلاص نبود که در مقابل ریا و شهرت استعمال میشود ازین رو الله تعالی ارشاد فرموده: **فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ** و به مشرکین در روز قیامت گفته میشود: **إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَأَنْ يُشْرَكَ بِهِ تَوَمِنُوا.**

دلیل اول در فرضیت اخلاص فی الدین

۱ - **إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ * أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَاللَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ**

اللّٰهُ بِحُكْمٍ بَيْنَهُمْ فِيمَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ» سورہ

زمر آیت ۱ - ۳

ترجمہ: ہر آئینہ ما نازل کردہ ایم بہ سوی تو کتاب را کہ بہ موضوع حق نا طق
است پس عبادت و توجہ و تضرع بہ اللہ بکن در حالیکہ خالص کنندہ باشی برای او
توجہ و تضرع خود را از شرکت غیر خبر دار برای اللہ تعالیٰ فرض و لازم است توجہ
و تضرع و دعای خالص از شرکت غیر - و آن کسانیکہ غیر از اللہ دیگران را کارساز
خود ساختہ و بہ سوی آنها در حاجات و مشکلات توجہ و تضرع میکنند و آنها را
ذریعہ و وسیلہ، تقرب میدانند و میگویند:

کہ ما بسوی اینہا بہ دیگر مرام توجہ و تضرع و تذلل نمیکنیم مگر فقط بہ این
مرام میکنیم کہ اینہا ما را بہ حضور اللہ تعالیٰ مقرب سازند و واسطہ و وسیلہ،
حاجت روائی و مشکل کشائی ماشوند - (اللہ تعالیٰ در تردید دعویہ، شان
میفرماید:) ہر آئینہ اللہ تعالیٰ فیصلہ، عملی را در بین شان میکند در آن بارہ کہ
ایشان با حضرت محمد ﷺ و موحدین در آن اختلاف میکردند (یعنی حضرت محمد
ﷺ ایشان را بہ توحید خالص دعوت میدادند کہ اللہ تعالیٰ را بدون شفعا، و وسطاء
بخواہید و اینہا در آن مخالفت و مجادلہ نمودند) ہر آئینہ اللہ تعالیٰ ہدایت نمیکنند
کسی را کہ دروغگوی باشد در عقائد خود و منکر باشد از توحید اللہ تعالیٰ یعنی
از تنہا ساختن اللہ تعالیٰ بہ توجہ و تضرع انکار میکنند

و در تفسیر روح البیان در ذیل این آیت کریمہ فوق الذکر تحریر فرمودہ: کہ
وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ اَوْلِيَاءَ مَبْتَدَأُ اسْتِ وَخَبِرَ اَنْ مَقْدَرُ اسْتِ كِهٖ عِبَارَتِ اِزْ مَا

اخْلَصُوا الدِّينَ لِلَّهِ - ^{است} پس عبارت عربی چنین میشود: والذین اتخذوا من دونه اولیاء
 ما اَخْلَصُوا الدِّينَ لِلَّهِ یعنی کسانی که غیر از الله تعالی دیگر مددگاران و کارسازان را
 برای خود اختراع کرده و گمان میکنند که اینها سفارشی و واسطه و وسیله مانند
 در حاجت روائی و مشکل کشائی ما پس اینها دین را برای الله خالص نساخته اند
 یعنی در اعتقاد و توجه و زاری و تضرع و دعای آنها شرك است

۲- قُلْ اِنِّي اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ اللّٰهَ مُخْلِصًا لَهٗ الدِّينَ وَاُمِرْتُ لَآ اَكُوْنُ اَوَّلَ

المُسْلِمِيْنَ» سوره زمر آیت ۱۱-۱۲ع ۲

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ): که هر آینه به من امر شده که توجه و تضرع
 (در حاجات و مشکلات) به الله تعالی کنم در حالیکه خالص کننده باشم اعتقاد
 و توجه و تضرع خود را خاص برای الله تعالی و من مامور شده ام که به این مسئله از
 همه اول تر منقاد شوم، (یعنی در دعا و توجه و تضرع و اعتقاد خود کسی را در میان
 نه آرم و نه دیگر کسی را به اعتقاد سفارشی و واسطه و وسیله بخواهم و نه به آن
 عقیده کنم)

۳- قُلْ اِنِّي اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ * قُلْ اللّٰهَ اَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهٗ
 دِيْنِي * فَاَعْبُدُوْا مَا سِئَلْتُمْ مِنْ دُوْنِهٖ قُلْ اِنْ اِلٰهِيْنَ اِلٰهِيْنَ خَيْرٌ وَاَنْفُسَكُمْ وَاَهْلِيْهِمْ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ اِلَّا ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرٰنُ الْمُبِيْنُ»

سوره زمر آیت ۱۳-۱۵ع ۲

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ): که هر آینه من میترسم از عذاب روز بزرگ اگر
 درین موضوع نافرمانی رب خود را بکنم بگو: من تنها به الله تعالی توجه و تضرع

وزاری و دعا میکنم درحالیکه خالص کننده ام برای او اعتقاد و توجه و تضرع خود را پس شما چیزی را که میخواهید غیر از الله تعالی به سوی آن (درحاجات و مشکلات خود) توجه و تضرع کنید - بگو: هرآینه خساره مندان اند آنانیکه به سبب شرك خود را و اهل خود را در روز قیامت خساره مند ساخته خبر دار این خسران اشکارا است

ف : درین آیت به اثبات رسید که اگر کسی الله تعالی را به توجه و تضرع و اعتقاد و دعا و استعانت و استغاثه، خالص نمیسازد بالای او خوف عذاب روز قیامت است و کسی که الله تعالی را تنها به دین خود نمیسازد بلکه به سوی دیگران هم توجه و تضرع و دعا درحاجات و مشکلات میکند پس اینها خود شان و اهل و عیال شان در روز قیامت در خساره و هلاکت واقع میشوند درین آیت به طور واضح فرضیت اخلاص فی الدین ثابت شد و همین است موضوع بعثت حضرت محمد ﷺ.

پس درین سه آیت مراد از اخلاص فی الدین این نیست که ای اهل مکه و ای اهل کتاب شما خو ریا کار و شهرت پسند هستید و من خو مخلص یعنی بی ریا و بی شهرت هستم بلکه مقصد اینکه شما درحاجات و مشکلات خود واسطه ها و وسیله ها و سفارشی ها را اختراع کرده اید و به سوی آن ها توجه و تضرع وزاری و التجاء میکنید و امید شفاعت و وساطت آنها را میکنید، من تنها الله را میخواهم و به وساطت و شفاعت ما سوی الله تعالی هیچ عقیده و امید ندارم.

۴- هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ

* فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلِكُفْرَةِ الْكَافِرُونَ *

سوره، مومن آیت ۱۳ - ۱۴ ع ۲

ترجمه: او تعالی آن ذات منعم است که به شما دلائل اولوہیت خود را نشان میدهد و برای شما از آسمان رزق را نازل میکند و پند پذیر نمیشود به این دلائل و انعامات اللہ تعالی مگر کسی که به سوی اللہ تعالی رجوع و انابت میکند، پس بخواهید اللہ تعالی را (در حاجات و مشکلات خود) در حالیکہ خالص کننده باشید توجُّه و تضرُّع و اعتقاد خود را برای اللہ تعالی اگر چه بد میدانند منکران توحید تنها خواستن اللہ تعالی را.

ف : متوجُّه شوید درین آیت اللہ تعالی به بندگان موحدان و مومنان خود امر فرمود: کہ اللہ تعالی را تنها و خالص بخواهید و کسی را با او به اعتقاد سفارشی و واسطه نخواهید اگر چه منکرین توحید این خالص خواستن اللہ تعالی را بد میدانند پس مشرکین بد بین آن اخلاص نبود کہ در مقابل ریا و شهرت استعمال میشود بلکه بد بین آن اخلاص بود کہ در مقابل توسُّل و تشفُّع و توسط استعمال میشود یعنی مشرکین نفرت از ین میکردند کہ بدون واسطه و سفارشی و وسیله خدا خواسته شود و درین معنای کفر ہم واضح شد چرا کہ کفر تنها این را نیمگوید کہ از وجود اللہ و خالقیت اللہ منکر شود مشرکین مکہ و یہود و نصاری به وجود اللہ و بہ خالقیت اللہ قائل بودند ولیکن از تنها ساختن اللہ بہ توجُّه و تضرُّع و ترک کردن وسائط و شفعا، منکر بودند و توحید اللہ را بد میدانستند.

۵- وَإِذَا غَشِبَهُمْ مَرْجٌ كَالظُّلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ سوره لقمان آیت ۳۲ - ع ۴

ترجمه: وقتیکه مشرکین را چپه های دریاب به مانند سایه بان ها می پوشاند میخواستند الله تعالی را در حالیکه خالص کننده میباشد توجه و تضرع خود را از شرکت دیگری پس چون نجات میدهد ایشان را به خشکی پس بعضی از آنها به عقیده حق میماند.

ونسبت نجات را هم به الله تعالی میکند و انکار نمیکند از دلائل و انعامات ما مگر هر فریب کار و ناسپاس یعنی بعضی از آنها نسبت نجات را به مدد و برکت و حرمت کارساز های اختراعی میکنند و میگویند فلانی ولی و فلانی بابا و فلانی آغا و فلانی شهید و فلانی خواجه و فلانی سید به ما رسید.

ف : درین آیت معنای اخلاص واضح شد چراکه معنای اخلاص این نیست که آنها در دریا الله را بی ریا و بی شهرت خواستند بلکه معنای اخلاص اینکه به کدام سفارشی ها و واسطه ها که آنها عقیده داشتند آنها را با لکلیه ترک کرده تنها الله تعالی را بدون شفاعت و وسطه میخواستند .

۶- اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيْبَاتِ * ذَالِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * سورة مومن آت
ع- ۶۴-۶۵

ترجمه: الله تعالی آن گونه منعم و قار در ذات است که زمین را بری شما آرام گاه و جای قرار ساخته و آسمان را سقف ساخته و به شما صورت انسانی عطا کرده و صورت های شما را خوش نما ساخته و از چیزهای پاکیزه به شما روزی عطا کرده .

این ذات که انعامات و دلائل قدرت او ذکر شد این الله تعالی است و پروردگار شما است پس بسیار صاحب برکات است و بسیار صاحب بزرگی است الله که رب تمام عالمیان است او تعالی همیشه زنده است غیر ازو هیچ کسی لائق و حقدار عبادت و توجُّه و تضرُّع در حاجات و مشکلات نیست پس بخواهید او را در حاجات و مشکلات خود در حالیکه خالص کننده باشید توجُّه تضرُّع و اعتقاد خود را برای الله تعالی چرا که تمام تعریف ها و صفت های خوب برای الله تعالی مختص و لائق است که رب پروردگار عالمیان است.

ف : متوجه شوید که درین آیت خواستن الله را در حاجات و مشکلات بدون وسائط و شفعا و وسیله ها بر انعامات و احسانات خود متفرِّع نمود یعنی در صورتیکه انعامات سماوی و ارضی و جوی و آفاقی و انفسی را تنها الله تعالی به شما ارزانی کرده پس کسی دیگری حق ندارد که در حاجات و مشکلات به او توجُّه و تضرُّع و التجاء کنید چرا که حقدار توجُّه و تضرُّع آن ذات است که همیشه زنده باشد و به هر چیز قدرت مطلقه داشته باشد و در هر ذره ذره تصرف و ملکیت او باشد و این صفت های کمال مخصوص به ذات اقدس او تعالی است .

۷- فَأَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ * لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ * سورة عنكبوت آیت ۶۵- ۷ ع

ترجمه : پس چون در کشتی سوار میشوند و خطره غرق شدن به ایشان مواجه میشود درین وقت میخواهد الله تعالی را در حالیکه خالص کننده میباشد اعتقاد

وتوجُّه وتضرُّع خود را برای الله باز چون نجات میدهد ایشان را به خشکی نا گاه شريك مقرر میکنند با الله تعالی در اداء شکر با انعامات الله در نتیجه کفران میکنند به آن نعمتیکه ما برای شان عطا کرده ایم و تا متمتع شوند چند روز وانجام این کفر و شرک خود را خواهند دانست .

ف : متوجه شوید که درین آیت الله تعالی فرمود : که چون در کشتی سوار میشوند و با خطر مواجه میشوند میخواهند الله تعالی را در حالیکه خالص کننده میباشد توجُّه وتضرُّع خود را برای الله تعالی وشفعاء و واسطه ها و کار سازهای اختراعی خود راترك میدهند پس معنای مخلصین له الدین این نیست که اینها عمل بی ریا و بی شهرت میکنند بلکه معنای اخلاص فی الدین ترك توسل و تشفُّع و توجُّه به کار سازهای اختراعی شان است و چون به خشکی میرسند آیند با الله تعالی شريك مقرر میکنند مقصد این نیست که چون به خشکی می بر آیند با الله تعالی دیگر خالق را مقرر میکنند بلکه مقصد اینکه چون می بر آیند و از خطر ه غرق شدن به امن میشوند نسبت نعمت نجات را به مخلوق میکنند و میگویند که برکت و مدد و حرمت و توجُّه فلان ولی و فلان بزرگ و فلان شیخ بود همین شريك ساختن است با الله تعالی

۸- وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آتَاهُم مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا

فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ * لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ * سوره

روم ع ۴ آیه ع-۳۳ - ۳۴

ترجمه : و چون به مردم کدام تکلیف و تنگی و مصیبت میرسد میخواهند رب

خود را در حالیکه تنها به سوی الله تعالی رجوع و توجّه قلبی میکنند باز چون به ایشان رحمت و آسانی و فراخی میدهد ناگاه يك گروه از ایشان برب خود شريك را مقرر میکنند نتیجۀ شرك شان این می برآید که ما کدام احسان با ایشان کرده ایم کفران و ناسپاسی آن را میکنند پس چندروز از بن کفران خود فائده بگیرد زود است که به بد انجامی این کفر و شرك خود بدانید.

ف : درین آیت نیز معنای اخلاص فی الدین روشن شد چراکه درین آیت به لفظ منیبین الیه تعبیر کرده شد یعنی چون به ایشان کدام مصیبت پیش میشود همه کارسازهای خود را فراموش کرده تنها به سوی الله تعالی متوجّه میشوند و باز چون مصیبت و تکلیف دور میشود نسبت آن را به کارسازهای اخترای میکنند و میگویند که مدد و برکت و توجّه فلان ولی و فلان بابا و فلان آغا و فلان خواجه بود که از غرق شدن نجات یافتیم

۹- هُوَ الَّذِي يُسَبِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَبَ بِهَمِّ بَرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَ تَهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ * فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْتَغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» سوره بونس آت ۲۲-۲۳ ع ۳

ترجمه: همین ا لله تعالی آن گونه ذات منعم وعلیم است که شمارا در خشکی و دریا میگرداند، تا اینکه چون شما در کشتی ها سوار شوید، و کشتی ها به هوای نرم می چلد و شما به رفتار نرم آن خوش میشوید بکدم هوای تندی می وزد و چپه های دریا بالای شما از هر طرف جمع میشود و شما بقیقین میکنید که هلاک شدیم درین

وقت مشرکین میخواستند الله تعالى را بدون شفعا و وسائط و وسیله ها درحالیکه خالص کننده میباشند اعتقاد و توجه و تضرع را برای الله و میگویند که ای الله اگر ازین هلاکت و تباهی مرا نجات دادی ها شکر تو اداء میکنیم پس چون نجات میدهد ایشان را ناگاه در زمین به شرك و کفر بغاوت میکنند.

فائده: درین آیت هم مراد از مخلصین له الدین این نیست که ایشان عمل بی ریا و بی شهرت میکنند، بلکه مطلب همین است که کدام دربارها را که برای خود واسطه ها و وسیله ها و سفارشی ها میدانستند آن همه را در وقت مصیبت و تکلیف فراموش میکنند و اعتقاد و توجه شان از آن همه گشته تنها به دربار يك الله تعالى متوجه و پناه خواه میشوند.

۱۰- وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا

الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمِ» سورهء بینه

ترجمه: و به یهود و نصاری و مشرکین به دیگر سخن امر نشده مگر فقط ازین سخن حکم شده که تنها يك الله را عبادت و توجه و تضرع در حاجات و مشکلات کنید درحالیکه خالص کننده باشید اعتقاد و توجه و تضرع خود را تنها برای الله و از همه دربارها منحرف شده به دربار يك الله متوجه شوید، و پابندی کنید نماز را و بدهید زکوة را و همین توجه و اعتقاد خالص به يك الله دین صحیح و مستقیم است.

ف: درین آیت لفظ حنفاء را هم به همراه آن اضافه نمود حنفاء جمع حنیف است، حنیف به کسی گفته میشود که از همه دربارها ناامید و بی طمع شده تنها يك دربار الله تعالى را به قوت و مضبوطی بگیرد.

۱۱- فَأَتِمُّوْا رِجَالَكُمْ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ
 اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيُّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ * مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا
 الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ *

سوره، روم آیت ۳۰-۳۱

ترجمه : (وقتیکه این مضمون در سابق گذشت که تمام مخلوقات مملوک الله
 تعالی است و او تعالی مالک همه مخلوقات است و هیچ کسی را در کائنات خود
 شریک نساخته) پس تو روی دل خود را برای اعتقاد کردن و توجه و تضرع
 در حاجات و مشکلات مستقیم سازید در حالیکه از تمام در بارها منحرف شده به
 دربار يك الله چنگ زیند چراکه این اعتقاد و توجه به يك دربار آن اعتقاد فطری
 است که الله تعالی تمام انسانها را به این اعتقاد فطری پیدا کرده و درین اعتقاد
 فطری تبدیلی و تغیر بکار نیست (یعنی چون انسانها گرفتار مصائب و شدائد
 میشوند ناچار شده به يك دربار الله به خلوص دل متوجه میشوند) همین توجه
 و اعتقاد خالص بريك الله و ترك نمودن تمام کار سازها و شفعا و وسائط و وسائل
 اختراعی دین درست و مستقیم است ولیکن اکثر مردم نمیدانند (پس به وجد نادانی
 به دیگر دربارها هم توجه و اعتقاد میکنند) پس شما به يك دربار متوجه شوید در
 حالیکه تنها به الله تعالی رجوع کنان باشید. و در توجه به سوی دیگران بترسید که
 عذاب به شما نرسد و نماز را پابندی کرده و به صورت صحیح بخوانید و از شرک کنند
 گان نشوید یعنی با او تعالی دیگر کسی را به اعتقاد سفارشی و واسطه و وسیله
 نخواهید که این طریقه، مشرکین است.

ف : متوجه شوید که درین آیت اللہ تعالیٰ ارشاد فرمود : که در حاجات و مشکلات تنها به اللہ تعالیٰ توجُّه و تضرُّع و اعتقاد کردن دین فطری است . چرا که در خلقت هر انسان بود یعت نهاده شده که چون در عالم اسباب نا امید میشود دل او به يك قوت و قدرت غیبی متوجُّه میشود و این قوت و قدرت غیبی تنها از اللہ تعالیٰ است پس اگر کسی در حاجات و مشکلات خود تنها به اللہ تعالیٰ متوجه شود دین قیم را اختیار نمود و اگر به در بارهای غیر اللہ متوجه شود پس دین فطری را تغیر داد و ناکام شد .

۱۲- فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ

بُصْدَعُونَ * سوره روم آیت ۴۳- ۴۴

ترجمه : (پس چون از بیان سابق این سخن واضح شد که مردم سابقین بسیاری شان با اللہ تعالیٰ شریک ساخته بودند در توجُّه و تضرُّع خود و به این وجه هلاک شدند) پس شما روی دل خود را برای دین در ست متوجه سازید و آن عبارت از توجُّه و تضرُّع است در حاجات و مشکلات به سوی يك ذات توانا و دانا و بینا پیش از آمدن آن روز یکه از آن خلاصی نیست و در آن روز همه اهل محشر باهم جدا جدا میشوند

۱۳- قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ

وَاسْتَغْفِرُوا * وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ * سوره حم سجدہ

ترجمه : بگوای محمد (ﷺ) : که من به مثل شما بشر هستم و به من این وحی میشود که سخن همین است دیگری نیست که لائق و مستحق عبادت و بندگی

وَجای تو جُه و تَضْرَعُ شَمَا در حاجات و مشکلات مستحق يك است پس به سوی او در تمام حاجات و مشکلات خود مستقیماً بدون واسطه ها و وسیله ها و سفارشی ها متوجه شوید و از حرکات و اقوال مشرکانه، خود از الله تعالی امرزش بخواهید و اگر ازین رویه، مشرکانه خود باز نیائید پس برای مشرکین عذاب سخت است .

ف : یعنی کدام کسانی که مستقیماً و بدون وسائط و بدون وسیله ها و سفارشی ها به الله تعالی متوجه نمیشوند و به تخمین و گمان خود کارسازهای اختراعی را اتخاذ نموده اند اینها مشرکین اند و برای مشرکین عذاب سخت است .

۱۴ - شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ * سوره، شوری ع ۲ آیت ۱۳

ترجمه : الله تعالی مقرر کرده برای شما آن اعتقاد را که نوح علیه السلام را به آن امر تا کیدی نموده بودیم . و آنچه به شما وحی کرده ایم و آنچه امر تا کیدی نموده بودیم حضرت ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام را و آن اینکه تو جُه و اعتقاد دل خود را در تمام حاجات و مشکلات به سوی يك الله کنید و دران فرقه فرقه و گروه گروه نشوید . (که بعض يك مخلوق را مستحق تو جُه ساخته و بعض مخلوق دیگر را جای تو جُه و تَضْرَعُ ساخته) بر مشرکین ثقیل و نا گوار است آنچه شما ایشان را به سوی آن میخواستید یعنی شما ایشان را به توجُه و اعتقاد خالص به الله تعالی دعوت میدید این سخن بالای مشرکین بسیار ثقیل و نا گوار تمام میشود نمیخواهند که

اللہ را بہ توجُّہ و تضرُّع خود خالص سازند بلکہ غیر خدا را سفارشی و واسطہ دانستہ در حاجات و مشکلات میخواستند . و این اختیار اللہ تعالی است کہ کسی را کہ بخواہد بہ رتبہ ، بلندی منتخب میسازد و ہدایت میدہد کسی را کہ بہ اللہ تعالی رجوع میکند

۱۵- قُلْ نَأْيُهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَّقُوا كُمْ وَأَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ *

سورہ ، یونس ع ۱۱ آیت ۱۰۴ - ۱۰۵

ترجمہ بگو ای محمد (ﷺ) : کہ اگر شما دربارہ ، دین و عقیدہ ، من در شک ہستید پس بشنوید کہ من عبادت و توجُّہ و زاری و التجاء نمیکنم بہ آن کسانی کہ شما بہ آن عبادت و توجُّہ و تضرُّع و التجاء میکنید بہ غیر از اللہ تعالی ولیکن بہ آن اللہ تعالی عبادت و توجُّہ و تضرُّع و التجاء میکنم کہ روحهای شما راقبض میکند و بہ من امر شدہ کہ من بہ تنها نی اللہ تعالی در الوہیت ایمان آرم و بہ من این امر شدہ کہ من اعتقاد و توجُّہ دل خود را بہ تنها کردن اللہ تعالی در استحقاق توجُّہ و تضرُّع مستقیم سازم در حالیکہ از تمام دربارہا منحرف شدہ و بہ یک دربارعالی اللہ تعالی چنگ زنم و بہ من حکم شدہ کہ از جملہ ، مشرکین نشوم . یعنی از جملہ ، آن کسان نشوم کہ در خواستن و زاری و دعا با اللہ تعالی دیگر سفارشی ها و واسطہ ها و وسیلہ ها را اتخاذ نمودہ اند

۱۶- وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ * يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا

تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ * سوره بقره آیت ۱۳۲

ترجمه : وبه همین عقیده توحیدی وصیت کرده حضرت ابراهیم علیه السلام به پسرهای خود و حضرت یعقوب علیه السلام هم همین وصیت نموده بود که ای پسران من هر آینه الله تعالی برای شما اعتقاد توحید را اختیار نموده که در حاجات و مشکلات تنها به الله تعالی توجه و تضرع کنید و کسی را با او در توجه و تضرع خود به اعتقاد سفارشی و واسطه شریک نسازید و هوش کنید به غیر از بن اعتقاد توحیدی به دیگر اعتقاد نه بگیرید . پس مراد از دین اعتقاد

توحید خالص از شرک است و مراد از اسلام انقیاد به همین اعتقاد توحیدی است

۱۷ - قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ

لَهُ مُخْلِصُونَ» سوره بقره ع ۱۶ آیت ۱۳۹

ترجمه : بگوای محمد (ﷺ) : که آیا شما به همراه ما در خالص کردن الله به توجه و تضرع مجادله میکنید . ؟ حال آنکه او تعالی رب ما هم است و رب شما هم است و برای ما نتیجه عملهای ما است و برای شما نتیجه عملهای شما است ولیکن ما با لای شما این برتری داریم که ما توجه و تضرع و عبادت و دعای خود را برای الله تعالی خالص ساخته ایم . و کسی را با او به اعتقاد سفارشی و واسطه و وسیله نمیخواهیم چطور بکه شما عیسی و عزیز و مریم را واسطه و سفارشی خود ساخته اید .

ف : متوجه شوید که درین آیت معنای (وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ) این نیست که

ما عمل کنندگان بی ریا و بی شهرت هستیم بلکه مطلب اینکے شما در دعاہای خود عیسیٰ و مریم و عزیز را سفارشی و واسطہ و وسیلہ قرار دادہ اللہ تعالیٰ را میخواستید ما چنین نمیکنیم بلکہ ما در حاجات و مشکلات خود خالص بہ سوی اللہ تعالیٰ بدون سفارشی ہا و واسطہ ہا توجہ و تضرع میکنیم ما بالای شما این فضیلت داریم .

۱۸- اِنِّیْ وَجْہْتُ وَجْہِیْ لِلدِّیِّ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا وَمَا اَنَا مِنَ

المُشْرِکِیْنَ * سورہ انعام ع ۹ آیت ۸۰

ترجمہ : (این قول حضرت ابراہیم علیہ الصلاۃ ولسلام است کہ بہ قوم خود بعد از بطلان الوہیت ستارہ ہا و آفتاب و مہتاب و الوہیت تمام غیر اللہ گفتہ) : بہ تحقیق کہ من در تمام حاجات و مشکلات خود بہ آن ذات قادر و توانا و دانا و بیناروی خود را متوجہ کردہ ام کہ آسمانها و زمین را پیدا کردہ در حالیکہ از تمام دربارها منحرف شدہ بہ دربار یک اللہ چنگ زدہ ام و بہ ما نند شما در توجہ و زاری خود کسی را بہ اعتقاد سفارشی و واسطہ و وسیلہ با اللہ شریک نمیسازیم .

۱۹- قُلْ اَمْرٌ رَبِّیْ بِالْقِسْطِ وَاَقِیْمُوا وُجُوْہَکُمْ ہِنْدًا کُلُّ مَسْجِدٍ وَاذْعُوْہُ

مُخْلِصِیْنَ لَہُ الدِّیْنِ کَمَا بَدَءَ کُمْ تَعُوْذُوْنَ * سورہ اعراف ع ۲۹

ترجمہ : بگوای محمد (ﷺ) : کہ امر فرمودہ رب من بہ عدل (کہ در حق اللہ تعالیٰ ہم ظلم نکنید و در حق مخلوق ہم ظلم نکنید) و روی ہای دلہای خود را درہر عبادت و دعا و زاری بہ طرف اللہ تعالیٰ متوجہ سازید . و بخواہید اورا در حاجات و مشکلات خود در حالیکہ اعتقاد و توجہ شما خالص بہ سوی اللہ تعالیٰ

باشد و کسی را با او در توجُّه و تضرُّع به اعتقاد سفارشی و واسطه و وسیله شریک
 نسازید چطور بکه در ابتدا شما آفریده هم چنین دوباره به زندگی جدید عود میکنید
 . برادران عزیز ! این نوزده آیت دلائل امام اعظم رحمه الله است درین مسئله که
 در دعا کردن کسی را شفیع و وسیله ساخته به خاطر و روی او و حرمت و جاه و حق او
 سوال کردن جائز نیست چرا که درین آیت ها این سخن بار بار ذکر شد که الله تعالی
 را بخواهید در حاجات و مشکلات خود ولیکن دیگر کسی را به اعتقاد سفارشی
 و واسطه و وسیله با او شریک نسازید اگرچه خالص خواستن الله تعالی بدون شفعا
 و وسائط و وسیله ها بالای مشرکین بسیار ثقیل و نا گوار میخورد و مشرکین هم همین
 عادت شان است که چون در دریا کشتی شان طوفانی میشود چپه های دریا ایشان
 را احاطه میکند تمام سفارشی ها و واسطه ها و وسیله ها و کار سازهای اختراعی را
 فراموش کرده الله تعالی را بدون سفارشی ها و واسطه ها میخوانند و میگویند که
 ای الله اگر ازین طوفان ما را نجات دادی پس ما تنها شکر ترا اداء میکنیم
 و دیگر کسی را نمیخواهیم و نسبت نعمت را هم تنها به تو میکنیم لیکن الله تعالی
 میفرماید و در چند مقامات فرموده که چون من ایشان را از مصیبت و طوفان نجات
 میدهم بامن شریک را مقرر میسازند و نسبت نعمت را به فضل و احسان من نمیکنند
 بلکه میگویند که این تو جُّه و برکت و مدد و نظر فلانی ولی و فلانی شیخ و فلانی بابا
 و فلانی خواجه و فلانی آنما بود .

در تفسیر روح المعانی تحریر فرموده : که مسلمانان جاهل این زمانه از مشرکین
 اهل مکه هم زیاده تر در گمراهی اند چرا که مشرکین اهل مکه در وقت مصیبت

وہلاکت تمام دربارہای غیر خدا را فراموش می کردند و میگفتند اخلصوا اخلصوا .
 یعنی اللہ تعالیٰ را خالص وبدون شریک بخواهید لیکن جاهلان این زمانہ در وقت
 مصیبت و پریشانی ہم اللہ تعالیٰ را بالکل فراموش میکنند و صدای شان و فریاد
 شان بہ سوی غیر اللہ تعالیٰ میباشد و میگویند : یا سخی یا پیران پیر صاحب یا
 خواجه صاحب و یا غوث الاعظم دستگیریا چار بار بار رسول اللہ یا علی یا حسین
 پس بدانید کہ این مسکینان از اہل مکہ ہم زیادہ تر در شرک واقع اند

بدانکہ معنای مخلصین لہ الدین ہمین است کہ در حاجات و مشکلات اللہ
 تعالیٰ را بخواهید درحالیکہ بہ سفارشیان و واسطہ ہا و وسیلہ ہا توجہ و اعتقاد شما
 نباشد بہ این سبب فرمود : حنفاء یعنی از تمام دربارہا منحرف شدہ بہ درباریک ذات
 قادر و خالق و مالک متوجہ شوید . و باز این را ہم فرمود : کبر علی المشرکین ما
 تدعوہم الیہ یعنی بر مشرکین بسیار ثقیل و نا گوار تمام میشود آن مسئلہ کہ شما
 ایشان را بہ سوی آن میخواستید کہ آن عبارت از توجہ و تضرع و دعای خالص از
 شرکت غیر اللہ است .

بدانکہ شرک این را نمیگوید کہ آنها بہ خالق و خدای دوم قائل میشدند شرک
 آنها ہمین بود کہ اللہ تعالیٰ را بہ حق و حرمت و روی و خاطری عیسی و عزیر و مریم
 و ملائک و انبیاء و اولیاء میخواستند چون بہ آنها گفتہ میشد کہ اینها مالک نفع
 و ضرر نیستند در جواب میگفتند : هؤلاء شفعاؤنا عند اللہ و ما نعبدہم الا
 لیقریبونا الی اللہ زلفی واتخذوا من دون اللہ الہة لیکونوا لہم عزا*

درین آیت ہا این سخن واضح شد کہ اینها بہ ما سوی اللہ تعالیٰ توجہ و زاری

برای همین مقصد میگردند که اینها سفارشی و واسطه و وسیله، قربت و حاجت روائی
مانند .

وهمین است معنای **إِلَهٍ سَاخَتِنِ إِلَهٍ هِرَّانٍ** چیزی را میگوید که مردم در حاجات
و مشکلات به سوی آن توجه و تضرع میکنند به اساس این اعتقاد که ابر را تسلط
و تصرف غیبی در کائنات حاصل است استقلالاً یا واسطه یا شفاعت کذا فی اسالیب
القرآن . پس هر کسیکه به کدام نبی و یا ولی و یا ملک و یا پیر و فقیر و یا مسحابی
و شهید صدا و نداء میکند به این عقیده که این وسیله و واسطه و سفارشی من است
در حاجت روائی و نداء و صدای مرا می شنود و او را تسلط و تصرف غیبی حاصل است
در دور کردن تکلیف و جلب کردن منافع پس همین است **إِلَهٍ سَاخَتِنِ** و همین است بالله
تعالی شریک مقرر کردن .

و دلیل آن این آیت کریمه است: **وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ
يُعْكَفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُم آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ
تَجْهَلُونَ** * سورة اعراف آیت ع ۱۳۸

ترجمه: وگذاشتیم بنی اسرائیل را بر دریا پس گذر بدند بر بیک قومی که توجه
و زاری میکردند به بت ها به اثر این بنی اسرائیل به موسی علیه السلام گفتند: که
برای ما هم کدام چیزی را مقرر کن که به آن توجه و زاری کرده تا برای ما ذریعه،
تقرب و توسل گردد موسی علیه السلام برای شان گفتند: که هر آینه شما قوم نادان
هستید

پس درین آیت مراد از **إِلَهٍ** این نیست که برای ما خدا جور کن بلکه مقصد شان

این بود که برای ما يك چیزی را مقرر کن که بذریعه آن در نزد الله تعالی مقرب شویم و در حاجات و مشکلات آنرا واسطه بسازیم کذا فی معالم التنزیل پس به این وجه امام اعظم صاحب رحمة الله علیه فرموده: که لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَدْعُوا اللَّهَ إِلَّا بِهِ یعنی این حلال و روا نیست که کسی الله تعالی را میخواهد به خاطر و حرمت و جاه و حق و روی کسی چرا که این شریک ساختن است با الله تعالی در توجّه و زاری و این حرام است به دلیل این قول الله تعالی «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَإِلْتِمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» سوره اعراف ع ۴ آیت ۳۳

ترجمه: بگو ای محمد (ﷺ): که به تحقیق حرام گردانیده رب من کارهای بی حیائی آنچه به ظاهر باشد و با باطن و حرام گردانیده گناه را و ظلم و تعدی را به ناحق و حرام گردانیده این را که با الله تعالی چیزی را شریک سازید در الوهیت وی که کدام دلیل به آن نازل نکرده و حرام گردانیده این را که بر الله تعالی بسته کنید آن سخنانی که شما را به آن علم و تحقیق نیست.

بدانکه سخنهاى بی سند مشرکین همین بود که در حاجات و مشکلات خود با الله تعالی انبیا، و اولیا، و ملائکه و جن را میخواستند و دعوه، میکردند که اینها سفارشی و واسطه ها و وسیله های ما اند و بر الله تعالی افتراء میکردند که الله تعالی به این انبیا، و اولیا، و ملائکه و کارسازهای اختراعی ما در کائنات اختیار و تسلط غیبی و مقام سفارش داده، بر الله تعالی هم دروغ میگفتند و بر بنده های صالح هم دروغ میگفتند

سوال: مقصد از بعثت انبیا کرام علیہم السلام چیست؟

جواب: مقصد از بعثت انبیا کرام علیہم السلام توحید الوہیت است.

سوال: بہ کدام آیت این مسئلہ ثابت شدہ؟

جواب: ارشاد خداوند متعال جل جلالہ است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ

إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ»

سورہ انبیا ۲۵

سوال: مقصد از بعثت حضرت محمد (ﷺ) چیست؟

جواب: مقصد از بعثت حضرت محمد (ﷺ) توحید الوہیت است.

سوال: بہ کدام آیت ثابت شدہ؟

جواب: ارشاد خداوند جل جلالہ است: «قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُمُ إِلَهُ

وَاحِدٌ * فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» سورہ انبیا آیت ۱۰۸

سوال: مقصد از نزول قرآن کریم چیست؟

جواب: مقصد از نزول قرآن کریم توحید الوہیت است.

سوال: این مسئلہ بہ کدام آیت ثابت شدہ؟

جواب: ارشاد اللہ تعالیٰ است: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ

إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» سورہ ابراہیم ۵۲

سوال: توحید الوہیت چہ معنا دارد؟

جواب: توحید الوہیت این را میگوید: کہ اللہ تعالیٰ را تنها مستحق توجہ

وتضرع در حاجات ومشکلات بسازند ودر حاجات ومشکلات بہ سوی غیر اللہ تعالیٰ

توجُّه و تضرُّع والتجاء و امید نباشد.

مشرکین مکہ میگفتند کہ بہ سوی ملائکہ و انبیاء و اولیاء و جن و بت ہا و ستارہ ہا بہ این عقیدہ توجُّہ و تضرُّع و التجاء میکنیم کہ اینہا شفاعت ما در حاجات روائی و مشکل کشائی میکنند، اللہ تعالیٰ فرمود: **«قَادِعُوا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَكُوْرَ كِرَةِ الْكَافِرُونَ»**

سورہ، مؤمن آیت ع

بمعنی اللہ تعالیٰ را در حاجات و مشکلات خود بخواید در حالی کہ توجُّہ و تضرُّع شما خالص بہ اللہ تعالیٰ باشد و کسی را با او در توجُّہ و تضرُّع خود شریک نسازید، اگرچہ مشرکین ابن خالص خواستن اللہ را بد میدانند، و قال في صيانة الإنسان: والسابع أن يقول: اللهم إني أسألك بحق فلان عبدك أوبجاهه أو حرمة فعد الحنابلة في أصح القولين أنه مكروه كراهة تحريم ونقل القدوري وغيره من الحنفية عن أبي يوسف أنه قال: قال أبو حنيفة رحمه الله لا ينبغي لأحد أن يدعو الله إلا به و ذكر العلاتي في شرح التنوير عن التتارخانية عن أبي حنيفة أنه قال: لا ينبغي لأحد أن يدعو الله سبحانه إلا به وفي جميع متونه أن قول الداعي المتوسل بحق الأنبياء والأولياء وبحق البيت الحرام وبحق المشعر الحرام مكروه كراهة تحريم وهي كخر في العقوبة بالنار عند محمد (رح) ص ٢٠٧

نصرت و حفاظت دین حق فرض است

برادران اسلام: چطوریکہ ایمان فرض است و عبادت خالص بہ اللہ تعالیٰ فرض است ہم چنین نصرت و حفاظت و اشاعت دین حق فرض است، چرا کہ اللہ تعالیٰ

۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّنْتَ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيْدِنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَاصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» سورة صف ع ۲
آیت ۱۴

ترجمه: ای مومنان مدد گاران الله تعالى شوید چطوریکه عیسی پسر مریم به حواریین گفت: که کیست مددگار من در دعوت به سوی الله حواریین گفتند: که ما مددگاران الله تعالى هستیم پس يك طائفه از بنی اسرائیل ایمان آوردند «وپیروی عیسی علیه السلام درباره دعوت إلى الله کردند» ویک طائفه انکار ورزیدند پس کدام طائفه، یکه ایمان آوردند تقویت و مدد شان را کردیم درمقابل دشمن شان پس بر دشمن خود غالب شدند.

ف: درین آیت کریمه الله تعالى به همه مسلمانها و مومنان خطاب کرده که مدد و نصرت دین حق را بکنند، بدانکه مدد و نصرت دین حق به چند قسم است اول اینکه به وحدانیت الله در الوهیت و به صفات او ایمان آرد و قانون و احکامات او را معلوم کرده به آن عمل کند و عظمت و کبریائی او و وحدانیت او در الوهیت و ربوبیت او در هر مقام و موقع بیان کند، و فوائد و فضائل بجا آوری احکامات الهیه را و ضرر و نقصانات خلاف ورزی از نواهی و وعید و ناکامی در آن بیان کند و اگر درین راه کدام ناگورای و مشقت و زحمت به پیش آید بر آن صبر کند.

دوم قسم مدد و نصرت دین حق اینکه اگر قدرت و طاقت دارد و خلاف دین اسلام

کدام کاری را ببیند قدرت و طاقت خود را در ممانعت آن منکر استعمال کند، واگر کسی در ممانعت منکرات سعی و کوشش میکند امداد و اعانت او را کند و همکاری و همراه گری حق و مخالفت و مقابلهء باطل را باید کند.

سوم: قسم مدد و نصرت دین حق اینکه در مقابل مخالفین دین اسلام قتال کند و به جان و مال و به زبان و قدم و قلم مقابلهء کفو و شرک و بدعات و خرافات و فسق و فجور و ظلم و فواحش و معاصی و معازف و ساز و سرود کند.

چهارم قسم مدد و نصرت دین اسلام اینکه برای اصلاح و تربیت و بیداری مسلمان ها از تبلیغ و ترغیب و ترهیب و تذکیر کار بگیرد و درین باره مال خود را خرج کند و از کسی طمع و توقع و سوال نکند چرا که حضرات انبیاء کرام تبلیغ و تذکیر نموده اند و از مردم تنخواه و مزدوری نه گرفته اند، و هر کدام شان گفته: **وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ** سورهء الشعراء

ترجمه: یعنی من از شما در عوض این تبلیغ هیچ اجر و مزدوری نمیخواهم و نیست مزدوری من مگر بر رب العالمین است.

و برای مسلمان باید که یقین داشته باشد که چون من مدد و نصرت دین اللہ تعالی را میکنم اللہ تعالی خواه مخواه مدد و نصرت مرا میکند اللہ تعالی ارشاد فرموده:

«وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ الدِّينِ إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ * وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

سورهء حج ع ۶ آیت ۴۰ - ۴۱

ترجمہ: وسوگند به ذات من که هر آینه ^{مدد} میکند الله آن کسی را که مدد و نصرت

او را میکند هر آینه الله تعالی قوی و غالب است، ومددگار دین الله کیستند؟

آنان که چون ایشان را در زمین قدرت و طاقت و سلطنت و آزادی میدهیم ایشان

پابندی نماز را میکنند و زکوة میدهند و امر به معروف میکنند و نهی از منکر میکنند

و خاص به الله تعالی عاقبت تمام کارها است.

۲- يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ

ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

ترجمہ: این نصیحت حضرت لقمان حکیم علیه السلام است به پسر خود: ای

پسر پابندی کرده باش نماز را و امر به نیکی کرده باش و از منکر منع کن و صبر کن

به آن چه به تو برسد هر آینه این کارها از کارها ضروری و مهم است.

اقامت نماز اینک به وقت خود با جماعت و با رکوع و سجده، کامل و با قراءت

صحيح و با خشوع و با خضوع و با یاد الله تعالی و با یقین صحيح و با استحضار

فضائل نماز و با مراعات سنت ها و آداب و مستحبات خوانده شود.

امر بالمعروف: اینک فضائل ارکان اسلام بیان کرده شود و حضرت ابن عباس

رضی الله عنهما فرموده: که بزرگ ترین معروفات کلمه، طیبه کلمه، توحید است،

و بعد از کلمه رکن اهم و نشانه اسلام نماز است و زکوة است، و علم دین علم قرآن

و حدیث و علم احکام و تلاوت قرآن و ذکر الله تعالی تسبیح و تحمید و تمجید تکبیر

و تهلیل، و اخلاق حسنه و حسن معامله و حسن معاشره، و اخلاص و صداقت، امانت

عدالت سخاوت و عفت و روزه و صدقه، صلہ، رحمی احسان با پدر و مادر شفقت

و ترجم بایتیمان و مساکین و حسن سلوک با رسته داران و اقارب و و حسن سلوک با همسایه گان این همه از معروفات است.

نهی عن المنکر: اینکه کدام عقاید و اعمال و افعال و اخلاقی که آنرا الله و رسول بد گفته از آن مردم را منع کن بزرگترین منکر و کبائر شرک و کفر و الحاد و بدعات و خرافات، ظلم، و ستم، سود، دزدی زنا، لواطت، دروغ، خیانت، رشوت، بخل، غیبت، تهمت، غلول، یعنی خیانت در مال اجتماعی مثل مال غنیمت و مال مدرسه و مال مسجد یا مال بیت المال و خوردن مال یتیم و بیوه ها و وعده خلافی و فرق درین دو زن و شاهی دروغ و ساز و سرود و رقص و غزل خوانی و سحر و جادو کردن. و عکاسی و تصویر کشی و دیدن سینما و تلویزن و وسایل این همه گناهای کبیره است.

بدانکه بعض مردم علم هم دارند و قدرت هم دارند و باز هم در تغیر منکرات و ممانعت آن غفلت و چشم پوشی میکنند و از جهت خوف به و جاهت خود وفوت شدن منافع دنیا حق را بیان نمیکند، و بر هیچ منکر و هیچ خلاف ورزی شریعت انکار نمیکند این ها نهایت مجرم و مورد عتاب و عذاب اند درباره علماء حق پوش ارشاد است: « **إِنَّ الدِّينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ** * إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُ فَأُولَٰئِكَ أَثُوبٌ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ » سوره بقره آیت.

ترجمه: هر آینه آن کسانی که می پوشانند آن چیز را که ما نازل کرده ایم از احکامات روشن و هدایت بعد از آنکه ما بیان کرده ایم برای مردم در کتاب این

کسانی اند که اللہ تعالیٰ بالای شان لعنت میکند و لعنت کنندگان هم بالای شان لعنت میکند به غیر از کسانی که توبه کردند و اصلاح کردند عمل خود را و بیان کردند آنچه پوشانیده بودند پس بر این ها بر مهربانی میگردم و من توبه قبول کننده و مهربان هستم.

(در پشت هر مسلمان نماز میشود)

۱- عن وائلة رضی اللہ عنہ قال: قال رسول اللہ ﷺ لا تُكْفَرُوا أَهْلَ مِلَّتِكُمْ وَإِنْ عَمِلُوا الْكِبَائِرَ وَصَلُّوا خَلْفَ كُلِّ إِمَامٍ وَصَلُّوا عَلَى كُلِّ مَيِّتٍ وَجَاهِدُوا مَعَ كُلِّ أَمِيرٍ»
رواه ابن النجار كنز العمال.

ترجمه: حضرت وائله رضی اللہ عنہ میفرماید: که رسول کریم ﷺ فرموده اند که اهل ملت خود را کافر نکنید اگرچه مرتکب گناه کبیره باشد و در پشت هر امام نماز بخوانید و بالای هر مُرده نماز جنازه بخوانید و با هر امیر جهاد کنید.

۲- عن عائشة رضی اللہ عنہا قالت: قال رسول اللہ ﷺ لا تُكْفَرُوا أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ بِذَنْبٍ وَإِنْ عَمِلُوا الْكِبَائِرَ وَصَلُّوا مَعَ كُلِّ إِمَامٍ وَجَاهِدُوا مَعَ كُلِّ أَمِيرٍ»
رواه الطبرانی في الأوسط كنز العمال ص ۲۱۵ ج ۱

ترجمه: حضرت عائشه رضی اللہ عنہا میفرماید: که رسول کریم ﷺ فرموده اند که هیچ یکی از اهل قبله را کافر نگوئید به سبب گناه، اگرچه مرتکب گناه کبیره باشد و نماز در پشت هر امام بخوانید و با همراه هر امیر جهاد کنید.

۳- وعن ابن مسعود رضی اللہ عنہ قال: قال رسول اللہ ﷺ ثلاث من السنة الصلاة خلف كل امام لك صلواتك وعليه اثمه، والجهاد مع كل أمير لك جهادك

وعليه شره، والصلوة على كل ميت من أهل التوحيد وإن كان قاتل نفسه»

رواه الدارقطني والديلمی کنز العمال ص ۲۱۶ - ۲۱۷

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه میفرماید: که نبی کریم ﷺ ارشاد فرموده اند: که سه کار از سنت است (یعنی این تعلیم و هدایت در دین اسلام) است: که نماز را در پشت هر امام مسلمان بخوانید برای تو ثواب نماز تو است و اگر در او کدام نقصان باشد پس گناه آن بالای خود او است، و جهاد را با همراه هر امیر کرده باش برای تو ثواب جهاد تو است و اگر در او کدام خرابی و شرارت باشد پس ضرر او بالای خود او است، و نماز جنازه را بالای هر مرده از اهل توحید بخوانید اگرچه قاتل خود باشد.

(قول امام طحاوی حنفی)

ونرى الصلاة خلف كل برّ وفاجرٍ من أهل القبلة وعلى من مات منهم (عقیدهء

طحاویہ ص ۳۶۵ طبع لاهور

ترجمه: یعنی عقیدهء ما حنفیان است که نماز در پشت هر خوب و بد میشود از

اهل قبله وهم چنین نماز جنازه بالای هر يك از اهل قبله جائز است.

لما روی البخاری عن أبي هريرة رضي الله عنه أن رسول الله ﷺ قال: يصلون لكم

فإن أصابوا فلکم وإن أخطأوا فلکم وعليهم» به دلیل آن حدیثیکه ابوهریره رضی

الله عنه آن را روایت کرده: که رسول کریم ﷺ فرموده اند: که امامان به شما نماز

میدهند پس اگر نماز را به وجه کامل خواندند پس برای شما کامل است و اگر ناقص

خواندند پس برای شما نماز کامل است و نقصان و ضرر ناقص بودن آن بالای خود

آنها عائد است.

و در روایت امام احمد از عقبه بن عامر رضی الله عنه وارد شده: که رسول کریم صلی الله علیه و آله فرموده اند: من أم قوما فان أتم فله التمام ولهم التمام وإن لم يتم فلهم التمام وعليه الإثم.

یعنی اگر کسی به کدام قوم نماز بدهد و تمام شرائط و آداب را لحاظ کرده نماز بوجه کامل خواند پس برای امام هم نماز کامل است و برای مقتدیان هم نماز کامل است، و اگر نماز را بوجهء کامل نخواند پس برای مقتدیان ثواب نماز کامل است و گناه ناقص بودن آن بالای امام عائد است.

وقول حضرت عثمان رضی الله عنه است: که نماز بهترین عملهای مردم است و قتیکه مردم عمل خوب را میکردند پس شما هم همراه آنها عمل خوب را بکنید و اگر عمل بد را میکردند از آنها اجتناب کنید و در عمل بد شرکت نکنید رواه البخاری مشكوة

تفصیل این موضوع در کتاب تحقیق وافر موجود است، مراد از ینکه در پشت هر کس نماز میشود اهل سنت و جماعت است چراکه در پشت اهل تشیع به اتفاق اهل سنت نماز نمیشود،

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله و أصحابه
أجمعین

تعداد مسلسل	موضوع	صفحة
۱	باعث تالیف	۱
۲	باب اول در بیان اساس و بنیاد مذهب امام اعظم رحمة الله عليه	۲
۳	روایت ها از امام اعظم رحمه الله در شرح منار و روضة العلماء	۷
۴	باب دویم در بیان ایمان	۱۰
۵	دلیل اول از قرآن به اینکه مشرکین به وجود الله تعالی و خالقیت او ایمان داشتند	۱۲
۶	دلیل دوهم	۱۳
۷	دلیل سوم	۱۳
۸	دلیل چهارم	۱۴
۹	دلیل پنجم	۱۵
۱۰	دلیل ششم	۱۶
۱۱	دلایل اینکه ایمان عبارت از چه است؟	۲۲
۱۲	دلیل اول	۲۲
۱۳	دلیل دوهم	۲۵
۱۴	دلایل اینکه قوم ابراهیم هم به وجود و خالقیت الله تعالی قائل بودند	۲۷
۱۵	اعلانات حضرت محمد صلی الله علیه وسلم درباره وحدانیت الله تعالی در الوهیت	۳۲

صفحه	موضوع	تعداد
۳۲	اعلان اول	۱۶
۳۲	اعلان دوم	۱۷
۳۳	اعلان سوم	۱۸
۳۳	اعلان چهارم	۱۹
۳۳	اعلان پنجم	۲۰
۳۴	اعلان ششم	۲۱
۳۴	اعلان هفتم	۲۲
۳۴	اعلان هشتم	۲۳
۳۵	اعلان نهم	۲۴
۳۵	اعلان دهم	۲۵
۳۵	اعلان یازدهم	۲۶
۳۶	اعلان دوازدهم	۲۷
۳۶	اعلان سیزدهم	۲۸
۳۷	اعلان چهاردهم	۲۹
۳۷	اعلان پانزدهم	۳۰
۳۸	اعلان شانزدهم	۳۱
۳۸	اعلان هفدهم	۳۲
۳۸	اعلان هجدهم	۳۳

تعداد	موضوع	صفحه
۳۴	اعلان نوزدهم	۳۹
۳۵	معنای الہ	۴۲
۳۶	معنای کلمہء طیبہ	۴۲
۳۷	عبادت فطری	۴۲
۳۸	عبادت تشریحی تعلیمی	۴۴
۳۹	فرق در بین عبادت و بندگی	۴۴
۴۰	فرق در بین اللہ والہ	۴۵
۴۱	تعریف الہ	۴۶
۴۲	الہ بہ سہ گونه است	۴۸
۴۳	الہ تکوینی	۴۸
۴۴	الہ تشریحی	۴۹
۴۵	الہ طاغوتی	۴۹
۴۶	شرائط توحید	۵۰
۴۷	نواقض التوحید	۵۱
۴۸	فرضیت ایمان بہ صفات اللہ جل جلالہ	۵۲
۴۹	دلیل اول	۵۲
۵۰	دلیل دوم	۵۲
۵۱	دلیل سوم	۵۳



تعداد	موضوع	صفحه
۵۲	دلیل چهارم	۵۳
۵۳	دلیل پنجم	۵۳
۵۴	دلیل ششم	۵۴
۵۵	دلیل هفتم	۵۴
۵۶	قول امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله درباره	
۵۸	صفات الله تعالی	۵۸
۵۷	قول امام شافعی رحمه الله	۶۱
۵۸	حواله شرح تفسیر جلالین	۶۱
۵۹	قول امام احمد رحمه الله	۶۲
۶۰	روایت مسند امام اعظم رحمه الله	۶۳
۶۱	باب سوم در بیان کرامت اولیا کرام	۶۶
۶۲	کرامات دلیل ولایت نیست	۷۰
۶۳	غلط فهمی بعض مردم بی علم درباره کرامت	۷۲
۶۴	فرق درین معجزه و کرامت	۷۵
۶۵	تعریف استدراج	۷۶
۶۶	دلایل اهل سنت	۸۳
۶۷	احادیث در این مسئله	۸۵
۶۸	حضرات انبیاء کرام و اولیاء کرام در کائنات تصرف ندارند	۸۶

تعداد	موضوع	صفحه
۶۹	اقرار نبی کریم صلی الله علیه وسلم	۹۱
۷۰	احادیث در موضوع سابق	۹۳
۷۱	فصل در بیان زیارت قبرها	۱۰۷
۷۲	مقاصد زیارت قبور	۱۱۱
۷۳	شروع بت پرستی از قبر پرستی شده	۱۱۵
۷۴	زیارت قبور به طریقه غیر شرعی	۱۲۲
۷۵	وعید کسیکه بآیت های قرآن عمل نمیکند	۱۴۲
۷۶	باطل بودن خواستن غیر از الله در حاجات و مشکلات	۱۴۹
۷۷	عبادت فطری	۱۵۶
۷۸	عبادت تشریحی	۱۵۷
۷۹	دلایل اینکه مشرکین عبادت غیر الله	
۱۵۷	میکردند با عقیده شفاعت آنها	
۸۰	بحث در بیان شفاعت بروز قیامت	۱۶۱
۸۱	عبادت برای غیر از الله تعالی حرام است	۱۶۳
۸۲	ارشادات الله در حرام بودن عبادت غیر از الله تعالی	۱۶۳
۸۳	عبادت به چه عمل میگوید؟	۱۷۱
۸۴	ممنوعیت نبی کریم صلی الله علیه وسلم از	
۱۷۵	خواستن غیر الله	

تعداد	موضوع	صفحه
۸۵	قول امام اعظم رحمه الله در حرام بودن شرك	۱۷۹
۸۶	شرك به چه ميگويد	۱۸۲
۸۷	شرك در صفات	۱۸۲
۸۸	شرك در افعال	۱۸۲
۸۹	شرك در حقوق	۱۸۲
۹۰	احاديث در بدي شرك	۱۸۵
۹۱	در همه مذاهب عبادت براي غير الله حرام است	۱۸۶
۹۲	هر قسم عبادت براي غير الله هر كه باشد حرام است	۱۸۹
۹۳	اقسام عبادت	۱۹۲
۹۴	فرضيت اخلاص در دعا	۱۹۴
۹۵	فرضيت دعا تنها از الله	۱۹۴
۹۶	بعض آداب دعا	۱۹۷
۹۷	ممانعت كجروي در نام الله تعالى و صورت هاي آن	۱۹۸
۹۸	دليل اول در فرضيت دعا تنهاي از الله	۱۹۴
۹۹	دليل دوهم	۱۹۵
۱۰۰	دليل سوم	۱۹۵
۱۰۱	دليل چهارم	۱۵۹
۱۰۲	دليل پنجم	۱۹۹

تعداد	موضوع	صفحه
۱۰۳	دلیل ششم	۲۰۰
۱۰۴	دلیل هفتم	۲۰۱
۱۰۵	دلیل هشتم	۲۰۱
۱۰۶	دلیل نهم	۲۰۳
۱۰۷	دلیل دهم	۲۰۳
۱۰۸	کسیکه غیر از الله تعالی را در حاجات ومشکلات بخواهد چه حیثیت دارد؟	۲۰۵
۱۰۹	فرضیت اخلاص فی الدین	۲۱۵
۱۱۰	دلیل اول	۲۱۵
۱۱۱	دلیل دوم	۲۱۷
۱۱۲	دلیل سوم	۲۱۷
۱۱۳	دلیل چهارم	۲۱۸
۱۱۴	دلیل پنجم	۲۱۹
۱۱۵	دلیل ششم	۲۲۰
۱۱۶	دلیل هفتم	۲۲۱
۱۱۷	دلیل هشتم	۲۲۲
۱۱۸	دلیل نهم	۲۲۳
۱۱۹	دلیل دهم	۲۲۴

صفحه	موضوع	تعداد
۲۲۵	دلیل یازدهم	۱۲۰
۲۲۶	دلیل دوازدهم	۱۲۱
۲۲۶	دلیل سیزدهم	۱۲۲
۲۲۷	دلیل چهاردهم	۱۲۳
۲۲۸	دلیل پانزدهم	۱۲۴
۲۲۸	دلیل شانزدهم	۱۲۵
۲۲۹	دلیل هفدهم	۱۲۶
۲۳۰	دلیل هجدهم	۱۲۷
۲۳۰	دلیل نوزدهم	۱۲۸
۲۳۶	نصرت و حفاظت دین حق فرض است	۱۲۹
۲۳۹	اقامت نماز	۱۳۰
۲۳۹	امر بالمعروف	۱۳۱
۲۴۰	نهی از منکر	۱۳۲
۲۴۱	نماز در پشت هر مسلمان میشود	۱۳۳
۲۴۲	قول امام طحاوی حنفی	۱۳۴



ندیم ٹریڈ سنٹر محلہ جنگلی پشاور
Ph#091-2580006

اعزاز و سجاوٹ